

مصدق

و

نهضت ملی ایران



مصدق

و

نهضت ملی ایران



## فهرست - سوابق

موضوع	صفحه
مقدمه	۱
آغاز زندگی مهدق	۳
مرحله جدید نیروی‌رهای بخش	۱۴
مخالفت با لایحه راه آهن	۱۶
مخالفت با وثوق‌الدوله	۱۸
مخالفت با ساختن زندان و تعمیر قصرها	۲۱
تجدید فعالیت سیاسی مهدق بعد از شهریور ۱۳۲۰	۲۳
مخالفت با اعتبارنامه سید ضیاء‌الدین طباطبائی	۲۴
مخالفت با اختیارات دکتر مهلیسپو (رئیس کل دارائی)	۲۷
مخالفت با کمیسیون سه جانبی	۲۹
قانون تحریم امتیاز نفت	۳۳
اعلام جرم علیه سهیلی و تدین و دیگر مفسدین	۴۶
روزهای آخر دوره چهاردهم - فترت - انتخابات دوره پانزدهم	۴۷
مخالفت با تصمیمات مجلس مؤسسان	۶۴
مخالفت جبهه ملی با کابینه رزم آرا	۶۸
مخالفت جبهه ملی با طرح ماده واحده رزم آرا	۷۳
ملی شدن صنعت نفت	۷۶
حزب توده و جبهه ملی	۸۱
دوران نخست وزیری	۸۷

## موضوع

## صفحه

۱۰۰	محاصره اقتصاد؛
۱۱۲	نقش‌ایادی بیگانه
۱۱۷	حادثه ۲۳ تیر ۱۳۳۰
۱۲۷	۲۸ مرداد
۱۳۵	حاصل بحث
۱۵۷	نهضت مقاومت ملی
۱۵۸	جبهه ملی دم

## بنام خدا

### مقدمه :

نوشتن‌های که پیش‌روی خواننده است، بخشی از سلسله مقالات مربوط به تاریخ قرن اخیر ایران است که بمنظور گسترش آگاهی و بینش سیاسی علاقمندان جنبش‌رهایی بخش مردم مسلمان ایران و آشنائی ایشان با مبارزین و مبارزات معاصر توسط عده‌ای از خواهزان و برادران تهیه گردیده است. این نوشته ابتدا بصورت مقاله‌ای به سمینار سرتاسری اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در ارومیا که در دیماه ۱۳۵۴ برگزار گردید، عرضه شد و پس از آن با در نظر گرفتن بحثهای مطروحه در باره آن تکمیل گردید و اکنون انتشار می یابد .

درباره دکتر مهدق و نقش او در نهضت ملی ایران علیه استعمار خارجی و ارتجاع داخلی سخن بسیار گفته‌اند و بسیار نوشته‌اند، چه رژیم حاکم که سعی در مسخ چهره این فرزند خلف مردم مسلمان ایران دارد و چه آنانی که تعصبات مرقه‌گرایانه شان مانع از آنست که واقعیتها را آنطور که هستند ببینند و در ایمن رابطه تا آنجا به قهقرا کشانده شده‌اند که تعریف‌اتشان تحلیلهایشان را به ادنی درجه از انحراف کشانده است و چه آنها که قلبشان برای نجات خلقشان می‌طپد . ولی مبارزات پرافتخار دکتر مهدق والاتر از آنست که در پس پرده های ضخیم مسخ و تحریف از درخشندگی بازماند .

با یاری از جانب خداوند پاک، در این نوشته سعی شده است که نقش دکتر مهدق بعنوان یکی از پیشتاژان سیاست موازنه منفی در مراحل مختلف حیات سیاسی اش در مقایسه با عملکرد گروههای وابسته به سیاستهای غربی و شرقی مورد مطالعه قرار گیرد . در این رابطه کوشیده‌ایم تا آنجا که در وسعمان بوده است از اسناد و منابع مختلف بهره گیریم .

دو تذکر :

۱- در این نوشته اسناد مورد نیاز بنقل از نشریات و کتابهای گوناگون آورده شده‌اند . بدیهی است که نقل سند از نشریه یا کتابی نباید بدینگونه تلقی گردد که آن کتاب یا نشریه و یا ناشرین آنها مورد تاءهید ما هستند .

۲- کلیه فعل و انفعالات سیاسی مورد مطالعه در این نوشته مربوط می‌شوند به آنچه در ایران گذشته است . در این نوشته فعل و انفعالات سیاسی در خارج از کشور - در رابطه با دکتر مهدق و جبهه ملی - بررسی نشده‌اند . این مهم می‌باید با یاری حق جداگانه مورد بررسی قرار گیرد .

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

خرداد ۱۳۵۲



## بنام خدا

### آغاز زندگی مصدق

دکتر محمد مصدق در سال ۱۲۵۸ هجری شمسی در تهران متولد شد. پدرش میرزا هدایت وزیر دفتر لیه دوران ناصری و از بزرگان و معارف آشتیان و مادرش ملک تاج فیروزنجم السلطنه بنیان گذار بیمارستان نجمیه تهران و دختر فیروز میرزا، پسر عباس میرزا ولیعهد قاجار بود. پس از تحصیلات معمول در آن زمان در سال ۱۲۷۵ - هنگامیکه ۱۷ سال داشت به تصدی استیفای خراسان (یکی از شاغل وزارت دارائی آن زمان) انتخاب شد و نزدیک به ده سال در این سمت باقی ماند و سپس استعفا داد.

بعد از افتتاح مدارس جدید از اوائل سال ۱۲۸۱ هجری شمسی قسمتی از اوقات خود را در خدمت اساتید زمان صرف فرا گرفتن دانش جدید نمود.

با آغاز جنبش مشروطه زندگی سیاسی خود را آغاز کرد. او از بدو فعالیت فلسفه سیاست موازنه منفی را راهنمای سیاست خود قرار داد و تا آخر حیات بر آن استوار ماند.

او خود در این باره میگوید:

..... من مأموریت موکلین خود را قبول نکردم و باین مجلس پا نگذاشتم مگر برای

• یک مبارزه مقدس و آن نیل بیک مقصود عالی است.

• در سیاست داخلی برقراری اصول مشروطیت و آزادی و در سیاست خارجی تعقیب

'از سیاست موازنه منفی، این هدف من بوده است و خواهد بود و تا بتوانم بسرای رسیدن بآن مجاهدت خواهم کرد' . . . . (۱)

موازنه منفی موازنه ای است که در آن انسان در رابطه بانسانهای دیگر نه سلطه پذیر است و نه سلطه گر. و در مقابل خداوند یعنی مطلق ارزشهای نیکو وی نهایت محض آنچنان عمل میکند که لحظه به لحظه به بی نهایت نزدیکتر میشود، یعنی از هر چیز غیر از اوست، آزاد میگردد و عبارت دیگر انسان میشود عنصری آزاد و فطری مستقل و خلاق و پیشاهنگ بسوی کمال مطلوب .

موازنه منفی موازنه ای است که در آن روابط سلطه حذف میگردد و انسان هیچ سلطه ای رانه از دیگری به خودش می پذیرد، و نه از خود به دیگری تحمیل میکند .  
اینکه مهدق خواهان سیاست موازنه منفی است بدین معنی است که او در اندیشه استقلال کامل ایران است . او خواهان حذف هرگونه رابطه زبر سلطه - سلطه بین ایران و دول خارجی است .  
او خود در شرح این سیاست میگوید :

' . . . . از روزی که پای سیاستهای روس و انگلیس باین کشور باز شد و کشور تحت سلطه آنها درآمد سیاستمداران کشور سه سیاست را در پیش گرفتند ، که هر سه سیاست انگلیس درآمدند ، گروهی طوق اطاعت همسایه شمالی را بگردن انداختند و جمع سوم که با استقلال کشور پای بند بودند ، سیاست دو طرفی منفی را اساس کار قرار دادند . باین ترتیب که به هیچکدام از دو همسایه شمالی و جنوبی امتیازی ندهند و تلاش کنند با استفاده از تناقضها و معارضه های این دو سیاست استقلال کشور را محفوظ دارند . . . . (۲)

' از نظر ما اجنبی ، اجنبی است . شمال و جنوب فرق نمیکند و موازنه بین آنها

(۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد دوم ، ص ۷۴

(۲) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد دوم ، ص ۷۴

" یگانه راه نجات ماست و در سایه این سیاست ما میتوانیم تمام نعمت های معنوی  
 " و مادی را که مانند يك ملت مستقل حق داریم تحصیل نمائیم فقط با این سیاست  
 " ما میتوانیم از آزادیها به معنای حقیقی در تمام شئون بهره مند شویم و برمال و نفس  
 " خود مسلط باشیم ، واضح تر بگویم ما باید خود را بآن درجه استقلال واقعی برسانیم  
 " که هیچ چیز جز مصلحت ایران و حفظ قومیت و دین و تمدن خودمان محرک مانباشد  
 " . . . . . من ایرانی و مسلمانم و بر علیه هر چه ایرانیت و اسلامیت را تهدید کند تازنده  
 " هستم مبارزه مینمایم . . (۱) .

مصدق در صدر مشروطه جهت تحقق بخشیدن به آرمانهای سیاسی خود بعنوان  
 " عضوی ساده (۲) به تشکیلات جامع آدمیت پیوست .

جامع آدمیت انجمنی بود متشکل از روشنفکران طرفدار استقلال و آزادی ایران و در  
 " برگیرنده روشنفکران و جوانان و تحصیل کرده های سرگردان ظلم کشیده و اصلاح  
 " طلب . (۳)

آنچه پیش از همه در جامع آدمیت حساسیت بر میانگیخت استقلال ایران بود (۴) و  
 " بهمین دلیل دیری نپائید که این تشکیلات مورد هجوم دوسیاست مسلط وقت یعنی  
 " عمسایه شمالی و انگلیس ترار گرفت . استبداد طلبان بظاهر آزاد یخواه که طرفدار  
 " نفوذ روسیه در ایران بودند از ضعف تشکیلاتی جامع آدمیت استفاده کرده و جهت تلاشی  
 " آن به درون سازمان رخنه کردند تا جایی که عده زیادی از متنفذین دربار مظفرالدین  
 " شاه و محمدعلیشاه و حتی شخص محمدعلیشاه به عضویت این سازمان درآمدند (۵)

- 
- (۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد دوم ص ۷۵  
 (۲) - فریدون آدمیت در کتاب " فکر آزادی " ورائین ، در هر دو کتاب خود مصدق را  
 از اعضا گرداننده جمعیت ندانسته اند .  
 (۳) - صفحه ۶۳۲ جلد اول کتاب راین  
 (۴) - بنابه نوشته وزیر مختار انگلیس ( بنقل از صنیع الدوله ) ، نقل از خبرنامه جبهه  
 ملی ایران شماره ۸  
 (۵) - صفحه ۶۴۸ جلد اول کتاب راین

سیاستمداران جانبدار گسترش نفوذ انگلیس که در لژ فراماسونی " بیداری ایران " متشکل بودند و " جامع آد میت " را " فراماسونری غیر قانونی " می شمردند و مصمم بودند انحصار رهبری جنبش مشروطه و در نتیجه حکومت را در دست بگیرند ، تصمیم بحذف تدریجی جامع آد میت گرفتند . (۱)

عملکرد ایادی دو سیاست فوق، که با هرگونه گرایش فکری و تشکیلات ایرانی مستقل از دو سیاست مسلط مغایرت داشت ، سبب انحراف و تلاشی " جامع آد میت " شد .

مصدق که روش انحرافی " جامع آد میت " را در تضاد با فلسفه " سیاسی خود یعنی سیاست موازنه منفی دید و جامع آد میت را مجموعه ای از طرفداران سیاست يك جانبی ام از روسی و انگلیسی و نه طرفدار تحصیل استقلال ایران یافت ، بلا درنگ از عضویت در " جامع آد میت " استعفا کرد . پس از آن با تجربه ای که از عضویت در جامع آد میت کسب کرده بود با اتفاق پسر عمش مرحوم میرزا حسن مستوفی الممالک و سایر آشتیانی ها و تفرشی ها و گرگانیهای مقیم تهران انجمنی برای دفاع از آزادی و استقلال بنام " مجمع انسانیت " تشکیل داد . (۲)

مصدق در دوره اول بنماینده گی اصفهان در مجلس شورای ملی انتخاب شد . اما چون سنش کمتر از سی سال بود نتوانست کرسی وکالت را اشغال کند . پس از خاتمه مشروطه اول و در دوره " استبداد صغیر جهت ادامه تحصیل رهسپار اروپا گردید .

نزدیک دو سال در مدرسه علوم سیاسی پاریس مشغول تحصیل شد و بعد بواسطه " بیماری که داشت بایران آمد و پس از مراجعت مجدد به اروپا در یکی از شهرهای سویس بنام " نوشاتل " به تحصیل علم حقوق پرداخت و قبل از جنگ بین الملل اول در علم حقوق دکتری گرفت .

(۱) - صفحه ۶۴۸ جلد اول کتاب رائین

(۲) - رئیس انجمن مستوفی الممالک بود . و مصدق عهده دار نقش رابط با سایر انجمنها<sup>ی</sup> که تصمیم بدفاع مسلحانه از مجلس داشتند بود .

پس از مراجعت به ایران، بنا بدعوت مرحوم دکتر ولی الله خان نصر، رئیس مدرسه علوم سیاسی، بتدریس پرداخت و در همین دوران کتاب " دستور محاکم حفرقی " را برای تدریس در آن مدرسه نوشت . در این دوران رساله ای بنام " کاپی تولا سیون و ایران " نوشت و منتشر کرد و با اتفاق عده ای دیگر به انتشار مجله علمی مبادرت نمود .

همزمان با انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی بدعوت شاد روان علامه دهخدا به فعالیت در حزب اعتدالی که از احزاب مرفقی زمان جنبش مشروطیت به حساب می آمد پرداخت و پس از آنکه حزب اعتدال بر اثر مهاجرت در زمان جنگ بین الملل اول از بین رفت به حزب دمکرات ضد تشکیلی گروید و در آن حزب ( مخالف تشکیلی مجلس در غیاب مهاجرینی که بعلت اعتراض به اشغال غیر رسمی کشور در زمان جنگ هجرت کرده بودند ) به فعالیت پرداخت .

در سال ۱۲۹۴ هجری شمسی به عضویت کمیسیون تطبیق حوالجات وزارت مالیه که برای نظارت در امور مالیه تشکیل شده بود و اعضای آن منتخب مجلس سوم بودند انتخاب شد .

در سال ۱۲۹۶ معاون وزارت مالیه و رئیس اداره کل محاسبات گردید و تا سال ۱۲۹۷ بعنوان معاون وزارت مالیه باقی ماند . در این دوران با پشتیبانی ملت و سا وجود کارشکنی های مرتجعین گامهای موثری در راه بهبود وضع مالیه و مبارزه بسنفا نادرستی هادراین وزارتخانه برداشت و با وجود توطئه هایی که برای از بین بردنش میکردند نهراسید ولی بالاخره پس از چهارده ماه پایداری ، ناگزیر کناره رفت .

در زمان کابینه قرارداد ۱۹۱۹ وی که از مخالفان سرسخت قرارداد بود ، مایوس و نگران سرنوشت کشور به اروپا رفت و در سوئیس بود که قرار داد باضا رسید . در آنجا اعتراضات خود را نسبت به قرارداد استعماری تقدیم جامعه ملل نمود .

در کابینه بعدی یعنی کابینه مشیرالدوله بوزارت دادگستری منصوب شد . اما در بازگشت بایران از راه بوشهر بدخواست اهالی ایالت فارس بفرمانفرمایی آن امپا

منصور... تا که دتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در این پست باقی ماند و با خدمت خود در استقرار امنیت و جلوگیری از اجاب گیری متنفذین، محبوب اهالی فارس شد و در این مدت همیشه با سه هزار و پانصد تن پلیس جنوب<sup>(۱)</sup> که در اختیار انگلیسها بود کوششها داشت.

مصدق در دوران فرمانفرمائی ایالت فارس بازه پیروی از سیاست موازنه منفسی مبنی بر قطع ید اجانب سعی کرد پلیس جنوب که تحت اداره انگلیسها بود رسمیت ندهد. در کتاب تحولات سیاسی نظام ایران آمده است که:

«... دکتر مصدق که در ۱۹ مهرماه سال ۱۲۹۹ به ایالت فارس انتخاب شده بود، تلگرافی از دولت مشیرالدوله در خصوص وضع تلقی و رفتار خود نسبت به پلیس جنوب کسب تکلیف کرد و متعاقب آن به پلیس جنوب رسمیت نداد و با آنها مکالمه نکرد و برای اینکه آنها در مراسم سلامهای رسمی حضور نیابند، تا مبادا حضور خود را دلیل بر رسمی بودن سازمان خویش تلقی کنند، اجرای سلام را که در آن ایام در تمام اعیاد مذهبی انعقاد می یافت ترک کرد...»<sup>(۲)</sup>

ولی چون کودتای سوم اسفند وقوع یافت و سید ضیاء الدین طباطبائی رئیس الوزرا شد کاری را که انگلیسها بارها با مساعی و نیزنگ های خود میخواستند صورت دهند و اولیای بیدار ایران زیر بار نمیرفتند، او انجام داد، باین معنی که قسمتی از قشون جنوب را به منظور انتظامات و حفظ امنیت در روز ۱۱ حوت (اسفند) به تهران

#### (۱) - مصدق و پلیس جنوب

در سال ۱۹۱۶ دولت سپهدار تحت فشار دولتین روس و انگلیس مبنی بر استقرار دولشگر تحت اداره روس و انگلیس در شمال و جنوب ایران قرار گرفت. سپهدار موافقت قطعی در این زمینه را منوط به تصویب مجلس کرد. هرچند که ایجاد این دولشگر هیچوقت به تصویب مجلس نرسید ولی انگلیس در جنوب نیروی بنام پلیس جنوب تشکیل داد و روسها نیز بر گاد قزاق را تا حدیک لشکر توسعه دادند.

کابینه وثوق الدوله (عاقده قرارداد ۱۹۱۹ و یکی از گردانندگان لژ فراماسونری بیداری ایران) با حضور پلیس جنوب در فارس و کرمان، تا پایان جنگ موافقت کرد.

احضار کرد و ایالت فارس هم تلگرافی، تصمیم خود را اطلاع داد. . . . . (۱)

بدین ترتیب حکومت کودتاد حقیقت جهت تامین امنیت در مقابل قسمتی از ژاندارمری و ارتش که زیر بار کودتاجیان نمیرفت پلیس جنوب را به رسمیت شناخت و قسمتی از آن را برای حمایت از کودتاجیان بتهران فرا خواند (۲)

پس از آنکه کودتا اتفاق افتاد مصدق نخستین کسی بود که با آن مخالفت و علیه آن مقاومت کرد و آنرا نپذیرفت ولی چون تلاشهایش برای انصراف احمد شاه از روسه منفی و اقدام به مبارزه مثبت علیه کودتا و جلب نظر سایر حکام در این راه بهجائی نرسید تلگرافی استعفای خود را به احمد شاه اعلام نمود. (۳)

پس از استعفا و بیرون آمدن از شیراز چون دستور توقیف او صادر شده بود و مراتب را ژاندارمهایی که مامور این کار بودند، نزدیک اصفهان با اطلاع رسانیدند مدتی در چهارمحال بختیاری در میان ایل بختیاری ماند بدین شرح که بنا به توصیه خواهش سردار محشم بختیاری حاکم اصفهان عازم چهارمحال شد و سردار جنگ بختیاری از جانب بختیارها برای او پیام داد که "تا لچک سوزن بختیارست از شما پذیرائی خواهیم کرد" و بعد نزد خوانین بختیاری مهمان ماند تا کابینه سید ضیاء الدین سقوط کرد و در کابینه بعدی بسمت وزارت دارائی منصوب شد. اما مدت چند ماه این پست را بعلت وجود آریتاژ اسیت مستشار انگلیسی مالیه در آن وزارتخانه (که وجودش از آثار قرارداد ۱۹۱۹ بود) قبول نیکرد تا آنکه پس از رفتن مستشار قرارداد در آبان ۱۳۰۰ مجلس شورای ملی اختیاراتی را که شرط قبول وزارت قرار

---

— بدین ترتیب حضور نیروی انگلیسی جنبه رسمی یافت .

(۲) و (۱) — تحولات سیاسی نظام ایران، نوشته جهانگیر قائم مقامی صص ۲۲۰-۲۲۱

(۲) — به نطقهای دکتر مصدق در مخالفت با اعتبار نامه سید ضیاء الدین طباطبائی

مراجعه شود — سیاست موازنه منفی، حسین کی استوان ص ۲۱

(۳) — تلگراف احمد شاه به مصدق مبنی ریاست الوزرائی سید ضیاء الدین طباطبائی

، تلگراف مصدق به احمد شاه، مبنی بر بیگانه بودن کودتا، تلگراف تهدید سید ضیاء الدین به مصدق، تلگراف استعفا، مصدق تاریخ بیست ساله ایران نوشته مکی جلد اول صص ۱۳۸

داده بود جهت اصلاح تشکیلات وزارت دارائی باو داد ، این پست را قبول کرد . اما بعد از ۶۵ روز بواسطه استعفای کابینه و اینکه در کابینه بعدی بعلمت تحریکات استعفا ، مرتجعین مانع ادامه اختیارات او شده بودند و پست دیگری در کابینه بوی پیشنهاد شده بود از کارگذاره گیری کرد . در این دوران نخستین بودجه منظم را تهیه و تنظیم نمود و تصفیه دامنه داری را شروع کرد .

در تاریخ بهمن ۱۳۰۰ بفرمانفرمائی ایالت آذربایجان منصوب گردید و او هم این شغل را بشرط آنکه قشون تحت امرش باشد پذیرفت و هانم تبریز گردید . اما در تیر ۱۳۰۱ چون بر حسب تلگراف وزیر جنگ وقت ( سردار سپه ) که در آن به امیر لشکر آذربایجان دستور داده شده بود که دیگر اطاعت از او امر والی آذربایجان ننماید و مستقیماً تابع دستورات وزیر جنگ باشد ، استعفا نمود و پتهران بازگشت . در خرداد ۱۳۰۲ در همکاری با مدرس ، در دولتی که بریاست مشیرالدوله برای انجام انتخابات آزاد در دوره فترت و ممانعت از تصرف دولت و سنبله رضاحان ، تشکیل شد ، بعنوان وزیر خارجه شرکت کرد (۱) و تا مهر ۱۳۰۲ در این سمت باقی ماند .

(۱) - مقدمه نویسنده آثار سلطان زاده ( آثار : سلطانزاده اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران (جلد ۴) انتشارات مزدک ص ۱۶ ، در باره همکاری مهدق و رضاخان در کابینه قوام السلطنه قولی راجع به تاریخ احزاب سیاسی ملک اشعرا بهار نسبت داده است . قول بهار درست عکس حرفی است که مقدمه نویسنده با و نسبت داده است : « وزارت جنگ میخواست وزارت مالیه را تصرف کند و با تصرف وزارت مالیه جاده رسیدن به قله قدرت مطلقه راهموار سازد : کابینه قوام السلطنه را مخالفان کودتای آن امید روی کار آوردند که وزیر جنگ را مهار کنند و اگر ممکن شد از میان ببرند . این کابینه ها ، کابینه ها . بود کابینه های مبارزه با کودتا بود . بهار در این باره عیناً اینطور می نویسد . - در حقیقت کسانی زمامدار اکثریت شدند که بعد از مرحوم مدرس و معدودی ، مابقی بعد ها خود از عوامل سقوط قوام السلطنه و قدرت سردار سپه شناخته شدند . ( ص ۱۲۱ ) . بدینسان بیان بهار صریح است : کابینه قوام علیه رضاخان بود ، اگر او همچنان وزیر جنگ بود چون قشون در دستش بود و نمیتوانستند کارش بگذارند میخواستند بتدریج حذفش کنند . قوام در صد در صد ترور رضاخان نیز برآمد اما موفق نشد . بهار در ص ۲۰۰ کتابش درباره عوامل



در دوران کوتاه تصدی وزارت خارجه در مقابل ادعاها و فشارهای امپریالیسم انگلیس مقاومتها کرد از جمله مانع دست یابی انگلیس به بر خرد از جزایر خلیج فارس از جمله ابوموسی و شیخ شعیب گردید و نیز حاضر نشد پرداخت وجوه بسیاری را که آندولت در ایران برای پیشرفت مقاصد استعماری خود خرج کرده بود و بعد به ناحق از دولت ایران مطالبه میکرد قبول کند .

زمانیکه سردار سپه نخست وزیر شد و این پیشآمد را مقدمه استقرار دیکتاتوری کامل میدانست ، از قبول وزارت در کابینه سردار سپه امتناع کرد و سپس از طرف اهالی تهران نمایندگی دوره پنجم مجلس شورای ملی انتخاب شد .

در این دوره مصدق در رابطه با ماده واحده جهت تغییر سلطنت بطور مستقیم در مقابل رضاخان " عامل سیاست يك جانی به نفع انگلیس " قرار گرفت . مصدق آگاه بود که با روی کار آمدن رضاخان امکان گسترش نفوذ انگلیس بیش از پیش فراهم آمده و اساس مشروطیت و قانون اساسی پایمال گشته و رژیم دیکتاتوری و استبداد استقرار می یابد . از این رود رجواب مستوفی الممالک که از او سؤال کرده بود آیا صلاح میدانید در مجلسی که میخواهند ماده واحده ای برای تغییر سلطنت از قاجاره پهلوی به تصویب برسانند شرکت کنیم یا نه ؟ میگوید :

" . . . به توپ چی و سرباز سالها مواجب میدهند که يك روز کار بیاید و از مملکتش دفاع کند بویکل هم دو سال مواجب میدهند برای اینکه یکروز بکار مملکت بخورد و از قانون اساسی دفاع کند اگر ما امروزه مجلس نروم بوظیفه نمایندگی خود رفتار نکرده ایم . " (۱)

— سقوط دولت قوام می نویسد : " شك نیست که وزیر جنگ هم از این آشوبها پریدش نمی آمد و شاید او هم دستی در کار داشت " . و در صص ۲۲۴ و ۲۲۵ کتابش تحت عنوان " حمله مجلس بوزیر جنگ " می نویسد : " . . . وزیر جنگ شروع کرده بود بمدخله در امور مالیه و شهربانی و خالصجات و در رهگذر هم چند بار مردم را کتک زده بود ( کابینه دوم قوام السلطنه که مصدق وزیر نبود ) .

(۱) نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ ، ضمیمه ( جلسه تغییر سلطنت ) ص دو

براین اساس مهدق در جلسه نهم آبان ۱۳۰۴ شرکت کرده و در صف اقلیتی که به رهبری مدرس بزرگ با تصویب ماده واحده مخالفت میکرد، قرار گرفت و در نطق خود درباره سردار سپه رئیس الوزرا که ماده واحده منتج به سلطنت او شد گفت:

«... خوب آقای رئیس الوزرا سلطان میشوند و مقام سلطنت را اشغال می کنند.

«آیا امروز در قرن بیستم هیچکس میتواند بگوید يك مملکتی که مشروطه است پادشاهش هم مسئول است؟ ... ایشان پادشاه مملکت میشوند، آنها هم پادشاه مسئول ... اگر سیر قهقرائی بکنیم و بگوئیم پادشاه است، رئیس الوزرا و

حاکم همه چیز است، این ارتجاع و استبداد صرف است ...

«... اگر رسم را بپزند و تکه تکه ام بکنند و آقا سید یعقوب هزارفحش بمن بدهند

زیر بار این حرفها منمیرم - بعد از بیست سال خونریزی (خطاب به آقا سید یعقوب)

«... حالا عقیده شما این است که يك کسی در مملکت باشد که هم شاه باشد، هم

رئیس الوزرا، هم حاکم، اگر اینطور باشد که ارتجاع صرف است، استبداد صرف است پس

چرا خون شهدا راه آزادی را بیخود ریختید؟ چرا مردم را بکشتن دادید؟ ... (۱)

ولی علی رغم کوشش های مدرس و مهدق گروه های حاکم که زیر فشارهای نیروهای

انقلابی ادامه سلطه خود را در تسلیم شدن بیک استبداد دست نشانده استعمار

می دیدند و در نتیجه «... عدم شجاعت سیاسی و کلا وهم اتکا به نفس و هلاقه شان

به مملکت ... (۲) و خود فروختگی آنان و ولع و چید هائی که جهت تجدید و کالتشان

بآنها داده شده بود (۳) ماده واحده به تصویب رسید و استبداد و اختناق رضاخانی

بر سر نوشت ملت ایران حاکم گردید.

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق ۷، ص ۵ تا ۱۱

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق ۷، ص ۱۵

(۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق ۷، ضمیمه (جلسه تغییر

سلطنت) ص پنج

رضاخان باثوطفه<sup>۱</sup> و کودتای طرح شده و دستگیری سیاستمداران جانبدار سیاست یک جانبه به نفع انگلیس از جانب انگلستان بر سر قدرت تکیه زد و از آنجا که روسیه شوروی نیز وجود رضاخان را برای ملت تحت ستم ایران مثبت ارزیابی کرد، لذا دست نشانندگان سیاست همسایه شمالی یعنی حزب کمونیست ایران نیز ارزیابی اش از رضا خان این شد که ایشان از میان توده مردم برخاسته است و دارای روحیه میهن پرستی و ضد امپریالیستی است و باید از جانب حزب مورد تقویت قرار گیرد.<sup>(۱)</sup> مطبوعات حزب نیز شروع به شرح مناقب رضاخان کردند. روزنامه نصیحت رضایت حزب را و ملت رایک جاد رقصیده<sup>۲</sup> من رضا و تو رضا و ملت ایران رضا<sup>(۲)</sup> مثنای خاک پان<sup>۳</sup> قدم رضاخان بعد از مراجعت از کارزار ساختگی با شیخ خزعل کرد

بدین ترتیب رضاخان عامل امپریالیسم انگلیس بدستگیری و جانبداری سیاست انگلیس بیاری و تقویت جانبداران سیاست روسیه شوروی بر سر قدرت تکیه زد و اختناق بیست ساله رضاخانی را بر مردم ستم دیده ایران تحمیل نمود. و در آن دوران تنها مدرس و صدق وعده قلیلی بدفاع از سیاست موازنه عدمی (منفی) برخاستند و از ناموس ملت دفاع کردند.

صدق بعلت همین مخالفت در انتخابات مجلس مؤسسان اول که آزادانه انجام نگرفت، انتخاب نشد. اما در دوره ششم که هنوز انتخابات تهران نسبتاً آزاد بود، مردم تهران بار دیگر او را بعنوان نماینده خود به مجلس فرستادند.

در این زمان دیگر دیکتاتوری مستقر شده بود و مدعیان آزادیخواهی یک یک خود را میفروختند و آزادیخواهان واقعی و اصیل ازبای در میآمدند. ولی دکتر صدق در مجلس ششم نیز ازبای ننشسته و از گفتن حقایق و دفاع از استقلال ایران هراسی

(۱) - نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، نوشته عبدالصمد کامبخش ص ۳۲

(۲) - نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، نوشته عبدالصمد کامبخش ص ۳۳

بدل راه نداد .

### مرحله جدید نیروی رهایی بخش

هدفهای راکه استعمار از قرارداد روتربدینسو تعقیب میکرد میتوان بدو دسته

تقسیم کرد :

۱- در دست گرفتن بنیادها :

الف - تصرف قطعی دولت و بنیاد قانونگزاری

ب - تصرف قشون و در دست گرفتن قطعی اداره آن

ج - تصرف اقتصاد کشور و بدست آوردن اختیار قطعی و انحصاری منابع ثروت کشور و نیروی کار و برنامه گزاری اقتصاد کشور در جهت ادغام آن در اقتصاد جهانی سرمایه داری .

موضوع اصلی قرارداد ۱۹۱۹ و محتوی تام و تمام کودتای رضاخان همین سبب

هدف بوده است . (۱)

۲ - هدفهای اقتصادی :

این هدفها در قسمت سوم هدفهای بخش اول مندرجند و در امتیازهای که در دوران قاجار از ایران گرفته اند و در برنامه های اقتصادی که در نیم قرن حکومت سیاه پهلوی اجرا کرده اند ، بیان و اجرا شده اند . ما این هدفها را همیناً از قرارداد روتربدینسو نقل میکنیم (۲)

(۱) عبدالله مستوفی در جلد ۳ شرح زندگانی من ( تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار ) صص ۱۲۷ - ۷ درباره این قرارداد شرح و بسط سودمندی داده است عین قرارداد را در ماده ۶ که محتوی آن همان ۳ هدف مندرج در متن است در صص ۱۸ و ۱۹ نقل کرده است .

(۲) عصری خبری یا تاریخ امتیازات در ایران ، نوشته ابراهیم تیموری صص ۱۱۲ -

الف - ایجاد شبکه راه های تجاری و نظامی که ایران را به شبکه بین المللی راه ها که تحت مهار کشورهای سرمایه داری است، متصل کند (۱) ( فقره دوم تا دهم امتیازنامه )

ب - استخراج انحصاری معادن و منابع ثروت کشور ( فقره های یازدهم تا سیزدهم امتیازنامه )

ج - سلطه انحصاری بر جنگلها و آبها و کشاورزی کشور ( فقره های چهاردهم تا پانزدهم امتیازنامه )

د - تسلط بر گمرکات کشور، برای تنظیم واردات و صادرات ( فقره ۱۹ امتیازنامه )

ه - تسلط قطعی بر نظام پولی کشور از طریق ایجاد بانکهای که ابزار سلطه گران در استثمار کشور باشد ( فقره بیستم امتیازنامه )

و - ایجاد زیر بناهای دیگر و جهت دادن به خدمات ادارات دولتی بطرقی که ادغام اقتصادی ایران ایجاب کند ( فقره بیست و یکم و بیست و سوم امتیازنامه )

بلا اجرا ماندن امتیازهایی که در دوران قاجار از ایران گرفته شد بر اثر تحریم های پی در پی علمای مذهب که انعکاس مقاومت خلق و مقتضی موازنه منفی بمثابه يك اصل مذهبی بود و هست، گروههای حاکم ایران و قدرت های جهانی را متقاعد کرد که تا وقتی سه ابزار اصلی را در اختیار نگیرند، نخواهند توانست امتیازها را با اجرا بگذارند. از اینرو از اواخر دوران ناصرالدین شاه رقابت برای در دست گرفتن دولت و قشون و دستگاه قانونگزاری که در دست علما بود شروع شد. بدینقرار مجلس در ایران معنی و مفهومی بکلی غیر از معنی و مفهوم آن در غرب پیدا میکرد. مجلس جای دستگاه علما و شاه هر دو را میگرفت و مرجع قانونگزاری میشد. اگر بنیاد های سیاسی از جانب انگلستان تصرف میشدند و قوه قانونگزاری را نیز بتصرف گروه های حاکم هم پیوندد میدادند، کار ایران ساخته بود، چنانکه ساخته شد. از اینرو مبارزه بر سر انتخابات در ایران در عین حال مبارزه میان قدرت سیاسی و قدرت مذهبی، یا به تعبیر اجتماعی

(۱) - در این باره مطالعه تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم - میلادی تألیف محمود محمود جلد ۵ فصل ۶۱ سودمند است.

میان گروه بندیهای حاکم و خلق بود .

از طریق کودتای ۱۲۹۹ ، سه ابزار اصلی بدست انگلستان افتاد و همانطور که لرد کرزن وزیر خارجه انگلیس به نمایندگی خود در تهران اطمینان داده بود، هم قرارداد ۱۹۱۹ و هم قرارداد رویتربدست رضاخان و فرزند او اجرا شد .

با توجه باین واقعیات مهم است که جای مصدق در جامعه ایرانی معلوم میگردد . اگر این دو دسته هدفها در درجه اول علیه محرومان کشور تحقق یافته اند ، مصدق بیان کننده صدیق اساس ترین خواسته های طبقات محروم جامعه ایرانی بود .

اینکه که فعالیت های سیاسی و نطق های وی در مجلس منتشر شده است ، میتواند رابطه فعالیت های سیاسی وی را با هدفهای که سرمایه داری جهانی در ایران تعقیب میکرد ، مقابل کرد تا برای العین دید که وی با چه هوشیاری دست حریف را میخوانده است .

نطق های وی گواهی میدهند که بیرون آوردن دولت وقوه مقننه وقشون از جنگ قدرتهای جهانی هدفهای استراتژیک وی را تشکیل میداده اند .

مصدق ، برای تحت مهار خلق در آوردن این سه بنیاد ، هیچ فرصتی را برای مبارزه با هدفهای استعمارگران وسرمایه داران از دست نمیداده است ؛

\* \* \*

### مخالفت با لایحه راه آهن

در اوایل بهمن ماه سال ۱۳۰۴ لایحه احداث خط راه آهن سرتاسری شمال به جنوب که دریای خزر را به خلیج فارس متصل میساخت به مجلس شورای ملی ارائه شد . این لایحه که از اولین اقدامات رضاخان پس از تثبیت قدرتش بحساب میآید کاملاً منطبق باخواست و نیاز انگلستان تنظیم شده بود . دلیل بر این مدعا اینکه ؛

• در آخرین روزهای صدارت مشیرالدوله ، محموله پستی انگلیسهایسین بوشهر و شیراز مورد دستبرد راهزنان قرار گرفت . ژاندارمها کافذ های ریخته

شده در بین راه را به تهران فرستادند . در بین آن نامه ها ، نامه مفصلی از "نایب السلطنه هندوستان خطاب به سفارت بریتانیا هم بوده است که بدست مشیرالدوله میافتد . این نامه حاوی نقشه کلی راجع به ایران بود که يك حکومت قوی روی کار بیاورند و قشون منظمی ایجاد کنند و راه آهن از شمال به جنوب کشیده شود . (۱)

دکتر مصدق طی نطقهای مفصل خود در مجلس (۲) بطور مستند عدم ضرورت احداث چنین خط آهنی را اثبات کرده و نشان داد که علاوه بر اینکه از نظر اقتصادی چنین خط آهنی مقرون به صرفه نیست ، خیانت به مملکت است و در آخرین سخنش گفت :

... عجلتا راه آهن در ایران فایده ندارد ولی اگر ترانزیت داشته باشد و حمل و نقل ، ممکنست يك قسمت از ضرر راه آهن را جبران کند ولی این خطی که در نظر گرفته شده است کاملا بضرر مملکت است . حالا آقایان غیر از این تشخیص میدهند ، مختارند ، ولی من به عقیده خودم این رای را که این خط کشیده شود و باین طرف برود خیانت و برخلاف مصالح مملکت میدانم . (۳)

کوشش مصدق و اقلیت جانبدار او در این باب شمر شمر واقع نشد و لایحه راه آهن به تصویب مجلس رسید و با پول ملت ایران پل پیروزی متفقین بنا شد . باز در مجلس ۱۴ آن هنگام که از مصیبت تحمیلی دوران دیکتاتوری یاد میکند میگوید :

... دیکتاتور با پول ما و ضرر ما راه آهن کشید و بیست سال برای متفقین امروز ما تدارک مهمات دید . (۴)

(۱) تلاش آزادی ص ۲۸۹ ، نقل از کتاب دو مبارز ، نوشته رحیم رئیس نیا و عبدالحسین ناهید ص ۲۹۸ تاریخ بیست ساله ایران نوشته حسین مکی جلد يك ص ۳۰

(۲) نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ صفحات ۳۱ ، ۶۶ ، ۷۴ ، - ۹۲ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۸

(۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ ص ۱۸۰

(۴) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۲۴

## مخالفت با وثوق الدوله

وثوق الدوله از جمله سیاستمدارانی است که در میدان جانبداری از بیگانه گوی سبقت را از سایر همتایان خود ربوده است .

او بدون توجه به مفاد قانون اساسی و بدون اعتنا به حق حاکمیت و استقلال ایران در هوش‌رشوه‌ها و سیاست‌هایی که با او رده داده میشد<sup>(۱)</sup>، عنان خود و کشور را در دست بیگانه میخواست و از امضا هرگونه تصویب‌نامه‌ی که متضمن امتیازی به بیگانگان بود خود داری نمی‌کرد . از جمله تصویبات و امتیازاتی که با او نسبت داده میشود عبارتند از:

۱- قرارداد ۱۹۰۷ راجع به تقسیم ایران به دو منطقه تحت نفوذ شمالی و جنوبی که با مذاکراتی که در مجلس اول نسبت به قرارداد مزبور شد و محمدعلی میرزا هم آنرا به رسمیت شناخت آقای وثوق الدوله در زمان وزارت خارجه خود آنرا تصدیق نمود .

۲- امتیاز راه آهن جلفا و از هر طرفی ده فرسنگ امتیاز معادن آن و امتیاز راه آهن از جلفا به دریاچه اروم .

۳- امتیاز معادن بحر خزر به خوشتاریا

۴- برسمیت شناختن پلیس جنوب و غیره

۵- تصویب‌نامه قرارداد ۱۹۱۹ (۲)

وثوق الدوله با این سابقه سیاه و ننگین بار دیگر در دوره تغنینه ششم در صحنه سیاست عرض‌اندام کرده و بعنوان وزیر کابینه مستوفی‌الممالک و نیز وکیل مجلس در مقابل مصدق قرار گرفت .

هنگام معرفی کابینه مستوفی‌الممالک به مجلس جهت اخذ رای اعتماد ، مصدق

(۱) نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ صص ۴۳-۴۲

(۲) نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ صص ۴۰



باشركت وثوق الدوله دركابينه ونيزيا وكالتش مخالفت كرد و طی سخنان مفصل خود اورا بعنوان يك عنصر خائن به ملت و دست نشانده بيگانه معرفی كرد . و از رئيس الوزراء و ملت برایش طلب مجازات کرده و خطاب به مجلس گفت :

« . . . احصائيه امتيازات اعطاء شده به خارجه در غيبت مجلس بخوبی معلوم می نماید که فروش ثروت طبیعی ایران در زمان مشروطيت بيشتربدلالی ماهرانسه وثوق الدوله انجام یافته است . . . (۱) »

« . . . آقای وثوق الدوله برای اینکه تیرشان خطانگند - برخلاف اصل ۲۴ قانون اساسی که میگوید :

« بستن عهدنامه ها و مقارله نامه ها و اعطای امتيازات » انحصار تجارتي و صنعتی و فلاحتی وغيره ام از اینکه طرف داخلها شد یا خارجه باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد، قبل از تصویب مجلس قرارداد را اجرا نمودند . . . (۲) »

« . . . هر کسی میدانند که حکومت داشتن در يك ده خراب بهتر از اسارت در يك مملکت آباد است و بنا بر این هر ایرانی که دیانت مند است و هر کسی که شرافتمند است تابتواند باید روی دواصل از وطن خود دفاع کند و خود را تسلیم هیچ قوه نماید که یکی از آن دو اصل اسلامیت است و دیگری وطن پرستی . و امروز در مملکت ما اصل اسلامیت اقواست ، زیرا که يك مسلمان حقیقی تسلیم نمیشود مگر اینکه حیات او قطع شود . . . (۳) »

« . . . بطور خلاصه یا اینکه آقای وثوق الدوله میدانستند اگر آبادی مملکت بدست ملل دیگر برای اهل مملکت مفید بود هر ملتی برای رفع زحمت و جلب فایده کسی یکی از اصول مهمه اقتصادی است اجنبی را بخانه اش دعوت میکرد . اگر رقیست خوب بود هیچ ملتی نمیخواست بعد از اسارت با جنگهای خونین و تلفات سنگین

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق ، انتشارات مهدق ۷ ص ۳۹

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق ، انتشارات مهدق ۷ ص ۴۰

(۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق ، انتشارات مهدق ۷ ص ۴۵

طوق رقیب را رهانماید . . . .

برای تهیه زمینه قرارداد از هیچ عملی حتی قتل های بدون محاکمه و صرف استتفاقی مخفی نظمیۀ مضایقه نفرموده و آنچه را کمکن بود ، نمونه و تخم لقی در دهان بیگانگان شکسته اند .

اگر کسی بگوید چون قانون جزای عرفی رسمیت ندارد و در قانون شرع مطاع هم برای کسی که بخواهد بیرق اسلام را از رسول خدا گرفته بایست المال مسلمین تسلیم دول غیرمسلمان نموده و با اسباب چینی و فساد نماید ، هقایی نیست ، من بگوینده باکمال پستی و حقارت نظر میکنم و با اینکه از علم فقه اطلاعی ندارم در جواب آیه ۳۷ از سوره شریفه پنج را میخوانم که میفرماید :

إِنَّمَا جَزَاءُ . . . الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ .

ترجمه : همانا کیفر آنانکه با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جزاین نباشد که آنها را بقتل رسانده یا بدارکشند یا دست و پایشان بخلاف بیزند و یا بانفی و تبعید از سرزمین صالحان دورکنند این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت باز به عذاب بزرگ معذب خواهند بود .

در صورتیکه آقای وثوق الدوله مشمول یکی از احکام اربعه نیستند حضرات حجج اسلام نمایندگان عظام بفرمایند چه حکمی از احکام شامل ایشان می باشد .  
بعد خطاب به رئیس الوزرا میگوید :

« . . . . اشخاصی مثل آقای مستوفی الممالک مکلفند که اصل مجازات و مکافات را عملاً رعایت کنند تا اینکه دست خائنین از کار کوتاه شود و دیگران به خدا مانتی که میکنند در آتیه امید وار باشند . . . . » (۱)

### مخالفت با ساختن زندان و تعمیر قصرها

در اواخر سال ۱۳۰۶ و در حقیقت در پایان دوره ۶ تقنینیه لایحه ای مبنی بر تعیین بودجه ای بالغ بر ۴۰۰ هزار تومان جهت ساختمان زندان و تعمیر قصرهای سلطنتی و غیره از طرف دولت تقدیم مجلس شد، که مهدق در رابطه با ساختمان زندان و تعمیر قصرهای سلطنتی موضع مخالف گرفته و در نطق خود گفت:

«... ما میگوئیم، میخواهیم امروز تمام چیزهای خودمان را شبیه چیزهای سایر ممالک بکنیم در هر جا هر چه خوست همان را بکنیم و برای اینکار هم باید دوست هزار تومان خرج بکنیم تا محل دزد های ما شبیه به محل دزد های سایر ممالک بشود. این کار دوست هزار تومان خرج دارد. خوب بنده میخواستم از آقایان وزراء بخصوص از آقای وزیر داخله سؤال کنم، آیا ممکنست یک مخارجی را حذف کنید که مردمان صحیح العمل این مملکت، مردمان درست این مملکت، مردمان وطن پرست این مملکت راهم مثل سایر ممالک بکنند؟ ... مدت چند سال است که یک مبلغ زیادی همین نظمی برای خرج سانسور میگیرد (چیزی که خلاف قانون اساسی و چیزی که پایمال کننده حقوق ملی است) و خرج میکند ... (۱)»

«... امروز که وضعیت مردم اینطور است، مردم توی خیابانها افتاده اند و منزل و ماوی و مسکن ندارند و وضعیت مردم اینطور خراب است عقیده شخص بنده این است که این فصر فرج آباد را که مظفرالدینشاه ساخته است، این فصر دوشان تپه که ناصرالدینشاه ساخته است، این عمارت شاه آبادی که مظفرالدینشاه ساخته اینها را خراب بکنند. عقیده بنده این است. چرا؟ برای اینکه بنده تصور میکنم که ما صدوسی و پنج هزار تومان را دوست هزار تومان دیگر، سیصد هزار تومان دیگر رویش بگذاریم، یک کارخانه کاغذ سازی یا قند سازی بسازیم، یک

— (۱) — نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق ۷ ص ۴۴

(۱) — نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق ۷ ص ۱۵۷

چیزهاییکه برای مردم مملکت يك کاری پیدا شود و چیزی در بیاید بسازیم . . . (۱)

• • • • • مایک کاری بکنیم که مردم از گرسنگی نمیرند این عقیده بنده است . بنده عقیده ام اینست که شاه مملکت یا وزیر دربار مملکت یا رئیس الوزرای مملکت اگر در يك اتاق بنشیند که سقفش چکه بکند و خیلی هم تزئینات نداشته باشد ، ولی ملت شکمشان سیر باشد و مردم وضعیتشان خوب باشد و راحت باشند آن بهتر است و افتخارات آن بیشتر است . . . (۲)

• • • • • حالا اگر آقایان موافق هستند باشند ، موافق هم نیستند ، نباشند ، بنده مکلف هستم در این مجلس عقاید خودم را بگویم ، بنده در این عصر و این عهد صدوسی و پنج هزار تومان را برای تعمیر تصور سلطنتی صلاح میدانم . این تصور را باید گذاشت خراب شود و این صدوسی و پنج هزار تومان را باید صرف يك کاری کرد که چهار نفر گرسنه تمتع شوند و فایده ببرند . . (۳)

مصدق بعد از پایان دوره ششم مجلس چون دیگر پارلمان آزادی وجود نداشت و حکومت ترور و وحشت کاملا مستقر شده بود و میدانست تلافی آنچه را که در دوران وکالت در مجلس پنجم و ششم گفته است در میآورد ، با احمد آباد رفت و تا سال ۱۳۱۵ هجری شمسی در آنجا با مورشاورزی پرداخت . در این سال برای معالجه به برلین رفت و پس از یکماه و چند روز با ایران بازگشت و بالاخره روز پنجم تیرماه ۱۳۱۹ که برای رسیدن با مورخانوادگی از احمد آباد به شهر آمده بود نوبت انتقام از او هم رسید و دست سامورین رئیس شهر یانی و دژخیم دیکتاتوری گرفتار شد . وقتی صبح ششم تیرماه او را برای بازجویی به شهر یانی میبردند مامور مراقب در بین راه تبریک گفت و اظهار داشت که اوتنها کسی است که قبل از ۲۴ ساعت مورد بازجویی واقع شده زیرا در زندان کسانی هستند که سالهاست بازداشت شده اند و هنوز به آنها نگفته اند که برای چه در زندان

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ ص ۱۶۱

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ صص ۱۶۱-۱۶۲

(۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۷ ص ۱۶۲

اند . در بازجویی وقتی از مستطقی علت بازداشتش راجو باشد ، رئیس اداره سیاسی جواب داد که شما تقصیر ندارید ولی عجالتاً باید د زندان بمانید . وقتی مطلع شد که میخواهند او را به بیرجند ببرند گفت :

" روزی که بمن گفتید حسب الامر بهرانی پیام چون هرکس مورد سوء ظن واقع شود شهرانی میتواند او را برای تحقیقات بخواهد بدون تاخیر و اینکه به خانوادهم بگویم مرا به کجا میبرند و با آنها وداع کنم امر دولت را اطاعت کردم حالا که یازده روز است مرا بازداشت کرده اید و بمن نمی گوئید برای چه تقصیر گرفتارم ، من متمدن و امرچنین دولتی را به میل و رضا اجرا نمی نمایم :

و به عکس رضاشاه که در مقابل جای رئیس زندان موقت بدیوار نصب شده بود اشاره کرد و این بیت را خواند .

ای زبردست زبردست آزار گم تاکی بماند این بازار

از زندان موقت به زندان بیرجند فرستاده شد و در این زندان با وجود بیماری شد<sup>ید</sup> ممنوع الملاقات بود و اجازه دریافت هیچگونه کتاب یا روزنامه ای رانیز نداشت تا آنکه در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۱۹ دستور داده شد که باحمد آباد منتقل شود و تا ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ در احمد آباد زندانی بود .

### تجدید فعالیت سیاسی مهدق بعد از شهریور ۱۳۲۰

یکی از ضرباتی که بیست سال سلطه دیکتاتوری بر پیکر ایران وارد ساخت قتل و نابودی رجال و سیاستمداران آزاد یخواه و ملی بود تا بد آنجا که وقتی پس از سقوط رضا خان که شرائط فعالیتها و مبارزات سیاسی فراهم آمد ، ایران با قحط الرجال دست بگریبان بود . در این باره مهدق میگوید :

" . . . یکی از خصائص دولت دیکتاتوری این بود که رجال مملکت ازین پروند . در این یکی از شئون اجتماعی ، کشور ما آنقدر تنزل کرده و قدری قحط الرجال شده

که برای اصلاحات مملکت باید بکسی متوسل شوند که غیر از اداره کردن يك عسده  
سرباز و آنها هم بطور سطحی و ناقص کار دیگری نکرده است . . . . (۱)

مصدق یکی از سیاستمداران بود که از دست دژخیم دیکتاتور جان سالم بدر برد  
و پس از سقوط رضاخان در ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ همراه سایر زندانیان سیاسی آزاد  
گردید . (۲)

مصدق پس از ۱۶ سال برکناری از صحنه سیاست (۳) بار دیگر بعنوان نماینده  
اول تهران در دوره ۱۴ تقنینیه فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت .

او در این دوره نیز همچون همیشه روش سیاست موازنه منفی را در سیاست خارجی  
و احیای مشروطیت را در سیاست داخلی ، زیر بنای کلیه فعالیت ها و جهت گیریها  
قرار داد و با کمال صراحت در اولین روزهای آغاز مجلس ۱۴ اعلام داشت که :

« . . . . ملت ایران طالب استقلال است و آنرا بهیچ قیمتی از دست نمیدهد ،  
ملت میخواهد که خارجی از این مملکت برود و در امور ما مطلقاً دخالت نکنند و انتظار  
دارد که لفظاً و معنأ استقلال او را محترم شمارند . . . . » (۴)

« . . . . ایرانی باید خانه خود را خودش را خودش اداره نماید . . . . » (۵)

و به پیروی از این سیاست بود که از همان اولین جلسه مجلس ۱۴ به مخالفت با عناصر  
طرفدار سیاست يك جانبی و مخللین اساس مشروطه پرداخت .

### مخالفت با اعتبارنامه سید ضیاء الدین طباطبائی

مصدق در ۱۶ اسفند ۱۳۲۲ در اولین نطق خود در مجلس ۱۴ مخالفتش را با

(۱) نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ، ص ۲۴

(۲) نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ، ص ۱

(۳) و (۵) سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۲۶

(۴) سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۲۷

اعتبار نامه سید ضیاء الدین طباطبائی، عامل سیاسی کودتای ۱۲۹۹ که پس از اشغال ایران، انگلیسها او را مجدداً برای اجرای نقش جدیدی به منظور حفظ منافع خود بایران بازگرداندند<sup>(۱)</sup> و دست سهیلی نخست وزیر وقت با دخالت در انتخابات یزد به مجنس آورده بودند، اهلام داشت و اسرار کودتا و سهم و اثر انگلستان را در این ماجرا فاش ساخت. • مصدق در این باره گفت :

«..... در روزنامه "هد امروز" دیدم که اقدامات آقای سید ضیاء السدین طباطبائی را بمدرک فرمان شاه قرار داده بودند که چون شاه فرمانی بایشان دادند ایشان هم اقداماتی نموده اند، خواستم عرض کنم که کودتا در شب سوم حوت شد و فرمان شاه در ششم حوت بولایات مخابره شد. • پس فرمان شاه بعد از کودتا بود و نتیجه کودتا بود.»

«اگر فرمان شاه در اثر کودتا نبود، چطور مدیر روزنامه هد رئیس الوزرا میشد! دیگر آدم با سابقه و یا قبول عامه ای نبود که ایشان بیایند و رئیس الوزرا بشوند؟ آقا يك روزنامه نویس بودند و فرمانده قوا نبودند، باچه وسیله قشونی که در تحت سرپرستی کلنل اسمایس انگلیسی بود در تحت اختیار آوردند؟»<sup>(۲)</sup>

«..... آقا در تلگراف شش حوت می نویسد :

«بناقشونی که تحت امر دام هرمانع و مشکلی رابه هیچ می شامم، معلوم نیست این قشون بچه ترتیب تحت امر او درآمد. • بسیار مشکل است که کسی صاحب منصب نظامی نباشد و مرکز اتکائی هم نداشته باشد و قشونی که تحت سرپرستی اسمایس انگلیسی است مطیع خود کند و موقعی که وارد تهران شود قشون مرکزی مقاومت نکند و ساکت بماند و شاه هم تسلیم شود، اگر این قشون تحت امر آقا بود چرا رئیس آن

(۱) - سید ضیاء الدین طباطبائی بعد از سقوط کابینه سیاه، یعنی خرداد ۱۳۰۰ ایران را ترک کرد و مدتی در اروپا و بعد در فلسطین بمشافل آزاد پرداخت.  
 (۲) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد اول ص ۲۳

خود را در عرض آقا گذاشت و بیانیه ای مثل بیانیه خود آقا داد، آیا میشود گفت که کمک دسته قزاقی که تحت امر خارجی است انقلاب کنند و ملت را براه راست دلالت نمایند؟

آیا بوسیله یک بیانیه پوک میتوان انقلابی شد و با اینکه دهوی اصلاحات کرد، کدام آدم بی بصیرتی است که باین حرفها گول بخورد، اگر فرمایشات آقا اساس داشت و اگر نظریاتشان در خیر مملکت بود چرا رجال وطن پرست را توقیف و حبس نمود؟ اشخاص وطن پرست ملت را تحقیر نمیکنند و با فکر عمومی احترام میگذارند تا در بروز حوادث آنها را پشتیبان خود کنند و هر کس که بملت خود احترام نکرد، پشتیبان او جای دیگر است. با تکیای قوای خارجی قیام نمودن و بروی هموطنان تیغ کشیدن و آنان را توهین کردن و حبس نمودن کار وطنپرستان و آزاد مردان نیست، آقا راجه و اد داشت که پیرامون این عملیات برود و چه باعث شده بود که صالح و طالح را حبس کند، در اصلاحات باید اشخاص بد را از کار خارج نمود و محاکمه و محکوم کرد. اگر مقصود انقلاب بود خوبست آفات توضیح بدهد که در ایران زمینه بسرای چه انقلابی حاضر بود و راجه اشخاصی میخواست هادی انقلاب شود. روزگار ثابت کرد که نه مصلح بود و نه انقلابی و مأمور بود کابینه محلی تشکیل دهد تا از ترس او مردم به سردار سپه ملتجی شوند و با او اهمیت بدهند تا او به مقصود خود برسد. هرگاه قانون مجازات عمومی در آن زمان بود آقا را من روانه دادگاه مینمودم. چون قانون نبود و عقاب بلاجهان هم بیمورد است. آقا مشمول فقره دهم از ماده ۱۲ قانون انتخابات است که «مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند حق انتخاب شدن ندارند...»<sup>(۱)</sup> طرز ورود آقا بعد از ۲۲ سال بایران و اینکه فوراً از یزد انتخاب شدند ثابت می کند که آقا باز برای کاری مأمور هستند...<sup>(۲)</sup>

(۱) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد اول ص ۲۲/۳

(۲) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد اول ص ۳۳



... آقا ( در حال اشاره به سید ضیاء الدین ) مثل نهر کوچکی است که  
 به رود " تیمس " متصل شده باشد ، هر قدر که آب رود بیشتر برود ، بر توسعه  
 " نهر میافزاید و آب زیاد مساحت زیادی را فرامیگیرد . اگر امروز با خاک میشود از  
 عبور آب جلوگیری نمود بعد با سد آهنین هم نمیتوان جریان آب را قطع کرد ، اگر  
 امروز بایک مهره سیاه نشود از سیاست آقا جلوگیری نمود ، اعتبارنامه ایشان که  
 " تصویب شد و حزب حلقه که پرشعبات خود افزود وقت گرفت باتوب جدید اختراع  
 " این جک هم نمیشود مقاومت نکرد . . . . (۱)

... آقایان نمایندگان! - بیایید دوره بدبختی را تکرار نکنید ، بیایید  
 " به جامعه ترحم ننمایید ، بیایید جوانان روشن فکر مملکت را دچار شکجه و عذاب  
 " ننمایید ، بیایید علمداران آزادی را بدست مرضضبان ارتجاع نسپارید ، بیایید  
 " ثابت کنید که این مجلس خواهان عظمت و بزرگی ایران است . . . (۲)

مسلمی مهدق در رد اعتبارنامه سید ضیاء الدین بعلمت وجود نمایندگانی که  
 انتخابشان بانظر همسان مقاماتی انجام گرفته بود که سید ضیاء در کف حمایت آنان  
 بود ، بجائی نرسید . نمایندگی سید ضیاء به تصویب اکثریت رسید .

ولی نباید فراموش کرد که مخالفتهای مهدق پرده از چهره کاذب سید ضیاء الدین  
 درید و او را آنطور که شایسته اوست بعلمت معرفی کرد ؛ و این امر سبب شد که سید  
 ضیاء الدین نتواند آنطور که وظیفه داشت منافع اربابان بیگانه اش را تأمین سازد .

مخالفت با اختیارات دکتر میلیمپو ( رئیس کل دارائی )

در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین وارد خاک ایران شدند مجلس ۱۳ تحت نفوذ آنان  
 قرار گرفت و در اردیبهشت ۱۳۲۲ قانون اعطای اختیار قانون گذاری در زمین

(۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۳۵

(۲) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۳۵

مسائل مالی و اقتصادی به يك مستشار امریکائی بنادکتر میلیسپو به تصویب رسید که بنام " قانون سیزدهم اردیبهشت " معروف شد (۱) اختیارات محوله بدکتر میلیسپو علاوه بر اینکه منطبق با قانون اساسی نبود سبب شده روابط مالی و اقتصادی کشور تحت نظارت و کنترل يك فرد بیگانه درآید و آنچه ان او را قدرتمند سازد که بگفته خود ش دولتی در درون دولت ایران تشکیل دهد. (۲)

مصدق در مجلس ۱۴ در اجرای برنامه خود با اختیارات میلیسپو شدیداً مخالفت کرده و گفت :

" . . . . . مجلس شورایی مطابق قانون اساسی حق نداشت که حق قانون گذاری را بکسی واگذار نماید . زیرا قانون گذاری از وظائف مجلس شورایی است و هیچکس " و هیچ مقامی حق قانون گذاری ندارد ولی مجلس این حق را هم برخلاف قانون اساسی واگذار کرد . . . . . " (۳)

" . . . . . به موجب اصل ۶۰ وزیران مسئول بودند و بر طبق اصل ۶۲ « اگر مجلس شورای ملی با اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزیران یا وزیری اظهار نمود آن هیئت یا آن وزیر از مقام خود معزول میشود » پس اگر دکتر میلیسپو دارای اختیار راتی باشد که وزیر یا هیئت وزیران در آن حق نظر نداشته باشند و تازه سپس از مذاکرات زیاد فقط حاضر شده باشد که با وزیر مشورت کند ، اصل ۶۲ قانون اساسی معنی ندارد ! وزیر را وقتی میتوان مسئول قرار داد که در امور نظر داشته باشد و به مسئولیت خود کار مملکت را اداره کند . آن وزیری که اختیار اداره مملکت با او نیست و رأی او فقط جنبه مشورتی دارد ، وزیر نیست و آن مملکتی که بایست

- (۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۸۵ و نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات مصدق ۴ ص ۲
- (۲) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۸۵
- (۳) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۸۹

” صورت است استقلال نداید ، ایکاش دکترینای ماکاری هم .

..... این است وضعیت ” وزارت دارائی ” که رؤسای مجرب صحیح العمل  
 از کار دورشوند و بجای آنها کسانی که اطلاعات ایرانی ندارند و از معلومات  
 ” خارجی هم بهره مند نیستند گمارده شده و کار آنها را مترجمین بی اطلاع ایرانی  
 ” اداره کنند . . . (۲)

..... ایرانی خود بهترین کسی است که میتواند خانه خود را اداره نماید ،  
 ” مشروط بر اینکه دیگران در امور مداخلت نکنند . . . (۳)

مصدق باتکیه بر مطالب فوق و افشای اختلاسها و دزدیها و احتکارهای میلیمپو  
 و دادن امتیاز و انحصارهایی که در زمان او رخ داده بود و سوء استفاده هائی  
 که بنفع بیگانه و بضرر ایران در زمانش جریان یافته بود توانست نظر اکثریت نمایندگان  
 مجلس ۱۴ را بپیشنهاد عزل او موافق سازد و توفیق یابد که اختیارات او لغوگردد .

#### مخالفت با کمیسیون سه جانی

در دیماه ۱۳۲۴ کمیونی با شرکت وزرای خارجه سه دولت ، روس ، انگلیس  
 و امریکا در مسکو تشکیل گردید . (۴) ( درست همان ایامی که تازه پیشه وری و یارانیش  
 رابطه آذربایجان را با مرکز قطع کرده بودند ) این کمیسیون بظاهر میخواست ، بطور  
 اهم ، اشکالات و اختلالاتی را که بعلمت ظهور جنگ جهانی دوم و حضور قوای متفقین در  
 ایران ، بوجود آمده بود ، بررسی کرده و جهت سبب و اوضاع اقتصادی - سیاسی  
 ایران ، بدولت ایران کمک رساند ، و بطور اخص ، راه حلی جهت فیصله جریسسان  
 آذربایجان و فائله پیشه وری پیدا کند . ولی این ظاهر امر را بیان میداشت و در

(۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص

(۲) - سیاست موازنه منفی نوشته حسین کی استوان ، جلد اول صص ۹۱ - ۹۰

(۳) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۹۲

(۴) سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد دوم ص ۲۱۲

حقیقت سه دولت مذکور همدنی جز احیای همان قرارداد های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ و تجزیه و تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ خود نداشتند .

متن توافق نامه کمیسیون سه جانبه در ۱۱ ماده و از طرف سه دولت به تصویب رسید و جهت جلب نوافق ایران به دولت حکیم عرضه شد .

مقررات موافقتنامه مزبور عبارت بودند از :

۱- کمیسیون نامبرده برای شروع به امر باید این موضوع را مد نظر قرارداد هد که در طی مدت اقامت قشون متفقین در ایران تشکیلات اقتصادی ایران و تشکیلات اداری دولتی دچار اختلال گردیده و اشکالاتی فیما بین دولت مرکزی و اهالی بعضی از ایالات رخ داده است . سه دولت نامبرده تمدیق مینمایند که ممکنست مسئولیت این وضعیت تاحدی متوجه آنان باشد و بنابراین باید سعی نمایند که با دولت ایران در تجدید استقرار اوضاع عادی بنحویکه مورد رضایت کلیه عناصر مختلفه اهالی مملکت باشد و نیز در حفظ روابط دوستانه با سایر ممالک مساعدت کنند .

۲- از لحاظ رفع یم و نگرانی دولت ایران و موجبات اصطکاک بین الطلی ، کمیسیون باید نسبت باین موضوع که در تخلیه قوای متفقین از ایران حتی الامکان تسریع شود ، رسیدگی نماید و توصیه های مقتضی بسه دولت بنماید .

۳- کمیسیون باید مراتب ذیل را در مد نظر قرارداد هد :

الف- تعهدی را که بریتانیای کبیر و روسیه سویت در ضمن پیمان مورخه ژانویه ۱۹۴۲ دائر بر رعایت استقلال سیاسی و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران نمود مانده .  
ب- اعلامیه صادره در طی کنفرانس تهران راجع بایران از طرف روزولت رئیس جمهور و استالین ژنرال ایسم و چرچیل .

۴- از لحاظ حل و فصل اشکالات موجوده بین دولت مرکزی ایران و بعضی از ایالات کشور ، کمیسیون در تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی طبق مقررات قانون مشروطیت  
۱ . آ . دولت مشهت داده و کمک خواهد نمود .

۵- توصیه های کمیسیون (که قبلاً پیشنهاد بدولت ایران باید مورد تصویب سه دولت واقع شود) باید شامل کلیه کشور ایران بانضمام آذربایجان بوده باشد.

۶- قوانین موجوده که مقررات مربوط به مشروطیت را (در باب انجمنهای ایالتی و ولایتی) تشریح و تفصیل مینماید باید مأخذ و مبدأ قرارگیرد لکن کمیسیون اصلاحاتی را که مخصوصاً در قسمت انتخابات انجمنهای محلی و اختیارات و وظائف انجمنهای مزبور و طریقه مربوط بتدارک وجوه جهت آن انجمنها بنظر لازم میرسد، توصیه خواهد نمود.

۷- کمیسیون نیز توصیه هائی در باب استعمال زبانهای اقلیت از قبیل عربی، ترکی و کردی بطور آزاد جهت تعلیم و منظورهای دیگر خواهد نمود.

۸- کمیسیون بادولت ایران و نمایندگان کلیه عناصر مختلفاً مهم اهالی در طریقه تنظیم توصیه های خود باتماس نزدیک، مشاوره خواهد نمود.

۹- سه دولت نامبرده مساعی کامل خود را بکار خواهند برد که دولت ایران را متقاعد سازند که توصیه هائی را که از طرف کمیسیون بعمل میاید بصورت قانونی در آورده و آنها را به موقع اجراء گذارند.

۱۰- کمیسیون هیچ نوع توصیه ای نخواهد نمود که باعث تضعیف وحدت اساسی دولت ایران گردد.

۱۱- اولین انتخابات ایالتی و ولایتی باید تحت نظر کمیسیون انجام گیرد. (۱)

توجهی به مواد مورد توافق دول سه گانه نشان میدهد تا چه حد این مقررات بحال ایران خطرناک تر از قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ میتواند است باشد. و معلوم میگردد که مقصود از این پیشنهاد اصلاح کار آذربایجان نبوده است بلکه میخواسته اند از موقعیت استفا ده کرده و طبق ماده ۷ دولتهای ترک و عرب و کرد تشکیل دهند و طبق

(۱) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم ص ۲۳۹

ماده ۹ مجلس راییک عنصرآلت بیگانه تبدیل نمایند. (۱)

دولت سعی داشت که جریان کمیسیون سه جانبی را از اطلاع افکار عمومی و نمایندگان مجلس مکتوم بدارد، تا اینکه این خبر توسط رادیو لندن در تاریخ ۱۵/دی/۱۳۲۴ - انتشار یافت (۲) پس از انتشار خبر مذکور نمایندگان مجلس خواستار اطلاعات دقیق از وزارت خارجه شدند ولی وزیر خارجه ( نجم الملك ) اطلاعی بیشتر از آنچه رادیو لندن اعلان داشته بود، بویکلا، عرضه نداشت. لذا عده ای از نمایندگان نامهای به نخست وزیر ( حکیمی ) نوشته و صریحاً اعلام داشتند که دولت هیچگونه حق ندارد تصمیمی در مورد توافقنامه کمیسیون دول سه گانه اتخاذ نماید. (۳)

کوشش نمایندگان مخالف کمیسیون سه جانبی جهت رسیدگی بامر مذکور در جلسات خصوصی وزارت خارجه باعث تعلل دولت به نتیجه مطلوب نرسید. لذا مصدق تصمیم به طرح مسئله در جلسه علنی مجلس شورای ملی گرفت. نظریاتی که سعی شده به بهانه هتاک گوناگون جلسات مجلس تعطیل شود، تا برنامه مصدق نافرجام ماند، او برای اینکه فرصت از دست نرود خطاب به مردم بیانیه ای بدین شرح منتشر کرد :

(۱) - نطق های دکتر مصدق در مجلس شانزدهم، انتشارات مصدق ۲ ص ۸۵

(۲) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم ص ۲۸ - متن خبر رادیو لندن.

(۳) - متن نامه :

جناب آقای حکیم نخست وزیر؛ عطف به شایعات متشوه در این چند روزه اخیر بدین وسیله امضا کنندگان زیر صریحاً اعلام میدارم که دولت حق اخذ هیچگونه تصمیمی که جزاً یا کلاً مستقیماً یا غیر مستقیم دخالت يك یا چند دولت خارجی را در امور داخلی ایران تصریحاً یا تلویحاً ایجاب نماید، ندارد و هرگونه موافقتی در این امر بدون تصویب مجلس شورای ملی خالی از اعتبار و خارج از وظائف و اختیارات دولت است.

امضا کنندگان: دکتر مصدق و ۱۷ نفر دیگر

سیاست موازنه منفی، حسین کی استوان، جلد دوم ص ۲۲۰

«... ای مردم، ای کسانی که من ناسندگی شمارا بیل کرده و میباید هم برای شما جانفشانی کنم، بدانید و آگاه باشید که دو جلسه است میخواهم نظریات خود را در خصوص عملیات سیاسی و اقتصادی این دولت که میخواهد شمارا به اسارت بیگانگان قرار دهد، در مجلس بیاناتی کنم. برای اینکه اظهاراتی نشود، مجلس شورای ملی تعطیل شده است.»

دکتر محمد مهدی (۱)

یک روز بعد از انتشار بیانیه فوق مجلس شورا یک جلسه فوق العاده تشکیل داد و مصدق فرصت یافت نظریات خود را بیان داشته و مذاکرات کمیسیون سه جانبه و پیشنهاد های آن را مردود اعلام دارد.

نتیجه آن شد که قرار و مداری که در شرف بانجام رسیدن و نتیجه اش تبدیل ایران به کشوری تحت الحمایه بود، کان لم یکن ماند.

### قانون تحریم امتیاز نفت

پس از شروع دوره ۱۴ و در زمان کابینه سهیلی در آبانماه سال ۱۳۲۲ نمایندگان از جانب شرکت انگلیسی "روبال دچ شل" و در اسفندماه همان سال، نماینده ای از جانب شرکت امریکائی "استاندارد و اکوئوم اوپل کمپانی" و بلافاصله بعد از چند ماه نماینده دیگری از جانب یک کمپانی دیگر امریکائی بنام "سینگلر" جهت مذاکره در خصوص اخذ امتیازاتی در نواحی جدید (خارج از حدود امتیاز نفت جنوب) به ایران آمدند. (۲)

مذاکرات مذکور تا مدتی در کمال اختفا جریان داشت تا اینکه بوسیله عده ای از نمایندگان مجلس در دوره ۱۴ در جلسه علنی مجلس شورا مطرح گردید.

(۱) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم ص ۲۲۳

(۲) - سیاست موازنه منفی نوشته حسین کی استوان، جلد اول ص ۱۵۶  
نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، نوشته عبدالصمد کامبخش ص ۸۶

فراکسیون حزب توده شدیداً با اعطاء، هرگونه امتیازی بدول بیگانه مخالفت کرده و دکرادمنش درجلسه ۱۹ برداد ۱۳۲۳ چنین گفت :

« . . . . . بنده بارفقایم با دادن امتیازات بدولتهای خارجی بطورکلی مخالفیم .  
 همانطوریکه ملت ایران توانست راه آهن را خود احداث کند ، بنده یقین دارم که  
 با کمک مردم و سرمایه داخلی ما میتوانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج  
 کنیم . . . . . (۱) »

جریان مذاکرات نفت در مجلس با شدت ادامه داشت . تا اینکه روسیه شوروی نیز کمیسیون تحت ریاست « کافتارا دزه » در شهریور ۱۳۲۳ بایران اعزام داشت . این کمیسیون وظیفه داشت در زمینه کشف و استخراج نفت در نواحی شمالی ایران با دولت مذاکره نماید . از آنجا که دولت در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۲۳<sup>(۲)</sup> تصمیم گرفته بود که مادام که جنگ ادامه دارد و وضع روابط اقتصادی و مالی کشورها معلوم نیست از اعطای هرگونه امتیازی به خارجیها خودداری کند ، پیشنهادات کافتارا دزه مورد قبول دولت واقع نگردید . در نتیجه کافتارا دزه در دوم آبان ماه ۱۳۲۳ در یک کنفرانس مطبوعاتی پیشنهادات دولت روسیه را علنی ساخت . در ذیل قسمتی از پیشنهادات او آورده میشود : (۳)

« . . . . . دولت اتحاد جماهیر شوروی در نظر دارد امتیاز نواحی آذربایجان شمالی و گیلان و مازندران و قسمتی از ناحیه سمنان و چند ناحیه از خراسان شمالی را تحصیل نماید . پس از فاصله زمان معلومیکه برای انجام اکتشافات ضروری زمین شناسی کافی باشد ناحیه امتیاز بطور قطعی تعیین و تقسیمیکه در آن حدود منابع نفتی و امکان

(۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۱۵۷  
 نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران ، نوشته عبدالصمد کامبخش ، ص ۸۸  
 (۲) صنعت نفت ایران ، نوشته فواد روحانی ص ۶۷ و سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان جلد اول ص ۱۹۱  
 (۳) سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول صص ۱۶۳ - ۱۶۲



بردار شود، و خواهد بود.

بدیهی است که صاحب امتیاز پرداخت های تری و پرداخت هائی از روی منافع و همچنین مبالغی را که در قرارداد بجای معاف شدن از پرداخت مالیات مشروط گردد تأدیه خواهد نمود ضمناً دولت اتحاد جماهیر شوروی حاضر است پرداخت های حدی اقل امتیاز را که تعیین خواهد گردید تضمین نماید.

صاحب امتیاز متعهد خواهد بود که مواد نفتی را با شرایط استتمالی چه برای احتیاجات دولت و چه برای احتیاجات اهالی کشور ایران بدهد.

دولت ایران بازرسی فنی بر عملیات صاحب امتیاز و صحت محاسبه منافع پرداخت های بنفع ایران و غیره، اعمال خواهد آورد.

پس از انقضای مدت امتیاز کلیه بنگاه های صاحب امتیاز در حالیکه قابل بهره برداری باشد بلاهوس بدولت ایران واگذار خواهد گردید.

انجام عملیات برای کشف و بهره برداری منابع نفت در شمال ایران وسایل استفاده از وجود هزاران کارگر و کارمند، بخصوص از عده ای که فعلاً در ترانزیت مهمات جنگی از طریق ایران با اتحاد جماهیر شوروی اشتغال دارند، ایجاد خواهد نمود.

طبیعی است که صاحب امتیاز کوشش خواهد نمود که عددهای مهندسان و متخصصین و کارگران و کارشناس برای صنایع نفت از اتباع ایران تعلیم و تربیت نماید.

ایجاد چاه های نفت، ساختمان، مسکن برای کارگران و تعمیرگاه ها و راه های شوسه نیز مورد احتیاج واقع خواهد گردید و در نتیجه آن صنایع مصالح ساختمانی توسعه خواهد یافت. در نتیجه انجام دادن عملیات اکتشافی زمین شناسی در باره نفت بی شک معادن دیگر نیز کشف خواهد شد مانند: آهن - ذغال سنگ - مس که بعداً ممکن است از طرف ایران برای توسعه ثروت ملی مورد استفاده قرار گیرد.

صاحب امتیاز تمامی اقدامات لازمه را برای بهداشت و بهبودی بهره آوری کارگران و

کارمند از بنگاه‌های امتیاز و همچنین اعضاء خانواده آنها بعهده خواهد گرفت و برای این منظور اعتبارات مخصوصی تعیین خواهد نمود - بسیاری از نمایندگان طبقه روشنفکر خواهند توانست از معلومات و کار خود در نواحی استخراج نفت استفاده نمایند.

مخصوصاً باید خاطر نشان نمود که توسعه استخراج نفت و مسئله تأمین آب نواحی استخراج، بستگی کامل بهم دارد و این قضیه باعث آبیاری و آبادی نواحی خواهد گردید. ایجاد صنایع نفت در نواحی شمالی ایران که فعلاً بلا استثنا نواحی کشاورزی میباشد برای پیشرفت کشاورزی در نواحی مزبور شرایط مساعدی بوسیله تأمین یک بازار تازه برای محصولات کشاورزی بوجود خواهد آورد.

کارگرا ان بنگاه‌های امتیاز که مزد آنها بطور قطع تأمین خواهد گردید مقدار زیادی چه از محصولات کشاورزی و چه از محصولات صنعتی مصرف خواهند کرد و بالنتیجه برای توسعه تجارت و پیشرفت کار و وسائل نقلیه محلی اساس محکمی بوجود خواهد آورد.

دولت اتحاد جماهیر شوروی در مورد منافع اضافی نفت در منطقه و دارای وسایل فراوانی برای ایجاد صنایع نفت میباشد.

اما ایران چنانچه قبلاً گفته شد از بهره برداری منابع نفت خیز خود زیاد اقتصا<sup>دی</sup> دریافت خواهد نمود - کمیسیون دولت شوروی انتظار خود را مبنی بر اینکه پیشنهاد دولت اتحاد جماهیر شوروی قبول شده و دولت ایران نمایندگان خود را برای مذاکرات راجع به عقد قرارداد بدون اینکه کار را بآئیه موکول سازد تعیین خواهد نمود کاملاً بمورد میدانست. باید متذکر گردید که جناب آقای نخست‌وزیر در مذاکرات خود با این جانب نه تنها حسن تلقی کامل و وارد بودن در موضوع را اظهار نمودند بلکه هدیه داده بود که برای حل مثبت مسئله کمک و مساعدت نمایند.

ولی چنانکه معلوم است تصمیمی مبنی بر اینکه مطالعه و اگذاری امتیاز را بدولت

شوروی تا پایان جنگ موکول ساز. اتخاذ نموده که درحقیقت رد پیشنهاد میباشد .  
 این جانب باید صراحتاً و بطور آشکار اظهارنمایم که تصمیم فوق در محافل شوروی  
 کاملاً بطور " منفی " تلقی گردیده است . افکار عمومی شوروی بر این عقیده است که  
 دولت جناب آقای ساعد بوسیله اتخاذ چنین رویه ای در باب شوروی در راه تیرگسی  
 مناسبات بین دو کشور قرار گرفته است .

دولت جناب آقای ساعد برفع تصمیم اتخاذی خود هیچ دلیل قانع کننده ای  
 نیاورد. در صورتی که دلایل محکمی بر علیه تصمیم فوق وجود دارد که بمصالح مهم  
 حیاتی، اقتصادی و سیاسی ایران مربوط میباشد - میگویند که دولت جناب آقای  
 ساعد انتظار دارد بعد از پایان جنگ با شرایط بهتری امتیاز را واگذار نماید اما دولت  
 مزبور چه دلایلی را میتواند برای ثابت نمودن صحت نظریه خود بیاورد!؟

این جانب شخصاً دارای اطمینان کامل میباشد که دوستی بین اتحاد جماهیر  
 شوروی با ایران، آن دوستی که خوشبختانه در زمان جنگ بطور اکل امتحان شده  
 است، به هیچوجه نمیتواند متزلزل گردد و آن کاری که برای طرفین دارای منافع بوده و  
 باعث استحکام بعدی مناسبات دوستی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران گردد بطور  
 مساعدی حل خواهد شد . تمام موانع و اشکالات که در راه آن وجود دارد بر طرف  
 خواهد گردید و ضمناً هم امیدواریم که افکار عمومی ایران که مطبوعات آزادی طلب  
 ایران نمایندگانه آن میباشد در پی نرفت اینکار سهم خواهد بود ."

پس از علنی شدن پیشنهادات کافتارادزه و رسالت میسیون او حزب توده  
 در ۵ آبان ۱۳۲۳ به پشتیبانی از او و مخالفت با دولت ساعد که پیشنهادات میسیون  
 او را نپذیرفته بود یک میتینگ سبّ و ترتیب داد که بوسیله سران مسیح دولت شوروی  
 اسکورت میشد؛ بقول خلیل ملکی: " کوئی تمهیدی در کار بود که نشان داده شود که  
 ارتش حامی حزب توده است و یا حزب توده عامل سیاسی شوروی در ایران؟" (۱)

بدین ترتیب حزب توده اعلان داشت که گفتار نمایندگانه فراکسیون این حزب مبنی

بر مخالفت با اعطاء هرگونه امتیاز به دول خارجی بدین معنی است که ایران حق دادن امتیاز به دولتهای امریکا و انگلیس را ندارد ولی از دادن امتیاز به روسیه شوروی باید پشتیبانی نمود . بزبان دیگر این میتنگ نشان داد تاچه حد حزب توده خواستار سیاست يك جانبی به نفع شوروی است .

متعاقب میتنگ مذکور مهدق جهت دفاع از سیاست موازنه منفی و مخالفت با دادن هرگونه امتیاز چه به همسایه شمالی و چه به همسایه جنوبی نطق تاریخی خود را در دوره ۱۴ در تاریخ ۷ آبان ۱۳۲۳ ایراد کرد و از جمله گفت :

«... آنهاى که طالب ترقى و تعالى ميبندند با هر سياستى که در مصالح وطن نيست مبارزه میکنند ... من با دادن هر امتیاز از نظر اقتصادى و سياسى مخالفم ... ملت ايران آرزومند توازن سياسى است ؛ يعنى توازنى که در نفع اين مملکت باشد ، و آن " توازن منفى " است . ملت ايران هيچ وقت با توازن مثبت موافقت نمیکند و از اولين روزى که من وارد مجلس شده ام با قرارداد مالى و هر عملیاتی که دولتهای بعد از شهر پور از نظر توازن مثبت نموده بودند مخالفت کردم و اعمال خائنانه آنها را به جامعه آشکار نمودم .

اگر از نظر توازن مثبت هر چه دول مجاور میخواهند بدهند ، پرواضح است که دول مجاور بسيار خوشوقت میشوند و دولتهای خائن هم خوشوقتی آنها را برای خود سرمایه بزرگی قرار میدهند و آن را بهر چه ملت میکشند ، ولی ملت میدانند که با این روزه طولی نخواهد کشید که هر چه دارد از دست بدهد . هيچکس نمیتواند قضاوت ملت ايران را انکار کند ملت ايران بدولتهای که بکشور خیانت نموده اند به چشم بد بینگرد و هر وقت بتواند خائنین را بچوبه دار میزند ... (۱)

(۱) - مدافعات خلیل ملکی ص ۱۲

(۱) - متن کامل نطق در صفحات ۱۶۷ تا ۱۸۲ کتاب سیاست موازنه منفی از حسین کی استوان جلد اول

سخنان مصدق در دفاع از سیاست موازنه منفی و استقلال و تمامیت ارضی ایران و افشای ضررهائی که دادن امتیاز نفت به همسایه شمالی و جنوبی برای ایران به همراه خواهد آورد و نشان دادن این موضوع که خواسته های کافشارادزه درست همانند آن چیزهائی است که در امتیازنامه های نفت جنوب نهفته است، بقدری پمیح کننده بود که پشت عناصر وابسته به سیاستهای بیگانه را بلرزه درآورد تا جایی که بایسن اندیشه دست یازیدند که مصدق را از صحنه سیاست حذف کنند و این توطئه تحت پوشش ظاهر فرب پيشنهاده نخست وزیری به مصدق جلوه کرد.

ولی مصدق آگاه بود که متولیان مجلس میخواهند گریبان خود را از دست او که وکیل واقعی ملت و نماینده استقلال ایران است رها سازند و بعد دولت او را د ر اقلیت گذاشته و با بایک رأی عدم اعتماد او را از وزارت برکنار کنند.

بدین جهت مصدق قبول پیشنهاد نخست وزیری را منوط به امکان ادامه پیست وکالت در صورت استعفا اجباری از مسند وزارت کرد! (۱)

فتند

اکثریت نمایندگان حتی فراکسیون حزب توده، نخست وزیری مشروط مصدق را پذیرفتند.

مصدق در این باره میگوید:

«..... حکومت ملی منقسم با قسمی است که یکی از آنها حکومت پارلمانی است و بر طبق قانون اساسی ما کشور ایران دارای این حکومت است و در حکومتهای پارلمانی وکیل بوزارت میرود و از وزارت که افتاد بر میگردد و در مجلس وکیل میشود.....»

«ما مردم انتخاب نموده اند تا آخردوره در مجلس خدمت کم، اگر مجلس تصور نمود که من در دولت مفیدترم و از حقوق هم که صرف نظر نمودم حق بود که بازگشت من به مجلس تأمین شود و شرط بازگشت برای این بود که اگر از خدمت دولت محروم شوم از خدمت ملی محروم نشوم و در مجلس باشم تا بتوانم جهات عدم

(۱) - نامه دکتر مصدق بریاست مجلس شورایی ملی، کتاب سیاست موازنه منفی از حسین

" موفقیت و با عدم مساعدت مجلس رابه جامعه عرض نمایم . . . .  
 " من از فراکسیون توده ستوان می‌تیم که از اول این دوره که بامن مخفی نبود و در  
 " مطبوعات خود مرا تقدیر نمود و یکی از نمایندگان آن فراکسیون قبل از مذاکرات  
 " نفت در جلسه خصوصی مجلس مرا برای نخست وزیر پیشنهاد کرد . . . . چه شد  
 " که بان نخست وزیر مشروط من مخالفت کرد ؟ من تصور نمی‌کنم که جوانان روشنفکر  
 " مملکت معنی قانون را نفهمند بلکه اینطور تصور می‌کنم که بان نظریه سیاسی من که  
 " موازنه منفی " است موافقت ندارند ، بنابراین لازم میدانم که نظریات خود را توضیح  
 " دهم . . . .

" من آنچه عرض کرده ام در مصالح مملکت و منافع آن دولتی است که طالب " موازنه  
 " سیاسی " است . هرگاه ماتعقیب از " سیاست مثبت " کنیم باید امتیاز نفت شمال  
 " راهم برای ۹۲ سال بدیم و باین طریق موازنه سیاسی برقرار کنیم - گذشته  
 " از اینکه ملت ایران برای همیشه و اکنون مجلس ، باین کار موافق نیست ، و دادن  
 " امتیاز مثل این است که مقطوع‌الیدی برای حفظ موازنه راضی شود که دست دیگر  
 " او را هم قطع کنند ، در صورتیکه هر مقطوع‌الیدی برای حفظ ظاهر هم که باشد طالب  
 " دست مصنوعی است و آن مقطوع‌الیدی که بخواهد مقطوع‌الیدی شود ، خوبست  
 " خود را از مذلت زندگی خلاص و قبل از اینکه بد ثانی اوقطع شود ، انتخاب کند . . . . (۱)  
 " دکتر مهدی پس از آنکه افکار عمومی را برانگیخت و بدان و بسا سخنان خود موفقیت  
 مجلس را مناسب ساخت در تاریخ یازدهم از ماه ۱۳۲۳ طرحی به قید د وفوریت به  
 شرح زیر به مجلس شورای ملی عرضه داشت که به تصویب رسید .  
 ماده اول = هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها ویا معاونت  
 میکنند نمیتوانند راجع به امتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیر  
 رسمی دول مجاور ویا نمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیر اینها مذاکراتی

(۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان جلد اول صص ۱۹۳ - ۱۹۲

که اثر قانونی دارد بکنند و اینکه قرارداد بی امضاء نتوانند.

ماده سوم = نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می کند ، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند .

ماده سوم = متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد .

ماده چهارم = تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد .  
 دادستان مزبور وظیفه دار است که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون وزراء مصوب ۱۶-۱۰-۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید . (۱)

بدین ترتیب دگر صدق توانست باردیگر بر اساس روش سیاست موازنه منفی از طریق بتصویب رساندن طرح فوق از نظر قانونی امکان نفوذ و سلطه هرد و قدرت شمالی و جنوبی را سد کند .

فراکسیون حزب توده با د وفوریت و تصویب فی المجلس لایحه مخالفت کرد (۲) و دلیل آن که جهت مخالفت عرضه شد ، این بود که مواد فوق در متن قانون اساسی نهفته است و لذا طرحش بی مورد است (۳) . ولی در حقیقت علت مخالفت حزب توده همان پیروی از سیاست یک جانبی به نفع شوروی بود ، بدلیل اینکه در همان زمان لایحه ای از طرف رحیمیان مبنی بر الغای امتیاز نفت جنوب بدون کوچکترین موضع گیری در برابر امتیاز نفت شمال به روسیه به شرح زیر تقدیم مجلس گردید :

(۱) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان جلد اول ص ۱۹۹

صنعت نفت ایران ، نوشته فواد روخانی ص ۶۸

(۲) - منظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران ، نوشته عبدالصمد کامبخش ، ص ۹۰

(۳) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۲۰۵ نطق رادمنش

ماده واحده = " مجلس شورایی ایران امتیا زنت جنوب را که در دوره استبداد شرکت داری واگذار شده و در موقع دیکتاتوری آنرا تمدید و تجدید نموده اند بموجب این قانون الغاء مینماید " (۱)

وتنها اعضای فراکسیون حزب توده موافقین این لایحه بودند (۲)

رحیمیان پس از قرائت طرح خود از دکتر مصدق خواست که آنرا امضاء کند و ولی دکتر مصدق بلحاظ فکر ملی کردن نفت که در سر می پرورید و مجلس ۱۴ آماه قبول آن نبود و بلحاظ آنکه الغاء قرارداد به تثبیت آن می انجامید (۳) از امضای آن خود داری کرد و پایداری مصدق در مورد تحریم تفویض هرگونه امتیازی بدول خارجی پیش از همه طرفداران سیاست یک جانبه به نفع شوروی را وادار به حمله نمود زیرا این امر درست زمانی صورت میگرفت که کافتارادزه جهت دریافت امتیا ز بایران آمده بود

پیشه وری در شماره ۲۲۱ روزنامه آذرموخ آذرماه ۱۳۲۳ نوشت ۸

" ..... رحیمیان در مراجعه با آقای دکتر مصدق در مورد امضاء طرح الغای امتیاز نفت جنوب یک قدم تاریخی بسیار بزرگی برداشت ..... شما ( دکتر مصدق ) باملا و دارائی خود بیشتر از منافع ملت علاقه دارید ..... شما از بزرگترین ملاکین این کشور میباشید ، اغلب لوایح تقدیمی شما روی حفظ منافع طبقه ملاکین بوده است ، شما از آزادی ملت میترسید شما از دوستی دولت اتحاد جماهیر شوروی بیمناک میباشید شما اگر واقعاً ملت پرست هستید و واقعاً میخواهید فداکاری کنید ، بفرمائید ایسن

(۱) - صنعت نفت ایران ، نوشته فدای روز ، ۶ شهریور ، جنبش کارگری و کمسو- نیستی در ایران ، نوشته عبدالصمد ۵ بخش ص ۹۱ و سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۲۲۳

(۲) - سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان ، جلد اول ص ۲۴۲

(۳) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات مصدق



گوی و این پیدان ، نبرد را از این جا آغاز کنید ، امتیاز مضر داری را لغو  
فرمائید . . . . . (۱)

مصدق در نطق پیش از دستور جلسه ۲۸ آذر ۱۳۲۳ طی مطالبی در جواب روزنامه  
آزیر گفت :

• . . . . آن هائی که مرا بعنوان ملاکی مخالف دولت شوروی قلمداد میکنند  
• به حساب املاکی که چهل سال است دست من و مال خانواده من است رسیدگی  
• کنند و بدانند که من برای جلب نفع آنجا زارع نبوده ام . من برای فرار از دیکتاتوری  
• آنجا ساکن شده ام ، من در آنجا خادم مردمان بیچاره بوده ام . . . . زندگی من  
• از خانه ای که بروابط فرهنگی شوروی اجاره داده ام و چند مستقل دیگر اداره  
• میشود ، من آنچه تصور مینمودم که از زندگی متوسط اضافه دارم سالهاست وقف  
• بیمارستان نموده ام و آنجا را مجاناً و بلاعوض اداره می کنم ، من از زندگی متوسط  
• تجاوز ننموده و از تجمل بیزارم و به چیزهائی که زائد از مایحتاج زندگی است عادت  
• ندارم . من به تن پروری عادت ننموده ام و از مردمان مفتخور تنفر دارم ، من  
• همیشه در زندگی خدا را ناظر دیده ام و خواسته ام که هر چه می کنم مرضی خدا  
• باشد . . . . آقای پیشه وری پیشنهاد من به مجلس از نظر مخالفت با رژیم نبود  
• و از نظر وطن پرستی است . اگر دنیا و وطن همگی است پس این جنگها و آدم  
• کشی ها برای چی است ؟! و اگر هر ملتی برای خود وطنی دارد پس چراغی که بخانه  
• رواست به مسجد حرام است . مخالفت من با دکتر میلیمپو و بیانات من در  
• مجلس از نظر حمایت ملاکین نبود بلکه برای دفاع از زارمین بود که آنها نان خالی  
• ندارند و از آنها مطالبه مازاد میکرد .

• من بتمام مقرراتی که حمایت از رنجبر میکند معتقدم ، من غیر از حمایت از این  
• طبقه مرا نمی ندانم و نمی خواهم که کارگری به نفع سرمایه دار بیچاره و زیون شود

---

(۱) - روزنامه آزیر شماره ۲۲۱ مورخ ۱۴ آذرماه ۱۳۲۳ تحت عنوان آقای دکتر مصدق  
و رحیمیان کدام راست میگفتند . نقل از سیاست موازنه منفی ، نوشته کی استوان جلد اول

• ایراد من بشما این است که مرام را از سیاست تفکیک نمی‌نمایید • در هر مملکت  
 " احزابی هستند که هر یک پیروی کنند • اشتراک مرامی هر یک از این احزاب با  
 " احزاب سایر ممالک سبب اشتراک سیاست نمیشود • مثل اینکه مرام حمسزب  
 " در مکران در هر مملکتی یکی است ولی سیاست حزب در مکران در هر مملکت فرق دارد  
 " پس هیچ مانع نیست که از نظر مرامی چند مملکت از طبقه رنجبر حمایت کنند ، ولی  
 " از نظر سیاست شئون ملی خود را حفظ نمایند • تا روزی که تمام ملل خود را عضو  
 " جامعه بشرنمیدانند و تا روزی که تمام ملل مرام واحدی ندارند و تا وقتی که خرج و دخل  
 " عالم یکی نشده است ، هر مملکت باید از سیاست خاص خود پیروی نماید • • • • •  
 " در جواب آنهاست که اعتراض میکنند چرا طرح قانونی الغای قرارداد نفت جنوب  
 " را امضاء نکرده ام عرض مینمایم که تصویبات مجلس برد و قسم است : ایقاع و عقد •  
 ۱- قسمت مهم تصویبات مجلس ایقاعات است : این قبیل قوانین چون طرفی ندارد  
 " همان طور که مجلس آنها را وضع میکند بر حسب مقتضیات میتواند آنها را نسخ نماید .  
 ۲- قسمت دیگر عقود است که مربوط با اسناد بستگی اصل ۲۴ قانون اساسی تعیین  
 " میکند عهد نامه ها و مقاله نامه اعطای امتیازات « انحصار » تجارتی و صنعتی و فلاحتی  
 " و غیره که اسناد مزبور وقتی ارزش قانونی دارند و معتبرند که مجلس قرارداد ای راکه  
 " دولت فضولتاً امضاء میکند ، تصویب نمایند ، و نظر باینکه هر قرارداد ای دو طرف  
 " دارد و بایجاب و قبول طرفین منعقد میشود لذا تا طرفین رضایت بالغاه ندهند  
 " قرارداد ملغاه نمیشود • • • • • مجلس نمیتواند قانونی راکه برای ارزش و اعتبار  
 " بهبود بین المللی و قراردادها تصویب میکند ، بدون مطالعه و فکر و بدست آوردن آن را  
 " قانونی الغاه نماید • • • • • (۱)

(۱) - نطق پیش از دستور دکتر مهدق در جلسه ۲۸ آذر ۱۳۲۳ روزنامه ندای عدالت  
 شماره ۱۳۲ مورخ آذر ۱۳۲۳ نقل از کتاب سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی -  
 استوان ، جلد اول ص ۲۲۷

روزنامه آذرب در جواب نطق دکتر محمد مصدق طی مقاله ای مفصل نوشت :

« . . . . . آقای دکتر مصدق شما سر یک دوراهی بزرگ قرار گرفتاید ، راه سوم وجود ندارد . یا باید با مردم ، با ملت ، با توده و با آزادی خواهان باشید و بدون تردید از سیاستی که آزادی و استقلال میهن ما را در بردارد پیروی کنید<sup>۱</sup> یا باید با مرتجعین و دشمنان آزادی و آنهایی که برای گرداندن دوره زورگویی مبارزه میکنند ملحق بشوید . حد وسط و شرط وقید امکان پذیر نیست ، کوسه وریش پهن هم نمیشود . ما قبول داریم که شما زندگی لوکس و اشرافانه ای ندارید ، ما میدانیم که شما در دوره دیکتاتوری زحمت بسیار کشیده اید و محرومیت های فراوان دیده اید ، ما اطمینان داریم که شما مرد با وجدان و باک نیتی هستید ، املاک خودتان را بلاعوض با اختیار بیمارستان گذاشته اید و میکوشید بطور انفرادی هم باشد زندگی بیچارگان را تسهیل نمائید . با وجود این فراموش نفرمائید که عالم بشریت بیشتر از " گراف لئون تولستوی " که مزار خود را میان دهقانان تقسیم کرده بود و در زندگانی روزمره آنها دخالت کرده و در بنای کلبه و حتی در ساختن تنور شخصاً و هملاً با آنها کمک میکرد مدیون « ولادیمیر ایلیچ اولیانف لنین » است . که تعالیم عالی او در عالم اساس آزادی و مساوات اجتماعی ، عملاً بنا نهاده . . . . . »

« مردم دنیا امروز به دو تیپ و دو دسته بزرگ تقسیم شده اند ، ما هم باید حساب کار خود را کرده و دوستان و دشمنان خود را بشناسیم ، روی منافع و مصالح کشور خود یکی از آنها ملحق شویم ، چاره دیگر نیست ، هر کس میگوید « ایرانی تنها بدون در نظر گرفتن سیاست بین المللی میتواند به هدف و آرمان ملی خود برسد »  
« احمق است یا خائن . . . . . » (۱)

---

■ منظور سیاست یک جانبه به نفع شوروی است .  
(۱) - روزنامه آذرب شماره ۲۱۹ مورخ ۳ / دیماه / ۱۳۲۳ بنقل از کتاب سیاست موازنه منفی ، نوشته حسین کی استوان جلد اول ص ۲۳۸

## اعلام جرم علیه سهیلی و تدین و دیگر فاسدین

یکی دیگر از اهداف دکتر مهدق مبارزه با فساد و دزدی و با تبه کاران و جنایتکاران و مستکران و کسانی که بنام هیئت حاکمه و وزیر و نخست وزیر حقوق حقه مردم را پایمال میکردند بود . ولی عده ای از نمایندگان نمیخواستند که او در این کار موفقیت حاصل کند . ولی مهدق از پانزدهم و افکار عمومی و افکار دیگر نمایندگان را در این مورد روشن میساخت و برده از روی خیانت لاین افراد بر میداشت .

مهدق در دوره ۱۴ شدیداً خواستار محاکمه سهیلی و تدین با اتهام دخالت در انتخابات دوره چهاردهم مجلس و اختلاس وجوهی از صندوق دولت شد تا در ادوار بعد دیگر کسی راجرات دخالت در انتخابات نباشد و این حق ملی از دستبرد مقامات - داخلی و خارجی مصون بماند .

در این مورد او با مقاومت شدید عناصری که بدست سهیلی نخست وزیر زمان انتخابات دوره چهاردهم و تدین وزیر کشور او بدستور استعمار به مجلس رفته بودند و اکثریت داشتند و مجلس را بی آبرو میکردند ، روبرو گردید و هنگامی که بعنوان اعتراض مجلس را ترک میکرد خطاب باین عوامل استعمار روناد درست گفت :

“ اینجا مجلس نیست ، اینجا دزدگناه است . ”

و دیگر حاضرین شرکت در چنین مجلسی که جامی دزدان و خیانت کاران شده بود ، نیو تا اینکه روز ۱۵ اسفند ۱۳۲۳ قاطبه دانشجویان دانشگاه تهران یعنی متحدین - همیشگی مهدق و روشنفکران و بازاریان و سایر دستجات مردم به منزل وی رفتند و خواستار مراجعت او به مجلس شدند ، مچ جمعیت اتومبیل او را در برگشته و مسوی بهارستان روان شدند . افراد فرمانداری نظامی بدون هیچ مناسبتی بدستور سرتیپ گلشائیان که حاکم نظامی تهران بود و برخلاف قانون ، هنگامی که دانشجویان مهدق را بروی دست در بهارستان به مجلس میبردند شلیک کردند و دانشجویانی

گشته و تنی چند همدوم شدند و بعد معلم شد که قصد از تراندازی از میان بردن او بوده است .

مصدق به مجلس بازگشت و فشار افکار عمومی و همت دانشجویان باعث شد که مجلس تسلیم خواسته های دکتر مصدق و ملت شود و اجازه تعقیب دو وزیر سابق صادر گردد .  
او در نطق تاریخی خود پس از این جریان چنین گفت :

« . . . . من بساحت مجلس شورایی همیشه احترام می کنم و نسبت به موکلین خود می خواهم انجام وظیفه نمایم ، هرگاه برای انجام وظیفه نبود مرا چه کار که خود را دچار منحصه و توطئه دستهای ناپاک نمایم . گویند که توطئه ۱۵ اسفند برای این تهیه دیده شده بود که من ازین بروم . . . . . نظامیان حق شلیک نداشتند و بر سر دم شلیک نمودند ، مرا نسبت بانها ظنین کرد و از این متأسفم که من در آخر عمر می مانم و از این توطئه رضا خواجه نوری جوان ناکام و یک نفری تا که بعد از تحقیق نام او را عرض می کنم فدای اغراض بعضی از اشخاص شدند :

### روزهای آخر دوره چهاردهم - فترت - انتخابات دوره پانزدهم

بالاخره کوششهای مصدق سبب شد پرونده سهیلی و تدین به دیوان کشور ارجاع گردد . ولی با وجود بودن دلائل متقن مبنی بر مجرمیت تدین و سهیلی بعلمت فساد خارج از حد دستگا های قضائی ایران این دو تبرئه گردیدند .

هرچند که دیوان کشور برخلاف حق و حقیقت سهیلی و تدین را تبرئه کرد ولی افشای اعمال خیانتکارانه شان ، توجه افکار عمومی را با اهمیت ملی کردن دولت و خارج کردن مجلس از بد غاصبانه دستگاه حاکم پیش از پیش برانگیخت و نتایج خود را در مبارزه با دولتهای هزیر و مساعد و رژیم آراه ظاهر گردانید .

در اواخر دوره چهاردهم تقنینیه تشنج امور به نهایت خود رسیده بود ، نخست-

وزیران یکی پس از دیگری منصوب میشدند و ساقط میکردند، قوای متفقین هنوز در ایران بسر میبردند و اکثریت مجلس هنوز متفقین را در ایران بهانه قرار داده و پیشنهادی مبنی بر عدم آغاز انتخابات دوره پانزدهم قبل از خروج قوای متفقین به مجلس عرضه داشت. این پیشنهاد با وجود مخالفت‌های سرسختانه دکتر مصدق و یارانش به تصویب مجلس رسید و نتیجتاً تکلیف انتخابات دوره ۱۵ نامعلوم ماند، زیرا بتصویب رسید که انتخابات دوره ۱۵ بلافاصله پس از خروج قوای متفقین از ایران آغاز گردد. (۱)

از آنجا که خرج قوای متفقین از ایران امری نامعلوم بود مسئله انتخابات دوره پانزدهم نیز بصورت معلق بدست حوادث سپرده شد و وسیله ای فراهم آمد که دوران فترت بین دوره چهاردهم و دوره پانزدهم پیش آید و . . . . .

دکتر مصدق سعی داشت بعوض پیشنهاد فوق که زمینه فترت را فراهم میکرد، از آخرین لحظات دوره چهاردهم استفاده کرده و اصلاحاتی در قانون انتخابات بعمل آورد تا امکان انتخابات آزاد برای دوره پانزدهم فراهم آید و نمایندگان حقیقی ملت به مجلس راه یابند .

اکثریت مجلس که اصلاح قانون انتخابات را مغایر با امکان انتخاب مجدد خود در دوره پانزدهم میدیدند، از هرگونه کارشکنی در ریخ نورزیدند، و بدین ترتیب پیشنهادات دکتر مصدق مبنی بر اصلاح قانون انتخابات و تعیین ضوابطی برای جلوگیری از خطرات دوره فترت مورد توجه اکثریت واقع نگردید و وابستگی عناصر فاسد و نمایندگان غیر حقیقی ملت کار خود را ساخت. (۲)

دکتر مصدق در جلسه هفتم اسفند ماه ۱۳۲۴ گفت:

« . . . . . بنده داخل در این مسئله نمی‌شوم که دوره چهاردهم برای مملکت چه

(۱) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم، ص ۱۲۴  
 (۲) - پیشنهادات دکتر مصدق درباره اصلاح قانون انتخابات، سیاست موازنه منفی نوشته حسین کی استوان جلد ۲ ص ۱۴۷، ۱۴۸ و ۲۵۵

"کرده است پاچه نکرده است . فقط میخواهم عرض کنم مردم از این دوره چهاردهم  
 "راضی نیستند ، بیاید يك کاری بکنید که بعد از دوره چهاردهم بسدوره  
 "چهاردهم بدنگویند . زیرا اگر دوره چهاردهم در حضور خودش کاری نکرده  
 "خوبست يك کاری بکنید که در فیا بش مملکت را دچار فترت نکند این عقیده  
 "بنده است ، بنده از فترت خیلی میترسم ، از فترت چیزهای بسیار بدی دیدم  
 "هر خطری متوجه این مملکت شده است از فترت شده ، اگر قرار داد بسته شد  
 "در موقع فترت بسته شده ، اگر کودتا شده در فترت شده . . . بدانید که يك  
 "روزی خواهد آمد که پشیمان میشوید . . . (۱)

دکتر هدی ق پس از آنکه معایب فترت را شماره میکند و به نمایندگان هوشدار  
 میدهد که در صورت تحلیل و عدم احساس مسئولیت آینده تاریکی را بر ملت ایران تحمیل  
 خواهند نمود و پس از آنکه با دلائل کافی تمديد مدت دوره چهاردهم را فیرقانونی  
 و غیرملی اعلام داشت و تشکیل يك کمیسیون ده نفری را برای نظارت بر اعمال دولت  
 در دوران فترت فیرقابل اجرا اعلام داشت<sup>(۲)</sup> پیشنهاد نمود که ، انتخابات تهران انجام  
 گیرد و نمایندگان تهران نظارت بر انتخابات سایر نقاط را بر عهده گیرند تا هم مملکت  
 بدون مجلس نباشد و هم نظارت بر انتخابات صحیح صورت گیرد . (۴)

ولی متأسفانه آنچه مورد توجه اکثریت مجلس نبود سرنوشت مملکت و آینده کشور بود  
 در حالی که فقط چهار روز باخورد دوره چهاردهم باقی بود ( جلسه ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ )

(۱) - نقل از کتاب سیاست موازنه منفی ، کی استوان جلد ۲ ص ۲۵۹  
 (۲) - زیرا که اولاً دوره قانونی نمایندگی در قانون اساسی دو سال معین شده است و  
 ثانیاً چنین مجلسی راهبردولتی میتواند اگر مانعش ایجاب نکرد منحل نماید ، سیاست  
 موازنه منفی - نوشته حسین کی استوان جلد دوم ص ۲۵۹  
 (۳) - از طرف عده ای پیشنهاد شده بود که يك عده ده نفری از خارج مجلس وعده ای هم  
 از داخل مجلس انتخاب شوند که بکارهای دولت نظارت کنند منتهی کدام دولت است  
 که تبعیت از اشخاص فیرمسئول کند و اصولاً این کار با قانون اساسی مغایرت دارد .

نمایندگان بعوض اینکه تدابیری برای جلوگیری از خطرات دوره فترت بیاندیشند وقت مجلس را صرف گفتگو درباره بودجه مجلس نمودند. کوشش صدق جهت انصراف نمایندگان از این بحث و برداختن به حیاتی ترین مسئله ای که تعیین کنند مسرنوشت آیینسند مملکت بود، ثمری نبخشید و صدق آن زمان که نا امید گردید که دیگر بتواند کاری انجام دهد، درحالی که فریاد میزد " خاک بر سر این مجلس - خاک بر سر این مجلس " جلسه را ترك گفت. (۱)

دولت حکیمی در اول بهمن ماه ۱۳۲۴ استعفا داد و قوام السلطنه مأمور تشکیل کابینه شد. قوام السلطنه که میدید مدت کوتاهی از هر مجلس ۱۴ باقی مانده است طرح برنامه دولت خود را بدون دلیل بتأخیر انداخت تا دوران فترت آغاز گردد و با فراغت بال و خیال آسوده و بدون مزاحمت نمایندگان حقیقی ملت در مجلس سیاست مزدورانه خویش را اعمال دارد.

برنامه سیاسی قوام عبارت بود از اعمال سیاست موازنه مثبت و تحکیم پایه های قدرت ارتجاع. او در روز ۱۸ بهمن ۱۳۲۴ هنگام معرفی دولت در مجلس گفت:

"... سیاست خارجی اینجانب روی اساس موازنه و مودت و احترام متقابل با سه دولت بزرگ و متفق ایران استوار می باشد. و در این موقع که بر اثر تلگراف پر مهر و محبت ژنرال ایسم استالین و ابراز مودت کامل از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی با اعتماد به حسن نیت و توجه همسایه نیرومند شمالی عازم مسکو میباشم امیدوارم بیاری خداوند متعال و شتیبانی ملت ایران موفق شوم دوستی و مودت تزلزل ناپذیری که بین ملت ایران و ملت اتحاد جماهیر شوروی موجود است روی پایه شرافت و احترام متقابل تثبیت نموده و موجبات مزید نزدیکی و یگانگی دو ملت دوست و متحد را فراهم سازم...". (۲)

قوام السلطنه در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ بایک هواپیمای دومتوره که از طرف دولت

(۱) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم، ص ۲۶۱

(۲) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم، ص ۲۴۶



شوروی برای سفر قوام به تهران فرستاده شده بود، روانه مسکو شد<sup>(۱)</sup> و مسافرتش بدون هیچگونه دلیل تا ۱۹۵ اسفندماه ۱۳۲۴ یعنی در مدت یک روز قیام از انقضای دوره چهاردهم بطول انجامید. قوام بدین وسیله توانست با عدم طرح برنامه دولت در مجلس و سیاست دفع الوقت امکان طرح هرگونه پیشنهادی را از طرف نمایندگان ملت جهت جلوگیری از خلاقاری های دولت در دوره فترت سد کند. بدین مقصود دستیار عمده اش حزب توده بود که با کشاندن جمعیت بهمان بهائزستان، مجلس را پیش از پایان دوره به تعطیل اجباری مجبور کرد و با شرکت در توطئه ایجاد فترت، مقدمات وضعی را فراهم آورد که اینک در آنیم.

افسوس که کوششهای دکتر مهدق نیز شمر شمر واقع نگردید و دوره چهاردهم پایان گرفت و سرنوشت مملکت بدست حکومتی خودگامه و فاسد در یک دوره ۱۶ ماهه فترت افتاد و چه زیانها و خسارتهایک بیارنیاورد.

حاصل سفر قوام به مسکو عبارت بود از زنده نفت به شوروی و ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی<sup>(۲)</sup> و واگذاری حل مسئله آنر با ایجان به دولت ایران (یعنی دولت قوام)<sup>(۳)</sup> ساد چینگ سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی که موافقتنامه نفت بین او و قوام بعمل آمده بود در ضیافتی که از جانب قوام با افتخارش برپا شد مقام السلطنه را ستوده و درباره وی گفت:

(۱) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان جلد دوم، ص ۲۴۶  
 (۲) - متن قرارداد موافقتنامه قوام - ساد چینگ، صص ۲۵۰ - ۲۴۹، سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان جلد دوم، این موافقتنامه در مجلس ۱۵ بعثت بالا گرفتن تضاد بین امریکا و انگلیس از طرفی و روسیه از طرف دیگر مورد تصویب واقع نشد.  
 (۳) - درباره مسئله آنر با ایجان در این نوشته مطلبی نیامده است زیرا که خود نیازمند نوشته ای مفصل و جداگانه است و در چهارچوب زندگی مهدق و تشکیل نهضت ملی ایران نمیگنجد.

" . . . . . اقدامات این مدت که عملاً منجر به حصول نتایج مطلوبه گردیده پس  
 " مایه مسترت میباشد در این جاست که باید متذکر شوم که شخصیت و صداقت و  
 " حسن عمل شخص جناح‌عالی ( منظور قوام السلطنه است ) که تمام امور کشور  
 " ایران را در دست دارید مهمترین و موثرترین کمک جهت ایجاد حسن تفاهم  
 " حاصله بین دو کشور و اخذ نتیجه مطلوبه بوده است. بدیهی است اگر ما  
 " در این چند هفته توانستیم چنین دوستی و موافقت را روی پایه صداقت و عمل  
 " بین دو کشور استوار سازیم دلیل این است که در آینده به موفقیت‌های  
 " بیشتری نیز نائل خواهیم شد . . . (۱)

بدین ترتیب قوام السلطنه عضو لژ بیداری ایران، مهره بی‌ازمهره‌های اصلی  
 خاندانهای حاکم (قدیم) بیدان اجرای سیاست موازنه مثبت گذارد و علاوه بر غریب  
 روسیه استالینی راهم با خود موافق کرد.

البته سیاست تقویت موافقت با روسیه شوروی و موافقتنامه در زمینه ایجاد شرکت  
 مختلط نفت ایران و شوروی بدون موافقت و رضایت انگلستان نبود. زیرا که انگلستان  
 حتی با دادن امتیاز نفت شمال به روسیه مشروط بر اینکه امتیازات نفت جنوب دچار  
 مخاطره نشود، مخالفتی نداشت. چنانچه هارولد سکی رئیس کمیته اجراییه حزب  
 کارگر انگلیس در همان زمان نوشت:

" مادر انگلستان راجع به امتیاز نفت ایران در شمال به نفع دولت شوروی اعتراض  
 " نداریم. همچنانکه انگلیسها در جنوب ایران اراضی نفت خیز مهمی دارند،  
 " شورویها نیز حق دارند در شمال ایران نفت داشته باشند" (۳) و نه‌سز

(۱) - نقل از سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم، ص ۲۵۰

(۲) - کتاب سیاه یا حکومت خانواده‌ها جزوه سوم نوشته ابوالفضل قاسمی صفحات ۱۴۱  
 ۱۴۳، ۱۴۵، نقل از کتاب: گذشته چراغ راه آینده، ص ۳۳۴

(۳) - روزنامه جبهه شماره ۱۸۲ مورخه ۳۰/۳/۱۳۲۵ "تجهیز نیروی ملی" نقل از  
 کتاب گذشته چراغ راه آینده ص ۳۴۷

اکنون میست نوشت :

• هیچکس بین روسیه و امتیاز نفت شمال ایران مانعی ایجاد ننموده است. • اراضی  
 • نفت خیزی که بین بحر خزر و جبال زاگرس واقع شده چه از لحاظ ساختمانی  
 • وجه از لحاظ معرفت الارض متعلق به بحر خزر و منطقه عطیات روسها بوده  
 • است و هیچوجه به اراضی خلیج فارس و خاور میانه ارتباطی ندارد. • (۱)

انگلستان، میخواست پای روسها تا حدی که در برابر قدرت امریکا، تعادلی  
 بسود او برقرار کند، بایران باز شود. روسیه نیز طالب نفت شمال بود چنانکه در اولین  
 دیدار رسمی که بین نمایندگان ایران هنگام اقامت قوام السلطنه در مسکو و مولوتوف  
 وزیر خارجه روسیه شوروی صورت گرفت بعنوان اولین مطلب امتیاز نفت شمال طرح شد  
 و مولوتوف عقیده داشت شرط ابراز دوستی صادقانه ایران و شوروی این است که امتیاز  
 نفت شمال بدست شوروی داده شود، چنانکه نفت جنوب سالهاست بدولت انگلیس  
 داده شده است. • (۲)

مصدق بر آن بود که روسها گول ظاهر را خورند و گمان کردند انگلیسها بجد  
 با گرفتن امتیاز شمال و سهله روسها موافقت و بپرض موافقت توانائی ایجاد موازنه  
 بزبان امریکا را دارند. قوام السلطنه را نعمت شمردند و با اجرای سیاست موازنه  
 مثبت از جانب او دل خوش کردند.

ناگفته نماند که بنا به نوشته والاس موری سفیر کبیر امریکا در ایران، قوام السلطنه  
 همزمان با امضای توافقنامه تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به امریکا نیسز

(۱) - روزنامه جبهه شماره ۱۸۰ مورخه ۱۳۲۵/۳/۲۸ " اهمیت و موقعیت جهانی نفت ایران " نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است. • ص ۳۴۸  
 (۲) - روزنامه ناد شماره ۷۱۳ مورخه ۲۵/۱/۲۶ " یادداشت های سفر مسکو " بقلم  
 عهدی نوری نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است. • ص ۳۳۸

دهه داده بود که استخراج نفت بلوچستان را بآن دولت واگذار نماید . در این باره در تلگراف مورخه ۲۵ / ۱ / ۳ آمده است :

« هنگامیکه قوام دیروز افکار خود را راجع بامکان ایجاد ترتیباتی با اتحاد جماهیر شوروی شرح میداد ، بطور معترضه اظهار داشت که اگر چنین ترتیبی اتخاذ شود او در این فکر است که به امریکائیان نیز همان حقوق امتیازی برای استخراج نفت در بلوچستان داده شود . وقتی من در مقابل گفتم که انگلیسها نیز جویای نفت میباشند ، او اظهار تعجب کرد و گفت که انگلیسها تاکنون کلیه حقوق امتیازی که ممکنست در ایران بآنها تعلق گیرد بدست آورده اند و کلیه قسمتهای نفت خیز جنوب ایران که هنوز در آنها تعیین مشخصات ارضی نشده است بامریکائیان میرسد . . . . . (۱) »

قوام السلطنه بعنوان مظهر جانبداران سیاست موازنه مثبت کوشید از دوران فترت نهایت سوء استفاده راجعت تحمیل این سیاست بکند . دکتر مهدق بعنوان بیانگر خواسته های ملت و خواستار استقلال و تمامیت ارضی ایران و جانبدار سیاست موازنه منفی ، با شناختی که از این عامل ارتجاع خواستعمار داشت در آخرین روزهای دوره چهاردهم برای آخرین بار پس از شماره کردن ضررهائی که از فترت بر سر مملکت خواهد آمد کلیه مذاکرات دولت را که در چهارچوب قوانین موضوعه نباشد بی اعتبار اعلام داشت و گفت :

« . . . . . همه میدانید که من از طرفداران جدی سیاست بیطرفی و موازنه هستم و برای حفظ این سیاست در این مجلس مجارزه نموده ام . . . . چون موقع باریک است و آنزدیک بودن موهب اختتام مجلس شاید دیگر فرصت صحبت کردن نداشته باشیم ، ناچارم امروز خود را ترجمان احساسات آقایان نمایندگان و

(۱) - اسناد وزارت خارجه امریکا ، بیست و نهمین سالنامه دنیا ص ۲۶۷ . نقل از - کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۳۵۶

" هموطنان خود قرار داده و اعلام مینمایم که مذاکرات رئیس دولت فلفظ در حد و  
 " قوانین موضعه و مقررات عهد معتبر است و هر تصمیمی که خلاف این منظور  
 باشد در نظر ملت ایران کان لم یکن خواهد بود. " (۱)

نزدیکی قوام السلطنه با روسیه شوروی سبب شد که حزب رده نیز بیاری اوشتابد.  
 ارتجاع برای تحکیم پایه های قدرت خویش حساب شده تدارک میدید. شب نهم  
 خرداد سال ۱۳۲۵ قوام السلطنه بنابه ادعایش " برای ایجاد اتحاد و یگانگی حقیقی  
 میان عموم آزادیخواهان و اجرای سریع اصلاحات " (۲) تشکیل حزب دمکرات ایران را  
 از رادیوی تهران اعلام نمود. این حزب عبارت بود از محل تجمع کلیه عناصر ارتجاع  
 و دشمنان خلق و آزادی که در دامان سید ضیاء الدین ها پرورش یافته بودند.

قوام السلطنه پارا فراتر نهاد و از " جبهه موءتلف احزاب آزادی خواه " که از دو  
 حزب توده ایران و حزب ایران تشکیل شده بود، دعوت به عمل آورد تا یک دولت ائتلافی  
 بوجود آورند و بالاخره در روز ۱۰ / ۵ / ۱۳۲۵ تشکیل کابینه ائتلافی رسماً اعلام گردید  
 و حزب توده در این کابینه سه وزیر داد.

اعضای کابینه ائتلافی عبارت بودند از:

- ۱- احمد قوام نخست وزیر با تحت نظر داشتن وزارت کشور و وزارت خارجه رهبر کتل
- حزب دمکرات ایران ۲- دکتر یزدی وزیر بهداشتی از حزب توده ایران ۳- دکتر
- کشاورز وزیر فرهنگ از حزب توده ایران ۴- ایرج اسکندری وزیر بازرگانی و پیشه و هنر
- از حزب توده ایران ۵- اللهیار صالح وزیر دادگستری از حزب ایران ۶- دکتر اقبال
- وزیر پست و تلگراف و تلفن ۷- هژیر وزیر دارائی ۸- سرلشگر فیروز وزیر راه ۹- سپهبد
- احمدی وزیر جنگ ۱۰- مظفر فیروز وزیر کار و تبلیغات از حزب دمکرات ایران ۱۱- امیر
- علائی وزیر کشاورزی ۱۲- انوشیروان سپهبدی وزیر مشاور. " (۳)

(۱) - سیاست موازنه منفی، نوشته حسین کی استوان، جلد دوم، ص ۲۷۹  
 (۲) - ایران ما شماره ۵۶۸ مورخه ۲۵ / ۴ / ۹۱، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، ص ۳۷۷  
 (۳) - گذشته چراغ راه آینده است، ص ۳۷۹

حزب توده ایران طبق ماده ۷ از قطعنامه اولین کنگره حزب در باره سیاست داخلی شرکت در کابینه های دولتی را جایز نمیدانست مگر زمانیکه واقعاً يك دولت ملی و دموکراسی برقرار گردد . با این حساب حزب توده دولت قوام السلطنه را که در این زمان از طرف شاه به دریافت لقب " جناب اشرف " مفتخر شده بود ، ملی و دموکراتیک ارزیابی کرده و در کابینه اش شرکت کرد و طی اعلامیه ای که صادر نمود و پس از آنکه دولتهای گذشته را ارتجاعی معرفی کرد و گفت که رسالتشان سرکوب آزادی و آزادی خواهی بوده است و پیرو سیاست خائنانانه بودند ، نوشت :

" . . . . . ولی چون این کابینه ( کابینه قوام ) برخلاف دولتهای پیشین برای افکار عمومی اهمیت و ارزش قائل بود و در باره رفع تیرگی سیاست خارجی و حل مسأله آرمیز مسئله آذربایجان همان طریقی را برگزید که تمایلات عمومی ملت ایران بدان توجه داشت و بهمین سبب توفیق یافت در این راه قدمهای بلندتری بردارد . لذا اکنون که محیط متشنج سیاست داخلی و خارجی ایران تا حدی به آرامش گرائیده و فرصت اصلاحات داخلی به منظور تأمین رفاه توده ها و تهیه کار برای بیکاران و دیگر هدفهای اصلاحی فرا رسیده است ، کمیته مرکزی حزب توده ایران مقتضی دید که به منظور جلوگیری از دسایس مناصری که هنوز هم بر ضد نهضت های دموکراتیک حرکات مذبحخانه ای میکنند و قتل و غارت زحمتکشان میپردازند و همچنین بمنظور طرح نقشه های عملی جهت بسط صنایع کشاورزی و تعمیم فرهنگ و بهداشت و تأمین نان و کار و امنیست قضائی ، در کابینه شرکت جوید و تا حد امکان در انجام دادن آمال و هدفهای ملت عملاً مساعدت کند . . . . . ما از این رو در کابینه شرکت جستیم تا از راه همکاری با سایر عناصر ملی و آزادیخواه در دستگاه حاکمه تصفیه واقعی را عملی نمائیم و دستگاه دولتی را به مردم نزدیک سازیم و آنرا بنفع ملت و برای خدمت به جامعه بکار ببریم و هر زمان که شرایط مساعد برای انجام دادن تقاضاهای اکثریت ملت دشوار گردد به وزرای خود دستور خواهیم داد بید رنگ از کابینه کناره گیری جویند ."

## رفقای حزبی

در یک چنین موقعیتی وظیفه همه شما اینست که در راه حفظ انضباط و ایجاد محیط مناسبی جهت اصلاحات و خنثی کردن دسایس اخلاکگران مانند همیشه کوشش کنید و راه را برای رسیدن به قله عظمت و افتخار توده های ملت ایران فراهم سازید (۱) هر چند که مردم رهبران حزب توده را در ائتلاف با قوام السلطنه خطا کار میدانستند و حتی عده ای معتقد بودند که حزب توده عامل اجرای نقشه ها و توطئه های امپریالیسم است ولی رهبران حزب توده به افکار عمومی توجهی نداشتند و وجود قوام السلطنه را برای حفظ دموکراسی و استقلال ایران مغتنم میشمردند: (۲)

کابینه ائتلافی پیش از ۲۵ روز دوام نیاورد ولی این مدت کافی بود که قوام السلطنه و عوامل ارتجاع و استعمار با فراغت کامل کلیه نیروهای خود را جهت سرکوب کردن نیروهای آزادیخواه بسیج نمایند و مواضع خود را محکم سازند.

روز ۲۵ / ۷ / ۱۳۲۵ کابینه ائتلافی بسر رسید و آن کابینه سقوط کرد و قوام السلطنه بلافاصله کابینه جدیدی تشکیل داد.

وقتی قوام السلطنه نقش خود را بازی کرد و کار که از کار گذشت و تمام قوا در دست قوام قرار گرفت و با دستیاری حزب توده هر صدائی خفه شد و مقدمات انتخابات قلابی مجلس پانزد هم فراهم آمد، حزب توده تازه به خنده های قوام السلطنه پی برد و با آزادیخواه کثی های او آشنا گردید!! و به مرتجع و عامل بیگانه بودنش پی برد و بالاخره از کابینه ائتلافی کناره گرفت.

حزب توده در اعلامیه ای که در رابطه با علل کناره گیری از کابینه ائتلافی منتشر

ساخت نوشت:

(۱) - رهبر شماره ۲۸۲ مورخه ۱۳ / ۵ / ۱۳۲۵، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده

است ص ۲۸۰

(۲) - رهبر شماره ۸۴۳ مورخه ۲۹ / ۷ / ۲۵، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است

ص ۳۸۱

••••• علت شرکت وزیر توده در کابینه تقویت جبهه ضد استعمار •••••

منظور تحکیم اصول دموکراسی بود •••••

گویی که اصولاً میتوان با عاملی درجه یک سیاست بیگانه جبهه ضد بیگانه وضد استعمار تشکیل داد و با با صدیق ترین عنصر ارتجاع جهت تحکیم اصول دموکراسی هم پیمان شد!

دیگر دیر شده بود و شیمانی حزب توده سودی بهار نیاورد • قوام السلطنه در این مدت توانسته بود با خاموش کردن حزب توده و حزب ایران پایه های قدرتش را قوام بخشد و حکومت خود سردوران فترت ۱۴ ماهه را بر سرنوست مملکت حاکم سازد • بالاخره قوام السلطنه با تدارک کافی و پس از حملات وحشیانه به سازمانها و مطبوعات و افراد آزادیخواه وارد صحنه انتخابات شد • اوسمی داشت که اکثریت مجلس توسط کاندیداهای حزب دمکرات ایران اشغال گردد تا بتواند در مقام نخست وزیری باقی ماند • دکتر مهدق قبل از شروع انتخابات طی نامه سرگشاده ای خطاب به نخست وزیر نوشت :

• آقای نخست وزیر ••• مردم میگویند هنگامیکه دولت مرکزی در بعضی حوزه ها عملاً بازرسی ندارد و در سایر حوزه ها خود دولت بعنوان حزب دخالت میکند • انتخابات آزاد نخواهد بود و مجلسی که با این طرز تشکیل شود مظهر افکار عمومی ایران نیست ••••• وقتی که در موقع انتخابات دولت اقدام به تشکیل حزبی کند و مردم چنین تصور میکنند که ممکنست دولت به نفع طرفداران خود از قدرت دولتی استفاده کند و اگر این تصور صورت عمل پیدا کند و بدعتی برای آینده خواهد شد که دیگران هم مبادرت به تشکیل حزب کنند و ملت ایران در ادوار آینده از حق انتخابات محروم شود ••• (۱)

(۱) - ایران ما شماره ۶۸۸ مورخه ۸ / ۱ / ۲۵ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است



و نیز دکتر مهدق طی نطقش در برابر يك جمعیت چندین هزار نفری در صحن مسجد شاه ملت را نسبت به خطرات و نتایج انتخاباتی که قوام میخواست انجام دهد آگاه ساخت .

ولی مبارزات مهدق جهت حفظ آزادی انتخابات و تحصن او به همراه جمع کثیری از آزادیخواهان و نمایندگان طبقات محروم روز ۱۰/۲۲/۱۳۲۵ در دربار بعنوان اعتراض بدخالتهای همه جانبه دولت در انتخابات ثمری نبخشید و مجلس پانزدهم با اکثریتی که منتخب مردم نبودند روز ۲۵/۴/۱۳۲۶ بعد از ۱۶ ماه فترت افتتاح گردید .

در چنین انتخاباتی معلم بود که آراء دکتر مهدق قرائت نخواهد شد و چنین هم شد ، مهدق به احمدآباد رفت ، معذلك نامه ای که در دوره پانزدهم تقنینیه در جواب نامه حسین مکی نوشته است ، بخوبی نشان میدهد که او همیشه نگران آینده ایران و مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی ملت ایران برای نیل بآزادی و استقلال بوده است (۱).

در دوره پانزدهم اختناق روز بروز تشدید میشد . در بار و ارتش زمینه دیکتاتوری جدید را تدارک میدیدند تا هم لایحه الحاقی گس گلشائیان بتصویب مجلس برسد و هم مجلس مؤسسان اختیار انحلال مجلس را بشاه تفویض نماید و هم صحنه سیاست از آزادیخواهان و رجال ملی تهی گردد . ولی با وجود این در این دوره نیز اقلیتی در مجلس پیدا آمد که توجه دکتر مهدق را به خود جلب کرد . این اقلیت که از پشتیبانی معنوی او برخوردار بود ، توانست در این دوره از تصویب لایحه الحاقی گس-گلشائیان جلوگیری کند

■ ■ ■

---

(۱) - متن نامه در رابطه با لایحه الحاقی گس گلشائیان آورده شده است .

هنگامیکه آثار دیکتاتوری جدید در افق نمایان شده بود در انتخابات دوره شانزدهم هنر وزیر دربار با دخالت مستقیم سعی داشت نمایندگان فیروزمی را به مجلس گسیل دارد، عده ای از مدیران و نمایندگان مطبوعات روز ۱۸/۷/۱۳۲۸ در منزل دکتر هدی جهت چاره اندیشی گرد هم آمدند. پس از اظهارات دکتر هدی در زمینه دخالت آشکار دولت در امر انتخابات قرار شد جهت اعتراض به انتخابات فرمایشی به تحصن در دربار اقدام شود، دکتر هدی طی اعلامیه ای خطاب به ملت ایران اعلام داشت:

«... ما تصمیم گرفته ایم که روز جمعه ۲۲ مهرماه دو ساعت قبل از ظهر در جلوسردرنگی اهلحضرت حاضر شویم. ای مردم در آنجا ما را تنهاوی کس نگذارید.» (۱)  
مردم نیز ندای نماینده حقیقی خویش را الهیک گفته و استقبال بایسته ای از دعوت هدی بعمل آوردند.

در تحصن دربار بود که جبهه ملی به رهبری دکتر هدی تشکیل شد. او خود در این باره میگوید:

«... همه میدانید که جبهه ملی روزی تشکیل شد که عده ای از مردم این شهردعوت من در جلوی دربار حاضر شدند و چون دربار نمی توانست تمام آن عده را پذیرائی کند امر ملوکانه صادر شد که بیست نفر در دربار پذیرفته شوند، در خیابان بیست نفری برای رفتن به دربار تعیین شدند و این بیست نفر عضو جبهه ملی شدند، جبهه ملی باین ترتیب تشکیل شد.» (۲)

(۱) - ستاره شماره ۳۲۹۳ مورخ ۲۸/۷/۲۱، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده

است، ص ۹۱

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر هدی در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری، انتشارات هدی ص ۵

اسامی ۱۹ نفر از آن ۲۰ نفر در کتاب گذشته چراغ راه آینده ص ۹۱ به ترتیب ذیل آمده

روز ۳۲۸/۸/۱ - در دربار پذیرفته شده بودند در منزل ... نتر مهدق  
تشکیل جلسه داده و تصمیم گرفتند که :

- ۱- هیئت مزبور از این پس جبهه ملی نامیده خواهد شد ،
- ۲- کمیونی مرکب از آقایان مشار اعظم، دکتر شایگان، نریمان، امیر علائی و دکتر سنجابی برای تهیه اساسنامه و آئین نامه های مربوط به جبهه انتخاب گردیدند. (۱)



بخش از مواد اساسنامه جبهه ملی :

اساسنامه :

- ماده ۱- جبهه ملی از هیئت مؤسسين و دستجات مختلف ملی که طرفدار تأمین عدالت اجتماعی و حفظ قانون اساسی هستند تشکیل میشود .
- ماده ۲- مؤسسين اولیه هیئت مدیره جبهه ملی را تشکیل میدهند و دستجات مختلف ملی هر يك نمایندگی تعیین مینمایند که از اجتماع آنها با هیئت مدیره شورای جبهه ملی تشکیل میشود . ولدی الاقتضا نمایندگان مختلف شهرستانها نیز که اعتبارنامه سه؛ آنان را هیئت مدیره تصویب کرده باشد در شور شرکت میکنند .

ماده ۳- هدف جبهه ایجاد حکومت ملی بوسیله تأمین آزادی انتخابات و آزادی

افکار است .

است :

- ۱- دکتر محمد مهدق ۲- شمس الدین امیرعلائی ۳- یوسف مشار ۴- دکتر شایگان
- ۵- محمود نریمان ۶- دکتر سنجابی ۷- دکتر کاویانی ۸- دکتر مظفر بقائی ۹-
- حسین مکی ۱۰- عبدالقدیر آزاد ۱۱- عباس خلیلی ۱۲- حائری زاده ۱۳- عمیدینوری
- ۱۴- دکتر حسین قاطمی ۱۵- جلالی نائینی ۱۶- احمد ملکی ۱۷- ارسلان -
- خلعتبری ۱۸- مهندس زیرک زاده ۱۹- آیت الله فروی .

(۱) ستاره شماره ۳۳۰۲ مورخه ۲۸/۸/۲ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است

ماده ۶- هیچ فردی نمیتواند مستقیماً عضو جبهه ملی بشود و عضویت افراد در جبهه  
مشروط باینست که عضو جمعیتی باشند که آن جمعیت سمت وابستگی بجبهه ملی  
را تحصیل کرده باشد. (۱)

\* \* \*

جبهه ملی بلا فاصله جهت حفظ صندوقهای انتخابات تهران و رسیدگی بشکایسات  
انتخابات و اعمال غیر قانونی در شهرستانها و شعبه های فرضی، تصمیمات لازم را اتخاذ  
نمود.

گزارشات انجمن مرکزی نظارت بر انتخابات در نیمه دوم آبان ۱۳۲۸ سبب شد که  
انتخابات تهران و حومه باطل گردد.

باین ترتیب مبارزه ای راکه جبهه ملی برای تأمین آزادی انتخابات باتکاه افکار  
عمومی آغاز کرده بود با پیروزی پایان گرفت و دولت نتوانست نقشه خود را در تهران  
ویکی دو شهر عملی سازد و امکانی حاصل شد که تعدادی از نمایندگان حقیقی ملت  
به مجلس راه یابند.

در انتخابات مجدد تهران کاندیداهای جبهه ملی حائز اکثریت شدند و دکتر  
مصدق بعنوان نماینده اول تهران انتخاب گردید.

جبهه ملی در تاریخ ۲۵/ اسفند / ۱۳۲۸ اصول برنامه خود را بشرح زیر در روزنامه  
های وابسته بخود اعلام کرد. (۲)

" مخالفت با قرارداد ساعد - گس و حفظ و حراست آزادی فردی و اجتماعی و اینکه  
برای عملی شدن برنامه خود از هر فرصتی که دست داد و در اجرای مواد چهارگانه  
زیر دریغ ننماید.

(۱) - باختر امروز شماره ۲۷۳ مورخه ۱۰ / ۴ / ۱۳۲۹، نقل از کتاب گذشته چراغ راه  
آینده است ص ۴۹۲

اول - اصلاح قانون انتخابات : تا اینکه نمایندگان حقیق  
نمیشوند .

دوم - تجدید نظر در قانون مطبوعات : تا جرائد بتوانند وزرای خائن و دزد را به جامعه معرفی کنند و دولت هم نتواند قبل از محاکمه آنها را توقیف و مدیر آنها را زندانی کند و ضرب و جرح بر آنان وارد سازد .

سوم - تجدید نظر و اصلاح حکومت نظامی : تا دیگر دولتها نتوانند با این حربه هر روز مخالفین خود را تهدید کنند و اگر کسی زبان انتقاد کشود او را بدون محاکمه ماهها و سالها بازداشت نمایند .

چهارم - تفسیر اصل ۴۸ قانون اساسی : تا وکلا بتوانند آزادانه اظهار نظر کنند و مجلس در معرض تعطیل و انحلال قرار نگیرد .

در دوره شانزدهم نمایندگان عضو جبهه ملی با وجودیکه اقلیت کوچکی بیش نبود ولی با تکیه و پشتیبانی ملت ایران و اشهادت خاص رهبر خود توانستند مجلسی را که اکثر وکلایش از طریق اعمال نفوذ بدان راه پیدا کرده بودند به انجام خدمات شایسته آنها به نفع ملت هدایت کنند .

اعضای جبهه ملی از آغاز فعالیت پارلمانی خود در دوره ۱۶ سعی داشتند که قبل از طرح هر لایحه ای بخصوص در مورد نفت در قانون مطبوعات تجدید نظر بعمل آید ، تا صاحبان جراید بتوانند بدون هراس از توقیف و محاکمه جریانات مجلس را در روزنامه های خود منعکس سازند و قانون حکومت نظامی اصلاح گردد تا مخالفین دولت و وکلا مجلس در بیان حقایق و انتقاد از مسائل از بازداشت و محاکمه در امان باشند و اصل -

— (۲) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مهدی

۴۸ قانون اساسی تفسیر گردد تا مجلس در لحظات حماسه به بهانه ای وسیله شاه تعطیل نگردد و بالاخره قانون انتخابات اصلاح گردد تا وکلایی که خواهان انتخاب مجدد هستند برای تضمین وکالت دوره های بعد مجبور به سکوت نگردند. در این باره مهدی در جلسه ۲۲ مجلس ۱۶ ( ۱۸ / خرداد / ۱۳۲۹ ) میگوید :

«... نمایندگان جبهه ملی چند باز نظریات خود را در خصوص تصویب بعضی از قوانین مورد توجه عمومی به عرض مجلس رسانده اند و... در اینجا باید صریحاً به عرض برساند که تا این لوائح ( منظور لوائح اصلاح قانون انتخابات - قانون مطبوعات - قانون حکومت نظامی و تفسیر اصل ۴۸ قانون اساسی ) به تصویب نرسد، نمایندگان جبهه ملی گذشته از اینکه با اصل لایحه گلشائیان و کس مخالفند، با تقدیم طرح هر لایحه ای راجع به نفت که دولت در نظر دارد مطرح شود شدیداً مخالفت خواهند نمود... (۱)»

#### مخالفت با تصویبات مجلس پهلوی

شکست جانبداران سیاست یک جانبه به نفع انگلیس در رابطه با عدم تصویب لایحه الحاقی گس-گلشائیان در اواخر پانزدهم و بالا گرفتن توان عناصر آزاد بخواهی که با اتکا به مردم در مقابل سیاستهای تحمیلی ضد خلقی مقاومت میکردند، سبب شد که استعمار بدستاری ارتجاع طرحی تنظیم کند که هر لحظه بتواند با تشبث بان مجلس شورای ملی را که میتوانست نظهر بیان اراده مردم باشد، عقیم کرده و منحل سازد. این طرح عبارت بود از تفویض اختیار انحلال مجلسین به شاه در مواقع ضروری.

شاه در ملاقات خود با نمایندگان مجلس در روز ۵ / ۱۲ / ۱۳۲۲ گفت :

«... در کشور ما متأسفانه مشروطیت حقیقی به مفهوم واقعی آن آنطور که در تمام ملایک متدن راقیه موجود است وجود ندارد و هم افراد کشور بتساوی

(۱) - نطق های دکتر مهدی در دوره شانزدهم مجلس، انتشارات مهدی ۲ ص ۲۶

از مفا هم و مادی بشرطیت بهره مند نمیشاند ، با حق تجدید  
 انتخابات در صورت تشخیص رئیس مملکت ملت بهتر میتواند در سرنوشت خود  
 نظارت نموده و هم اینکه انتخابات خیلی صحیح تر و آزاد تر انجام خواهد گرفت .  
 با توجه به مراتب فوق با رجال صدر مشروطیت مشورت لازم نموده و مصمم شده ام  
 که مجلس مؤسسان را تشکیل دهم و از این ، دو مقصود دادم . اول آنکه چون  
 هر قانونی با توجه به پیشرفت زمان و وجود آمدن وضعیتهای تازه احتیاج به  
 پاره ای اصلاحات پیدا می کند تا به مقتضیات آن تطبیق نماید و راه این اصلاح  
 متأسفانه در قانون اساسی ناپیش بینی نشده است ، بنا بر این مقصود اول یافتن  
 راهی است که بتوان بوسیله آن اصلاحات لازمه را به نفع کشور و اجتماع در موقع  
 خود در قانون اساسی بعمل آورد و دوم موضوع اصلاح اصل چهل و هشتم قانون  
 اساسی است . . . . بنا بر این به دولت دستور داده شده است که وسایلی  
 جهت مجلس مؤسسان را فراهم نماید . . . (۱)

بالاخره انتخابات مجلس مؤسسان بفرمان شاه تحت فلبه حکومت نظامی در سر  
 کشور جریان یافت و معلوم بود که در چنان شرایطی کدام نمایندگان به این مجلس  
 راه خواهند یافت . مجلس مؤسسان فرمایشی اصل چهل و هشتم قانون اساسی را  
 بشرح ذیل تغییر داد .

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هر يك از مجلس شورایی و مجلس  
 سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل نماید . . . (۲)

شاه پس از پایان کار مجلس مؤسسان وقتی اهمیت کار انجام گرفته را ارزشیابی  
 میکرد نتوانست انگیزه بنیادین ایمن اقدام را پنهان نکند و خطاب به نمایندگان  
 آن مجلس گفت:

(۱) - کیهان شماره ۱۷۷۱ مورخه ۲/۱۲/۲۷ ، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده

است ص ۴۸۶

(۲) - قانون اساسی - اصل چهل و هشتم

••• کاری که آقایان در این چند روزه انجام داده اند برای ثبات مشروطیت بود و مشروطیت مارا که به وضع فلاکت باری دچار شده بود نجات دادند، چه اگر این وضع ادامه مییافت در صورت پیدا میشد، یا اصول اعمال زور و قدرت در این مملکت مستقر میگردد که خود این اصول موجب اهتلائات عدیسه ای میشد که عکس العمل آن ها هر چه و هر چه وی نظمی بود و یا خدای نخواسته دچار انقلاب و نهضت های میشدیم که در این دنیا و در این زمان به نفع مملکت تمام نمیشد. (۱)

از گفتار شاه رسالت مجلس مؤسسان کاملاً آشکار میگردد و معلوم میشود که می بایست تدارکی دیده میشد تا در لحظات حساس نهضت آزادیخواهی ملت ایران در نطفه خفه گردد.

جبهه ملی همانطور که در اصول برنامه خود اعلام کرده بود، در آغاز دوره شانزدهم تصمیمات مجلس مؤسسان دوم را بی اعتبار اعلام داشت.

مصدق همواره سعی داشت، دست شاه را از دخالت در سرنوشت مملکت کوتاه سازد و معتقد بود که شاه باید سلطنت کند و نه حکومت<sup>(۲)</sup> و جهت پیشگیری خطر انحلال مجلس شورای ملی در مواقع حساس از جانب شاه سرسختانه با تصمیمات مجلس مؤسسان دوم که اصل ۴۸ قانون اساسی را تغییر داده بود مخالفت ورزیده و در سخنانش بی اعتبار بودن تصمیمات این مجلس را بیان داشته میگوید:

••• من نمیگویم قانون اساسی که زاده فکرشراست لایتغیر است ولی میگویم قانون اساسی را باید نمایندگان حقیقی ملت تغییر دهند و هر گونه تغییری

(۱) - کیهان شماره ۱۸۳۱ مورخه ۲۴/۲/۲۸ \* بیانات تاریخی شاهنشاه \* نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۴۸۷

(۲) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مصدق



که غیر از این باشد، مورد تصدیق ملت ایران نیست . . . (۱) اصل ۴۸ قانون اساسی ( اصل تعییر یافته از مجلس مؤسسان ) رأساً باطل است ؛ یعنی اساساً مجلس مؤسسان مطابق افکار مردم ، مطابق نظریات مردم ، و مطابق سنن پارلمانی تشکیل نشد که هتویاتش مورد احترام باشد . . . (۲)

این مجلس مؤسسان قلابی است و ملت زیر بار این مجلس مؤسسان نخواهند رفت . . . (۳)

. . . حربه انحلال نمایندگان را نه تنها در اواخر دوره بلکه از اول تا آخر متزلزل کرده است و قین دارم که در صورت امکان انحلال در مقابل هیچ پیش آمدی نمیتوانند از خود شخصیتی بروز دهند و با لواج دولت یعنی آن لواجی که روی سیاستهای معینی به مجلس میآید مخالفت نمایند . . . (۴)

مصدق جهت بی اثر ساختن تصمیم مجلس مؤسسان ماده واحده ای بشرح زیر به مجلس شورایی آورد :

. . . . نظر باینکه در موقع تجدید نظر مجلس سنا وجود نداشت که در موقع بروز اختلاف طبق اصل ۴۸ ( ملغی شده ) مجلس سنا انفصال مجلس شورایی را تصویب کند ، ولی اکنون مجلس سنا هست هر وقت چنین اختلافی روی بیاد راه انحلال باز است و مجلس سنا بوظیفه خود عمل میکند . نظر باینکه تجدید نظر در قانون اساسی را باید مجلس مؤسسانی بکند که اعضای آن نمایندگان حقیقی ملت باشند . و مجلس مؤسسان منعقد در اول اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ ایسن

- 
- (۱) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات مصدق ۲ ص ۶  
 (۲) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات مصدق ۲ ص ۶۵  
 (۳) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات مصدق ۲ ص ۱۶  
 (۴) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات مصدق ۲ ص ۷

شرایط را واجد نبوده است، لذا اعضاء کنندگان ذیل برای جلوگیری از هر گونه جدال بین ملت و مجلس مؤسسان اول اردیبهشت درخواست مینمائیم که اصل ۴۸ قانون اساسی مورخ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۴ هجری قمری، بعنوان تفسیر در محل خود بهرقرار بماند. (۱)

کوششهای مهدق جهت متقاعد ساختن اکثریت، نافرجام ماند و او نتوانست جهت طرح ماده واحده پیشنهادی در مجلس به اندازه کافی اعضاء بدست آورد. (سه اعضاء کم داشت) (۲) بدین ترتیب تصمیمات مجلس مؤسسان دوم بقوت خود باقی ماند.

### مخالفت جبهه ملی با کابینه رزم آرا

'کابینه منصور قبول از کابینه رزم آرا' در حقیقت نقش محلل را داشت، بدین معنی که اصولاً منصور را مسئول تشکیل کابینه کردند تا هروقت لازم آمد از مقام خود استعفا داده و صحنه عمل را برای دیگران خالی سازد. (۳)

روزنجم تیرماه سال ۱۳۲۹ کابینه منصور بشکل غیرمنتظره ای استعفا کرد. و چند ساعت بعد رزم آرا؛ دولت خود را معرفی کرد. کاملاً مشهود بود که آن استعفا و این انتصاب حاصل توافق امریکا و انگلیس بوده است. شرکت تعدادی از نمایندگان حقیقی مردم در مجلس شانزدهم و فعالیتشان جهت تحقق بخشیدن بآرمانهای مردمی از سبک سو و آغاز جنگ کرده در بهار ۱۳۲۹ از سوی دیگر سبب شد که امریکا و انگلیس بهراس آمده و برخی از رقابتهای خود را کنار گذاشته و یکدیگر نزدیکتر شوند. کنفرانس لندن با شرکت وزرای خارجه انگلیس (بوسن) و امریکا (آچسن) برگزار گردید. در این کنفرانس امریکا و انگلیس در مورد مسائل خاورمیانه بتوافق هائی رسیدند و تصمیم گرفتند که در ایران

(۱) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی، انتشارات مهدق ص ۲ ص ۳۱

(۲) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی، انتشارات مهدق ص ۲ ص ۶۵

(۳) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی، انتشارات مهدق ص ۲ ص ۶۵

مرد مقتدری \* را برای رسیدن با اهداف خود بر سر کار بیاورند . سپهبد رزم آراه رئیس ستاد ارتش آن \* مرد مقتدری \* بود که بنا به توافق آنها به نخست وزیری انتصاب شد . یکروز پس از استعفاء کابینه منصور و انتصاب رزم آراه به ریاست دولت ، روزنامه نیویورک تا یخز نوشت :

..... از هم گسیختگی اوضاع ایران تحت اداره و هدایت گروهی از سیاستمداران حرفه ای غیر قابل اطمینان کار ایران را به آن درجه از فساد و بدبختی رسانیده است که اکنون دانسته شده است که جز رئیس ستاد ارتش کس دیگری نخواهد توانست ایران را از این وضع اسف آوره نجات بخشد . . . . . اگر در نتیجه حوادث کوه جنگ واقعی درگیر شود . . . . . ژنرال رزم آراه و ارتش او با توافق ایلات مسلح مناطق گوهستانی مهتوانند انقلابی مدتی جلو پیشرفت بطرف مناطق جنوبی ایران راسد کنند . اگر جلوروسی به در کره گرفته شود و شوروی بخواهد از حزب توده بدون روشن شدن آتش جنگ بیسین الملی برای ایجاد قیام مسلح استفاده کند ، ما موریت رزم آراه مهمتر و حیاتی تر خواهد بود . . . . . در این نکته شکی نیست که اگر اوضاع ایجاد کند ، رزم آراه لایق آنست که برای جلوگیری از متلاشی شدن و تجزیه حکومت ایران ، حکومت دیکتاتوری برقرار کند .<sup>۵)</sup> بدین ترتیب رزم آراه با طرحی شبه کودتا جهت استقرار دیکتاتوری جدید بنا به توافق امریکا و انگلیس به نخست وزیری رسید . اوجهت تحکیم موقعیت خود لازم دیدند روابط سیاسی و اقتصادی بین دولت ایران و شوروی را که پس از رد مقاله نفت شمال بشدت تیره شده بود ، اصلاح کند و بدین خطر بارها با ساد چپک سفیر کبیر شوروی در ایران محرمانه ملاقات کرد و از آنجا که بزبان روسی آشنائی داشت این ملاقاتها دود و انجام گرفت ، نتیجه مذاکرات این شد که در آبانماه ۱۳۲۹ یک قرارداد بازرگانی بین ایران و شوروی منعقد گردید . ناگفته نماند که اصلاح روابط ایران با شوروی که

(۱) - روزنامه باختر امروز شماره ۲۷۹ مورخه ۱۸ / ۴ / ۱۳۲۹ به نقل از نیویورک تایمز بقلم آلیسون راس نقل از کتاب گذشته چراغ را ما آینده است ص ۴۹۸

نتیجته‌آثبات کابینه رزم آراه را همراه داشت مطلوب امریکا و انگلیس هم بود چنانکه  
 خبرنگار رويتر در تهران گزارش داد که :

«..... مامورین انگلیسی و امریکائی در تهران مخالف با قرارداد بازرگانی بیسن  
 روسیه و ایران نیستند . البته بشرط اینکه چنین قراردادی مستلزم تعهدات  
 سیاسی نباشد» (۱)

طبیعی بود که جبهه ملی و دکتر همدق نمیتوانستند با کابینه رزم آراه بعنوان آلت  
 اجرای سیاست موازنه مثبت و عمدۀ جانبدار سیاست يك جانبه به نفع انگلیس و امریکا،  
 توافق داشته باشند .

جبهه ملی و همدق از همان اوان تشکیل کابینه منصور احتمال چنین واقعه ای را دیدند  
 بودند و همیشه ملی سخنان خود خطر ایجاد يك دیکتاتوری را گوشزد میکردند .

مخالفت همدق بعنوان رهبر جبهه ملی با کابینه رزم آراه بر اساس همان آرمانهای  
 در بر سنه او یعنی اجرای تز سیاست موازنه منفی و احیای مشروطیت استوار بود و معتقد  
 بود که رزم آراه به اتکاء و پشتیبانی امریکا و انگلیس مأمور تشکیل کابینه شده است و لذا در  
 سیاست ایران بعنوان يك عنصر وابسته و طرفدار بیگانه عمل خواهد کرد (۲) او معتقد  
 بود که رزم آراه اصول قانون اساسی را زیر پا نهاده و از قدرت خود بعنوان رئیس ستاد  
 ارتش استفاده کرده و در امور سیاسی مملکت و امر انتخابات و مجلس مؤسسان دخالت  
 کرده است (۳)

(۱) - روزنامه باختر شماره ۳۱۱ مورخه ۲۶ / ۵ / ۲۹ نقل از کتاب ، گذشته چراغ راه آینده  
 است ص ۵۰۴

(۲) - نطق‌های دکتر همدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات همدق ص ۶۰

(۳) - « این جناب ( اشاره به نخست وزیر - رزم آراه ) - ۶ - ۵ سال رئیس ستاد ارتش بیسن  
 مملکت بوده است ، در امور سیاسی مملکت بدرامن انتخابات در مجلس مؤسسان در همکاریها  
 دخالت کرده و این اوضاع و این بدبختی نتیجه عملیات مستقیم این آقا است . این آقا امروز  
 میخواهند صلح شوند ، ای خاک بر سر ما ! » نطق‌های دکتر همدق در دور شانزدهم مجلس  
 شورایی ، انتشارات همدق ص ۶۴ - ۶۴

و بسیاری از ناسامانیهای مملکت در نتیجه عملیات مستقیم اوست. و دولت او برخلاف سنن پارلمانی تشکیل گردیده زیرا قبل از اخذ رأی اعتماد از مجلس او مأمور تشکیل کابینه شده است؛ و در حقیقت کابینه او یک کابینه تحمیلی است\* (۱).

مصدق معتقد بود که رژیم آراء فاقد معلومات حقوقی و سیاسی و فاقد سابقه سیاسی و وجهه ملی است و نمیتواند با شغل و چماق و چکمه ملتی را اداره کند (۲) او کسی است که غیر از اداره یک عده سرباز و آنهم بطور سطحی و ناقص کار دیگری نکرده است (۳) و لذا شایستگی تشکیل کابینه را ندارد.

جبهه ملی طی اعلامیه ای بشرح زیر در تاریخ ۵ / تیر / ۱۳۲۹ موضع خود را در مقابل کابینه رژیم آراء اعلام داشته و از قاطبه ملت خواست که در مقابل دیکتاتوری در حال تکوین از خود مقاومت نشان دهند.

#### اعلامیه جبهه ملی

- \* جبهه ملی ایران بملت ایران اعلام خطر میکند و لازم میداند علل وجهاتی را که موجب روی کار آمدن کابینه جدید شده با اطلاع افکار عمومی برساند.
- \* نمایندگان جبهه ملی در مجلس و هم چنین در مطبوعات ما از دوسه هفته باینطرف اطلاعاتی را که در زمینه ایجاد یک حکومت " شبه کودتا " داشته اند، بدون پروا بازگو کرده و چیزی از ابراز این حقایق مسلم فروگذار ننموده اند.
- \* حاضر حکومت و صحنه ساز سبائی که پس پرده صورت میگرفت، نشان میداد که یک تشنج مصنوعی و یک بحران ساختگی در تمام شئون به منظور محو حقوق اساسی مردم در حال تکوین است و کشور مایک باردیگر پس از یک ربع قرن که طعم تلخ دیکتاتوری را چشیده دوباره به استبداد و رژیم مطلق العنانی و سلطه فردی

(۱) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات

مصدق ۲، ص ۵۲

(۲ و ۳) نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مصدق

ص ۴۳

- تهدید میشود.
- **آئین فرارسیه** و مطامع بیگانگان؛ پایمال کردن حقوق سیاسی و محو -
- **قانون اساسی** و لگدکوب گردن استقلال و حق حاکمیت ملی ما دست از آستین
- عوامل صدیق و خد متگزار خود بیرون آورده است و میخواهد زیر عنوان **حکومت قوی** خاطره های استبداد صغیر را تجدید کند.
- دولت فعلی با انجام عملیات زیر پرده که بی شباهت بیک کودتای نظامی نیست نمیخواهد زمام امور را بدست بگیرد تمام پستهای حساس انتظامی را برای موهوب کردن افکار تحت کنترل شدید نظامی قرار داده و بدون تردید حیات رژیم پارلمانی ایران را که خون بهای آزاد مردان و قهرمانان مشروطیت است در مخاطره انداخته
- **وزینه راطوری** چیده است که چندی نخواهد گذشت ملت ما را در عزای آزادی عدالت و در مرگ قانون و حریت خواهد نشانید.
- دولت سابق بدون استحضار مجلسین در فاصله یکی دو ساعت از میان رفت و حکومت جدید بدون اینکه کمترین سنن پارلمانی را رعایت کند تشکیل و سازمان های مهم مملکتی را اشغال و آماده برای اجرای ماموریتی است که انجام آن را بعهده گرفته است.
- کسی نیست که نداند با اشکالات سیاسی و اقتصادی موجود ایران یک چنین حمله بقانون اساسی و سنن مشروطیت جز اینکه حق حاکمیت و استقلال مملکت و آزادی ملت را در خطر اندازد نتیجه دیگری نخواهد داد.
- بیگانگان که به هواداری از اینگونه اعمال غیرقانونی برمیخیزند و افکار ملت را به چیزی نمی شمارند؛ خوب میدانند چه میکنند و کاملاً اطلاع دارند به چه منظور حیات یک جامعه را دچار وحشت و قرین تشویش و ناامنی می نمایند.
- **جبهه ملی** برای وفاداری به تعهداتی که در برابر مردم ایران دارد به منظور

\* ایفای سوگندی که نمایندگان ما بکتاب مقدس آسمانی یاد کرده اند و از نظر  
 \* حفظ حق که با افراد يك ملت تعلق میگیرد به جهانیان اعلام میدارد که  
 \* به هیچ وجه زیر بار تحمیل حکومتی که باتشبهت به اجانب با تحمیل واسباب  
 \* چینی بیگانگان و بزه تمایلات عمومی روی کار آمده است موافقت نخواهد کرد  
 \* و افتخار خواهد داشت که در راه حراست شعائر ملی و دینی و نگهداری مشروطیت  
 \* و دموکراسی جان افراد خود را فدا کند .

\* ما برای مقابله با این خطری که ایران و ایرانی اکنون بدان روبروست نیازمند -  
 \* پشتیبانی تمام طبقات ملت و محتاج به مصلحت اندیشی شاهنشاه جوان هستیم  
 \* و نظر دقیق دنیای دموکرات و مترقی و زنده را به عظمت مبارزه شرافتمندانه ای که  
 \* در پیش داریم جلب میکنیم .

ساعت ۱۰ بعد از ظهر دوشنبه ۵/ تیر/ ۱۳۲۹

جبهه ملی - دکتر محمد مصدق (۱)

علی رغم کوششهای جبهه ملی ، مجلس در روز سه شنبه ۱۳/ تیر/ ۱۳۲۹ به کابینه  
 رژیم آراء رأی اعتماد داد . (۲)

### مخالفت جبهه ملی با طرح ماده واحده رژیم آراء

رژیم آراء بلافاصله پس از اخذ رأی اعتماد از مجلس در هوش طرح لوایحی جهت  
 برآوردن نیازهای واقعی مردم و پیشنهادات جبهه ملی مبنی بر اصلاح قانون انتخابات  
 و قانون مطبوعات و قانون حکومت نظامی و تفسیر اصل ۴۸ قانون اساسی در تاریخ ۲۲/  
 تیر/ ۱۳۲۹ ماده واحده ای بشرح زیر مبنی بر تشکیل انجمنهای ایالتی ولایتی به

(۱) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ۲ ،  
ص ۴۹

(۲) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق  
ص ۲۱ - ۲۰

مجلس شورای ملی عرضه داشت :

• ماده واحده - بدستور اصول ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ متمم قانون اساسی از این تاریخ ، آن قسمت از امور اجتماعی که با منافع عمومی محلی مردم کشور ارتباط دارد توسط انجمنهای محلی که در هر یک از واحدهای موجود کشور تشکیل میشود اقدام و اداره خواهد شد .

تیسره : سازمان اداری هر یک از استانها ، شهرستانها ، بخشها ، دهستانها ، دهات و طرز انتخابات و تشکیک انجمنها و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و وظائف انجمن و چگونگی انجام آنها و طریقه انتخاب استانداران و فرمانداران و کلیه مامورین محلی و دولتی و جزئیات دیگر به موجب آئین نامه ای که به تصویب کمیسیون مربوطه میرسد ، اجراء خواهد شد . از تاریخ نشر انجمنی انتخابات انجمنهای شهری موجود منحل و وزارت کشور قائم مقام تمام انجمنها خواهد بود .<sup>(۱)</sup>

طراحان واقعی ماده واحده یعنی بیگانگانی که جناب رزم آراه در کف حمایت آنان به ریاست الوزرائی منصوب شده بود در حقیقت با طرح ماده واحده در پوشش ظاهر فرب قانون اساسی در صدد تلاشی و تجزیه ایران یعنی اجرای همان قرار داد ۱۹۰۷ و تصمیمات کمیسیون سه جانی بودند ، بخصوص تنظیم آئین نامه اجرائی انجمنها منوط به تصویب کمیسیونی میشد که طبیعتاً با در نظر گرفتن اوضاع حاکم اعضایش را افراد معلوم الحالی تشکیل میدادند و وزارت کشور که رزم آراه اداره آنرا شخصاً برعهده داشت<sup>(۲)</sup> بعنوان قائم مقام انجمنها معین شده بود .

(۱) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مهدق -

۲ ، ص ۷۲

(۲) - رزم آراه وزارت کشور را نیز شخصاً اداره می کرد . ۱۹ اما ۱۰ شهریور ۱۳۲۶ کابینه را ترمیم کرد و امان الله اردلان رابه وزارت کشور گماشت - دولتهای عصر مشروطیت بکوشش جمشید ضرغام بروجنی ص ۳۰۷



مصدق با این ماده که استقلال و حق حاکمیت ایران را به خطر میافکند شدیداً مخالف کرد<sup>۱۰</sup> و معتقد بود که :

- ۱- طرح رژیم آراء طرح تجزیه ایران<sup>(۱)</sup> و تشکیل خود مختاری در ایالات است<sup>(۲)</sup>
  - ۲- مادامیکه مردم نتوانند نمایندگان شهر را خود انتخاب کنند ، تشکیل انجمنهای ایالتی سبب خواهد شد که یک دستکاه فاسد دیگری هم در آن نقطه مملکت به نفع بیگانگان بکار آفتد و تمامیت و استقلال مملکت را دچار خطر سازد<sup>(۳)</sup>
  - ۳- چون افکار عمومی دنیا اجازه نمیدهد ، عهدنامه ای بصورت قرارداد سال ۱۹۰۷ تنظیم شود ، میخواهند با تصویب این ماده ایران را به دول خود مختاری تقسیم کنند و بعد قسمتهای مورد احتیاج را تحریک بعدم اطاعت و خود سری کنند و آنها را باندازه ای تقویت کنند تا بدرجه ای برسند که هر چه میخواهند از آنها استفاده کنند . البته امتیاز نفت و یا تمديد امتیاز داری از تحت الحمايه ای مثل بحرین سهل تر است تا اینکه آنها را از دولت بزرگی مثل ایران درخواست نمایند .
- این ماده واحده روی همان نقشه ای تنظیم شده است که کمیسیون سه جانبه آنرا ترسیم نمود<sup>(۴)</sup>

علاوه بر آنچه که در مجلس گذشت جبهه ملی در تاریخ ۲۴/ تیر / ۱۳۲۹ طی بیانیه ای که انتشار داد موضع خود را برای افکار عمومی تشریح کرد . در این بیانیه آمده است :

« . . . . . جبهه ملی بآنچه در قانون اساسی در باب ایالات و ولایات و شهرها ذکر شده موافقت کامل دارد و انجمنهای ایالتی و بلدی را که بر طبق قوانین

- (۱) - نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ۲ ص ۷۳
- (۲) - نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ۲ ص ۷۵
- (۳) - نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ۴ ص ۱۱
- (۴) - نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ۲ ص ۷۷

• موجوده تشکیل گرد دلانم و مفید میدانند و بر فرض که پاره ای از مواد ( تسخیر کنند ) بشرط اینکه منطبق بر قانون اساسی و متمم قانون اساسی باشد نیز موافق است.  
 • و عکس با هر قانون دیگری که بالمآل وسیله تجزیه مملکت قرار گیرد و او اینکه ظواهر آنها فریبنده و جالب تهیه شده باشد با تمام قوا مخالفت می نماید. (۱)

مخالفت‌های جبهه ملی و کشته شدن رزم آراء تصویب ماده واحده را معلق گذاشت.  
 بانخست وزیر دکترو صدق جریان تاریخ دیگر شد.

### ملی شدن صنعت نفت

قرارداد سال ۱۹۳۳ ( ۱۳۱۲ ) : این قرارداد بین ایران و انگلیس هنگامی با امضاء رسید که بعلمت اختناق حاکم هیچکس را جرأت مخالفت نبود و اصولاً بعد از دوره ۶ تقنینیه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان ، نمایندگان حقیقی ملت نبودند و وزراء نیز برای انجام وظائف خود آزادی عمل نداشتند .

تقی زاده ، وزیر دارائی وقت و امضاء کننده قرارداد ۱۳۱۲ در مجلس ۱۵ میگوید :

• من شخصاً راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بود ، تقصیر آلت فعل نبوده ، بلکه تقصیر فاعل بوده است که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. (۲)

پس اثر قرارداد ۱۳۱۲ امتیاز نفت جنوب که در سال ۱۹۰۱ میلادی برای مدت سال به داری داده شده بود و در سال ۱۹۶۰ درش منقضی میشد لغو شد و در عوض مدت امتیاز تا سال ۱۹۹۳ مدید .

صدق بارها از خساراتی که از تحمیل این قرارداد عاید ملت ایران گردید سخن رانده است ولی آنچه لازم است در اینجا یاد آور شویم ، اینکه بنظر او این قرارداد از

(۱) - نطق‌های دکترو صدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات صدق ۲ ص ۸۳

(۲) - نطق‌های دکترو صدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات صدق ۴ ص ۵۵

نظر حقوقی باطل است ، زیرا هاقصد قرارداد میبایست آزاد باشد ، ووزرا در دوران دیکتا-  
توری عناصری مسلوب الاختیار نبودند که فقط دستورات صادره را اجرا میکردند .

متعاقب فعالیت‌های دکتر مهدق و یاران‌ش در مجلس چهاردهم در رابطه با تحریم امتیاز نفت و افشاءگری‌هایی که توسط آنان در زمینه غارت و شدت استثمار شرکت‌های نفت خارجی صورت گرفت ، انگلستان در باره آینده خود در غارت نفت ایران بی‌مناک شد و برای اینکه قرارداد ۱۹۳۳ که در دوران اختناق رضاخانی امضاء شده بود — مورد سؤال قرار نگیرد و از نظر قانونی بی‌اعتبار اعلام نگردد ، صلاح دید که در مورد امتیاز مزبور تأییدی از مجلس شورای ملی دریافت دارد ، جهت وصول این هدف در جلسه مهرماه ۱۳۲۶ دوره پانزدهم از طریق دولت وقت يك ماده واحده تقدیم مجلس شد و به تصویب رسید . بند پنجم ماده واحده بقرار زیر است :

" دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منافع ثروت  
کشور ، اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن ، مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع  
به نفت جنوب ، به منظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازم را بعمل  
آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد ." (۱)

وانگلستان امید داشت بتواند بدست دستیاران خود بر اساس ماده واحده فوق  
لایحه ای به تصویب مجلس برساند که تأیید قرارداد ۱۹۳۳ ( ۱۳۱۲ ) باشد .

بدین منظور آقای گلشائیان وزیر ارائی دولت مساعد با عوامل کمپانی وارد مذاکره  
شد و نتیجه این شد که لایحه الحاقی گس-گلشائیان در تاریخ ۲۶/ تیر / ۱۳۲۸ یعنی  
درست ۱۰ روز قبل از انقضای دوره پانزدهم تقنینیه به مجلس تقدیم گشت ، لایحه  
الحاقی در برگیرنده مواد ی بود که با تردستی خاصی ضمن تأیید قرارداد ۱۳۱۲ دهاوی  
گذشته ایران رانیز تصفیه شده و پایان یافته تلقی میکرد و انگلستان را در غارت منابع

نفت ایران تا سال ۱۹۹۳ آسوده خاطر میساخت .

ولی بهت اقلیت مجلس تصویب لایحه الحاقی در دوره پانزدهم ممکن نشد و بحث درباره آن علیرغم کوششهای جانبداران تصویب لایحه الحاقی تا اندازه ای بطسول انجامید که دوره پانزدهم در نیمه شب ۱۳۲۸/۵/۶ بدون اخذ تصمیم پایان گرفت .  
در رابطه با مذاکرات دولت با عوامل کمپانی نفت و جریان لایحه الحاقی عده ای از نمایندگان معتقد بودند که نمی بایست جار و جنجال براه انداخت و باید سکوت کرد تا موضوع لوث نگردد . در این رابطه حسین مکی نماینده مجلس از دکتر مهدق نظرخواست<sup>ست</sup> و دکتر مهدق نظر خود را بشریح ذیل اعلام داشت :

- \* . . . یکی از مزایای دموکراسی آنست که مردم بتوانند بطور آرام اظهار عقیده کنند .
- \* متأسفانه هر یک از طبقات و صفوف مختلفه کشور را به جهاتی دعوت بسکوت<sup>ست</sup> مینمایند ، از قبیل اینکه دانشجویان فقط درس بخوانند و کشاورزان مشغول زراعت باشند ، وکیل در مجلس حرف نزنند و جار و جنجال ننمایند و احزاب سیاسی هم فقط افراد خود را وارد ادارات کنند و گاهی هم برای اینکه مردم اغفال شوند<sup>ند</sup> و نگویند احزابی در مملکت نیست در یکی از موضوعاتی که در دانشکده ها درس میدهند
- \* و در روزنامه های نویسند سخنرانی نمایند و صحنه سیاست ایران را برای آن دسته از مردمی که خادم اجنبی هستند قرق نموده تا آنها بتوانند از عهده وظایف<sup>ند</sup>
- \* خود برآیند ، من از خود شما میپرسم اگر در مجلس مذاکراتی که ( بجار و جنجال و غوغا ) تعبیر میشود ، نشده بود جناب آقای تقی زاده حاضر میشدند ، خیانت عظیمی که در دوره دیکتاتوری به میهن عزیز ما شده فاش نمایند ؟ . . . . . آقایانی که در مجلس شورای ملی اقلیت مثبت دارند ، سکوت نکنید که برخلاف مصالح ایرانت<sup>ست</sup>
- \* و هیچ فرقی بین این سکوت و رأی که مجلس برای تمدید داد نمی باشد . . . . .
- \* بدولت رای منفی بد هید و ثابت کنید که شما نماینده افکار ملت ایرانید . . . . . (۱)

(۱) - روزنامه کیهان شماره ۱۷۴۸ مورخه ۲۷/۱۱/۱۰ نقل از کتاب گذشته چسراغ راه آینده است ص ۴۸۰

دولت ساعد بعلت رأی عدم اعتماد مجبور به استعفا شد و منصور مامور تشکیل کابینه شد ولی دولت منصور بعلت اینکه نه شجاعت آنرا داشت که لایحه الحاقی را رد کند و نه آنقدر تابع شرکت نفت بود که دفاع از لایحه را عهده دار شود از کاربرکنار شد و دولت رزم آراه جهت د و کار مهم مامور تشکیل کابینه شد .

اول اینکه تکلیف قرارداد الحاقی را روشن کند و دوم اینکه انجمنهای ایالتی و ولایتی را تشکیل دهد . (۱)

در مجلس ۱۶ رسیدگی به لایحه الحاقی به کمیسیون نفت واگذار گردید در این کمیسیون که جمعاً از ۱۸ نفر تشکیل شده بود ۵ نفر از افراد جبهه ملی در آن عضویت داشتند (۲) . دکتر مهدق ریاست کمیسیون را عهده دار بود و حسین مکی مخبر کمیسیون بود .

کمیسیون نفت در تاریخ دوشنبه ۵/ تیر / ۱۳۲۹ کار خود را آغاز نمود و طی ۲۹ جلسه متوالی پرونده های شرکت نفت ایران و انگلیس را تحت بررسی قرارداد . کوششهای اعضای جبهه ملی و مهدق سبب شد تا در کمیسیون باتفاق آراه ، با لایحه الحاقی گس- گلشائیان مخالفت شد . و در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۲۹ متنی بشرح زیر به مجلس شور ای ملی عرضه شد :

" کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۳۰ / ۳ / ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی تشکیل شده است  
 " پس از مذاکرات و مطالعات به این نتیجه رسید که قرارداد الحاقی ساعد-  
 " گس کانی برای استیفای حقوق ایران نیست ، لذا مخالفت خود را با آن اظهار  
 " میدارد . "

مخبر مخصوص کمیسیون نفت - حسین مکی (۳)

(۱) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مهدق ۴ ص ۶۶

(۲) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مهدق ۴ ص ۸۲

(۳) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مهدق ۴ ص ۹۷

علاوه بر پیشنهاد فوق که باتفاق آراء مورد توافق اعضا<sup>۱</sup> کمیسیون بود، پیشنهاد ملی شدن نفت نیز از طرف جبهه در کمیسیون طرح شد، لیکن این پیشنهاد مورد قبول نیفتاد و کار کمیسیون در ابتدا با مخالفت بالایحه الحاقی گس-گلشائیان و اراضی مخالفت به مجلس خاتمه پذیرفت.

ولی دکتر مهدق بلافاصله پس از ارائه نظر کمیسیون به مجلس طی نطقش که بوسیله آقای مکی قرائت شد، مسئله ملی شدن صنعت نفت را در جلسه علنی مجلس طرح کرده و خطاب به نمایندگان میگوید:

«..... اگر خود را نماینده ملت میدانید، راهی برای شما جز استیفای کامل حقوق ملت ایران از راه ملی کردن صنعت نفت در تمام ایران، وجود ندارد. در صورتیکه ..... در انجام این وظیفه ملی و وجدانی تعلل وتردید بخرج دهید، دیگر هیچ اسمی بر آن نمیتوان گذارد و یقین است که هیچیک از افراد ملت گرسنه و فقیر ایران این گناه را بر ما و اقبابمان نخواهد بخشید، و دسریا زود انتقام این تعلل و مسامحه و عدم انجام وظیفه نمایندگان را از ما و اولاد و اقبابمان خواهد کشید.»<sup>(۱)</sup>

جبهه ملی، ملی کردن صنعت نفت را، یگانه راه رهائی ملت ایران از قید سلطه بیگانه میدانست<sup>(۲)</sup> و معتقد بود تا شرکت نفت هست ایران نخواهد توانست از استقلال سیاسی و اقتصادی برخوردار گردد.<sup>(۳)</sup> و برای تحقق بخشیدن باین مهم با تمام نیرو به بسیج افکار عمومی پرداخت. دیری نپائید که شرکت نفت احساس خطر کرد و از طریق دستیارانش نیروی اقلیت راتحت فشار سیاسی قرارداد.

(۱) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مهدق، ص ۴۱۶

(۲) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مهدق، ص ۴۱۶

(۳) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مهدق، ص ۱۳۸

رزم آراء عرصه را بر اقلیت و جرایدی که منعکس کننده افکار آنان بودند تنگ کرد و روزنامه های ملی را توقیف نمود و حتی آنطور که مهدق میگوید طرح ترور او را نیز تهیه کرد (۱)

وقتی شرکت نفت اوضاع و احوال را نامناسب دید و دریافت که مخالفت با لایحه الحاقی گس- گلشائیان می رود تا به قانون ملی شدن صنعت نفت بیانجامد بدولت دست نشانده دستور داد لایحه الحاقی را که تا دیروز در مجلس مدافع آن بود مسترد دارد.

ولی این طرح خائنانه توسط اقلیت افشاء گردید و نافرمام ماند.

کمیسیون نفت پس از مخالفت با لایحه الحاقی دو ماه فرصت گرفت تا در زمینه ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بررسی بعمل آورد. در تاریخ ۱۲ / ۱۲ / ۲۹ کمیسیون نفت تصمیم خود را مبنی بر ملی شدن صنعت نفت به عرض مجلس شورای ملی رسانید و در همان روز تصمیم کمیسیون به تصویب مجلس شورا و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب مجلس سنارسید و بدین ترتیب صنعت نفت به همت جبهه ملی و رهبری دکتر مهدق درست ۵۰ سال بعد از تاریخ تأسیس، ملی اعلام گردید.

بعد از اعلام ملی شدن صنعت نفت کمیسیون مذکور طرح قانونی طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت ( قانون خلع ید ) را در ماده (۲) تنظیم کرد که در تاریخ ۱۷ اردیبهشت / ۱۳۳۰ به تصویب مجلس رسید و دولت مسئول اجرای آن گردید.

### حزب توده و جبهه ملی

آنچه در فوق آمده از عملکرد رزم آراء و سایر نخست وزیران گرفته تا اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی بخش ناچیزی بود از گوشه های مستمری که جانبداران سیاست یک

(۱) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مهدق ص ۷۱

(۲) - ماده ۹ قانون خلع ید ص ۱۳۸ انتشارات مهدق ۴

یکجانبه به نفع انگلیس و آمریکا برای سرکوبی ندای آزاد یخواهی و تلاش جبهه ملی  
بکار میبردند .

از جانب دیگر جبهه ملی آماج تیرهای تهمت و ناروا از جانب جانبداران سیاست  
یک جانبه به نفع شوروی یعنی حزب توده بود ، درست همزمان با کوششهای جبهه ملی  
و دکتر مصدق جهت تصویب طرح ملی کردن صنعت نفت حزب توده تمام نیروی خود  
را جهت مشوب کردن افکار عمومی علیه نهضت ملی بکار میبرد . روزنامه " بسوی آینده "  
که در حقیقت ارگان علنی حزب توده بشمار میرفت در معرفی جبهه ملی و اقلیت مجلس  
نوشت :

" . . . . . مجلس ایران از سه گروه تشکیل شده است . گروه اول باست متولسی  
کارگردان امورند ، اینها افرادی هستند که پای بند به هیچگونه مسلک و رویه  
سیاسی نیستند ، عقاید و نظریاتشان را مانند پیراهن عوض میکنند ، با همه کس  
و همه چیز میسازند ، اینها واسطه العقد جناحهای مختلف طبقه حاکمه ایرانند  
گروهی دیگر اقمار خورشیدهای نکبت و بدبختی اند ، وجودشان منبعث از وجود  
" متولی هاست ، هرچه متولی ها بگویند ، میگویند و هرچه رانهای کنند از آن سر  
می پیچند . غیر از این دو گروه ، گروه سوم هم هستند که آنها را " عوام فریبان "  
باید نامید . عوام فریبان واجد کلیه خصائص آند و گروه دیگرند و ضمناً یک خصیصه  
دیگر هم دارند و آن " فسخواری " برای ملت ایرانست . ملتی که هرگز او را  
نشناخته اند ، ملتی که حتی یک شب در گرسنگی ، بدبختی و دریدری دمسازش  
نبوده اند ، ملتی که هرگز ایده آلهای و آمالش را ندانسته اند . عوام فریبان همیشه  
" سینه خود را سپر تیرلاریا و مخافات میکنند همیشه پرچمدار حفظ استقلال و آزادی  
کشورند . . . . . ولی حتی بکار دیده نشده است که به نفع استقلال و آزادی -  
واقعی کشور و به نفع حقوق مردم و قانون اساسی کوچکترین اقدام مفید و موثری  
کرده باشند .



«... عوام‌فریبان آخرین تیرترکش استعمارند و دکتر مهدق نماینده آن گروه است.» (۱)

«جبهه ملی جریانی است مربوط به بورژوازی و ملاکین لیبرال.» (۲)

و نیز حزب توده در ترسیم سیمای ملی اعلام میدارد که:

«ملی» نقاب سیاهی است که چهره‌های داغدار و رنگین را می‌پوشاند. ملی سرخوش است که قبایح و زناایل را مخفی میکند. ملی لنگرست که در پس آن دشمنان عوام فریب خلق، دزدان، غارتگران، مزدوران فرومایه استعمار، طفیلی‌ها و جشرات پلید بتوطئه جینی، تخریب، تحریک، آشفتن اذهان، تیره کردن روانها، زد و بند، ایجاد فئسده و آشوب، توهین بمبارزان راه آزادی داد میدهند.

«... ملی با استعمار مخالفست ولی درفش استعمار را بردوش میکشد. با بیگانه دشمن است، ولی از بیگانه دستور میگیرد، برای ملت دل میسوزاند ولی در کام ملت زهر می‌چکاند، برای آزادی ملت سینه میزند ولی برای حلقوم ملت طناب دار ابریشمین میبافد... سرنوشت ملی چیست؟ تاریخ آموخته است که سرنوشت ملی عقب نشینی است، شکست است، سقوط است و پس از آن مرگ سیاه، پس از آن لعن و نفرین و دشنام خلق، در تنگای گردآلود تاریخ هرکس که به معارضة با خلق برخیزد، بی شک بزمین خواهد خورد، بی شک لگد کوب خواهد شد، بی شک نابود خواهد گشت... خواهیم بود واضحلال ملی‌ها را خواهیم دید...» (۳)

(۱) - روزنامه بسوی آینده شماره ۱۲۱ مورخه ۲۹/۷/۳۳ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، ص ۲۴.

۵۳

(۲) - رزم ارگان سازمان جوانان حزب توده ایران، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده، ص

(۳) - روزنامه بسوی آینده شماره ۱۲۲ مورخه ۲۹/۷/۳۳ سیمای ملیون - ملی

چیست و کیست، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، صص ۲۵-۲۴.

حزب توده در مقاله "جبهه ملی یا عامل رسوای استعمار" نیز نوشت :

"... بلوک استعمار انگلو امریکن طی سالیان اخیر به خصوص احساس کرده است که باشیوه های قرون وسطائی به هیچوجه نمیتواند از سیل مبارزه و کوشش پیگیر مردم برای درهم گسستن زنجیرهای استعمار جلوگیری کند . بدین مناسبت - استعمار طلبان انگلیسی و امریکائی برای جلوگیری از پیشرفت شمرخش مبارزه ملت‌ها بطریق و وسائل تازه ای توسل میجویند ، ایجاد جریانات کاذب اصلاح طلبانه ، تشکیل جبهه ها و دسته ها از عوامل و ایادی خود ، نشر شعارهای "بظاهر مرفی ولی در باطن ارتجاعی و استعماری و از این قبیل شیوه هاست در کشورهای عقب مانده نظیر ایران تشکیل دسته بندیهای ارتجاعی و کثیفی نظیر "جبهه ملی" از این گونه اقداماتست . جبهه ملی یک جریان در رفین رفوز هستی است که باشعارهای متقلبانه خود ، درصد د انحراف توده های ملت از مبارزه صحیح و هیق اجتماعیت . سرجنبانان این دسته های پلید در همانحال که در یک دست شعارهای متقلبانه عرضه میدارند ، در دست دیگر زنجیرهای سنگینی برای بزنجیر کشیدن ملت رنجدیده مآآماده کرده اند . . . . امپریالیزم تنها در ایران نیست که به تشکیل چنین جبهه مزدوری دست زده است . اما در ایران این کوشش استعماری شکل مفتضح تر و پلیدتری بخود گرفته است ."

"امپریالیسم در ایران" بایجاد یک بند و بست مبتذل و کثیف مرکب از عوامل خود پرداخت و آنرا "جبهه ملی" نام گذارد . . . . تردید نباید داشت که این باصطلاح "جبهه ملی کلاً مجری نظریات استعمارست" . (۱)

بدین ترتیب حزب توده با رواداشتن پلیدترین فحش‌ها و تهمت ها و هرچسب‌ها به جبهه ملی که زیر ضربات مزدوران استعمار پیشاپوش نهضت ملی ایران برای ملی کردن صنعت نفت حرکت میکرد و رهبری واقعی پی‌کار مقدس ضد استعماری ملت ایران

(۱) - بسوی آینده شماره ۱۲۴ مورخه ۸ / ۹ / ۲۹ نقل از کتاب گدشته چراغ راه آیند هاست

داد دست داشت ، در صف مخالفین آن قرار گرفت و در حماسه‌ترین مراحل تاریخی ملت ایران از هرگونه حادثه آفرینی علیه نهضت ملی در رخ نورزید .

اعمال نادرست حزب توده در دست زبانی صورت گرفت که پیش از هر زمان دیگر ملت ایران نیازمند وحدت ملی و آرامش خاطر بود و در دست در همین زمان حزب توده کلیه وسائل تبلیغاتی خود را جهت مشوب کردن اذهان عمومی بسیج کرده بود .

حزب توده از همان ابتدای جریان ملی شدن صنعت نفت در کار رژیم آراه به مبارزه با همدق و جبهه ملی برخاست و پس از مرگ وی با عنوان کردن شعار لغو قرارداد نفت جنوب تزجبهه ملی یعنی ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور رایك تزامیكائی معرفی کند (۱) و با تمام قوا در این زمینه تبلیغ نمود .

در باره اینکه این شعار تا چه حد نادرست و کاذب بود و چه اشکالاتی را برای دولت ملی می‌توانست به همراه داشته باشد ، و در باره اتهاماتی که حزب توده به جبهه ملی می‌پست از خود مطالبی نمی‌آوریم و فقط به نقل قسمتی از استغفارنامه حزب توده که در پلنوم چهارم این حزب آمده است اکتفا میکنیم . در آنجا حزب توده به نادرست بودن رویه خود نسبت به جبهه ملی احترام کرده مینویسد :

« . . . سمت گیری غلط در باره مسئله ملی شدن صنایع نفت ( در ابتدای جنبش )  
 « و خط مشی . چپ روانه و نادرست در قبال جبهه ملی و حکومت دکتر مهدق مهم‌ترین  
 « اشتباه سیاسی حزب مادر جریان سالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد بشمار  
 « می‌آید ، رهبری حزب بجای آنکه از شعار ملی شدن صنایع نفت در صورت سرایران  
 « که مورد پشتیبانی توده های وسیع مردم و حلقه اساسی اتحاد کلمه نیروهای  
 « ضد امپریالیستی بود ، طرفداری نماید ، شعار لغو قرارداد نفت جنوب و ملی  
 « کردن آنرا در مقابل شعار جبهه ملی مطرح ساخت . این شعار حزب مادر باره  
 « نفت هم از لحاظ منطقی و هم از نظر تاکتیکی نادرست بوده است ، زیرا اولاً ملی

(۱) - پلنوم چهارم حزب توده ص ۳

• شدن صنایع نفت خود بخود الغاء قرارداد ۱۹۳۳ را در برداشت و چون بر مبنای حق حاکمیت ایران استوار بود خدشه ناپذیر بود ، در صورتیکه الغاء يك جانبه قرارداد ۱۹۳۳ ، دولت ایران را به مشکلات قضائی میکشانید و قبولانندن آن در مراجع بین المللی خالی از اشکال نبود . ثانیاً محدود ساختن قانون ملی کردن صنایع نفت بیکى از نواحى نمیتوانست اصولاً صحیح باشد . . . . .

• شعارهای حزب مادر باره نفت مبتنى بر این تحلیل نادرست بود که گویا فقط تضاد بین دو امپریالیسم امریکا و انگلستان موجب پیدایش جریان ملی شدن صنایع نفت شده است و چون پیشنهاد ملی شدن صنایع نفت علیه امپریالیسم انگلستان است ناچار از طرف امپریالیستهای امریکائی برای زمین زدن رقیب امپریالیست دیگر در میان کشیده شده و همین مناسبت باید شعار ملی شدن نفت را یکجا با طرفداران آن کوید و شعار دیگری را جانشین آن نمود .

• همین سبب در تاکتیک حزب ما خطاهای حدی نسبت به جبهه ملی و دولت دکتر مهدق بروز نمود . رهبری حزب ما بجای آنکه جبهه ملی و حکومت دکتر مهدق را در مقابل حملات امپریالیسم و سیاهترین جناح هیئت حاکمه حمایت نموده ، جهات مثبت روش رهبران پروروازی ملی را مورد پشتیبانی قرار دهد ، تأمدت طولانی جبهه ملی و حکومت دکتر مهدق را شدیداً مورد حمله قرار داد ، تا سرانجام واقعیت بطلان این روش را با ثبات رسانید .

• رهبری حزب ما بجای آنکه جنبه های ناپیگیر اقدامات جبهه ملی را با روش مشتی انتقاد کند ، اقدامات دولت دکتر مهدق را در مسئله نفت سازش نهائی با امپریالیسم امریکا خواند و دستگاه تبلیغی حزب ما بارها پیشگوئی های تازه ای درباره این سازش قطعی نمود ولی واقعیات این پیشگوئی های حزب ما را تکذیب کرد (۱)

(۱) - قطعنامه پلنم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره روش حزب در مورد مسئله ملی شدن صنایع نفت تیرماه ۱۳۳۶ ( پلنم چهارم صص ۳ - ۴ )

نظری سطحی به محتوای این استغفار نامه که در حقیقت اعتراف به " خطاهای جدی حزب توده در تاکتیک "!! و توجیه آن زمانی این خطاهاست، نشان می‌دهد که رهبران حزب توده در آن روزگار تاچه حد فاقد اندیشه سیاسی و تاچه اندازه وابسته به اوامر صادراتی روسیه بوده اند. چه فرضاً اگر سازشی بین مصدق و امریکا در کار بوده باشد ( که طبق اعتراف پلنوم چهارم واقعیات این امر را تکذیب کرد ) درست می‌بایست شعارهای جبهه ملی و حزب توده معکوس گردند. بدین معنی که جبهه ملی لغو قرارداد نفت جنوب را شعار قرار دهد تا انگلیس‌ها را بیرون رانده و امریکائیها را جانشین آنان سازد. و حزب توده که به خیال خودش تضاد امریکا و انگلیس و سازش مصدق را با امریکا شناخته است می‌بایست شعار ملی شدن صنعت نفت در سر تا کشور را انتخاب کند تا یکسره هم به جنگ انگلستان رفته باشد و هم امکانی به امریکا جهت گسترش نفوذش در ایران نداده باشد. ولی حقیقت اینست که این توجیهات علمی بعد ها فراهم آمده است و خطاهای جدی حزب توده متأسفانه خطاهای تاکتیکی نبوده است و برخلاف آنچه که خود مدعی اند، این خطاها که از بدو پیدایش این حزب تا ۲۸ مرداد و از آن پس نیز تا با امروز در جریانهای که خود را با این نسام و نشان می‌خوانند وجود داشته و دارد، معلول وابستگی حزب توده به روسیه شوروی و اطاعت کورکورانه از اوامر حزب برادر بوده است و از آنجا که روسیه شوروی از همان زمانها با امپریالیسم جهانی بر سر مناطق مختلف جهان سازش و تسبانی کرده بود و این سازش سقوط دولت مصدق را نیز ایجاب میکرد، دیگر از همکاری حزب توده به عنوان خطا نمیتوان نام برد، بلکه خیانتی بوده به نهضت ملی ایران.

### دوران نخست وزیری

کشته شدن رژیم آراء در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ از طرفی و تصویب تصمیم کمیسیون نفت در کمیسیون و در مجلس شورای ملی و سنا با آن سرعت که بقول مصدق هیچکس تصورش را نمیکرد<sup>(۱)</sup> امپریالیسم انگلیس را سخت غافلگیر نمود. لذا می‌بایست خیلی سریع پاورقی در صفحه بعد

پاره ای میاندیشید .

رزم آراه به عنوان عنصری مدافع بیگانه هیجان ملی را آنچنان باج رسانید که قتلش تدارک دیده شد ، لذا پس از مرگش میبایست کابینه ای محلل روی کار آید ، تا آبی بر آتش هیجان عمومی بپاشد و زمینه را برای عناصری از قماش رزم آراه فراهم سازد ، لذا علاء مامور تشکیل کابینه شد و بعنوان اولین گام حکومت نظامی را لغو کرد و در تشکیل کابینه از وزراء کابینه قبلی که در حقیقت کابینه مدافع قرارداد الحاقی بود دعوت نکرد . او میخواست باین ترتیب هیجان ها فرو نشیند و زمینه کار برای نخست وزیری سید ضیاء الدین فراهم آید ، تا او با تشکیل کابینه ای مدافع سیاست انگلیس کلیه دست آورد های مجلسین را در زمینه ملی شدن صنعت نفت خنثی سازد (۲)

جبهه ملی با آگاهی به این خدعه امپریالیسم جهت عقیم کردن آن در صدد برآمد که اولاً با کابینه علاء مخالفت نکند تا بهانه ای برای استعفای او حاصل نشود و ثانیاً این خدعه را افشاء سازد .

مصدق در نطق روز ۲۲ / فروردین / ۱۳۳۰ میگوید :

..... من ناچارم که این حقایق را از پشت این تریبون به سمع ملت ایسرا ز بوسانم که محتمل است اگر کابینه علاء ساقط شود ، کابینه قوام السلطنه یا کسی مثل او زمامدار شود ، کاری که ما هیچوقت نمیتوانیم با آن موافقت کنیم . چونکه قوام السلطنه و امثال او کسانی هستند که هیچوقت هوئی از آزادی به شما نشان نرسید است . . . . . (۳)

ولی دیری نپائید که ( ۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ ) پیش بینی دکتر مصدق بوقوع پیوست و علاء استعفا کرد و میدان را برای کسانی که میبایست جهت حرکت ملی را منحرف

(۱) و (۲) نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و پهن گام

نخست وزیری ، انتشارات مصدق ، صص ۱۱-۱۸ ، ۱۰

(۳) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ، ص ۴ ص ۱۲۸

سازند خالی ساخت .

دنباله ماجرا<sup>۱</sup> می‌بایست اینطور جریان یابد که به دکتر مهدق پیشنهاد زمانداری داده شود و اینطور پیش بینی شده بود که او همچون دوره چهاردهم نخست وزیری را نخواهد پذیرفت و لذا دیگر بهانه ای باقی نخواهد ماند . وسید ضیاء الدین طباطبائی میتواند بدون درد سر وارد معرکه شود .

ولی نقشه های دستیاران پیگانم با برخورد آگاهانه دکتر مهدق نقش بر آب شد . او که نسبت به خدعه های دستیاران انگلیس آگاهی داشت پیشنهاد را بلافاصله و تنها بشرط تصویب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت ( قانون خلع ید ) پذیرفت . این شرط نیز با توجه به روحیات زمان قابل مخالفت نبود ، قانون مذکور به تاریخ ۷ اردیبهشت در مجلس شورا و در دهم اردیبهشت در مجلس سنا به تصویب رسید . و دکتر مهدق روز ۱۲ / اردیبهشت / ۱۳۳۰ کابینه خود را به مجلس معرفی کرد و برنامه اصلی دولت خود را بشرح زیر تقدیم مجلس نمود .<sup>(۱)</sup>

سیاست داخلی :

۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورخه نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ و تخصیص عوائد حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصاد کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی .

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها .

سیاست خارجی :

سیاستی مهتمی بر منشور ملل متحد و تقویت ایمن سازمان بین المللی و دوستی با کلیه دول و احترام متقابل نسبت به همه ملل .

(۱) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مهدق ص ۱۲۸

برنامه دولت در مجلس با ۹۹ رأی موافق از ۱۰۲ رأی به تصویب رسید و به دولت اورای اعتماد داده شد.<sup>(۱)</sup> دولت مهدق از آغاز کار اجرای قانون خلعید را مرکز ثقل عمل خود قرار داد.<sup>(۲)</sup>

در خرداد ماه ۱۳۳۰ دکتر مهدق هیئت مدیره موقت شرکت نفت را تعیین و آنسان را مأمور خلعید کرد و روز ۲۹/خرداد/۱۳۳۰ خلعید از شرکت نفت انگلیسی بعمل آمد.

دولت انگلیس که به هیچ قیمت حاضر به از دست دادن منافع خود در ایران نبود به دیوان بین المللی لاهه شکایت برد ولی دولت مهدق به دخالت دیوان بین المللی مبنی بر اینکه دیوان فقط حق دخالت در دعاوی بین دول را داراست و نه حق دخالت در دعاوی یک دولت و یکی شرکت تجاری را، اعتراض کرد و عدم صلاحیت دیوان بین المللی لاهه را در این باره اعلام داشت.<sup>(۳)</sup> ولی دیوان لاهه بدون توجه به اعتراض دولت ایران در تیرماه همانسال دستور موقتی به منظور جلوگیری از عملیات دولت ایران و رفع مزاحمت از شرکت سابق نفت تا زمان رسیدگی نهائی به قضیه صادر کرد.

ولی دولت به دستور دیوان بین المللی وقعی ننهاد و در مقام دفاع از منافع ملت ایران آنطور که شایسته بود پاشرکت انگلیسی عمل کرد. این امر سبب شد که دولت انگلیس به بهانه اینکه دولت ایران تصمم دیوان بین المللی لاهه را اجراء نکرده و لذا صلح بین المللی را به خطر انداخته است به شورای امنیت شکایت برد.<sup>(۴)</sup>

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری، انتشارات مهدق، ص ۵.

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق، ص ۶، ص ۱۲۴.

(۳) - نطق وزیر خارجه مهدق (فاطمی)، در جلنه ۱۶ تیر ۱۳۳۰ نقل از انتشارات مهدق، ص ۲۵.

(۴) نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری، انتشارات مهدق، صص ۹۰-۸۹.



جلسات شورای امنیت در روزهای ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ مه‌ماه ۱۳۳۰ با حضور دکتر مصدق تشکیل شد و او از حقانیت ایران و نهضت ملی دفاع کرد و نتیجتاً شورای امنیت برخلاف تقاضای انگلیس از لحاظ آئین نامه داخلی خود مقرر داشت که تادیوان بین‌المللی لاهه راجع به صلاحیت خود اظهار نظر نکرده است موضوع مسکوت میماند.<sup>(۱)</sup>

دکتر مصدق در بهمن ماه ۱۳۳۰ انحلال کنسولگری های انگلیس<sup>(۲)</sup> و شعب شورای فرهنگی بریتانیا را در ایران که تبدیل به مراکز توطئه های ضد ملی شده بودند، اعلام کرد و در خرداد ماه ۱۳۳۱ به لاهه رفت و علاوه بر اثبات عدم صلاحیت دیسوان بین‌المللی در حدود ۱۸۱ سند مبنی بر دخالت انگلیس در امور ایران به دادگاه ارائه کرد و روز ۱۹ خرداد خطاب به دادگاه چنین گفت :

«هیچگونه امکان اخلاقی یا سیاسی وجود ندارد تا باستناد آن دادگاه ملی کردن صنعت نفت ایران را مورد رسیدگی قرار دهد. من به لاهه آمده ام تا درباره جنبه های اخلاقی و سیاسی مبحث نفت برای دادگاه سخنانی بگویم. من با وجود ضعف جسمانی و کسالت به لاهه آمده ام تا دریابید که ماتحت هیچ گونه اوضاعی صلاحیت دادگاه را در این باب برسمیت نخواهیم شناخت. ما نمیتوانیم خود را در مقابل آنچه که ممکنست از تصمیم نامطلوب دادگاه و خطرات حاصله از آن برای ما بوجود آید، بخطر اندازیم...»<sup>(۲)</sup>

در این اوان انتخابات دوره هفدهم بعلمت دخالت ارتش و اسباب چینی های حزبی بوده در ممانعت از ابراز تمایل واقعی مردم به داوطلبان نمایندگی مورد اعتماد خود بدستور دولت متوقف ماند ولی چون تعداد وکلای انتخاب شده برای تشکیل مجلس کافی بود مجلس هفدهم افتتاح شد و دکتر مصدق پس از بازگشت بایران و افتتاح مجلس هفدهم مطابق سنن پارلمانی استعفا کرد.

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نه

وزیری، انتشارات مصدق، ص ۹۰

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، انتشارات مصدق، صص ۹۱-۸۹

و مجلس باردیگر به نخست وزیری او رأی تمایل داد . ولی مهدق جهت تحکیم مواضع خود و برای خنثی کردن دسیسه های ارتجاع پذیرش نخست وزیری را مشروط باین کرد که وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا را خود تحت نظر بگیرد .

مهدق میدانست که امپریالیسم انگلیس باین سادگی از منافع خود در ایران نخواهد گذشت و میدید که هر روز خدعه های جدید توسط عمال انگلیس برای ساقط کردن حکومت ملی طرح ریزی میشود . مهدق آگاه بود که روز بروز نفوذ شاه در ارتش بیشتر میشود و امکان دارد با کمک ارتش طرح کودتا و نتیجتاً انهدام و سرکوبی نهضت ملی تدارک شرعی بخصم که حوادثی از قبیل ۲۳ تیر ۱۳۳۰ که مستقیماً از طرف دربار هدایت میشد . را روز بروز بر سیاست مستقل مهدق تنگ تر میکرد . لذا مهدق برای پیش گیری این دسیسه ها تصمیم داشت کلیه سازمانهای دولتی من جمله ارتش را کاملاً تحت نظارت شخص خود قرار دهد . دکتر مهدق معتقد بود که وزراء در مقابل مجلس مسئولیت مشترك دارند و لذا وزیر جنگ نیز میبایست از طرف نخست وزیر انتخاب گردد . اما تا آن تاریخ وزیر جنگ را شاه شخصاً انتخاب میکرد و وزارت جنگ فقط مجری فرمانهای شاه بود . بگونه ای که نه تنها دولت از چگونگی تعالیم و دستورهای ارتش مطلع نمیشد ، بلکه از حق نظارت بر اعمال فرماندهان لشکرها و رئیس ستاد ارتش و دوایر ارتشی نیز محروم بود .

و همین امر سبب شده بود که در باره عنوان دستیار استعمار و کانون قدرت ارتش و شهرانی هر روز خدعه ای و توطئه ای علیه دولت مهدق تدارک بیند . و طبیعی بود که شاه در مقابل مهدق در زمینه اجرای طرح او مقاومت کند . نتیجتاً مهدق بعزت مخالفت شاه مبنی بخدمت واکذاری وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا باودرتاریخ ۲۵ / تیر / ۱۳۳۱ طی نامه ذیل استعفاء خود را اعلام داشت :

• چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب میکند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده دار شود

"واینکار مورد مدح و ستایش شاهانه واقع نشد، البته بهتر است که دولت آینده راکسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند. و با وضع فعلی ممکن نیست مبارزاتی را که ملت ایران شروع کرده است پیروز مندانه خاتمه دهد." (۱)

پس از استعفاً مهدق بلافاصله به همت فراماسونهای لژیونهای که در رأس آنها شاه قرار داشت، قوام السلطنه، عامل بیگانه، همانطوریکه مهدق خود پیش بینی میکرد (۲) مامور تشکیل کابینه شد تا نهضت ملی را منحرف سازد و جنبش را به بن بست کشاند و صدای آزادیخواهان را در حلقه خفه کند و یار دیگر راه را جهت نفوذ استعمارگران هموار سازد. قوام السلطنه طی اعلامیه ای گفت:

"وای بحال کسانی که در اقدامات نُهیلحانه من اخلاص کنند یا نظم عمومی را برهم بزنند، چنین کسان را به حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیره روزی میسانم... کشتی بان را سیاستی دگر آمد."

ولی ملت ایران که طعم آزادی و استقلال و رفاه عمومی را در دوران کوتاه زماندار مهدق چشیده بود از شعارهای تهدید آمیز قوام السلطنه نهرا سیده و دعوت فراکسین نهضت ملی ایران را مبنی بر تعطیل عمومی در روز ۳۰ تیر ۱۳۲۱ و برپانمودن تظاهرات خیابانی به پشتیبانی نهضت ملی و دکتر مهدق لبیک گفت. این دعوت و پشتیبانی شجاعانه ملت از مهدق و تظاهراتی که خواسته مردم در آن در شعار مهدق پیروز است، مرگ بر انگلیس، مرگ بر قوام السلطنه، تبلور میافت، قیام مقدس سیر را بوجود آورد. قوام السلطنه مجبور به استعفا شد و مهدق روز ۳۱ تیر ۱۳۲۱ پیروز مندانه بازگشت و وزارت دفاع ملی را که عنوان جدید وزارت جنگ بود نیز خود عهده دار گردید. (۳)

(۱) - ملی شدن صنعت نفت در ایران، نوشته فواد روحانی، ص ۲۸۲  
 (۲) - نطق های دکتر مهدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مهدق، ص ۴۸  
 (۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق، ص ۶  
 ■ در رابطه با نقش حزب توده در ۲۰ تیر به بخش نقش ایادی بیگانه مراجعه شود.

همان روز نیز دادگاه لاهه رأی به عدم صلاحیت خود داد و ایران در محاکم بین المللی هم پیروز گردید .

مصدق بعد از معرفی کابینه خود به مجلس و تقدیم برنامه دولت ، از مجلس تقاضای اختیاراتی کرد که به موجب آن بتواند لوایحی را که جهت اجرای برنامه دولت واجب و ضروری میدانند تصویب و موقتاً اجراء نماید .

مصدق در این باره میگوید :

« . . . . در سالهای اخیر قسمتی از امور مالی و اقتصادی کشور متکی به عواید نفت جنوب بود که پس از ملی شدن صنعت نفت بواسطه تخیصات و کارشکنی‌هایی که برای فروش نفت ایجاد نموده اند بودجه کشور با مشکلاتی مواجه شده که برای رفع این مشکلات فقط اینطور بنظر میرسد که در بودجه دولت و امور جاری اقتصاد کشور با قطع نظر از درآمد نفت تعادل برقرار شود و اثرات کارشکنی‌ها و تخیصاتی که از ناحیه شرکت سابق و عوامل آن بعمل میآید مرتفع گردد .

« با اینکه دولت اینجانب سعی دارد که تمام اقدامات خود را مبتنی بر قوانین مصوب بنماید ، مع هذا رفع مشکلاتی که برای ملت ایران ایجاد شده ، ایجاب میکند که نسبت به اصلاحات مورد نظر بسرعت ولی البته با مطالعه و دقت تصمیمات لازم اتخاذ شده به موقع اجراء گذاشته شود ، چرا که بنا باشد در این موقع حساس - برای هر یک از این اصلاحات لازم و فوری لوایحی تهیه و پس از تشریفات پارلمانی بموقع اجراء درآید ، فرصت از دست میرود و هیچ اصلاحی به موقع ضروری خود

انجام نخواهد گرفت . زیرا اصلاح امور مالی و اقتصادی با اصلاحات دیگری در امور اجتماعی و سازمانی و اداری و استخدامی و قضائی ملازمه دارد و بسیاری از مسائل اقتصادی است که باید بفوریت در آن تصمیم گرفته شود والا ممکن است بر اثر طول زمان مورد سوء استفاده قرار گرفته و باین نتیجه مطلوب از آن گرفته نشود ، از این رو با استظهار به علاقه ای که آقایان نمایندگان محترم به فوریت

اصلاحات دارند، ماده واحده زیر را که ضامن اجرای مواد بزرگوار<sup>۱</sup> پیشنهاد  
و تصویب آنرا با قید فوریت استدعا می‌کنم:

ماده واحده: به آقای دکتر همدق نخست وزیر اختیار داده میشود که از تاریخ  
تصویب این قانون تا مدت ۶ ماه لوایحی را که برای اجرای مواد  
گانه برنامه دولت ضروری است، تهیه نموده و پس از آزمایش  
آنها را تقدیم مجلس نمایند. و تا هنگامی که تکلیف آنها در مجلسین  
معین نشده لازم الاجراء میباشد. (۱)

ماده واحده پیشنهادی دکتر همدق در مرداد ماه ۱۳۳۱ به تصویب مجلس  
رسید. (۲)

او با استفاده از اختیارات با دقت و مراقبت مخصوص لوایحی مهمی تهیه و تنظیم و  
اجراء نمود و این اختیارات منشاء و مکمل قوانین و اقدامات وسیع و همه جانبه همدق برای  
بهبود وضع مردم گردید که متأسفانه اجرای تمامی برنامه او بعلت سقوط حکومت ملی  
پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عقیم ماند.

ذیلاً به برخی از این لوایح و سایر اقدامات دوران زمامداری دکتر همدق اشاره میشود.  
امور خارج از اختیارات:

- تکمیل لوله کشی آب تهران.
- تعیین کمیسیونی مرکب از دادستان کل کشور و شش نفر از نمایندگان مجلسین برای  
تعیین تکلیف اوراق مکشوفه شرکت نفت سابق و تعقیب کسانی که به ضرر مملکت ارتباط  
نامشروع با بیگانگان داشته اند.
- اجازه انتشار دو ملیارد ریال برگهای وام یکصد ریالی بعنوان قرضه ملی برای تأمین  
مخارج کلیه امور مربوط به اجرای ملی شدن صنعت نفت.

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر همدق، انتشارات همدق ۶، ص ۶

(۲) - این اختیارات بعداً برای یکسال تمدید گردید.

— اجازه تحصیل بیست و پنج میلیون دلار اعتبار از بانک صادرات و واردات واشنگتن برای تأمین هزینه اجرای طرحهای کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی و راهسازی و سایر طرحهای عمرانی مندرج در برنامه هفتساله که اصل آن قبلاً بتصویب مجلس شورای ملی رسیده بود .

— قانون ملی شدن ارتباده نفتی در سراسر کشور که از جمله هدفهای آن ایجاد شبکه تلفنی در قصبات و دهات کشور بود .

— لایحه افزایش اعتبار بودجه وزارت فرهنگ برای اجرای قانون تعلیمات اجباری و تعلیم و تربیت اطفال عشایر .

#### در امور کشاورزی و حمایت کشاورزان :

— لایحه قانونی الغاء عوارض مالکانه در دهات .

— لایحه قانونی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی — تأسیس صندوق عمران و تعاون ده با تشکیل شورای ده — شورای دهقان ( برای اداره امور صندوق دهستان )  
شورای عمران و تعاون بخش — شورای عمران و تعاون شهرستان . وظایف شوراها  
مزبور ناظر بر تأمین جمیع وسایل لازم برای بهبود زندگی کشاورزان بود از قبیل تهیه آب مشروب سالم — ساختن خانه های ارزان — تأمین بهداشت — نگاهداری و تربیت یتیمان و تأمین معاش آنان — دادن وام بدون سود یا سود نازل به کشاورزان برای تهیه وسایل کشاورزی — احداث جاده و پلها — تأسیس دبستان و دبیرستان — ایجاد مراکز برق — ترویج صنایع محلی — احداث دبستانهای کشاورزی — تأسیس درمانگاه و داروخانه — بیمارستان — تأسیس شرکتهای تعاونی کشاورزی تولید و مصرف اعتبار .

— لایحه قانونی مبارزه با آفات و امراض نباتی .

— لایحه واگذاری باقیمانده وجوه دریافتی بابت صدی یک شورای کشاورزی به صندوق تعاون و عمران روستائی .

— لایحه معافیت صندوقهای روستائی و شرکتهای تعاونی از حق الثبت و عوارض تصحیر

## سهام و مالیات

- لایحه منع قطع درخت و صدور چوب گرد و و دریافت عوارض از چوب های صادراتی •
- لایحه ثبت اراضی موات اطراف تهران بنام دولت و منع قبول تقاضای ثبت نسبت به اراضی باثروموات •
- لایحه معافیت بذرو نهال و قلعه از حقوق و عوارض گمرکی •

در امور فرهنگی و حمایت فرهنگیان و تعلیمات اجباری - دانشگاه :

- لایحه تشکیل شورای عالی فرهنگ برای نظارت در امور فرهنگی - اصلاح فرهنگ کشور
- تنظیم شعائر ملی - اهتمام در تهذیب اخلاق عمومی •
- لایحه تشکیل کمیسیون ناظر خرج سهم فرهنگ از درآمد شهردارها •
- لایحه آموزش و پرورش عمومی •
- لایحه طرز اجرای استقلال مالی دانشگاه •

در اصلاح امور دادگستری و سازمان قضائی کشور - تأمین امنیت قضائی :

- لایحه حذف محاکم اختصاصی از جمله دادگاههای نظامی •
- لایحه تصفیه قضاات ( که به نحو مطلوب و امید بخشی اجرا شد ولی بعد از ۲۸ مرداد<sup>د</sup> بهم خورد )
- لایحه تفویض امور استخدامی قضاات به هیأتی مرکب از رئیس دیوان عالی کشور - دادستان گل کشور و نفر از رؤسای شعب دیوان کشور • ( تضمین کننده استقلال قوه قضائیه )
- بدین جهت که مانع دخالت قوه مجریه در امور قضاات می گردید •
- لایحه الغاء قانون تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی ( که در دوران دیکتاتور ی قبل از شهریور ۲۰ توسط د اور بتصویب مجلس رسیده بود و استقلال قوه قضائیه - قضاات را معدوم کرده بود ) •
- رسیدگی به صلاحیت اخلاقی قضاات •

- ترمیم حقوق بازنشستگی قضات.
  - سازمان اداره پزشکی قانونی.
  - لایحه استفاده از قضات دیوان کشور بجاننشینی اعضای غائب دادگاه انتظامی قضات.
  - لایحه اصلاح قانون آئین دادرسی مدنی.
  - لایحه تعیین جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت محاکم نظامی میباشد و انحصار جرائم و تخلفات به امور ناشی از مسائل و تکالیف نظامی.
  - مجازات قطع و تخریب وسائل مخابرات و برق برای جلوگیری از اختلال در نظم سیاسی بمقاصد سیاسی.
  - لایحه ثبت اسناد و املاک.
  - لایحه تعقیب استانداران و فرمانداران در محل خدمت.
  - لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری.
- در امور اقتصادی (بر اساس اقتصاد بدون نفت):
- لایحه تأسیس هیات نظارت صنعتی بمنظور حسن اداره و توسعه و حمایت صنایع کشور.
  - لایحه تشویق صادرات.
  - لایحه توسعه اکتشاف و استخراج معادن و برقراری روغن واحد در استفاده از ذخایر معدنی.
  - لایحه تأسیس اطاقهای بازرگانی.
  - لایحه تأسیس پلیس گمرک برای کشف و جلوگیری از قاچاق و اجرای قوانین اختصاصی گمرکی.
  - لایحه تهیه وسائل مبارزه با قاچاق.
  - لایحه اساسنامه شرکت ملی نفت ایران.
  - لایحه افزایش سرمایه بانک.
  - لایحه تأسیس بانک و توسعه صادرات.



در خصوص داری و امور مالیاتی :

- لایحه تشکیل کمیسیون های حل اختلاف مالیاتی .
- لایحه مجازات مامورینی که ازدادن مفاصا به مؤدیان خود داری نمایند .
- لایحه اصلاح قانون مالیات املاک مزروعی .
- لایحه مالیات براراضی .
- لایحه طرز رسیدگی به اختلافات مالیاتی .
- لایحه وصول مطالبات غیر مالیاتی دولت .

هریک ازلوايح مذکور اثر قابل توجهی در بهبود امور ما

امور آن بر اساس مصلحت دولت و مردم بود .

در مورد اصلاحات اداری و تعدیل بودجه اداری :

- لایحه بازنشسته کردن عده ای از کارمندان زائد و ناصالح در مؤسسات مهم ( سازمان برنامه - شهرداری - بهداری - وزارت فرهنگ - دادگستری )
- لایحه اجرای بودجه سازمانی وزارتخانه ها و دستگاههای دولتی برای طرد کارمندان ناشایسته و تشخیص کارمندان شایسته مشاغل مختلف توسط کمیسیونهای مرکب از پنج نفر صاحب منصبان مورد اعتماد و بصیر با اوضاع و احوال کارمندان در هر وزارتخانه .

در مورد تأمین مسکن :

- لایحه افزایش مالیات مستغلات برای احداث خانه های ارزان .
- لایحه تأسیس بانک ساختمانی ( برای نقشه برداری و تقسیم اراضی و ساختمان خانه و دادن وام مسکن ) .
- لایحه تعدیل اجاره بها به میزان ده درصد در مورد خانه ها و مغازه هایی که مال الاجاره آنها تا سه هزار ریال بوده .
- لایحه انتقال وجوه فروش اراضی یوسف آباد به بانک ساختمانی

در امور نظامی و ارتش :

- تبدیل نام " وزارت جنگ " به " وزارت دفاع ملی "
- لایحه اصلاح قانون ترفیحات ارتش .
- لایحه تصفیه ارتش .
- لایحه اصلاح قانون خدمت نظام وظیفه .
- لایحه برقراری مستمری برای وراثت افسران و درجه داران شهید و مقتول در راه انجام وظیفه .

در امور بهداشتی و اجتماعی :

- تصویب و اجرای لایحه مهم و مترقی " بیمه های اجتماعی "
- لایحه استخدام پرستاران فارغ التحصیل آموزشگاههای بهداشتی .
- لایحه تأسیس بنگاه کل دارویی ایران .
- وصول عوارض از بنزین برای کمک به مستمندان .
- لایحه مطبوعات ( در جهت تأمین آزادی قلم و امنیت ارباب قلم )

### محاصره اقتصادی

پس از آنکه قانون ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلسین رسید ، دولت انگلیس که حاضر به از دست دادن منافع امپریالیستی خود در ایران نبود پاکستی های موریشس و فلامتکو و قوای زمینی و دریائی و هوائی متمرکز در دیور و نزدیک مرزهای ایران به حربه تهدید متوسل شد<sup>(۱)</sup> ولی این حربه ، دولت مهدق را که بر ثبات و مقاومت ملت ایران استوار بود از پای نیانداخت و لذا انگلیس مجبور شد طرحی در ازمدت باجراه گذارد . اول آنکه دولت مهدق را به شورای امنیت و دادگاه بین المللی لاهه کشانهد و سعی نمود

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق ، انتشارات مهدق ، ۶ ، ص ۲۳

که با تبلیغات استعماری خود در دنیا عمل ملی شدن صنعت نفت را در ایران بعنوان  
 مصادره<sup>۱</sup> اموال غیر قلمداد نماید (۱) و ملت ایران را نالایق و عاجز از اداره صنعت  
 نفت جلوه دهد. جهان سرمایه داری میخواست با محاصره اقتصادی و با تحریکات  
 داخلی، قوای حکومت ملی را صرف این امور سازد و مانع از تدارک لوازم مقاومت  
 ملی خصوصاً بایه گذاری يك اقتصاد مستقل، و يك دولت مستقل و يك جامعه آزاد، گردد.  
 سرانجام دولت انگلیس و امریکا از این تدابیر نتیجه نگرفتند و چاره را در کودتای  
 مصدق دیدند. زیرا همانطور که نیویورک تا یمن نوشت " فیصله امر نفت با بودن دکتر  
 مصدق میسر نبود " (۲)

و مصدق خود در این باره میگوید :

هد  
 " . . . منظور از فشار اقتصادی و تنقیحات . . . که با هیچ قانونی وفق نمید  
 " این است که دولت انگلیس بدین وسیله مردم این مملکت را مستأصل و بریشان کند  
 " و زمینه را برای قبول تحریکات ایادی خود در ایران فراهم نماید . شاید بتواند  
 " به موقع مقتضی بوسائلی که دنیا و ملت ایران بآن آشناست دوباره اوضاع را بحال  
 " سابق درآورد " (۳)

به منظور اجرای طرح محاصره اقتصادی ایران، شرکت سابق نفت به پشتیبانی  
 انگلیس مانع شد که کشورهای نیازمند نفت با دولت مصدق وارد مذاکره و معامله شوند (۴)  
 بعبارت دیگر طرح تحریم معامله نفت با دولت مصدق بوسیله دولت انگلیس و به همکاری  
 و همراهی امریکا و روسیه در سطح جهانی اجرا گردید .

دولت انگلیس موجودیهای ایران را در بانکهای انگلیس توقیف کرد و از برداخت آنها

- (۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، انتشارات مصدق ۸ ص ۱۶  
 (۲) - نطق ها و مکتوبات مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیر  
 انتشارات مصدق ۵ ص ۹۲  
 (۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، انتشارات مصدق ۶ ص ۲۵  
 (۴) - انتشارات مصدق ۵ ص ۱۲۳ و انتشارات مصدق ۶ ص ۱۱ انتشارات مصدق ۸ ص

خود داری نمود<sup>(۱)</sup> دولت انگلیس مال التجاره بازرگانان و کالاهائی را از شرکت های انگلیسی خریده بود توقیف نمود<sup>(۲)</sup> و دولت ایران را از استفاده<sup>۳</sup> ارز استرلینگ محروم کرد<sup>(۳)</sup> دولت انگلیس به کشورهای تحت الحمايه اش دستور داد برای جلوگیری از فروش نفت ایران تانکرهاى ایران را در بنادر خود توقیف نمایند که از آن جمله توقیف تانکر ( ژیماری ) بدو<sup>(۴)</sup> بود . دولت انگلیس سعی داشت از طریق محاصره اقتصادی و سیاست دفع الوقت دولت همدق را مستأصل کند تا مجبور به استعفاء<sup>۴</sup> شود . بخصوص که از جانب امریکا و روسیه خاطرش آسوده بود ، البته عدم دریافت نفت میتواندست ضربه<sup>۵</sup> بزرگی بسریکرا امپریالیزم انگلیس وارد سازد زیرا نفت ایران علاوه برسوخت برای انگلیس در حکم کالائی بود که به سایر ممالک صادر میکرد و تحصیل ارز مینمود و با ارز دریافتی احتیاجات خود را از ممالک بر طرف میساخت<sup>(۵)</sup> و لذا اعدام دریافت نفت خود به منزله<sup>۶</sup> نوعی محاصره اقتصادی برای انگلیس به حساب میآمد .

در این باره نیویورک تایمز نوشت :

« انگلیس ها باید فعلاً<sup>۱</sup> بیش از یک میلیون دلار روزانه بعلت از دست دادن نفت ایران پرداخت نمایند<sup>(۶)</sup> . »

ولی امریکا با آنکه از غارت نفت ایران سهمی آنهم کلان میخواهد ، منافع خود را در شکست انگلستان از ایران نمیدید ، لذا با کمک اقتصادی بانگلستان ، اقتصاد آنرا از خطر سقوط حفظ می کرد و انگلیس می توانست با دریافت کمکهای نقدی از امریکا

- (۱) - انتشارات همدق ۶ ص ۲۵ و انتشارات همدق ۸ ص ۱۱۹
- (۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر همدق ، انتشارات همدق ، ص ۲۹
- (۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر همدق ، انتشارات همدق ۶ ص ۲۱
- (۴) - نطق ها و مکتوبات دکتر همدق ، انتشارات همدق ۶ ص ۱۱
- (۵) - نطق ها و مکتوبات دکتر همدق ، انتشارات همدق ۸ ص ۱۰۵
- (۶) - نطق ها و مکتوبات دکتر همدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری ، انتشارات همدق ۵ ص ۹۲

خط محاصره اقتصادی راشکسته و خود را از خطر سقوط نجات بخشد (۱)

دولت امریکا در تمام مدت درگیری دولت مصدق با انگلیس میخواست مسئله نفت را بسود خود و رفیق و رقیبش انگلستان حل کند. بلافاصله پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت آقای هرمن از جانب پدیدت ترومن مأمور وساطت بین ایران و انگلیس شد و از آن پس انگلستان هم خوشش را مصروف تقاعد کردن امریکا باین امر کرد که با دولت مصدق نمیتوان کنار آمد و البته چانه میزد که پس از ساقط کردن حکومت مصدق و حل مسئله نفت سهم امریکا را از فارت نفت کم بدهد.

هر دو دولت در یک امر موافق بودند و آن اینکه نفت ایران نباید در دست ایرانی قرار گرفته و بخاطر ایران مورد بهره برداری قرار گیرد، از اینرو امریکا در تشدید محاصره اقتصادی ایران، اولاً از خرید نفت ایران توسط شرکتهای امریکائی جلوگیری میکرد. چنانکه آیزنهاور آشکارا در جواب نامه مصدق به این موضوع چنین اعتراف کرده

" مردم امریکا تا وقتی که اختلاف نفت قطع و فصل نگردیده است با خرید نفت ایران از طرف حکومت دول متحده عمیقاً مخالفت خواهند کرد . . . "

و ثانیاً با انگلستان در تحریم خرید نفت از ایران فعالانه تشریک مساعی می کرد.

در آن زمان دولت ژاپن که تحت نفوذ کامل امریکا بود نه اجازه صدور دلار از کشور میداد و نه اجازه خرج جنس از ژاپن را<sup>(۲)</sup> و درست همین همین سیاست را دولت ایتالیا اجراء نمود. بعبارت دیگر اگر این کشورها در آن زمان از ایران نفت میخریدند اجازه نداشتند که بهای نفت را بوسیله دلار و یا کالا پرداخت نمایند.

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، انتشارات مصدق ۸ ص ۱۰۵

(۲) - کتاب متن کامل نطقهای آقایان سناتور لسانی، دیوان بیگی، مهندس شریف امامی، و دکتر حسابی صص ۵۲-۵۳، نقل از خبرنامه جبهه ملی ایران شماره ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۰

شرکتهای کوچک نفتی امریکائی نیز باتعام کوششهایی که در جهت دریافت اجازه خرید نفت ایران بکار بردند توفیقی نیافتند هرچند که بعدها پادشاه این اطاعتشان را با دریافت سهمی در کمربند نفتی داشتند (۱)

دولت امریکا با چهره ای ظاهر فربانطور وانمود می کرد که واقعاً بعنوان یک کشور آزاد خواهان استقلال و آزادی ایران است ولی از همان بدو امر جزگسترش نفوذ خود و شرکت در غارت نفت ایران و تحکیم موقعیت خود در منطقه هدفی نداشت. دولت امریکامیدانست که اگر نهضت ملی ایران پیروز گردد شعله حرکتهای استقلال طلبانه و آزادی خواهانه در سرتاسر منطقه برافروخته میگردد و امریکا از جمله قربانیانی خواهد بود که باید امتیازات خود را در ریستان سعودی و عراق از دست بدهد (۲)

دکتر مصدق با آگاهی کامل از سیاست ظاهر فرب امریکا به افشای آن پرداخت. مثلاً در روز ۱۹/آذر/۱۳۳۰ در مجلس شورای ملی قسمتهایی از مذاکراتش را با ترومن که پس از شورای امنیت در واشنگتن صورت گرفته بود چنین بیان نمود :

«..... من به آقای ترومن عرض کردم ، شما درباره ایران چه مساعدتی کردید ؟ ایران که مدت ده سال از هر چه داشت از راه اسکناس و تمام چیزهایی که میتواند در اختیار متفقین بگذارد ، خود داری نکرد و فداکاری نمود ، من از شما سؤال میکنم نسبت به ایران چه مساعدتی کردید ؟ درست است که شما با ما بواسطه بدل گرد «..... و در چند طیاره هائی برای مبارزه با ملخ همراهی کردید و این موجب تشکر است ..... من اکنون نیامده ام که از شما چیزی بخواهم ، من آمده ام که شما با این اختلافی که ما راجع به نفت داریم جنبه بیطرفی اتخاذ بکنید .....» (۳)

(۱) - خبرنامه جبهه ملی ایران شماره ۲۲ ، مرداد ماه ۱۳۵۰

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری ، انتشارات مصدق ، ۵ ، ص ۹۲

(۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری ، انتشارات مصدق ، ۵ ، ص ۱۱۸

بدین ترتیب مصدق با استفاده از تربیون مجلس سیاست امریکا را رسوا می‌کند و نشان می‌دهد که امریکا که خود را حافظ صلح منطقه و حامی و پشتیبان حرکت‌های استقلال طلبانه<sup>(۱)</sup> نشان می‌دهد و خود را بعنوان حاکم عادل در دعوی دولت ایران و شرکت نفت تحمیل کرده است، هدفی جز فیصله دادن ماجرا به نفع منافع استعمارگران ندارد. و صریحاً به ترومن می‌گوید، ماهیچ انتظاری از شما ندارم فقط می‌خواهیم که جنبه بیطرفی اتخاذ کنید یعنی تا حال پشتیبان و یار و مددکار انگلستان بوده اید.

مصدق برای اینکه سیاست امریکا را کاملاً افشا کند از کشور مزبور طلب وام کسود ولی امریکا مسئله را به بهانه های گوناگون به تعلل برگزار نمود و هر بار به نحوی طفره رفت<sup>(۲)</sup> و بالاخره در تیرماه ۱۳۳۲ آیزنهاور در جواب مصدق نوشت:

«..... حکومت و مردم امریکا صمیمانه امیدوارند که ایران بتواند استقلال خود را حفظ کند و مردم ایران نیز بحصول آمال ملی خود کامیاب و نیز موفق شوند ملتی خوشنود و آزاد بوجود آورند که به ترقی و پیشرفت صلح دنیا کمک کند ولی چون ایران و کشور متحده انگلستان نتوانسته اند نسبت به فرات توافق حاصل نمایند، این مسئله حکومت و دول متحده امریکا را از جهاداتی که برای کمک بایران بعمل آورده باز داشته است. در ممالک متحده امریکا و حتی در میان امریکائیان که نسبت بایران و مردم ایران منتهای همدردی و دوستی دارند، این فکر قوت دارد که تنها زمانی که ایران نتواند از فروش نفت و محصولات نفتی خود وجوهی بدست آورد و با انعقاد قرارداد معقول و عادلانه ای درباره فرات، بار دیگر نفت ایران بسه مقدار زیادی فروخته شود. هرگاه حکومت دولت متحده بخواهد به میزان معتنا بیی

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری، انتشارات مصدق، صص ۶۷-۶۵

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و بهنگام نخست وزیری، انتشارات مصدق، صص ۹۲

ف  
 " از طریق اقتصادی به ایران کمک کند ، در حق موه دیان مالیاتی امریکا شرط انصاف  
 " را رعایت نکرده است . همینطور بسیاری از مردم امریکا تا وقتی که اختلاف نفت  
 " قطع و فصل نگردیده است ، با خرید نفت ایران از طرف دول متحده امریکا عمیقاً  
 " مخالفت خواهند کرد . . . (۱)

دکتر مصدق نه از ماهیت امپریالیسم امریکا غافل بود و نه امیدی به حمایت و وساطت  
 امریکا داشت . موضع دولت مصدق در مقابل امریکا درست موضعی منطبق بر همان اصل  
 سیاست موازنه منفی بود .

او در پاسخ جمال امامی که مدعی بود باید کمپانیهای امریکائی را جای شرکت  
 سابق نشانده گفت :

ل  
 " اما اینکه فرمودید وقتی که امریکائیها با ما همراهی بکنند باید از مرام ملی و استقلال  
 " خودمان صرف نظر کنیم بنده هیچوقت زیر بار این مطلب نمیروم . من آدمی هستم که  
 " با این حال کسالت و اتمام ناتوانی خودم تانفس دادم برای آزادی و استقلال این  
 " مملکت مبارزه میکنم و من از اینکار صرف نظر نمیکنم . آن ملتی را که بنده یک کمپانی  
 " بشود ، آنرا یک ملت جلورفته نمیگویند . . . (۲)

بدین ترتیب روشن است که جهت برخورد دکتر مصدق با دولت امریکا درست همان  
 جهتی بود که برای مبارزه با سلطه انگلیس اتخاذ کرده بود و آن عبارت بود از استقلال و  
 حفظ تمامیت ارضی ایران .

دولت مصدق در بهمن ۱۳۳۰ بکلیه کشورها ( من جمله روسیه و سایر کشورهای  
 سوسیالیستی ) اطلاع داد که میتوانند نفت ایران را خریداری کنند و برای خنثی کردن

(۱) - کیهان شماره ۳۰۳۸ مورخه ۲۰ / ۴ / ۳۲ پا سخ آیزنهاور به پیام دکتر مصدق

نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ، ص ۶۰۴ .

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم و هفتم نخست وزیری ، انتشارات

مصدق ، ص ۱۰۳



د سیمه، تحریم خرید نفت، اعلام داشت که " کسانی که حاضر شوند نفت ایران را بخرند بمدت سه سال در قیمت نفت ۵۰ درصد تخفیف دریافت خواهند کرد." (۱)

ولی هیچیک از دول این دعوت مصدق را نپذیرفتند بلوک غرب را آمریکا و انگلیس جلوگیری بودند و بلوک شرق را روسیه شوروی.

در این زمان دولت روسیه شوروی نیز گویی نمیخواست انحصارهای نفتی را برنجانند. درست در زمانی که دولت مصدق نفت را با تخفیف ۵۰ درصد به بازار عرضه کرد، دولت کارگری شوروی این حامی زحمتکشان در بند جهان و پشتیبان خلقهای ستمدیده و موحث سلطه! حدود ۹۰ میلیون چلیک یعنی ۱۳ میلیون تن نفت از طریق تنگه داردانل از غرب به کشور خود وارد نمود. (۲) ولی حاضر نشد نفت ایران را خریداری کند.

بدین ترتیب دولت روسیه در گرماگرم مبارزات نهضت ملی ایران، درست در آن هنگام که نهضت را محاصره اقتصادی تهدید به هلاکت میکرد، ۱۳ میلیون تن نفت غرب را به تمام قیمت خریداری کرد ولی حاضر نشد نفت ایران را به نصف قیمت بخرد.

مصدق جهت افشای سیاست روسیه از دولت مزبور نیز تقاضای کمک بدون قید و شرط نمود و از دولت شوروی خواست که:

- ۱- یک کمک ۲۰ میلیون دلاری در اختیار دولت وی بگذارد.
- ۲- از ایران نفت بخرد.
- ۳- طلاها و مطالبات ایران را باز پس دهد. (۳)

دولت روسیه این درخواستها را به تعلل برگذار کرد. نه کمک ۲۰ میلیون دلاری در اختیار دولت مصدق قرار داد و نه از ایران نفت خرید و نه طلاها و مطالبات ایران را

(۱) - نقل از خبرنامه جبهه ملی ایران، شماره ۲۲، مرداد ماه ۱۳۵۰

(۲) - جنگ سرد نفت ترجمه شمس الدین امیرعلائی ص ۲۵۲

(۳) - خبرنامه جبهه ملی ایران شماره ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۰

پرداخت ۰ تا بعد از کودتای ۲۸ مرداد آنها را تقدیم دولت زاهدی کرد. (۱)

سایر کشورهای سوسیالیستی هم از خرید نفت ایران خود داری کردند:

سفیرمجارستان طی مصاحبه ای که به مناسبت عقد قرارداد بازرگانی ایران و مجارستان با وی به عمل آمد، گفت: «گجانیدن فروش نفت در قرارداد با صبرار نمایندگان دولت ایران بوده و الا دولت مجارستان هیچ علاقه ای باین امر نداشت و ملت این امر این است که ما کشتی نفتکش در اختیار نداریم و بدون آن حمل نفت ممکن نیست.» (۲)

سفیر رمانی در مصاحبه با آیت الله کاشانی در جواب وی که چرا شوروی و کشورهای بلوک شرق از ایران نفت نمی‌خرند گفت: «دولت شوروی و کشورهای خاوری اروپا باندازه کافی نفت دارند و احتیاجی به نفت ندارند.» (۳)

(۱) - در این مورد خوبست به گزارشهای سالانه بانک ملی مراجعه شود. نقل از خبر نامه جبهه ملی ایران شماره ۲۲

گزارش سال ۳۱ \* در سال ۳۱ راجع به مطالبات طلا و دلار اتحاد جماهیر شوروی ما زمان مهتق سابق مذاکراتی بعمل آمد ولی هنوز به نتیجه نرسیده است.

گزارش سال ۳۲ \* در سال ۱۳۳۲ نیز راجع به مطالبات طلا و دلار اتحاد جماهیر شوروی مذاکراتی بین نمایندگان ایران و اتحاد شوروی بعمل آمد ولی تا آخر سال به نتیجه نرسید و مذاکرات ادامه دارد.

گزارش سال ۳۳ \* در سال ۳۳ مورد گزارش ضمن مذاکراتیکه بین نمایندگان ایران و اتحاد جماهیر شوروی در باره مسائل مرزی و غیره بعمل آمد مسئله ۱۱ تن طلا و ۸/۶ میلیون دلار طلب ایران نیز مورد بحث قرار گرفت و استرداد

ولی توطئه محاصره اقتصادی بابتکار انگلیس و همکاری امریکا و همراهی روسیه نتوانست مصلحتی را ازبای درآورد، اوهمواره میگفت :

"..... برای دولت انگلستان چنین تصور باطلی حاصل شده که در نتیجه  
"تضییقات آن دولت اکنون دولت و ملت ایران به آن درجه از استیصال رسیده اند  
"که به قبول هر قسم شرایطی حاضر شده به معامله اضطراری کردن گذارند و حال  
"آنکه با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی ملت ایران به هیچ قیمتی حاضر به  
"قبول شرایط ناروا که با استقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای ناخواسته حیثیت  
"و شرافت ملی ایران لطمه وارد سازد تن در نخواهد داد....." (۱)

مصلحتی بایقین باین امر که "ملل بزرگجانب یک ملت ضعیف را در برابر یک کشور  
نیرومند نخواهند گرفت، و اگر بای منافع ملتی زورمند در میان باشد تمام قول و قرارهای  
بین المللی مفهوم واقعی خود را از دست خواهند داد و ملل ضعیف باید برای خود  
فکری بکنند و راهی بیندیشند" (۲) نتوانست از طریق اجرای برنامه اقتصاد بدون نفت  
و جانشین کردن تولید ملی به عوض دریافت واردات و کمک از مردم بطریق قرضه "ملکی"  
کشور را از محاصره اقتصادی نجات بخشد.

مصلحتی تولید ملی را جانشین واردات کرد بدین معنی که پس از دو قرن تسلط  
بیگانگان بر کمرگات کشور دروازه های ایران بر روی کالاهای وارداتی که بیشتر برآورنده  
نیاز طبقات مرفه جامعه بود بسته شد. شاخص قیمت کالاهای وارداتی از سال ۱۳۱۵ تا

---

→ "آن در قرارداد منعقد فیما بین که در اسفند ماه بتصویب مجلسین  
رسید تصریح گردید و طبق موافقتنامه حاصله قرار است مطالبات ایران  
قریباً مسترد شود."

(۲) حجاز شماره ۱۱۲ مورخه ۱۹ / ۱ / ۳۱ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۶۱

(۳) باختر امروز مورخه ۲۹ / ۵ / ۳۱ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۶۱

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصلحتی، انتشارات مصلحتی ۶ ص ۱۸

(۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصلحتی، انتشارات مصلحتی ۸ ص ۸۰

(۳) در روز اول دی ماه ۱۳۳۰ دکتر مصلحتی اوراق قرضه ملی را منتشر ساخت.

سال ۱۳۴۷ دقیقاً نشان می‌دهد که در این مدت تنها دو بار قیمت کالا های وارداتی به ایران افزایش یافته است . یکبار در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۵ یعنی دوران بعد از جنگ که هنوز تولیدات کشورهای سرمایه داری نظام خود را بازنیافته است و طبیعتاً قیمت‌ها بالا است و یکبار دیگر در سالهای ۱۳۲۳-۱۳۳۰ که دروازه های ایران نگهبانی و بند یافته است .

هدف از برنامه اقتصاد بدون نفت این بود که اقتصاد مملکت با تشویق صادرات کالاها<sup>ی</sup> صادراتی کشور (غیراز نفت) به آن حد از ترقی و اعتلا<sup>ی</sup> برسد که مملکت متکی به نفت و محتاج صدور آن نباشد .

با اجرای این برنامه صادرات کشوری<sup>ی</sup> حدی رونق گرفت که در صورت ادامه ممکن بود به نتیجه نهایی<sup>ی</sup> " بی نیاز کردن کشور از درآمد نفت " نایل شود .

آمار و شاخص های اقتصادی نشان می‌دهد که در هیچ تاریخی اقتصاد و صادرات کشور به رونق و اعتلای زمان حکومت دکتر مصدق نبوده است . البته باید توجه داشت که منظور از تز اقتصاد بدون نفت تعطیل استخراج نفت نبود ، بلکه غرض این بود که حیاتی<sup>ی</sup> ملی و استقلال مملکت متکی به نفت نباشد و درآمد نفت صرفاً بصرف امور عمرانی برسد .

دکتر مصدق برای شکستن محاصره اقتصادی و برای بی نیازی از صدور نفت اقدام به انتشار اوراق قرضه ملی نمود و در پیام خود به ملت ایران گفت :

" . . . . هموطنان عزیز اکنون شما مراحل نهایی این جهاد تاریخی را پیمایان<sup>ی</sup> " می‌رسانید و با شرکت در قرضه ملی آخرین فداکاری را برای حصول به مقصود مقدس<sup>ی</sup> " خود ظاهر می‌سازید ، با خرید قرضه ملی گذشته از اینکه در بهبود وضع مالی دولت کمک موثری می‌کنید ، برای آتیه فرزندان خود نیز سرمایه و اندوخته ای فراهم<sup>ی</sup> " می‌سازید .

" پرداخت برگهای قرضه ملی و جایزه آن طبق قانون ۲۶ مرداد ماه ۱۳۳۰ از

" طرف دولت تعهد شده است و کوین های جایزه اوراق قرضه از ابتدای سال دوم دریاچه های کلیه بانکها به حساب دولت قابل پرداخت می باشد و اصل قرضه راه بعد از دو سال میتواند بابت هرنوع بدهی که بدولت داشته باشید از قبیل مالیات و حقوق گمرکی و سایر عوارض حساب کنید ۰۰۰۰" (۱)

طبیعی بود که طبقات مرفه و آنهائی که حکومت ملی را به مثابه سدی در مقابل سلطه خود میدانستند از خرید اوراق ملی امتناع ورزند، چنانکه مصدق خود در این باره گفت:

" ما میدانستیم آنهائیکه بواسطه حمایت بیگانگان و فساد دستگاه ماکه آنها معلول دخالت اجنبی در امور داخلی است موفق شده اند ثروت هنگفتی بدست آورند کوچکترین کمکی در این موقع تنگدستی بدستگاه این دولت نخواهند کرد؛ غلبه ملت را بر اجنبی موجب اضحلال خود میدانند و بنا بر این در مبارزه ملت ایران با اجانب محال است که بکمک ملت خود برخیزند. کما اینکه اوراق قرضه ملی را بجز معدودی از متمکین، اشخاصی خریدند که به هیچوجه استطاعت مالی نداشتند." (۲)

حزب توده نیز که عاجز از درک حقایق بود و بعزت و ابستگی اش در تمام مدت در کنار ارتجاع بریکر جنبش ملی ایران ضربه وارد میآورد، خرید اوراق قرضه ملی را تحریم کرد. روزنامه " بسوی آینده" تحت عنوان " درباره قرضه ملی" نوشت:

"..... نقشه استقراض دوست میلیون تومان ( از راه فروش اوراق قرضه ملی) به هیچوجه بخاطر رفع بحران مالی خزانه طرح نگشته بلکه اقدامی عوامفریبانه و صرفاً به منظور فقیر نشان دادن موجودی خزانه بوده است تا بدین وسیله دریافت و ولم امریکا و قبول پیشنهادات اسارت آور آنرا لازم و ضروری بشناساند و از این راه

(۱) - اطلاعات ۲۶۶۶ مورخه ۱۰/۱۰/۳۰ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۵۱

(۲) - نطق ها و مکاتبات دکتر مصدق، انتشارات مصدق ۸ ص ۱۰۴

برتلاشهای خود در جهت نفع امپریالیسم امریکا پرده بکشد<sup>۱</sup> °

حزب توده ، بعدها ، آنوقت که برای همیشه دیر شده بود نسبت به این رویه اش

استغفار کرد °

### ۱۰۰ ایادی پیگانه

همزمان با تولد نهضت ملن دوجریان وابسته پابصره وجود نهادند ، هر دوجریان برخلاف نهضت ملی که دارای روش موازنه منفی بود ، سیاست موازنه مثبت را مبنای کار خود قرار دادند ° یک جریان تحت رهبری کمیته مرکزی حزب توده و جانبدار منافع همسایه شمالی و مطیع اوامر روسیه شوروی و جریان دیگر تحت رهبری ایسادی سلطه گران فرس و جانبدار منافع انگلیس و امریکا °

رسالت این دوجریان وابسته در طول تاریخ حیات نهضت ملی بعد از شهریور ۲۰ تا ۲۸ مرداد ۳۲ این بود که قوا و مساعی خود را در جهت انحراف افکار عمومی و تلاش نهضت ملی بکار گیرند ° در تمام مدتی که مهدق درگیر و در ملی کردن صنعت نفت و بحاکمه شورای امنیت و ادگاه لاهه بود و آن زمان که توطئه محاصره اقتصادی دکتر مهدق و دو جبهه ملی را در بزرگترین تنگناهای اقتصادی و سیاسی قرارداد داده بود و زمینه سقوط پسا استعفا دولت اورا فراهم میآورد ° رسالت این دوجریان وابسته در آن خلاصه میشد که با طرحهای گوناگون به اغتشاشات داخلی دامن زنند و مردم را نسبت به مهدق بدبین سازند ° و با حادثه آفرینی های مختلف مردم را از دشمن اصلی خافل ساخته و گرد شعار های کاذب متشکل سازند ° یکی از این شعارها ، شعار امریکائی بودن مهدق و سازش او با امپریالیسم امریکا بود که از طرف حزب توده تبلیغ میشد (۲) و نتیجتاً عده ای از خوش باوران را از مهدق دور میساخت مضافاً اینکه درست همزمان با این عمل حزب توده

(۱) بسوی آینده شماره ۴۵۱ - ۳۰ / ۱۰ / ۳۰ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۹۱

(۲) پلنوم چهارم ص ۳

جریان دیگر وابسته که کباده رهبری اش را در مجلس شورا جمال امامی بدوش میکشید ،  
فغان سر میدهد که منفی کامل امریکا و انگلیس یعنی بدامن روس افتادن و گرایش چسب  
پیدا کردن .

و بدین ترتیب صدق متهم میشد که میخواهد از انگلیس و امریکا بلوک غرب بریده  
و خود راه بلوک شرق نزدیک کند. (۱)

این دو جریان از آزادی فوق العاده ای که صدق در زمان حکومتش به تمام گروه ها  
و دستجات و احزاب در نشر و تبلیغ عقاید شان داده بود سوء استفاده می کردند و بر او  
رگبار تهمت و ناسزای باریدند .

برخورد حزب توده و همکاری ایادی غرب در متهم کردن صدق بسازش با امریکا  
و با گرایش به روس سبب شد که نتوانیها مات بر افکار سنگینی کند و وحدت ملی از هم گسیخته  
و کارمایه جنبش تقلیل یابد . ایادی وابسته به سیاست انگلیس جهت مشوش کردن اذهان  
عمومی مسئله عدم توفیق در مذاکرات نفت با انگلیس و همچنین نابامانیهای اقتصادی  
مغلول محاصره اقتصادی را هر بار در مجلس بهانه قرارداد داده و دولت صدق را استیضاح  
می کردند . اینان جهت مخالفت با صدق هر بار که بابت امری حیاتی صدق نیازمند رأی  
مجلس بود و بیبایست مسائل مهمه مملکت را به شور نمایندگان بگذارد با غیبت خود  
مجلس را از رسمیت می انداختند . (۲) تا اینکه بالاخره صدق یکبار که مجلس باین شکل  
تشکیل نشد برای بی نتیجه کردن این توطئه به صحن بهارستان آمد و مردم را مخاطب  
قرارداد و گفت :

« ای مردم ، شما مردم خیر خواه و وطن پرست که در اینجا جمع شده اید مجلسیید و  
آنجا که يك عده مخالف مصالح مملکت هستند مجلس نیست . » (۳)

(۱) - انتشارات صدق ، ص ۱۰۰ نطق جمال امامی

(۲) - انتشارات صدق ، ص ۷۸ و ۸۰

(۳) - صبح روز پنج شنبه ۱۴ مهر ۱۳۳۰ دکتر صدق مهم بود که درباره اخراج کار  
شناسان انگلیسی از مناطق نفت خیز در جلسه علنی توضیحاتی بدهد ۶۵ نفر از

مصدق قرارش خود را بجای آنکه به نمایندگان بدهد بعرض ملت رساند . عناصر وابسته به انگلیس با همکاری حزب توده با ایجاد وقایعی از قبیل ۲۳ تیر ۱۳۳۰ (۱) و امثال آن زمینه ایجاد بیم واضطراب عمومی وهم یأس مردم را فراهم میاورند .

مصدق از طرف این جناح به چپ گرائی و انقلابی بودن متهم میشد و به مردم بعنوان کسی که مملکت را بآتش کشیده و امنیت عمومی را پایمال کرده است و مردم را بیه ملسل بسته است معرفی میگردد (۲) . پیراسته علناً در جلسه ۱۹ آذرماه ۱۳۳۰ در مجلس شورا<sup>۱</sup> گفت :

• ما باید امروز اعلام کنیم تا دنیا بداند که در حکومت دکتر مصدق امنیت نیست .  
 • آئین نامه در این مملکت رعایت نشده ، قانون رعایت نشده ، آزادی رعایت نشده  
 • حقوق بشری رعایت نشده و اکنون میخواهند ما را بفروشند (۳) .

خوبست در اینجا تکه هائی از سخنان جمال امامی رهبر فراکسیون پارلمانی دست نشانندگان غرب را نقل کنیم تا روشن شود که در آن روزگار اینان با چه لجباجتسی بر سر موجودیت مستقل ایران سودا می کردند . جمال امامی در همان جلسه ۱۹ آذر رشته سخن را از پیراسته گرفت و خطاب به نخست وزیر ( دکتر مصدق ) که در مجلس حاضر بود گفت :

• آقای نخست وزیر . . . شما مگر کسی نیستی که از مجلس یا شاید رفتید جلودرب  
 • مجلس به مردم گفتید آنجا مجلس نیست اینجا مجلس است . آمدی اینجا نشسته ای  
 • چه کسی؟ برو همان چاقوکشها برای شما مجلس هستند ( نخست وزیر - حالا هم میروم )  
 • برو مرا میترسانی . . . پاشو برو ، برو جلوی مجلس با چاقوکشها صحبت کن .

— نمایندگان حاضر شدند ولی اقلیتی که بر ضد مصدق تشکیل شده بود حاضر نشدند  
 و جلسه تشکیل نگردید .

(۱) مصدق مقصر جریان ۲۳ تیر را سرلشکر بقائی میدانده که از طرف شاه منصوب شده بود ،  
 نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ، ص ۵ ، ص ۱۰۹

(۲) نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ، ص ۵ ، ص ۱۱۱

(۳) نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ، ص ۱۱۰



"۰۰۰ اینجا برای شما مجلس نیست . حالا ما را تهدید میکنی؟ این نخست وزیر  
 است یا هوجی یا انقلابی؟ نخست وزیر این حرف را میزند که من میروم با مردم حرف  
 میزنم؟ شما ورق بزنید اوراق دموکراسی دنیا را ببیند یک همچو غلطی یک  
 نخست وزیری در عمرش کرده است؟ حالا آمده از ما رأی میخواهد، از ما پشتیبانی  
 میخواهد، آن اعمالش، آن وضعیت مملکت آن قضیه ۱۴ آذر، آن قضیه ۲۳ تیر  
 چه بگویم؟ آن رفتارش، آن سکناش و اعمالش، آن اداراتش، لا اله الا الله، مملکت  
 را با آتش کشید، و میخواهد پیش از این بکشد ۰۰۰۰ من اینقدر فرصت نمیکنم یک  
 پیر مرد هفتاد و چند ساله ای که همیشه هم تمارض میکند وقتی که وارد این مملکت  
 میشود میروید زیر لحاف ولی در امریکا شلنگ و تخته میاندازد ۰۰۰۰ آقا آخرش چی  
 است، برای این مملکت چه کردی، در این هشت ماه جزید بختی، فلاکت، دوستی  
 چه ایجاد کردی؟ ۰۰۰۰ او (منظور دکتر مصدق) یک سرشت خاصی است، خدا  
 یک مرضهایی گاهی برای تنبیه در جامعه ایجاد میکند، دکتر مصدق هم یکی از  
 آن امراض است که خدا برای ایران فرستاده است ۰۰۰ او هرچه از این حرفها  
 میزند سوچ است ۰۰۰ آخر چه بگویم؟ از جان مملکت چه میخواهی؟ میگوید آمد  
 من خلعید کردم . خوب خلعید کردی و نفت راهم کردی زیر زمین . تنها منبع  
 عایدات این مملکت را کثفت بود جلوش را بستنی، حالا چه میگوئی؟ ۰۰۰" (۱)

این بیان بروشنی معلوم می کند که در آن زمان گروه های حاکم داخلی با تکیه  
 حل و فصل دعاوی میان امریکا و انگلیس، تردیدهای خود را کسار گذاشته بودند و به  
 سقوط حکومت مصدق کمر بسته بودند .

حزب توده نیز در این دوران از فعالیت باز نایستاد و رسالت تاریخی اش را ایفا نمود .  
 در آن دوران حزب توده جهت تنگ کردن عرصه سیاسی و اقتصادی بردولتی که در  
 صحنه بین المللی هیچ یار و یابوری نداشت و تحت محاصره شدید اقتصادی قرار داشت  
 (۱) نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، انتشارات مصدق، صص ۱۱۳-۱۱۲ قسمتی از نطق امامی

و در داخل از جانب تمامی گروه بندیهای حاکم تهدید به سقوط می‌شد، از هیچ نوع حادثه آفرینی در رخ نورزید، در آغاز کار توطئه آبادان بمنظور زمینه سازی برای حضور قوای انگلیس راهلی کردند (۱) و اعتصاب کارگران شرکت نفت را که حقوقشان به علت توطئه شرکت سابق نفت تقلیل یافته بود با پادرمیانی حزب توده به "افشاش" تبدیل گردید از آن پس نیز روزی نبود که بی‌بانه بی‌هنگامه ای پیا نکتند، حزب توده که در ایام قدرت شرکت نفت از تأسیس شعب حزب در خوزستان خود داری می‌کرد، ناگهان دلسوز کارگران شد و بدستگیری دستگاه اداری ضد مهدق، به حادثه آفرینی مشغول شدند. قابل توجه است که اغلب تحریکات و حادثه آفرینی‌ها در کارخانه های دولتی انجام می‌گرفت و همان عناصری که در زمان حکومت رژیم آریاگامیون های دولتی کارگران کارخانه های دولتی را بجلوی مجلس می‌آوردند تا شعار "فقط نفت جنوب باید ملی شود" بدهند، اینبار مأمور تدارک اعتصابات پهلویه حکومت مهدق بودند.

مهدق جهت رهائی از محاصره اقتصادی لایحه "قرضه" ملی را بتصویب رسانید و حزب توده خرید آن را تحریم کرد. (۲)

دولت جبهه ملی بعد از رد صلاحیت دادگاه بین الملل لاهه از شرکت سابق نفت دست بردارید و تا دعای خود را در محاکم ایران اقامه کند (۳) ولی حزب توده برای اینکه در این زمینه هم کاری کرده باشد تظاهرات پیاکرده و سیستم دعای دادگاههای ایران را بپاد انتقاد گرفت.

اصولاً تظاهراتی که رهبران حزب توده براه انداختند جز شکاف در جبهه واحد ضد استعماری و تضعیف دولت مهدق نتیجه ای ببار نیاورد.

(۱) - اسناد نفت ص ۵۹ و ۶۰، جواب و سوال در مجلس هوام انگلیس درباره "افشاش" آبادان و گذشته شدن چند انگلیسی در ۴/۲/۱۳۳۰، آغاز زمامداری مهدق.

(۲) - پلنوم چهارم ص (۴)

(۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مهدق، انتشارات مهدق ۶، صص ۱۱، ۱۶ و ۴۰

برای نمونه میتوان از تظاهرات ۲۳/تیر/۱۳۳۰ تظاهرات خیابانی سازمان جوانان در ۸/فروردین / ۱۳۳۱ و تظاهرات ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که همه توطئه‌هایی برای سقوط مصدق بودند، نام برد. (۱) این توطئه‌ها را جناحین هیئت حاکمه کشور با دستکاری یکدیگر طرح و اجرا می‌کردند.

حزب توده در تمام دوران نهضت ملی دست در دست عوامل ارتجاعی در خلاف جهت جنبش حرکت نمود و جنبه ملی و دکتروصدقی پیوسته آماج تیرهای تهمت و ناسازی این گروه بودند.

مصدق از جانب این گروه به عنوان " هوامفرب " دستیار ارتجاع، دست‌نشانده امپریالیسم امریکا و آخرین تیرترکش استعمار که چهره غد ارون‌نگینش را در پشت نقاب سیاه ملی پوشانده است معرفی می‌شد.

حزب توده مدعی بود که مصدق بظاهراً با استعمار مخالف است ولی در حقیقت درفش استعمار را بردوش می‌گشود و در کام ملت زهر می‌چکاند و برای حلقم خلق طاب دار ابریشمی می‌بافد و جنبه ملی، ایک جریان کاذب که رسالتش خدمت به استعمارگران انگلیسی و امریکایی است معرفی می‌کرد.

حزب توده درست بر اساس همین پندارهای باطل تمامی همت خود را بکارگمارد تا حکومت ملی دکتر مصدق را فلج سازد و هر روز دولت مصدق را از حادثه‌ای به حادثه دیگری کشاند. گزارش حادثه ۲۳ تیر ۱۳۳۰ به عنوان یک نمونه از صدها حادثه‌ای که حزب توده آفرید در اینجا بی‌مورد نیست.

حادثه ۲۳ تیر ۱۳۳۰

بعد از انتخاب دکتر مصدق به نخست‌وزیری بعثت استقلال رأی او و بعثت هدم

(۱) - درباره بعضی از مسائل حزب توده ایران بقلم سروان یآوری ص ۸

اطاعت از او امر در بار در حقیقت و قطب قدرت در ایران پدید آمد .

۱- دولت ملی دکتر مهدق

۲- قدرت نظامی شاه که بر ارتش و شهرپانی و کلیه عناصر وابسته بانگلیس و آمریکا در مجلس و حزب فراما سون و دستگاههای دولتی و شبکه گسترده گروه های حاکم سراسر کشور را می پوشاند ، تکیه داشت .

بعبارت دیگر شهرپانی و ارتش تا قبل از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ رسماً دستور حمل خود را مستقیماً از دربار دریافت می داشتند و دکتر مهدق و دولت هیچگونه امکان کنترل بر ارتش و شهرپانی را در اختیار نداشتند .

روز ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ که هریمین باد و نفر از همکاران خود برای مذاکره با دکتر مهدق وارد تهران شد ، مامورین شهرپانی و ارتش با زمینه مساعدی که حزب توده و عوامل ارتجاع فراهم آورده بودند ، کشتاری رحمانه ای براه انداختند که تاریخ نهضت ملی ایران آنرا فراموش نخواهد کرد .

چند روز قبل از ۲۳ تیر \* جمعیت ملی مبارز با شرکت های استعماری نفت در ایران واپسته به حزب توده ، مردم را در این روز به مناسبت یاد بود شهیدای ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ خوزستان بشرکت در تظاهرات فراخواند و چون تظاهرات \* دو چرخه سواران صلح دوست \* که در روز چهاردهم تیرماه از طرف جمعیت هواداران صلح برگزار شده بود ، مورد حمله حاد آفرینانی قرار گرفته بود که \* زیر پوشش ملی \* دستیار حزب توده در حاد آفرینی بودند ، لذا در دعوت نامه به تظاهرات ، اعلام گشت که اگر حمله ناجوان مردانه \* دیگری صورت بگیرد \* مشت محکم کارگران و جوانان و نفرت کلیه مردم شرافتمند تهران دهان یاوه گویان را درهم خواهد شکست و این رویه هان را بر سر جای خود خواهد نشاند . (۱)

(۱) - بسوی آینده شماره ۳۱۵ مورخه ۳۰ / ۳ / ۱۹ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آیند ه است ، ص ۴۷ .

بدین ترتیب تظاهرات با مقدمات کافی تدارک دیده شد، حزب توده احساسات مردم را بسیج کرده و آنان را دعوت به شرکت در درگیری های ساختگر عوامل ارتجاع نمود. چاقوکشان و زین بهادرهای عوامل ارتجاع عهده دار آشفته کردن جریان تظاهرات بودند. و بالاخره ارتش و شهرداری تحت فرمان مستقیم در بار مسئول حمله و کشتار مردم وطنپرست بود، بطوریکه در این روز عده زیادی کشته و زخمی شدند. (۱)

برای اینکه معلوم گردد که این حادثه تا چه اندازه از قبل تدارک شده بود کافی است که خبر رادیو لندن که صبح روز ۲۳ تیر اعلام داشت که: "امروز بعد از ظهر در تهران حوادث خونینی روی خواهد داد." (۲)

این حادثه که با شما رکت حزب توده و عوامل ارتجاع، تحت رهبری مستقیم در بار صورت گرفت بقصد ساقط کردن حکومت ملی دکتر مصدق بود. مصدق خود این توطئه ها را نقشه های اولیه دشمنان آزادی ایران برای سقوط حکومتش، توصیف می کند.

بلافاصله رهبری حزب توده که اعتقاد داشت "جبهه ملی عوامفریبانه کبابه مبارزه با شرکت نفت را می کشد" (۳) گناه وحشیگریهای مامورین ارتش و شهرداری رادراین روز بدوش دکتر مصدق انداخت و نوشت:

"دکتر مصدق که با وزود نماینده ترومن بایران می خواهد کار را یکسره کند، وسازش  
"خیانتکارانه خویش را علنی گرداند ناچار است که از احساسات ضد استعماری ملت  
"ایران جلوگیری نماید. . . . و مردم شرافتمند و دلاور را بعنوان خیر مقدم برای

(۱) - مصدق این واقعه را ساخته و اقلیت کوچک مخالف ملی شدن صنعت نفت شمرد  
نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق - انتشارات مصدق ۵، ص ۷۶-۷۵

(۲) - باختر امروز شماره ۵۷۲ مورخه ۲۴/۴/۳۰ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده  
است، صص ۵۵۰

(۳) - بسوی آینده شماره ۲۷۵ مورخه ۳۱/۲/۳۰ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده  
ص ۵۴۷

نماینده جنگافروز نفت خواران قربانی کند ۰۰۰۰ (۱)

و از جانب دیگر یعنی از جانب عوامل ارتجاع و عناصر وابسته بفریب مهدی محکم  
میشود که ملکت را به آتش کشیده است و نصری هوچی و انقلابی است که برای ملت جز  
بدبختی و فلاکت هیچ چیز بارمغان نیارورده است (۲)

هر دو جناح، یعنی جناح وابسته به روسیه شوروی و جناح وابسته به انگلیس  
و امریکان تمام کوشش خود را بکار میبردند که اذهان عمومی را نسبت به حکومت ملی مشوب  
سازند و در این مورد لحظه ای آرام نداشتند، بعد از حادثه ۲۳ تیر هر دو جریسان  
حملات خود را علیه دولت و دکتر مهدی تشدید نمودند، حزب توده نوشت:

دولت ضد ملی دکتر مهدی در راه ملت کشی، فاشیسم، دروغگوئی و اطاعت از سیاست  
استعماری امریکا گام نهاده است - روز بروز همی توطئه بزرگی که دولت دکتر مهدی  
با الهام از منابع امپریالیستی بر ضد منافع ملت ایران چیده است، آشکارتر میشود.  
دکتر مهدی برای اینکه محیط را آماده برای مذاکره تسلیم آمیز و چاکرانه  
بنمایند، استعمار امریکا سازد لازم دانسته است ملت را به گلوله بزنند و  
ریختن خون شایسته ترین فرزندان استقلال دوست ملت را ضمن سیاست نوکری  
خود نزد نماینده امپریالیسم امریکا قرار دهد ۰۰۰۰ راه دولت دکتر مهدی راه  
ملت کشی، راه توسل به عملیات فاشیستی، راه دروغ پراکنی، راه بند و بست با  
امپریالیسم امریکا و انگلیس و راه فدا کردن منافع ملت ایران در مورد نفت است ۰۰ (۳)

ویا زمی نویسد:

- (۱) - صلح پایدار ( بجای بسوی آینده ) شماره ۳ مورخه ۲۲ / ۴ / ۳۰ نقل از کتاب  
گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۴۷
- (۲) (نطقهای جمال امامی در جلسه ۱۹ / آذر / ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی، انتشارات مهدی  
ص ۱۱۲ - ۱۱۳
- (۳) شجاعت ( بجای بسوی آینده ) شماره ۱ / ۴ / ۳۰ نقل از کتاب گذشته چراغ راه  
آینده است ص ۵۴۸

« دولت ضد مشروطه ، ضد آزادی ، ضد دموکراسی و ضد ملت (۱) دکتر مصدق بسا کشتار ۲۳ تیر میخواست نوکری و اطاعت خود را نسبت به امپریالیسم امریکا اثبات نماید و نشان دهد که او داوطلبانه حاضر است ملت را کشتار کند تا مورد یشتیبانی ترومن قرار گیرد . » (۲)

وزمانی که دکتر مصدق سر لشکر بقائی رئیس شهربانی را که مسئول فجایع ۲۳ تیر بود عزل کرده و تحویل دادگاه نظامی داد حزب توده نوشت :

دکتر مصدق سعی میکند تا مسئولیت جنایات ۲۳ تیر تهران را با عوامفریبی های کهنه از گردن خود بردارد . ولی امروز فجایع دولت دکتر مصدق مانند هیولای شومی همه نقاط ایران را فرا گرفته است . » (۳)

همانطوریکه در صفحات قبل آمد مسئولیت مستقیم شلیک نظامیان و پلیس بر روی تظاهرکنندگان - که بدون اجازه نخست وزیر بعمل آمده بود - و کشتار ۲۳ تیر متوجه دواقلیت کوچک بود ، با وجود این صحنه گردان اصلی اقلیتی بود که تحت رهبری دریا هدایت میشد . این حادثه ها برای ساقط کردن حکومت مصدق بعمل می آمد ، طوریکه سقوط او در افکار عمومی عادی تلقی شود و کار بکود تا نکشد . زمان ما می گوید ، دشمنان ایران حق داشته اند که میخواستند حکومت مصدق را وادار بکناره گیری کنند ، زیرا باکود تا روابط میان دولت و ملت بالمصره روابط خصمانه گشت .

دکتر مصدق خود مسئولیت حادثه ۲۳ تیر را متوجه شاه و دربار دانست و اعلام

داشت :

- 
- (۱) - رستاخیز خلق ( بجای بسوی آینده ) مورخه ۳۰ / ۴ / ۲۸ ، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ، ص ۵۴۸
- (۲) - رستاخیز خلق ( بجای بسوی آینده ) مورخه ۳۰ / ۴ / ۳۰ ، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ، ص ۵۴۸
- (۳) - رستاخیز خلق ( بجای بسوی آینده ) مورخه ۳۰ / ۴ / ۳۱ ، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ، ص ۵۴۸

دوسه روزه قضیه ۲۳ تیر بیشترنمانده بود که اعلیحضرت خودشان رئیس شهربانی راتعین فرمودند و بعد قضیه ۲۳ تیر در تهران پیش آمد و این حادثه بهانه ای شد که در مجلس علیه دولت مخالفت های شدید آغاز کنند اینجانب از پیشگاه شاهانه مجازات رئیس شهربانی را خواستم . مشا رالیه به دادگاه نظامی فرستاده شد ولی دادگاه او را تبرئه کرد .<sup>۱</sup>

آنچه در فوق آمد شتی بود نمونه از خروارها توطئه و دسیسه که این دو جریان وابسته علیه حکومت مصدق و نهضت ملی ایران بکار گرفتند و همانطور که مصدق خود میگوید ، منظور محرکین این دسائس همواره یک هدف واحد بوده است و آن عبارت بود از عقیم ساختن نهضت ملی ایران .<sup>۲</sup>

البته کوشش ارتجاع و استعمار جهت تلاش نهضت ملی ایران ، پدیده جدیدی نبود و از ارتجاع و استعمار چیزی جز آنچه کرده است و میکند انتظار دیگری نیست ولی حزب توده را نیز گویی عمدی در کار بود که با آگاهی کامل از توطئه های ارتجاع لبه تیز حمله خود را از ابتدا تا انتهای نهضت ملی متوجه دکتر مصدق قرار داده بود و نتیجتاً تحت پوشش مبارزه با استعمار عملاً بسود سیاست استعماری انگلستان و علیه مبارزات ضد استعماری ملت ایران گام برمی داشت .

عملکرد حزب توده نه تنها در ابتدای کار نهضت ملی بلکه تا انتهای کار علیه مصدق بود و روزنامه های علنی و مخفی حزب پیوسته علیه مصدق دست اندر کار تبلیغات سوء بودند بطور مستمر می نوشتند :

دولت دکتر مصدق با پیروی محض از امپریالیسم امریکا راه خیانت و سازش با شرکت نفت جنوب را در پیش گرفته است .<sup>۳</sup>

(۱) و (۲) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۸، ص ۱۴۲  
(۳) - بسوی آینده شماره ۳۲۷ مورخه ۴ / ۵ / ۳۰ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ، ص ۵۵۲



“ دولت مصدق کجا می‌رود؟ به جانب اطاعت کور کورانه از امریکا و گرنه چرا مملکت را به امریکا می‌فروشد؟ ” (۱)

“ سازش ننگین دکتر مصدق و ” جنبه ملی ” در مسئله نفت مورد نفرت شدید ملت ایران است ” (۲)

“ اکنون برای مردم مراقب و با عهوش ایران کاملاً واضح و آشکارست که دولت مصدق مسئله نفت را می‌خواهد بسود امپریالیسم پایان دهد و با نام ظاهر فریب ملی شدن نفوذ استعماری را در منابع نفتی ایران پابرجا نگاه دارد ” مصدق نقش دلال نفت را بازی میکند ” ” دکتر مصدق علناً به منافع ملت ما خیانت می‌ورزد و برآ پابرجا نگاه داشتن نفوذ های ارتجاعی و امپریالیستی بملت ما از پشت خنجر می‌زند ” (۳)

آیا برای رهبران و هواداران حزب توده هرگز این سؤال پیش نیامد که مصدق چگونه عامل سر سپرده ایست و چگونه ” دلال ” ضد مردمی است که مردانه و یک تنه در مقابل تمام فشارهای امریکا و انگلیس ایستادگی میکند و با قاطعیت تمام مبارزه ضد استعماری ملت ایران را به پیش میراند ” شاید هم این سؤال طرح شده باشد ولی وابستگی، امکان اندیشه و عمل انقلابی را از رهبری این حزب گرفته بود ” فقدان اندیشه مستقل و مخالفت شدید روسیه با استقرار قطعی یک حکومت مردمی در جنوب مستعمرات آسیای پیش، این حزب را برآن داشت که تمام توان خود را در همکاری با عوامل سلطه‌گران غریب علیه نهضت ملی ایران بکاربرد ” اندیشه قالبی و اسارت در بند استالینیسم در ایفای این نقش‌عاملی در زمره دیگر عوامل و ترجمان مجموع عوامل بود ” چنانکه وقتی مقاومت مصدق در مقابل استعمار بیش از هر زمان آشکار شد و پیشنهاد های

(۱) - بسوی آینده شماره ۳۳۱ مورخه ۳۰ / ۵ / ۱۹ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۵۲

(۲) - بسوی آینده شماره ۳۳۹ مورخه ۳۰ / ۵ / ۱۹ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۵۲

(۳) - مردم شماره ۹۷ مورخه ۳۰ / ۵ / ۱۹ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۵۵۲

استوکس انگلیسی را که ادامه سلطه شرکت نفت را مد نظر داشت رد کرد و وزیر با تحویل های هرمن نرفت، حزب توده نوشت :

"دکتر مصدق که تحت فشار انکار عمومی و تضاد دو سیاست امپریالیستی خود را  
"بمانور قطع مذاکرات مجبوری در انتظار فرصت است که دوباره وسایلی برای  
"تجدید مذاکرات برانگیزد ۰۰۰ و نقشه های شوم شرکتهای نفت انگلیسی و امریکایی  
"راجاه عمل پیشاند (۱)"

کج اندیشی حزب توده به همین جا خاتمه نیافت و بحکم "جبر استالینی" تا ۲۸  
مرداد ادامه یافت .

در هنگامه قیام مقدس ۳۰ تیر ۱۳۳۱، آن هنگام که ارتجاع و استعمار دست  
اندر دست هم، عربان تراز هر زمان دیگر در مقابل ملت و مصدق قرار میگیرند و مصدق  
در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ مجبوره استعفا میشود حزب توده که معتقد است "هدف نهایی  
مصدق چیزی جز تحکیم نفوذ امپریالیسم در کشورمان نیست ۰۰۰۰ و در خطوط کلی  
از روش اسلاف خود از قبیل سعد و رزم آرا پیروی کرده و اگر احياناً هم تغییری در  
باره وجود داده شده برای تشدید سیاست ضد ملی سابق بوده است" (۲) و او "مرد  
سال چیزی جز کاریکاتور چیانکاچک نیست" (۳) در روزنامه نوید آینده نوشت :

"مصدق از نظر داخلی متکی به طبقاتی است که نفع اکثریت عظیم مردم ایران تعارض  
"دارد ۰۰۰ همین ها هستند که سالها یکروز بدنبال قوام یک روز بدنبال رزم آرا و یک  
"روز هم بدنبال مصدق انواع جرائم رجنایات را مرتکب میشوند . اردوی غارتگران  
"در ایران یکی است فقط نقاب هافرق میکند از نظر خارجی نیز دکتر مصدق متکی

(۱) بسوی آینده شماره ۳۵۷ - ۳۰ / ۱۰ / ۱۰ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ص ۵۳

(۲) بسوی آینده شماره ۴۴۸ مورخه ۳۰ / ۱۰ / ۴ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده  
است ، ص ۵۷۲

(۳) بسوی آینده شماره ۴۵۸ مورخه ۳۰ / ۱۰ / ۱۶ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده  
است ، ص ۵۷۲

"بيك امپريالسم جهانخواييين الملى است ۰۰۰ تكيه گاه خارجى او يعنى اى .  
 "ياليسم امريكانيز نظري جز باسارت كشاندين ملت وتبدیل کشور بيايگه تجاوز امپري  
 "ياليستى نداشتنه است وندارد ۰۰۰۰۰ بدین ترتيب دولتى كه از نظر خارجى ودا<sup>خلى</sup>  
 "چنين تكيه گاههائى داشته باشد چگونه ميتواند مھدر اقدامات اصلاح طلبانه  
 "شود ۰۰۰۰ (۱)

حزب توده در آن موقعيت حساس دكتور مهدق را همردیف كسانى نظير قسوام  
 السلطنه روزم آراه و ساعد قرارداد و اورا بعنوان تېلور اردوى غارتگران وآلت امپرياليسم  
 تجاوزگر معرفى كرد ، آيا تفاوتى بين عملكرد ارتجاع وملكرد حزب توده عليه مھدق  
 وجود دارد ؟ در قيام شكوه مند سى ام تير به پشتيبانى از دكتور مهدق كه به سقوط قسوام  
 السلطنه وروى كار آمدن مھدق انجاميد ، باز حزب توده به اقرار خودش ، تماشاگر بود  
 و تنها وقتى وارد عمل شد كه عمل به پيروزي انجاميده بود .

هرچند كه بعضى از عناصر حزب توده مدعى اند كه حزب توده روش خود را بعد از  
 قيام سى ام تير در مقابل دولت دكتور مهدق تغيير داد ولى اين فقط يك ادعاست . توجه  
 به پاره شى نكات از مقالات روزنامه بسوى آينده در او اواخر سال ۱۳۳۱ خلاف اين دعوى  
 را ثابت مى كند :

روزنامه بسوى آينده شماره ۷۳۹ - ۱۰/۹ / ۱۳۳۱ در باره دولت دكتور مهدق  
 نوشت : " ۰۰۰ دولت ارتجاعى دكتور مهدق تسهيلات تازه اى در راه امپرياليسم هاى  
 آمريكائى فراهم مياورد " (۲)

و نيز در مورد تجديد اختيارات دكتور مهدق نوشت : " منظور دكتور مهدق از تجديد اختياراً  
 تشديد فشار بر توده هاى ضد استعمار ملت بود " (۳)

(۱) نوید آينده ( بجای بسوى آينده ) ۲۵ / تير / ۱۳۳۱ نقل از كتاب گذشته چراغ راه  
 آينده است ، ص ۵۲۲

(۲) بسوى آينده ۱۰ / ۳۱ / ۱۳۳۱ نقل از كتاب گذشته چراغ راه آينده است ، ص ۵۹۱

(۳) بسوى آينده شماره ۲۵۱ / ۱۰ / ۱۳۳۱ نقل از كتاب گذشته چراغ راه آينده ص ۵۹۱

و باز تحت عنوان "مقدمات يك توطئه عمیق بدست صدق و هندرسن فراهم میشود" برشت :

"دولت صدق با مانورهای مزورانه خود روز بروز بردامنه نفوذ امپریالیستهای امریکائی در کشور ما میافزاید. ۰۰۰ صدق امپریالیستهای امریکائی را خارجیی نمیداند زیرا آنها تکیه گاه او و نظائر او هستند و در سراسر جهان سیاست آنهاست که طبقات حاکمه روزوال را سرپا نگهداشته است. صدق از بدو زمانه داری خود گاهی در پرده و زمانی آشکار سیاست تبعیت از امپریالیسم امریکارا دنبال کرده است" (۱)

حزب توده از ناسزاگویی و فحاشی به صدق تالخطات قبل از کودتای ۲۸ مرداد هنوز خود داری نکرد، چنانکه پس از آنکه کودتای ۲۵ مرداد فاش شد و شاه فرار را بر قرار ترجیح داد، صدق در ۲۷ مرداد تصمیم گرفت برای حفظ آرامش و تسلط بر اوضاع شورای سلطنت تشکیل دهد تا بعد تکلیف شاه روشن گردد. حزب توده تحت شعار "برچیده باد سلطنت پیروز باد جمهوری د مکرانیک" اعلام داشت :

"... هر کس بخواهد بساط سلطنت را با تشکیل شورای نیابت سلطنت و سایر جنبشین کردن شاه فراری بوسیله مزدور دیگر محفوظ نگهدارد به جنبش ملی خیانت میکند و آب در آسیاب استعمارگران میریزد" (۲)

بدین ترتیب حزب توده دست اندر دست استعمار و ارتجاع از آغاز نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد که منجر به سقوط دولت دکتر صدق گردید به عنوان يك نیروی ضد خلقی - خود آگاه یا ناخود آگاه عمل کرد.

(۱) - بسوی آینده شماره ۵۷۴ مورخه ۱۳۳۱/۱۰/۲۶ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ۵۹۱

(۲) - شحات (بحای بسوی آینده) شماره ۱۸ مورخه ۱۳۲۷/۵/۳۲ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، ص ۶۱۶

تاریخ بهترین سو، و جریان نهضت ملی ایران گزیناترین شاهد بر بطلان ادعای  
 حرب توده است. • مصدق نه وابسته به استعمار خارجی و نه متکی به ارتجاع داخلی بود.  
 مصدق نه تنها نوکر سیاست امریکان نبود بلکه با تمام قدرت در مقابل تحمیلات امریکا  
 ایستادگی می کرد و همین ایستادگی و یابرداری او در مقابل تحمیلهای انگلیس و امریکا  
 بود که باعث شد علیه دولت او کودتا تدارک گردد.

مصدق تبلور نیازهای آزادیخواهان و استقلال طلبانه جامعه ایرانی بود. • او  
 لحظه ای از اجرای سیاست موازنه منفی غافل نشد و منطبق بر خواسته های حقیقی جامعه  
 ایرانی عمل کرد.

البته حزب توده نیز خود بمسئله ها، آنوقت که برای همیشه دیر شده بود، اعتراف  
 به اشتباهات خود کرد و در قطعنامه پنجم جهان آورد که راه و رسمش در مقابل مصدق  
 خطا بوده است.

### ۲۸ مرداد

گسترش دامنه موج حرکت استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی ای که به رهبری مصدق  
 در ایران بوجود آمد، میرفت تا به قطع کامل سلطه بیگانگان بیانجامد. خصوصاً که فریاد آزاد یخوا  
 و استقلال طلبی که اوسرداد، در تمام منطقه ظنین افکند و اگر او و جنبش رهائی بخشش  
 ملت ایران امکان ادامه حیات میافت، چهره خاورمیانه و جهان تغییر می یافت.

حرکتی که جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق بوجود آورد، خواب راحت از دیدگان

صاحبان سرمایه و سلطه گران بین المللی بر بود. (۱)

(۱) "۰۰۰" خبر سقوط مصدق از آنکه قدرت زمانی بمن رسید که با همسر و بسم در کشتی  
 میان جزایر یونان در دریای مدیترانه مشغول استراحت بودیم. پس از مدت ها آن شب  
 خواب بسیار خوشی کردم "۰۰۰"

آنتونی ایدن، نخست وزیر سابق انگلیس  
 نقل از کتاب خاطرات او

واصلاحات و اقداماتش آنان را به وحشت اندکد (۱) و همین وحشت امپریالیسم بین المللی بود که از بد و امر هر روز بگونه ای دامی بر سر راه نهضت ملی ایران گشودند و بهرمناسبتی جهت نابودی رهبر نهضت ' دکتر مصدق ' توطئهای پیاساختند .

مقاومت مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت سبب شد که شرکت نفت از طریق شهرانی نقشه نافرجام ترور مصدق را طرح ریزی کند (۲)

هنگام نخست وزیری که مستقیماً رویاروی توطئه گران امپریالیسم قرار گرفت بارها اقداماتی جهت نابودی او از طرف ایادی بیگانه بعمل آمد که نافرجام ماند (۳) توطئه علیه جان مصدق در جریان اجرای قانون خلع پسندگان لجوجانه تعقیب می شد که مصدق از مجلس خواست تا پایان اجرای قانون خلع یزد در مجلس بماند (۴)

پس از هفتم ماندن توطئه محاصره اقتصادی از جانب دول انگلیس و آمریکا به همراهی روسیه وی شمر ماندن دسیسه ۳۰ تیر به همت ایادی بیگانه و به رهبری لژ فراماسونری پهلوی و خنثی شدن توطئه ترور مصدق در ۹ اسفند ۱۳۳۱ که در آن روز به تعمیر دشمنان نهضت ملی ایران " مرغ از قفس پرید " (۵) وی نتیجه ماندن صحته -

---

(۱) " ۰۰۰ " هنگامیکه مصدق در ایران با اصلاحات اساسی دست زد ، ما به وحشت افتادیم این مرد که من برخورد میبالم که او را دوست خود بخوانم ، مردی دمکرات بود به مفهوم لائسولت و نورس . ما با انگلیسها همدست شدیم تا او را از میان برداریم . در این کار توفیق یافتیم ولی از آن روز در خاور میانه دیگر از ما به نیکامی یاد نشده است .  
ویلیام دوکلاس قاضی دیوان عالی ایالات متحده  
آمریکا

(۲) - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ، انتشارات مصدق ۴ ص ۷۱

(۳) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی و بهنگام نخست وزیری ، انتشارات مصدق ۵ ص ۱۲ - ۹

(۴) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی و بهنگام نخست وزیری ، انتشارات مصدق ۵ ص ۱۳

(۵) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق ، انتشارات مصدق ۸ ص ۱۴۹ - ۱۴۸

سازی های نمایندگان وابسته به سلطه کران غریب و حادثه آفرینی های حزب سوده، دشمن آخرین تیر راجهت سقوط دولت مصدق از ترکشش رها ساخت و با اجرای کودتای ننگین ۲۸ مرداد بزرگترین ضربه را بر بیکر نهضت ملی ایران وارد ساخت .

روز ۱۹/ تیر/ ۱۳۳۲ در واشنگتن کنفرانسی از نمایندگان امریکا و انگلیس و فرانسه برگزار شد (۱) در این کنفرانس نمایندگان کشورهای سرمایه داری در باره برانداختن دولت دکتر مصدق و تلاش نهضت ملی ایران به توافق رسیدند . رهبران امریکائی ایده آل خود را در شاه و حامیان او در ارتش و شهرانی یافتند (۲) و لذا سازمان سیا و انتلهجنت سرویس انگلیس ابتکار عمل را در زمینه سرنگونی دولت مصدق در دست گرفتند و ژنرال شوارتسکف را جهت تدارک کودتا روانه ایران ساختند . شوارتسکف یکی از کارشناسان امریکائی بود که بین سالهای ۱۹۴۲ (۱۳۲۱) و ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) ماموریت سازمان دهی و آموزش کادرهای شهرانی ایران را عهده داری (۳) و لذا با زاهدی که در آن دوران رئیس شهرانی بود ، دوستی دیرینه داشت . در دیدار از ایران که بنا بر ماموریت سیا و بعنوان دیدار از دوستان قدیمی انجام میگرفت ، پس از توافق شاه زاهدی را که از سایرین در ارتش و شهرانی مایه دارتر یافته بود ، جهت کودتای علیه مصدق انتخاب نمود (۴).

همزمان با فعالیتهای شوارتسکف در ایران ، الن دالس رئیس سازمان سیا و بوادر فاستر دالس وزیر امور خارجه امریکا از امریکا و لوئی هندرسن سفیر کبیر امریکا در ایران رهسپار سوئیس شدند . لوئی هندرسن قبل از سفر با خواهر شاه اشرف ملاقات کرد و اشرف نیز پس از ابلاغ امریه ها به شاه روانه سوئیس شد . و از آنجا بود که کودتا مرحله بحرله هدایت میشد . (۵)

(۱) - شماره ۲۰ / ۴ / ۱۳۳۲ روزنامه کیهان

(۲) - اغنای کامل شاه نوشته ترانسیس فتیز جرال د ص ۹

(۳) - سیا در خدمت امپراطوری امریکا ، انتشارات مصدق ۴ ، ص ۸

(۴) - سیا در خدمت امپراطوری امریکا ، انتشارات مصدق ۴ ، ص ۸ و ۷

(۵) - انتشارات مصدق ۴ ، ص ۴

در ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ شاه فرمانی غیرقانونی دایر به عزل مصدق و نصب ژنرال زاهدی به نخست وزیری امضاء کرد.<sup>۱</sup> (۱) درحقیقت شاه دو ورقه سفید امضاء کرد که بعد آه‌ریکی از آن دو ورقه فرمان عزل مصدق و در دیگری فرمان نصب زاهدی نوشته شد.

شاه از راه احتیاط پایتخت را ترک کرد و بعنوان استراحت به کناره های دریای خزر رفت و گوش بزننگماند تا اگر جریان بر غیر مرادش چرخید فرار اختیار کند. وی سرهنگ رئیس گارد خود را ( سرهنگ نصیری ) مأمور ابلاغ فرمان عزل مصدق کرد.<sup>۲</sup> (۲) اولی وقت سرهنگ نصیری جهت ابلاغ فرمان به منزل مصدق آمد، ناگهان خود را در محاصره قوای نظامی ای که دکتر مصدق برای خنثی کردن توطئه کودتا تدارک دیده بود یافت (۳). دکتر مصدق فرمان را گرفت و دستور داد سرهنگ نصیری را توقیف کنند و بدین ترتیب توطئه کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ نافرجام ماند و شاه و ثریا به ایتالیا پناه بردند. روز ۲۷ مرداد هندرسن سفیر کبیر آمریکا با عجله وارد تهران شد (۴) و بلافاصله با دکتر مصدق ملاقات کرد و بوی گفت :

« دولت آمریکا دیگر نمیتواند حکومت او را برسمیت بشناسد و بعنوان يك نخست وزیر قانونی با وی معامله کند. هندرسن رسماً بدکتر مصدق اعلام داشت که آمریکا با تمام قوا از ادامه حکومت او جلوگیری خواهد کرد ( تکیه ازماست ) و مصدق تکلیف کناره گیری از کار را نمود. ولی دکتر مصدق بالحن تندی هندرسن را لمزخانه خود بیرون کرده و گفت فردا با آمریکا قطع رابطه خواهد کرد. هندرسن پس از ایسین مشاجره از منزل دکتر مصدق خارج شد و بلافاصله با رابطین دولت جدید در مرکز تماس گرفته بآنها ابلاغ کرد که دولت آمریکا دولت زاهدی را تنها دولت رسمی و

(۱) انتشارات مصدق ۴ ص ۴ و اغنای کامل خواسته های شاه نوشته فرانسیس فیزجرالد

(۲) انتشارات مصدق ۴ ص چهار

(۳) ترجمه فصل هفتم کتاب سیا بقلم اندرتالی ص ۱۱

(۴) روزنامه اطلاعات ۲۷ / ۵ / ۳۲ نقل از کتاب جنبش ملی ایران نوشته جهانگیر عظیمیا



از آن پس تلاش آمریکا جهت سرنگونی حکومت مصدق باوج شدت خود رسید .

" گودوین " عضو سفارت امریکا آقایان محمد حسین قشقائی و خسرو قشقائی را ملاقات کرد و چکی بمبلغ پنج میلیون دلار بآنها ارائه داد و تقاضا نمود که زاهدی را که از شاه فرمان نخست وزیری دارد به فارس برند تا دولتش را در آنجا تشکیل دهد و وعده دادند تا استقرار کامل دولت زاهدی در سراسر کشور ماهیانه پنج میلیون دلار بپردازند برادران قشقائی زیر بار پیشنهاد گودوین نرفته و جریان را به دکتر مصدق گزارش دادند (۲) ولی امریکا دست بردار نبود . اندروتالی نویسنده فصل هفتم کتاب سیا مینویسد :

" بهر حال شوارتسکف در بردار نبود و ریاست غیر رسمی باجه پرداخت گروه ضد مصدق را بعهده گرفت . برخی از ایرانیان یکباره ثروتمند شدند و طبق آنچه بعداً معلوم شد در مدت کوتاه چند روز، شوارتسکف ناظر خرج بیش از ده میلیون دلار پولهای " سیا " بوده است و در نتیجه مصدق دفعتاً تعدادی از هواداران خود را از دست داد (۳) ."

لویی هندرسن در ۲۷ مرداد به تهران آمد (۴) و چک شماره ۷۰۳۳۵۲ بمبلغ ۳۲ / ۶۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال برای هزینه کودتای ۲۸ مرداد پرداخت گردید .

روزنامه لوموند در شماره ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۲ نوشت :

" چک شماره ۷۰۳۳۵۲ با مضای ادوارد ژرژ دانلی بمبلغ ۳۲ / ۶۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال از بانک ملی ایران گرفته شد و صرف رستخیز ۲۸ مرداد " گردید .  
" باین پول پانصد تن از ولکسردان زاغه های جنوب شهر را برای آشوب و غارت

(۱) خواندنیها شماره ۹۶ سال ۱۳ بتاریخ ۳۱ / ۵ / ۳۲ نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است ، ص ۶۱۴

(۲) جنبش های ملی نوشته دکتر جهانگیر عظیمی ص ۱-۲

(۳) فصل هفتم کتاب سیا بقلم اندروتالی ص ۱۱-۱۲

(۴) روزنامه اطلاعات ۲۷ / ۵ / ۳۲ نقل از کتاب جنبش های ملی ایران نوشته جهانگیر عظیمی

استخدام نموده و بهر يك سيصد فرانك دادند و نیز تنی چند از روحانیون را  
 " خریداری نمودند " ( ۱ )

روزنامه ابرو اتوار نیز نوشت :

" کودتای ۲۸ مرداد وزارت خانه د کتره صدق بوسیله پانصد و لگرد که از کودتاهای  
 " جنوب شهر جمع آوری شده بود انجام شد و بهر يك سيصد فرانك دادند که هر چه  
 " میخواهند غارت کنند و پلیس دنبال آنها بود " ( ۲ )

بدین ترتیب سازمان سپاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با کمک عناصر خود فروخته و پلیدش  
 در ارتش - ایرانی ایران و با هیچ کردن و به میدان کشیدن عده ای از مردم فقیر و فلک  
 زده ایران ، بعنوان سپاهی لشکر برای خالی نبودن عرضه کودتائی را که از سوی  
 مستقما و مرحله به مرحله هدایت میشد و گزارشش هر لحظه به ریاست جمهور امریکا  
 پرنیونت آیزنهاور میرسد ، به شمرسانید و حکومت جبهه ملی را ساقط نموده و با - ایران  
 و ایرانی را از حکومت ملی و رهبری ، همدق محرم ساخت .

هدق در يك دادگاه نظامی محاکمه شد . اودادگاه راصالح ندانست و رسالت  
 خود را بعنوان نخست وزیر قانونی در میان حقایق ملی سخنان و مدافعات تاریخی در این  
 دادگاه دید و دلایل سقوط حکومت خود را چنین شرح داد : ( ۳ )

" میخواستند که دولت اینجانب هر چه زود تر سقوط کند و گمان می کردند که بد جهت  
 " هم دولت اینجانب زیاد نخواهد بود : اول اینکه بدون هواید نفت دولت نمیتواند  
 " مدت زیادی دوام کند . دوم اینکه دولت ایران مجبور خواهد شد که در مراجع  
 " بین المللی حاضر شود و جواب بدهد و محض اینکه در آن مراجع شکست خورد  
 " قهراً افکار عامه ایران با او مخالف می شود و بالنتیجه از بین میرود . این کار شد

( ۱ ) - جنبش های ملی ایران نوشته جهانگیر عظیمیا ، ص ۲

( ۲ ) - جنبش های ملی ایران نوشته جهانگیر عظیمیا ، ص ۲

( ۳ ) - دادگاه تاریخی محاکمه آقای دکتر محمد همدق در دادگاه نظامی ص ۱۵۴

• نتیجه معکوس درآمد • در شورای امنیت دولت ایران غالب شد و در دیوان بین المللی هم طرف را محکوم نمود و بعضی اشخاص دیدند اگر بدولت مجال داده شود وضعیت اقتصادی ایران طوری خواهد شد که بدون عواید نفت هم کار مملکت بگذرد همچنانکه قرونی مملکت بدون عواید نفت خود را اداره میکرد •

• اینجانب نمی خواهم عرض کنم که عواید نفت خدمت بزرگی باوضاع اقتصادی مملکت و بالا بردن سطح زندگی مردم نمیکند بلکه میخواهم این را عرض بکنم که عواید نفت وقتی برای ما مفید است که آزادی و استقلال ما ازین نرود یعنی مملکت را با عواید نفت معامله نکنیم •

• بعضی اشخاص ( مقصود رهبران دولت های استعمارگراست ) چنین تصور کردند اگر ما خود را از عواید نفت مستغنی کنیم دول دیگر هم برای رسیدن با آزادی و استقلال به تأسس می کنند و در نتیجه آنها از عواید نفت و دخالت در امور آن دول محروم خواهند شد ••• پس ایجاب میکرد که دولت اینجانب سقوط کند • و چون از طریق مجلس این کار عملی نبود قضیه نهم اسفند پیش آمد ولی نتیجه نداد • در مجلس شورای ملی هم بین نمایندگان موافق دولت اختلاف افتاد • و ممکن بود در آتی نزدیک بعضی از نمایندگان موافق نیز از موافقت با دولت عدول کنند • مجلس ازین رفت پس یگانه علاج این بود که دستخطی صادر شود • اکنون در مقام آخرین دفاع بر میآیم و عرض میکنم بر طبق سوابق عهده هیچ نخست وزیری با حضور مجلس بدون استیضاح و بدون رأی عدم اعتماد مجلس از کار برکنار نشده و یک ساعت بعد از نصف شب ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ که دستخط شاهنشاهی ابلاغ شد بنابه هر یک از دوقول یعنی موافقین و مخالفین فرمانده مجلس شورای ملی وجود داشته است و اینجانب چه از نظر قانون وجه از نظر تنظیم لوایح قانونی وجه از نظر صلاح مملکت نخواستم که دست از کار بکنم و می خواستم قضیه نفت را که بهسار تشنه حل آن بودم شرافتمندانه حل کنم و عرض آنکه نمیخواستند

• قرارداد شرافتمندانه ای با دولت ایسجانب منعقد کنند وضعیات اقتصادی مملکت  
 • طوری شود که بدون عواید نفت بتواند روی پای خود بایستد و آزادی و استقلال کمپرا  
 • هر فرد یا مملکت يك فضیه حیاتی است ازین نرود " ۰۰۰ " و گناه خود را در ادگاه  
 • چنین بیان کرد: " ۰۰۰۰ تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من اینست که  
 • صنعت نفت ایران را ملی کردم و ساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی  
 • عظیم ترین امپراطوری جهان را ازین مملکت برجیدم • حیات من و مال من و  
 • موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سرافرازی میلیونها  
 • ایرانی و نسلهای متوالی این ملت کوچکترین ارزشی ندارد و از آنچه برایم پیش آمد  
 • هیچ تأسف ندارم و یقین دارم وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده  
 • عمر من و شما و هر کس چند صباحی دیر یا زود به پایان میرسد ولی آنچه میماند  
 • حیات و سرافرازی يك ملت مظلوم و ستمدیده است •

• ۰۰۰۰ • چون از مقدمات کار و طرز تعقیب جریان دادرسی معلوم است که در گوشه  
 زندان خواهم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه در خیر مردم بکار برده ام خاموش  
 خواهند کرد و جز در این لحظه نمیتوانم با هموطنان عزیز صحبت کنم بدینوسیله از  
 مردم رشید و عزیز ایران مرد وزن تودیع میکنم و تاکید مینمایم که در راه پرافتخاری که  
 قدم برداشته اند از هیچ حادثه ای نهراسند •

رو سالی دادگاههای نظامی بدوی و تجدید نظر سر لشکر مقبل و سر لشکر جوادی  
 نام داشتند • محکمه فرمایشی نظامی او را به سه سال حبس محکوم ساخت • لایحه  
 فرجامی وی نیز در دیوان کشوری که بریاست علی هیئت تشکیل داده بودند بسدون  
 ذکر دلیل بشکل مفتضحی رد شد •

مصدق سه سال در زندان سلطنت آباد و سپس لشکر دوزخی زندانی بود و  
 بسال ۱۳۳۵ بظاهر از زندان آزاد و کسرو باحمد آباد فرستاده شد • چند روز پس  
 از رفتن به احمد آباد عده ای از چاقو کشان را با آنجا فرستادند و پس از مدتی صحنه

سازی و عریده جوئی وقتی که باصطلاح قوای انتظامی دخالت کرد چاقوکشان بساز گشتند و این ترتیب دلیلی برای وجود يك گروهان نظامی در احمدآباد ترتیب داده شد و پس از مدتی از گردش او در حوالی دهکده نیز رسماً جلوگیری بعمل آمد و رفت و آمد او محدود بمحوطه كوچك جنوبی باغ گردید . و بدین ترتیب تا آخر عمر در احمد آباد زندانی بود .

### حاصل بحث :

برای نجات ملتی که تحت سلطه و در جوئی تحمیلی اختناق، از فطرت خویش بیگانه گشته و همان سرنوشت خویش را از دست داده و طوق سلطه را برگردن پذیرفته است ، میباید او را از راه آگاه کردنش بر فطرت آزاد و استعداد های خلاقش بسیج کرد . باید او را از موازنه مثبت که پایه و مایه فرهنگ حاکم بر اوست آزاد ساخت که تولد و حیات و بقا و پیروزی يك نهضت مردمی در گرو بسیج خلق از راه تغییر اوست و تغییر تنها از راه شرکت در اندیشه و عمل آزادی بخش میسر است . اندیشه و عمل آزاد ، بخش یعنی آگاهی و خود آگاهی یافتن و عمل کردن .

آگاهی به معنی شناخت از ساز و کار های سلطه و ضد ارزشها و نظریه های که انسان را از صیوریت بکمال و جامعه را از مبارزه علیه سلطه داخلی و خارجی باز میدارد و شناخت عواملی که آزادی و خلاقیت انسان را در جهت بنای جامعه ای استوار بر عدل و قسط و برادری و برابری مانع اند و عمل بمقتضای این آگاهی که آن آگاهی و این عمل همزادند .

و خود آگاهی بمعنی شناخت مسئولیتی که هر ملتی در زمینه تعیین سرنوشت خویش و جات از قید سلطه باید بردوش بکشد و توانائی هایی که برای انجام این مسئولیت دارد و عمل بر وفق این خود آگاهی ، یعنی تغییر خود : که تا تغییر نکسی تغییر داده نمیشود .

پس از سقوط دیکتاتوری رضاخانی امکان کوتاه مدتی بدست

از دست دژخیم استبداد جان سالم بدر برده بودند، با شعار اجرای سیاست موازنه منفی جهت رهائی از سلطه خارجی و داخلی و احیای اصول مشروطه، بار دیگر با بهره سیاست نهند و به آگاه کردن ملت همت گمازند. ابتکار عمل در دوره ۱۴ بدست مهدق بود و در دوره ۱۵ که بدسیمه دولت از حق انتخاب شدن محروم ماند، بدست اقلیتی افتاد که از پشتیبانی مهدق برخوردار بود. در دوره ۱۶ تقنینیه با تشکیل جبهه ملی برهبری دکتر مهدق و ملی شدن صنعت نفت جهشی بدر رشد آگاهی خلق حاصل شده، و جبهه ملی توانست عملاً بعنوان مظهر استقلال ایران موقعیت خود را در میان تمام طبقات و اقشار جامعه محرم ایران تثبیت نماید.

نظری به نطقهای دکتر مهدق به مناسبت های مختلف گواه این ادعاست که او تنها به نیروی خلق اتکاء داشت و تنها آرزویش این بود که در کوتاه ترین مدت آگاهی و خود-آگاهی ملی را بدرجه ای رشد دهد که ملت بتواند خود تعیین کننده سرنوشت خود باشد و از قید هرگونه سلطه رهائی یابد.

ولی چه شد که نهضت ملی ایران سرانجامش به شکست منتهی گردید؟ اینکه گفته میشود، سقوط مهدق و حکومت جبهه ملی و نتیجتاً شکست نهضت ملی ایران معلول عدم شناخت صحیح مهدق از ماهیت امپریالیسم امریکا بود، یک مسخ محض تاریخی است و ما در نوشته حاضر نشان دادیم که مهدق کاملاً به ماهیت امپریالیسم امریکا آگاه بوده، و به امریکا با همان نظر نگاه میکرد که به امپریالیسم انگلیس و روسیه مینگریست.

و آنان که سقوط مهدق را معلول وابستگی اش به طبقه بورژوازی و عدم اتکایش به طبقه زحمتکش ایران قلمداد میکنند، سزاوارند یکبار از خود بپرسند، آیا طبقه زحمتکش استقلال ایران را نمیخواست؟ آیا می گفت در ایران مستقل نشده میتوان نظام طبقاتی را بسود او دیگرگون کرد؟ سیاست مهدق موازنه منفی بود، آیا سیاست طبقه زحمتکش موازنه مثبت بود؟ اگر سیاست طبقه زحمتکش هم موازنه منفی بود بچه جهت

مصدق نمایندده صدیق او نباشد؟ ممکن است گفته شود مصدق باین جهت نمایندده طبقه زحمتکش نبود که در این سیاست قاطع نبود، در این صورت اولاً بکدام دلیل؟ حزب توده که خود در استغفارنامه اش میگوید خصلت ضد امپریالیستی داشت! و ثانیاً قاطع تر از او در آن زمان که بود؟ نمایندده طبقه زحمتکش که علیه سلطه غرب روش قاطع داشت کدام نیرو بود؟ و اگر همچو نیروی بود، حق نبود یکی از دو کار را بکند: یا مصدق "سازشکار" را کنارزند و خود زمامدار بشود و یا حداقل از وی حمایت بی دریغ بکند تا کودتا حکومتش را سرنگون نکند؟ اینها که این دروغها را بهم می بافند و یار محرومان ایران را ضد محرومان جلوه می دهند، خو بست بخود زحمت دهند و یک نیروی متعلق بطبقه زحمتکش که صدیک قاطعیت مصدق را در نبرد رهائی بخش داشته باشد، معرفی کنند و بعد با قالب زنی های مرسوم جای اجتماعی مصدق را معلوم نمایند. این تبلیغات در آن زمان بخاطر آن انجام گرفت که نه تنها زحمتکشان را از مبارزه بی که حقایق آنها تعلق داشت دور نگاه دارند بلکه آنها را علیه آن مبارزه بکار ببرند. امروز برای چیست؟ مصدق بخاطر استقلال ایران و رهائی خلق دریند گرفته اش تمامی عمر را در زندان و تبعید بسربرد. او بیوسته میگفت:

"من نوکر مردم هستم" (۱)

"... من به تمام مقرراتی که حمایت ازرنجبر میکند معتقدم. من غیر از حمایت این طبقه مرا می ندارم و نمیخواهم کارگری به نفع سرمایه دار بیچاره وزن شود." (۲)

علت شکست نهضت ملی ایران را میتوان نتیجه عوامل عمده زیر دانست:

۱- عدم وجود تشکیلاتی متناسب با نیاز جنبش همانطور که در سطور گذشته آمد.

جبهه ملی در تحصن دربار و در خیابان و پالسا ده تشکیل گردید و رویدادهای

(۱) - نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، انتشارات مصدق، ۵، ص ۳

(۲) - سیاست موازنه منفی نوشته حسین کی استوان جلد اول، ص ۲۳۰

سیا سی بعد از تشکیل جبهه تا کودتای ۲۸ مرداد و گرفتاریهای که در سطح بین المللی و در داخل ایران برای جبهه ملی و حکومت مصدق بوجود آمد سبب شد که جبهه ملی نتواند یک تشکیلات هماهنگ و منسجم و پاسخگو به نیازهای جنبش و متشکل کننده توده مردم، سازمان دهد.

جبهه ملی همواره از پشتیبانی توده مردم برخوردار بود و طبقات مختلف مردم در موقعیت های گوناگون از قبیل ۳۰ تیر و با فراندم انحلال مجلس و فاداری خود را به حکومت جبهه ملی به ثبوت رساندند ولی هرگز جبهه ملی نتوانست آنان را متشکل کند. وجدان ملی و احساس آزادی خواهی در توده توسط جبهه ملی بیدار گشت ولی در یک تشکیلات منظم انسجام نیافت.

جبهه ملی قائم به مصدق تشکیل شد و قائم به مصدق باقی ماند و هر چند که نیروی محرکه نهضت بود ولی نتوانست خود را بعنوان یک مجموعه متشکل به جنبش عرضه کند و عناصر نهضت را متشکل سازد. و درجه ادغام عناصر سازنده نهضت را در درون یک مجموعه متشکل بدرجه ای رساند که از آسیب پذیری در امان باشد.

عدم تشکیلات شایسته و منطبق با نیازهای جنبش سبب شد که هیچ عامل کنترل کننده بر عملکرد رهبری وجود نداشته باشد. و مردم از طریق یک سازمان و بر اساس روابط سازمانی نتوانند نقش مراقب و کنترل کننده را ایفا کنند و طبیعی است که هرگاه در یک حرکت اجتماعی توده تنها کارپذیر باشد و نه ناظر و مراقب مجموعه رهبری که قدرت و مسئولیت در آن متمرکز شده است هر لحظ میتواند در معرض خطر انحراف، تضاد و تلاشی قرار گیرد.

در مورد جبهه ملی نیز این چنین شد، از آنجا که یک تشکیلات منسجم مرامی وجود نداشت که در هر لحظه نقش ناظر و مراقب و کنترل کننده رهبری را عهده دار باشد بلافاصله پس از ایجاد تضاد در رهبری زمینه تلاشی جنبش فراهم آمد و ضربه های



چپ و راست کارگر افتاد و در نهایت جنبش باشتاب بسوی تلاشی کشانده شد .

مصدق با اعتقاد به موازنه منفی ، در نبرد طولانی میان قدرت سیاسی و جامعه ملی ، بیانگر این جامعه شد و توانست از طریق مذهب با خلق پیوند جوید و از مذهب و مردم کشور مشروعیت بگیرد . نخست وزیری مصدق استقرار حکومت حقه بجای حکومت ظلمه تلقی شد و مجموعه مصدق و آیه الله کاشانی ، در دوران اول حکومت ملی ، به وحدت دین و سیاست علیه خود کامگی قدرت سیاسی و علیه قدرت مسلط خارجی تحقق بخشید .

در تاریخ ایران همواره سیاست میخواست است مذهب را جذب و ابزار خود سازد اینبار مردم میدیدند که جریان به بستر طبیعی خوش بازآمده و سیاست جذب مذهب شده است . بیان دیگر قدرت سیاسی که همواره علیه مردم عمل میکرد ، اینبار به بیان اساسی ترین خواسته های مردم بدل شده بود و رهبری نهضت از طریق بنیادهای مذهبی با توده های عظیم مردم مرتبط میشد .

مردم سراسر کشور در پی اعلامیه های آیه الله کاشانی بحرکت میآمدند . متجاوز از هشت بار مردم کشور با تعطیل عمومی و اظهار اراده قاطع خوش به پشتیبانی مصدق ، توطئه هائی را که علیه حکومت او میشد خنثی کردند .

شرکت علما در این جنبش شرکتی همگانی بود . از مرجع بزرگ آیه الله سید محمد تقی خونساری تا پیش نماز روستا بر وجوب ملی شدن نفت فتوی دادند و تبلیغ کردند .

در توده مردم این امید بیدار شده بود که با بازی گرفتن استقلال ، در ایران آزاد و مستقل هم شرف ، اعتبار ، حیثیت ، مذهب ، ناموس ، فرهنگ و بالاخره همه چیز از دست رفته اش را دوباره باز خواهد یافت و هم بحکومت گروه های حاکم هم پیوندد خارجیان پایان داده خواهد شد .

رهبری مذهبی و بنیادهای مذهبی در ایران توانستند در کوتاهترین مدت شعار ملی کردن نفت را بفکر غالب تبدیل کنند و علاوه بر این قادر شدند بدوام اساسی دیگر

نیز تحقیق بخشند :

اول آنکه رهبری سیاسی - مذهبی جنبش را باسرت زیاد که برای دشمنان غافلگیرانه بود ، به تمام جامعه بشناسانند و این رهبری را در تماس با توده های مردم قرار دهند . مهدق نخستین رجل سیاسی يك قرن اخیر بود که نام و آوازه اش در سراسر پیچید .

دوم اینکه تالعات جامعه نفوذ کنند و از وطن آن نیروها را برکشند و در میدان مبارزه سرنوشت ، وارد کارزار سازند و این کار ، نه کاری بود که از عهد ، احزاب و گروه های سیاسی آنروز ( و امروز هم ) برآید .

بدینقرار اینبار نیز ، دشمن میبایست حمله مرگبار خویش را باقطع پیوند رهبری سیاسی و رهبری مذهبی آغاز میکرد و چنین کرد .

رهبری مذهبی که درسی ام تیر ( باوجود آنکه حزب توده سردرگربان حیرت داشت و احزاب سیاسی ملی نیز توان مقابله باقشون را در خود نمی دیدند ) به چنان بسیج بی سابقه ای موفق شد که در تمامی کشور مردم را وارد مبارزه مرگ و زندگی کرد و توانائی خلق را در غلبه بر نیروی مسلح ارتش بر او معلم و مسلم ساخت ، نیبایست پایگاه مهدق میماند . این پایگاه میبایست ویران میشد .

در جریان مشروطه و مبارزه مدرس نیز پس از آنکه این پایگاه از دست رفت ، مشروطیت جای خود را به استبداد سیاه رضاخانی داد .

آیه الله کاشانی را از ازل ، آلت دست استعمار خواندن ساده گرائی است . هیچ حقیقت جو و حقیقت گوئی نمیتواند نقش تعیین کننده او را در ملی کردن نفت انکار کند . اما همانقدر که نقش او در ریشبرد نهضت ملی بزرگ است ، ضربه او نیز به جنبش بزرگ و گناه او عظیم است .

همانطور که گفته شد جنبه ملی فاقد يك تشکیلات شایسته بود که در همین اتصال رهبری به توده ، اعمال رهبری را نیز مهار کند . این شیوه عمل بسیار آسیب پذیر

بود . زیرا که قوا در دو شخصیت ( مصدق و کاشانی ) متمرکز میشد ، هر روز بیشتر از روز پیش . فقدان سازمان در همین حال از توانائی مقاومت جنبش در برابر ضربات پیاپی دشمنان نهضت ملی میکاست .

همگرایی امریکا و انگلیس در سطح بین المللی موجب شد که گروه های حاکم بر گرد محور دربار و ارتش صف های خود را فشرده سازند ولی نیروهای مردمی در پی گذار رهبری از توحید به تضاد روز بروز کار پذیر تر میشدند .

در حقیقت وحدت عمل امریکا و انگلیس از سی ام تیر ۱۳۳۱ بپس ، سبب شد که گروه های حاکم مواضع دفاعی را رها سازند و حمله همه جانبه دست یازند . اینجاست که انعکاس واقعیت های اجتماعی بصورت کیش شخصیت آنها در جامعه ای که فعالیت سیاسی در شبکه روابط شخصی انجام میگردد ، زمینه ایجاد اختلاف و سیر دادن اختلاف به تضاد را فراهم میآورد و فراهم آورد .

دو شخصیت رهبری در رابطه قدرت قرار گرفتند و در پی حذف یکدیگر از صحنه بر آمدند و زمان بزمان دورتر شدند . در اینجا به يك واقعیت مهم اجتماعی بر میخوریم : وقتی نیروهای محرکه جامعه در جهت تولید قدرت سیاسی مسیریافت ، قوا در کانونها متمرکز میگردد و جریان تولید قدرت سیاسی جز از طریق حذف و تخریب ممکن نمیکردد . اما نه کاشانی و نه مصدق در وضعی نبودند که با حذف طرف مقابل برجسا بمانند . نیروی سومی ، همان نیروی وابسته به قدرت های جهانی در کمین بود . رشد تضاد به رشد این نیروی انجامید . کاشانی که به یمن مبارزه با تجدید دیکتاتوری دربار پهلوی و استقرار حاکمیت سیاه ارتش ، آقای ایران و شخصیت جهانی شده بود ، در سیر جدالی حذف ناگزیر باید هر نیروی را بکار میگرفت و بدینسان موضع اجتماعیش تغییر میکرد و از بیانگر توده های انبوه و فقیر و اسیر کشور به عامل دشمن گذر میکرد . اما در ایسن سقوط تنها او مقصر نبود ، مصدق نیز انسان که باید در روابط خود با وی و دیگران موازنه عدمی برقرار نمیکرد . بدیگر سخن نه کاشانی و نه مصدق روشی را که قرآن میآموزد بکار

نی بردند . در اختلاف کسی که می خواهد در خط موازنه عدمی بماند و عمل کند ، باید از رفتن براه اختلاف خود داری کند و بر صراط مستقیم خوش استوار ماند .

وقتی جریان اختلاف شدت گرفت " اطرافیان " به " محرکان " تبدیل شدند و با همه می دیدند که بسوی غرقاب میدویند ، هر کس در فکر نجات محبوبیت خویش و حفظ موقعیتهای خود ، از شرکت در یک اقدام قاطع و عاجل برای تصحیح غلط کارهای رهبری ، خود داری میکرد و آتشبار معرکه نیز میشد . نقص اساسی جنبش این بود که هسته " امام " هسته رهبری محروم از درجه " همگرایی و اقدام در سطح متعالی بود و دشمن نیز از جمله از این ضعف بزرگ سود جست (۱) .

عوامل دربار وارد عمل شدند . افرادی نظیر میراشرافی ها ، شمس قنات آبادی ها ، فضلای ها ، بعنوان " نیرو " بظاهر خود را در اختیار کاشانی گذاشتند و در واقع او را آلت کردند . لجاجتهای طرف مقابل نیز ، آنچنان را آنچنان تر میکرد . حزب توده نیز این اختلاف را نعمت غیر مترقبه تلقی کرده ، بنوع خود وارد عمل شد تا این تضاد را تشدید کند و طبعاً آن جناحی را میکویید که با توده سروکار داشت پیوند میان رهبر و توده از طریق او برقرار میشد . زیرا که با ازین رفتن " پیوندهای سنتی " توده ها سرگردان میشدند و این حزب بخود وعده میداد که در جذب آنها بی رقیب خواهد بود . حزب توده در کوییدن کاشانی میخواست خود را جانشین بنیادهای مذهبی سازد و رشته های پیوند های سیاسی جامعه را در دست بگیرد . در این محاسبه نیز " اشتباه " بسیار زیانباری کرد زیرا اولاً از یاد برد که نیروی مسلح وابسته بغرب در کمین آنست که اختلافات نیروهای ضد استعمار را به تحلیل برد تا وارد عمل گردد و ثانیاً حمله به کاشانی تبدیل شد به حمله به علما و مذاهب . و دستگامیان تا توانستند بنام حزب توده برای علما شب نامه فرستادند و دیدنشان دفاع از نهضت ملی موضوع فرعی و دفاع از موجودیست

(۱) - برای آزمون درستی این تحلیل هر خواننده میتواند در اطراف خود دقیق گردد و بیند اختلافها چگونه بوجود می آیند و " دوستان " چگونه بجای آنکه مسئله را مسئله خود بدانند ، آتشبار معرکه میشوند .

خوش در برابر حزب نوم رصوع اصلی شد .

### غلام رفت آب جو آرد      آب جو آمد و غلام ببرد

حزب توده میخواست بیک تیر و نشان بزند : جبهه ملی را از میان بردارد و مذهب

را در وجود کاشانی بگوید و ضعیف سازد ، بیست و هشت مرداد آمد و همه را ببرد .

باری صحنه این برخوردها از جمله و بیشتر مجلس بود . برای آنکه کاشانی را

مقابل مصدق قرار دهند ، اختلاف شایگان و معظمی بر سر ریاست مجلس ، بهانه شد ،

که از کاشانی بخواهند ریاست مجلس را بپذیرد .

عناصر وابسته به دربار ( آنهایی که ظاهراً صدقی ولسی باطناً در لژ پهلوی

بودند ) موقع را مغتنم شمرده و تحت این پوشش که آقای کاشانی خود را د او طلب

ریاست مجلس کند تا مرافعه خاتمه یابد ( البته هدف شدت گرفتن تضاد بود ) ایشان

را نامزد ریاست کردند و کاشانی هم پذیرفت و رئیس مجلس شد (۱) البته در ظاهر

بخاطر اینکه دعوا خاتمه یابد ولی در باطن وسوسه قدرت .

کاشانی رئیس مجلس شد و در حقیقت در مقابل نخست وزیر یعنی دکتر مصدق قرار

گرفت و نه دیگر در کنار او .

اصولاً بعد از قیام سیام تیر جبهه ملی یک پارچگی خود را از دست داد و عناصری

از قبیل حسین مکی و بقائی و حائری زاده و . . . . که از ابتدای امر در کنار مصدق قرار

داشتند در همان سازوکارها ، از آن پس در مقابل او قرار گرفتند .

در آذر ماه ۱۳۳۱ اختلاف دولت بریاست دکتر مصدق و مجلس بریاست کاشانی

باوج خود رسید تا جائی که دولت تصمیم گرفت تا فراهم شدن محیط مناسب از حضور

در مجلس خود داری نماید (۲) .

(۱) - آیت الله کاشانی روز دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ بریاست مجلس انتخاب شد .

(۲) - گذشته چراغ راه آینده است ، ص ۵۸۷

در نیمه دوم دیماه ۱۳۳۱ وقتی دوره اختیارات شش ماهه دکتر مهدق پایان یافت و او تقاضای تمدید اختیارات بمدت یکسال را از مجلس نمود کاشانی برخلاف اختیارات قانونی خود به مجلس نوشت :

" ناموقعیکه ریاست مجلس شورای ملی رابعمهده دایم اجازه طرح لایحه اختیارات و نظیر این قبیل لوایح را که مخالف قانون اساسی است در مجلس نمیدهم و صریحاً قدغن میکنم که از طرح آن خود داری شود." (۱)

ولی این بار نیز تظاهرات مردم و فشار افکار عمومی به کمک مهدق آمد و لایحه اختیارات به تصویب رسید .

تضاد بین مهدق و کاشانی روز بروز شدت گرفت تا جایی که کاشانی در کنار دربار و کودتاجیان علیه نهضت ملی قرار گرفت و تا مرحله خیانت به جنبش سقوط کرد .

بدین ترتیب عدم یک تشکیلات منسجم توده ای بنام جبهه ملی از سویی و تلاش در رهبری جبهه از سوی دیگر اولین زمینه را جهت شکست نهضت ملی فراهم آورد .

۲- خیانتها و زمینه سازیهائی که توسط دو جریان ضد خلقی توان نهضت را آنچنان تضعیف کرد و درجه همگرایی عناصر سازنده جنبش را آنچنان تنزل داد که آخرین حربه امپریالیسم یعنی کودتای ۲۸ مرداد توانست کارگرفتد .

همزمان با تولد نهضت ملی دو جریان وابسته که مهدق بارها در سخنانش بدانها اشاره میکند پابصره وجود نهادند . هر دو جریان برخلاف نهضت ملی کسه خواستار روش سیاست موازنه منفی بود ، سیاست موازنه مثبت را مبنای کار خود قرار دادند .

---

(۱) - کیهان شماره ۲۹۰۴ مورخه ۲۸/۱۰/۱۳۳۱ نقل از کتاب گذشته چراغ راه - آینده است ، ص ۵۸۸

يك جریان به رهبری حزب توده و جانبدار همسایه شمالی و مطیع او امر روسیه شوروی  
و جریان دیگر سردمداری عناصر وابسته به انگلیس و امریکا و جانبدار غرب .

در طول تاریخ معاصر ایران نه روسیه شوروی مایل به استقلال ایران بوده است  
و نه دول استعماری غرب . زیرا که تأسیس يك حکومت مستقل و ملی در ایران مدی است  
بر سر راه تأمین منافع استثمارگران هر دو قدرت . مضافاً باینکه پیروزی نهضت ملی ایران  
تأثیر بسزائی بر حرکتهای آزادیخواهانه و صد امپریالیستی ( ضد امریکائی - انگلیسی )  
منطقه می گذاشت و در جریانهای آزادیخواهانه " جمهوری های آسیائی " که در تلاش  
رهائی از سلطه و استعمار روسیه هستند موثر می افتاد .

بدین جهت است که علیرغم تضاد های متعددی که در زمینه های مختلف بیسن  
روسیه شوروی ، امریکا ، انگلیس موجود بوده و هست همواره در مورد عدم استقلال ایران  
توافق داشته اند و پیوسته کوشیده اند از داخل و خارج موجبات تضعیف و تلاشی نهضت  
ملی ایران را فراهم آورند ، در دوران نهضت ملی شدن نفت و در زمان حکومت ملی دکتر  
مصدق همین توافق بنیادی از عوامل عمده ناکامی جنبش بود . عمال وابسته به روسیه  
شوروی ( حزب توده ) و عمال وابسته به انگلیس و امریکا تمام توان خود را صرف کوییدن  
مصدق کردند تا زمینه کودتای ۲۸ مرداد را فراهم آورند . نتیجه این آرایش قوای خار  
جی و داخلی سبب شد که حکومت ملی دکتر مصدق بلحاظ برخورد های دائمی ای که با این  
دو جناح داشت نتواند يك نیروی اقتصادی و سیاسی کارآمدی را بسیج نماید .

تاریخ گواه است که عملکرد این دو جریان وابسته در تمام طول عمر کوتاه حکومت نهضت  
ملی ایران با طرح شعارهای کاذب و مشوش کردن اذهان و افکار ، که نمونه هائی از آن  
در این نوشته ذکر شد ، جز خدمت بیک هدف یعنی متلاشی و نسا بود کردن نهضت ملی  
ایران نبود .

طرح شعارهای کاذب و متهم کردن مصدق به امریکائی بودن و حادثه آفرینی های

روزمره و برپا کردن مینگ های ضد صدقی و تحریم قرضه ملی و ۰۰۰ از طرف رهبران حزب توده، و متهم کردن مصدق به کمونیست بودن و ضد ملی بودن و آفریدن هزاران دسیسه و توطئه بر علیه دولت مصدق از جانب عمال انگلیس و آمریکا، وقت و نیروی حکومت ملی را بخود مسغول داشت و این حکومت عمدهٔ تلاشش حفظ خودش شد. ارتش نقش روزمره "حفظ نظم" را پیدا کرد. محاصره اقتصادی با شدت ادامه داشت. از بین رفتن تضاد میان آمریکا و انگلیس، و تحمیل توافق ضمنی روسیه موجب شد که گروه های حاکمه دستیار این قدرتها از تضاد بوجدت گذر کنند. این گروه ها وحدت میگرداند اما جبهه ملی در راه تضاد شتاب میگرفت. حاصل جمع این عوامل آن شد که زمینه کودتا فراهم آمد. و سیا و انتلیجنت سرویس در ۲۸ مرداد ۳۲ نقشه کودتا را با اجرا گذارند.

بعد ها که شبکه افسران حزب توده در ارتش کشف گردید، آشکار شد تا چه حد رهبران این حزب به نهضت ملی خیانت روا داشته اند. کودتا ضعف بزرگ حزب توده را نیز آشکار کرد. این حزب همواره تبلیغ میکرد و هنوز نیز تبلیغ میکند که تنها بزرگترین سازمان حزبی آن دوران بوده است و يك سازمان افسری بسیار نیرومند داشته است. این حزب مدعی بود و هست که بمصدق اطلاع داده است که کودتا در شرف انجام است اما تا بحال باین سؤال جواب نداده است که چرا به سازمان افسری خود دستور نداد لا اقل بطور ناشناس خود را در خدمت حکومت نهضت ملی بگذارند و کودتا را که در ارتش تدارک میشد عقیم نمایند؟ آیا اگر ۶۰۰ افسر و تعداد بسیار گروه بان خود را موظف بدفاع از حکومت نهضت ملی میدیدند باز هم کودتا آنها بآن سهولت انجام میگرفت؟ در اینجاست که دم خروس خود را نشان میدهد. اما گذشته از این ضعف بنیادی که نتیجه وابستگی حزب بقدرت روسیه بود، سازمان حزب نیز خود ضعف بزرگی از آب در آمد، چرا که از ۲۸ مرداد بیعددیگر صحنه را رها کرد. بنظر میرسد علت این امر همان شیوه کردن روش استالین در سازمان دهی بود؛ رهبری همه کاره و بدنه حزب هیچکاره و آلت بود. البته چنین حزبی در برابر ضربه ها قادر بمقاومت نیست. بسیاری



حزب توده به . رالهای اصلی ، اسخ نمیدهد ، درعوض مصدق در پاسخ این سووال که چرا در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد اقدامی نکرده است ، مینویسد :

..... اما اینکه این جانب روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد سکوت اختیار کردم ، علت این بود که قوای در اختیار نداشتم . و افسر از اقوام من حافظ خانه بودند ، که آنها را هم بعد محاکمه و محکوم کردند ..... (۱)

البته حزب توده بعدها در استغفار نامه پلنوم چهارم به خطاهای جدی تاکتیکی حزب اعتراف کرد و نوشت :

..... عدم تشخیص خصلت ضد امپریالیستی جبهه ملی موجب شد که حزب ما مرتکب اشتباههای سیاسی مهمی گردید . . . . در تاکتیک حزب ما خطاهای جدی نسبت به جبهه ملی و دولت دکتر مصدق بروز نمود . رهبری حزب ما بجای آنکه جبهه ملی و حکومت دکتر مصدق را در مقابل امپریالیسم و سیاهترین جناح هیئت حاکمه حمایت نموده ، جهات مثبت روش رهبران پیرو و آزاری ملی را مورد پشتیبانی قرار دهد ، تا مدت طولانی جبهه ملی و حکومت دکتر مصدق را شدیداً مورد حمله قرار داد تا سرانجام واقعیت بطلان این روش را به اثبات رسانید ..... (۲)

در پاسخ این ادعا که گفته میشود حزب توده قادر و حاضر بوده است کودتا را منکوب نماید ، ولی دکتر مصدق مانع شده است کافی است قسمت دیگری از قطعنامه پلنوم حزب توده را که تکذیب این دعوی است بیاوریم .

کمیته مرکزی حزب توده خطای رهبری حزب را در باره کودتای ۲۸ مرداد و در قطعنامه

پلنوم خود ( ۲۵ تا ۲۶ تیر ۱۳۳۶ ) چنین تشریح می کند :

(۱) - مکاتبات مصدق ، تلاش برای تشکیل جبهه ملی سوم ، انتشارات مصدق ۱۰ ص ۱۰۵

و ۱۰۶ - سند ۴۵

(۲) - پلنوم چهارم صص ۲-۳

۰۰۰ پس از شروع کودتا و بروز ابهام در درك ما هیت حوادث روز ۲۸ مرداد برای  
 آنکه ادا اقدامی در جهت مخالف سیاست مصدق بکنند بصدق تلفس کردند  
 بدان اکتفا نمودند و با اطمینان دادن او که دولت بر اوضاع مسلط است اطمینان  
 یافتند و سر از آنکه حادثه بسط یافت و جنبه خطرناک آن آشکارتر شد مجدداً به  
 مصدق تلفن کردند و وقتی مصدق گفت کاری از من ساخته نیست هر کاری از دستتان  
پرمیاید بکنید (تکیه از ماست) اول کار را از کسار گذشته شمردند و سپس در ساعت  
 سه بعد از ظهر خواستند کاری کنند ولی ارتباطات حزبی در اثر دستور ۲ بعد  
 از ظهر پس از تلفن دوم به مصدق روز ۲۸ مرداد که آن نیز با اتفاق آراء گرفته شده  
 و حاکی از توصیه برفقای حزبی برای رفتن به خانه ها و تمیز کردن آنها از اسناد و  
 مدارک حزبی بود، عملاً فلج شده بود. در این موقع رهبری میتواندست از امکانات  
 مختلف قوا برای عمل استفاده کند ولی در اثر عدم توجه بدین امکانات عملاً  
 هیچگونه کاری انجام نگرفت. ۰۰۰ (۱)

دکتر یزدی عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی در باره ۲۸ مرداد میگوید که از ۵ تن  
 اعضای هیئت اجرائیه فقط يك نفر موافق بسیج قوای حزبی و مقاومت در مقابل کودتاچیان  
 بودند و بقیه مخالف آن بودند. و لذا روز ۲۸ مرداد هیچگونه اقدامی صورت نگرفت  
 و باستناد همین امر وی خود را مستحق عفو ملوکانه دانسته و به شاه مینویسد:

۰۰۰۰۰ ضمناً از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با توجه به خدمات  
 گذشته اینجانب که مانع از اعمال ماجراجویانه عده ای از رهبران خائن حزب  
 توده شدم ۰۰۰۰۰ استدعای هرگونه بذل و توجه و عواطف بی پایان شاهنشاه را  
 را دارم ۰۰ (۲)

(۱) - قطعنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی، نقل از کتاب گذشته چراغ راه آینده است، صص

۶۲۱ - ۶۲۰

(۲) - سیرکمونیسیم در ایران، ص ۲۲۵، اعترافات دکتر یزدی نقل از کتاب گذشته چراغ  
 راه آینده است، ص ۶۲۱

با توجه باین اسناد آشکار است که چرا حزب از پیش سازمان افسری خود را مأمور دفاع از حکومت ملی نکرده است و قول حزب درباره نحوه تماس با مصدق و پاسخ مصدق به حزب نادرست است . حقیقت آنست که موافق نوشته دکتر یزدی حزب آماده هیچ اقدامی نبود و بقول " آیدن " مسئله با روسها حل شده بود مصدق نیز به خدا پندیده بصراحت گفته بود که حزب توده کاری علیه کودتاچیان نخواهد کرد . از نو باید پرسید معلوم نیست حزب چرا بجای مراجعه به سازمان افسری خود و دستور باین سازمان که علیه کودتا وارد عمل شود ، بمصدق تلفن می کرد ؟

با توجه بآنچه نگاشته شد کاملاً آشکار میگردد که رسالت حزب توده در تمامی دوران نهضت ملی ایران در حادثه آفرینی و افشاش و از پشت ضربه وارد آوردن و در حساس ترین لحظات جنبش ( ۲۸ مرداد ) از میدان گریختن بوده است .  
برای اینکه روشن شود که خطاهای جدی حزب توده تا چه حد تاکتیکی بوده است ، خوب است نظری کوتاه به عملکرد این حزب در دورانهایی که امکان فعالیت داشته است بیافکنیم .

پس از کودتای ۱۲۹۹ و آن زمان که رضاخان میبایست رضاشاه شود ، و مسدوس بزرگ در صدر اقلیتی مبارز در مجلس با تمام نیرو در مقابل او ایستادگی میکرد ، ند از روسیه برخاست که :

" انگلیسها سعی دارند ، رضاخان عامل بزرگ نهضت ملی ایران را از صحنه سیاست دور سازند ، پی در پی نقشه های جدید عمال انگلیس کشف میشود که میخواهند " يك نهضت ارتجاعی را مخصوصاً در میان قبایل نیمه وحشی علیه دولت مرکزی ایران ایجاد کنند . در ایران بكم عمال انگلیسی ها مخصوصاً بین مالکین و صاحب " منصبان بر ضد جمهوریت تبلیغات میشود ، روحانیون ( منظور مدرس است ) با این " عناصر رابطه پیدا کرده و با شدت علیه رضاخان حمله میکنند " . . . . ( ۱ )

( ۱ ) - روزنامه پیک رشت شماره ۷ ، نقل از تاریخ بیست ساله ایران نوشته مکی ، جلد سوم ص ۳۲

" اصل وریشه جنبش‌خیر ( جنبش آزا یخواهان برهبری مدرس در مقابل رضاخان ) عبارتست از مساهی مرتجعین که سعی دارند باکمک روحانیون تعصب مذهبی توده را به حرکت آورده و آنان را برای مبارزه با دولت بسیج نمایند " (۱)

حزب توده نیز برای اینکه از روسیه در طرفداری از رضاخان عقب‌نماند ، اوضاع واحوال را تجزیه و تحلیل غلیی کرده و باین نتیجه رسید که :

" رضاخان از میان توده مردم برخاسته ، دارای روح میهن پرستی و ضد امپریالیستی است " (۲) و کسی است که دست سید ضیاء الدین ، عامل امپریالیسم انگلیس را کوتاه کرده و اقداماتی برای تقویت حکومت مرکزی بعمل آورده ، راه را بسراغ فعالیت نیروهای مترقی و حستی حزب کمونیست مسدود نساخته است " (۲)

طبیعی است که با چنین " برداشت علمی‌ای " حزب توده در کنار رضاخان قرارگرفت و سیاست " تقویت توأم با انتقاد " (۳) را پیشه کرد و در تحمیل وجود رضاخان بر سرنوشت ملت ایران باشعار " من رضا تو رضا و ملت ایران رضا " (۴) با امپریالیسم انگلیس همگام شد .

بعد ها در کنگره دوم حزب ، حضرات باین نتیجه رسیدند که شناختشان از ماهیت رضاخان غلط است . !

در دوره ۱۴ تقنینیه که مصدق طرح تحزیم تفویض امتیاز به دولت های بیگانه را تقدیم مجلس کرد ، نمایندگان فراکسیون حزب توده با طرح مصدق مخالفت کرده و شعار لغو امتیاز جنوب را مطرح ساخته و به دفاع از میسیون کافتارادزه که جهت اخذ امتیاز نفت شمال به ایران آمده بود ، پرداختند و میتینگ به همراه ارتش سرخ بیجا ساختند ، حتماً این هم يك خطای تاکتیکی بود !

(۱) - تاریخ بیست ساله ایران ، نوشته حسین مکی جلد سوم ، ص ۲۰  
 (۲) و (۳) نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران ، نوشته عبدالصمد کامبخش ، ص ۳۲  
 (۴) - نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران ، نوشته عبدالصمد کامبخش ، ص ۳۳

عملکرد این حزب در دوره ۱۶ تقنینیه و در رابطه با ملی شدن صنعت نفت و در دوران نخست وزیری دکتر مصدق در این نوشته به اختصار بررسی شد و دیدیم که در استغفار نامه، پلنوم چهارم حزب، اعتراف کردند که بار دیگر، دچار یک خطای جنگ تاکتیکی شده اند.

بدین ترتیب هر بار حزب توده امکانی جهت فعالیت سیاسی یافت به خطا رفت و بقول خودشان دچار اشتباه تاکتیکی شد. ولی این بسیار ساده لوحانه است که انحراف حزب توده را معلول خطاهای تاکتیکی تهر در کنیم.

انحراف حزب توده که منجر به خیانت به نهضت ملی ایران شد، نتیجه سه عامل

بود:

اول - وابستگی بقدرت های خارجی در درجه اول روسیه

دوم - ازین بردن امکان ابتکار در حزب و تبدیل عضو حزب به آلت، آلتی در دست

رهبری.

سوم - جایگاه واقعی اجتماعی حزب. در حقیقت این حزب از لحاظ دعوی و ایدئولوژی

اجتماعی خود را حزب زحمتکشان می شمرد، حال آنکه موضع اجتماعی عمل وی، موضع گروه بندیهای حاکم بود. همین خروج از جایگاه اجتماعی خود، از آن زمان بیحد سبب شده است که این حزب و سایر گروه های این چنینی بخش مهمی از نیروهای زحمت کشان را در جرائی علیه اساسی ترین منافع حیاتی آنها بکار اندازند. بدین دلیل است که نمیتوان بلائی را که این حزب بر سر نهضت ملی ایران آورد، اشتباه تاکتیکی خواند. ارزیابی علمی، درست باید، تا آینده دنباله گذشته نشود. انحراف از لحاظ مواضع اهراتریک خود علیه زحمتکشان عمل میکرد.

۳- عدم قاطعیت در برابر ارتجاع

دکتر مصدق روش سیاست موازنه منفی را در زمینه دشمن خارجی اساس برنامه

حکومت خود قرارداد . اما همین موازنه در زمینه داخلی با اجرا در نیامد . گفتگوندارد که معاشات هائی بعمل آمد و سازشکاریهائی صورت گرفت و قاطعیت های بایسته اعمال نشد . کسانی که واقعیتها را نمی بینند و یا نمیخواهند ببینند کوشش میکنند ، معاشات در سرکوبی ارتجاع داخلی را به منسطبقاتی مصدق مستد کنند . برای اینکار بسیاری از واقعیت ها را در پرده گذاشته اند . واقعیتهائی که ذیلاً با استنادشان کوشش میشود ، سیاست معاشات با ارتجاع داخلی بمثابه پایگاه سلطه خارجی، توضیح داده شود .

این دهی که مصدق بلحاظ تعلقات طبقاتیش ، سازشکار و اهل معاشات بسود ، درست بنظر نمی رسد زیرا اگر منشاء اجتماعی مصدق را با موضع گیری اجتماعی وی بغلط یکی بگیریم ، تا آنجا که تاریخ گذشته و حال کشور نشان میدهد افراد طبقه حاکم در حد مخالفان خود سخت بی رحم و قاطع بوده و هستند . علت این قاطعیت نیز آنست که مبارزه قدرت در شبکه روابط شخصی انجام می گیرد و ناگزیر باید یکی از طرفین حذف بشود . بنابراین نباید ساده گرا بود و معاشات ها و اعمال ها را تنها به ذهنیات مستد کرد . باید دید کدام عینیات باین ذهنیات تبدیل شده اند و جریان تبدیل این ذهنیات را به اخلاق و رفتار سیاسی مصدق پی گرفت .

بدینقرار باید عوامل ناتوانی های مصدق را نه در ذهنیات اولیه در ذهنیات ایران و جهان وانعکاس و تغییر و تبدیل این عینیات در ذهنیات و در نتیجه در تصمیمات مصدق جستجو کرد :

۱- مصدق در ارتش نیروئی در اختیار نداشت . وی تنها و افسرانهم از خوشان خود داشت . ارتش در دست دودسته بود ، درباریان و حزب توده و هر دودسته افسران مصدقی را پرت و بلا می کردند . نزدیکان مصدق برآنند که مصدق پس از شکست کودتای ۱۹ سفند که افشار طوس هامل شکست آن بود ، بوی ماموریت داد مردم را مسلح کند و یک گارد ملی تشکیل دهد تا در برابر کودتا خلق مسلحانه بتواند از نهضت

خویش دفاع کند . گفته میشود از زلزله از زمین بردن افشار طوس یکی هم این علت بود .  
 اگر در این باره جز قول نزدیکان مهدق سندی دردست نیست ، ولی درباره صحت  
 تنها بودن مهدق در ارتش جای چون و چرا وجود ندارد .

۲- در قیاس جهان امریکا و انگلیس درباره تقسیم نفت ایران به توافق رسیدند و روسها  
 نیز در پی تعادل قوا با غرب و منافع خود ، رفتاری در پیش گرفتند که در نتیجه آن زمینه  
 عمل امریکا و انگلیس بلا معارض گردید . در این باره نوشته " ایدن " نخست وزیر  
 وقت انگلیس بسیار صریح و گویاست ؛ (۱)

" ما با روسها درباره خاورمیانه در لندن گفتگو کردیم . من بر روسها گفتم که جریان  
 " مستمر نفت برای اقتصاد ما اهمیت حیاتی دارد . آنها درباره منافع ما تفاهم  
 " نشان دادند و خواست خود را به اطلاع و علم به نظر ما در این باره نمایان  
 " ساختند . من گفتم فکر میکنم باید درباره نفت مطلقاً صریح وی ملاحظه صرف  
 " بزنم زیرا ما با خطر آن جنگ خواهیم کرد . خروشف پاسخ داد من ( ایدن ) مشکل  
 " بتوانم عواطف و هلاک روسیه شوروی را جلب کنم در صورتی که آمده شروع جنگی  
 " شده باشم . آنها ، روسیه تنها در صورتی وارد جنگ میشوند که بخود آنها و یا  
 " بکشورهای عضو پیمان ورشو حمله بشود .

" دیرتر ، آقای خروشف در گفتگوه گفته من اشاره کرد و گفت بنا بر این شما در این  
 " قسمت دنیا جنگی را تدارک می بینید . وی گفت این منطقه هم مرز با روسیه شوروی  
 " است . اگر قصد من از گفته ام تهدید روسیه است ، روسیه آنرا رد می کند . من  
 " تکرار کردم که آنچه گفته ام این بود که ما نمیتوانیم بدون نفت زندگانی کنیم و که  
 " ما قصد نداریم بگذاریم گلومان را آنقدر بفشارند تا بپاییم . ما کسی را تهدید  
 " نمی کنیم . وقایع بعدی نشان دادند که روسها این هوشدار را شنیده و پذیرفته  
 " و موضوعها را خوب اندر یافته اند . وقتی آشفتگی ها سر رسیدند حرکات

روسیها محطاطانه بود !

ایدن در صفحه ۲۱۲ خاطرات خود گفتگوی خود را با وزیر خارجه امریکا نقل می کند . می گوید هندرسن سفیر وقت امریکا در ایران جانب شاه را گرفته بود و وزیر خارجه امریکا از قطع رابطه ایران با امریکا نگران بود و می گفت اگر مصدق با امریکا قطع رابطه کند ، ایران بد ام روسیه می افتد . ایدن می گوید با این نظر مخالف بوده است و بنظر او روسیه بایران دست نمی یافته است . . . . !

وقتی این واقعیتها را در نظر بگیریم ، میفهمیم که روسیه تا حد بخطر افکندن منافع غرب بطوریکه خطر جنگ بدنهال بیاورد پیش نمیرفت و میفهمیم چرا حزب توده مبارزه با کودتا را پس از انجام کودتا شروع می کند و آنرا در تلفن بمصدق ختم می کند . چرا ما زمان افسری حمزب با وجود مراجعات مکرر به رهبری (۱) اجازه عمل نمی یابد . خطرات وابستگی اینست . روسها دست امریکا و انگلیس را در ایران بشرحی که ایدن می نویسد باز گذاشته بودند . علت معاشات مصدق این واقعیتها و واقعیتهای دیگر است .

۳- بخش متمایل بغرب گروه بندیهای حاکم در سازمان فراماسونری متحد شده بودند ارتش را نیز با خود متحد کرده بودند . در عوض رهبری نهضت متلاشی شده بود و حالا دیگر دوستان سابق از دشمنان نهضت نیز لجوجانه تر برای نابودی حکومت نهضت ملی تلاش می کردند . پیوند های آلی میان رهبری و جامعه قطع شده بود . ۲۸ مرداد ضعف بزرگ جنبش را آشکار کرد و نشان داد که احزاب نه تنها قادر به بسیج خلق نبودند بلکه اعضا خوش را نیز نتوانستند بسیج و وارد عمل کنند .

---

— (۱) — ص ۲۵۸ ، *Thémemoirs of sir gr (۱) v euen,*

full circle London second edition 1960

هرچند این گفتگو در سال ۱۹۵۶ صورت گرفته است ، اما منعکس کننده واقعیتی است که مبین رفتار روسیه پیش و پس از آن تاریخ است .

(۱) - در این باره علاوه بر آنچه در باره نامه های خسرو روزه به رهبری این حزب مسموع میشود ، در جزوه يك عضو سابق سازمان افسری نیز اشاره های صریح وجود دارد .



۴- هسته رهبری مهدق در خود وی خلاصه می شد و در هیئت دولت او جزئی چند بقیه آدمهای خوب و درست و ایران دوست اما ناکارآمد بودند .

۵- در پی رویه حزب توده و بر اثر تبدیل دوستی های رهبران جبهه ملی به دشمنی آشفتگی های فکری در میان مردم بعد اعلای خود رسیده بود .

۶- مهدق در شروع برنامه اقتصاد بدون نفت بسیار تأخیر کرده بود . بجای آنکه هم از روز نخست این برنامه را با اجرا گذارد بگمان آنکه غرب بزودی تسلیم واقعیت خواهد شد ، تدارک برنامه مقاومت را بتأخیر انداخت . شاید بتوان گفت اشتباه در محاسبه حدود توحیدها و تضادها میان قدرتهای جهانی از عوامل تعیین کننده اوضاعی بود که بکودتای ۲۸ مرداد انجامید . در حقیقت از آنجا که مهدق با استفاده از تضاد های کشورهای بزرگ نهضت را به پیش برده بود ، برنامه کار خود را بر پایه بهره برداری از این تضادها گذاشته بود ، غافل از آنکه تضاد هایشان در حدود وحدت بنیادیشان در تقسیم منافع دنیا بود .

۷- نتیجه غفلت بالا ، عدم استفاده از فرصتهائی بود که در ماه های اول زمامداری و ماه های اول پس از ۳۰ تیر بدست مهدق افتاد . در این فاصله اعمال قاطعیت اگر تا حد حذف تمام عوامل چپ و راست قدرتهای خارجی مقدور نبود ، میشد آنها را ضعیف کرد . اما در اینباره نیز ظاهراً بنای کار مهدق با توجه بعواملی که بر شمردیم ایجاد موازنه میان عوامل دو قدرت غرب و روسیه بود . میخواست میان حزب توده و عوامل انگلیس و آمریکا موازنه برقرار کند طوری که در داخله هیچکدام نتوانند علیه او عمل کنند و در خارجه هم غرب و هم روسیه متقاعد شوند که حکومت نهضت ملی تنها راه حل ایران است و آن کردن گذارند . این اشتباه در ارزیابی نتایج شوم بیارآورد ، مهدق نمیباید تضاد روسیه و غرب را تا اینحد جدی میگرفت و در نتیجه نمی باید وحدت اصولی عوامل آنها را علیه نهضت ملی کم بهامیداد . مطالبی که مهدق در دادگاه نظامی عنوان کرد نشان میدهد که خود وی باین واقعیت اما بسیار دیر واقف شده است .

۸ - اکثریت قاطع مردم کشور مسلمان بودند . اما این نیروی عظیم نه برنامه عمل روشن و صریحی داشت و نه اسلام را بمثابه يك نظام همه جانبه اندرین یافت و نه در محدود ه آن برنامه ئی برای ایران آزاد و مستقل عرضه می کرد و نه مردم را در يك سازمان بفکر اسلام مجبزمی نمود و نه آنها را مسلح میساخت تا بتواند از حکومتی که بر سر کار آورده بود در برابر دشمنان نهضت دفاع کنند . سومین ارزیابی نادرست مصدق راجع میشود بسه قدرت عمل توده های بدون شکل و بدون سازمان آنها در کشوری که قدرتهای خارجی از طریق عوامل سازمان یافته و مسلح خود عمل میکردند . بر او بود که بهر قیمت مانع از بریده شدن پیوندهای ارگانیک بشود که پیش از این اندازه اهمیت آنها مطالعه کردیم .

۹ - رهبری مذهبی نیز پراکنده بود و هیچگونه مرجع جمعی تصمیم وجود نداشت . وضعیت کشور مطالعه نمیشد . عواقب شکست نهضت ملی سنجیده نمیشد و . . . در نتیجه این رهبری با آنکه تجربه استبداد سیاه رضاخانی را پشت سر داشت ، نتوانست قیافه مهیب فاشیسم را در ورای قیافه مظلوم نمای فرزند رضاخان ببیند .

۱۰ - اسلام دین ناس و علما ، علمای ناس ، جا و موضع اصلی خود را از دست داده بودند . رهبری مذهبی با این تغییر موضع اجتماعی بنا گیر در اعمال و افکار خویش مشغول بود ، و . . . مجموع این عوامل بودند که سیاست معاشات را به مصدق تحمیل کردند . اگر این عوامل نبودند ، رهبری نهضت لاجرم در دست کسانی قرار می گرفت که با قاطعیت از دشمنان نهضت خلع ید می کرد ، آن کس و یا کسان که مصدق و یاران او بودند و مخاطرات " منشهای طبقاتی " رويه معاشات در پیش می گرفتند ، حذف میشدند و جای خود را . . . کسانی میدادند که قاطع و بی امان دشمن را از سر راه بر میداشتند . آ . این واقیعت های ساده میتواند از نظر محقق حقیقت جوی پوشیده بماند ؟

(۱) - وضعیت که بعد از صدور بیانیه اعلام مواضع در کشور پیش آمد و برای سومین بار دشمن موفق شد با پاره کردن پیوندها نیروهای انقلابی خلق را منزوی کند . این مسئله باید همه کسانی را که مسوولیت ترشان می شود بفکر او دارد .

## نهیض مقاومت ملی

پس از ۲۸ مرداد دفتر نخستین دوران فعالیت‌های جبهه ملی که بعدها جبهه ملی یک‌مأم گرفت، بسته شد و نهیض از آن پس بصورت نهیض مقاومت ملی سازمان یافت.

بعد از سقوط حکومت جبهه ملی و گسترش جو اختناق و محدود شدن فعالیت‌های سیاسی، نهیض مقاومت ملی با همکاری سازمانها و عناصر ملی که قبل از سقوط دکتر مصدق یار و یاور نهیض ملی بودند، بوجود آمد، ولی نهیض مقاومت ملی نتوانست بسد و علت عمده در زمان حیات سازمانی‌اش آنطور که بایسته است از موقعیت‌ها استفاده برد. آن دولت عبارت بودند از:

۱- عدم تشکیلات متناسب با نیاز مرحله ای جنبش.

تجزیه و تفکیک دهندگان نهیض مقاومت ملی، عبارت بودند از، منفردین سیاسی و سازمانهای سنتی سیاسی و نه نمایندگان احزاب و لذا کارآیی نهیض مقاومت ملی نمیتوانست در حدی باشد که نیازهای جنبش را در آن برهه زمانی برآورده سازد.

۲- مبارزه ملی در چهارچوب رژیم موجود.

عده ای از رهبران نهیض مقاومت از این تزدفاع نیکرودند که مبارزه ملی باید در چهارچوب رژیم موجود صورت گیرد. و این نظر در تمام دوران حیات نهیض مقاومت ملی بعنوان نظر غالب مانع از آن شد که مردم در مبارزات خود رژیم را بعنوان عامل اصلی تسلط بیگانه هدف حملات خود قرار دهند.

هرچند که نهیض مقاومت ملی نمیتوانست بدولت فوق بهدنیهای سیاسی اجتماعی خود برسد ولی شایسته است که از آن بعنوان جریانی که مانع از انقطاع مطلق مبارزه شد و جریانی که مبارزات ضد امپریالیستی امروز خلق ما را به مبارزات ضد استعماری قبل از دهه ۳۰ اتصال میدهد، یاد شود.

جبهه ملی دوم

بعد از آنکه زاهدی کودتاى ۲۸ مرداد را انجام داد و قرار داد کسر سیوم باضاً رسید رژیم سعی نمود با تشکیل يك جريان کاذب نهضت ملی را از مسیر خود منحرف کند تا به امکان بقای خویش بیافزاید. لذا علاوه مأمور تشکیل کابینه شد و سراغ عده ای از همکاران سابق دکتر مصدق رفته و یکی د نفر از آنها را به عضویت در کابینه اش دعوت کرد و اینطور روانمود کرد که حاضر است به خواسته های ملیون ترتیب اثر دهد. این طرح از جانب نهضت مقاومت ملی افشاء شده و عقیم ماند.

پس از آنکه طرح نخست باشکست روبرو شد رژیم جهت درهم شکستن مقاومت ملی و تظاهر به حمایت از دموکراسی و متمرکز کردن نیروهای نا آگاه در قطبهای کاذب تحت پوشش حزب اکثریت و حزب اقلیت اقدام به تشکیل احزاب نمود. در سال ۱۳۳۶ احزاب مردم بعنوان حزب اقلیت وفادار بدست علم و حزب ملیون بعنوان حزب اکثریت بدست اقبال بوجود آمدند. شاه در تاریخ ۳/۲/۳۶ خطاب به سبنا تورها گفت:

" مفهوم دموکراسی، آزادی مردم در اظهار عقیده تشکیل احزاب است و حالاً که احزاب را داریم ۰۰۰ دموکراسی داریم ؟  
و دکتر اقبال متولی حزب اکثریت نیز اعلام داشت که:

" دولت من مایل است افراد در عقیده سیاسی آزادى داشته باشند. یعنی هر کس در حدود قانون میتواند هر عقیده سیاسی دارد، اظهار دارد و یا کی از هیچ مرجعی نداشته باشد." (۱)

برای اینکه بدانیم منظور شاه و اقبال از هر عقیده سیاسی چه بوده است کافی است به جواب اقبال در مورد دستگیری سران و فعالین نهضت مقاومت ملی در مشهد و تهران توجه کنیم که گفت:

این اشخاص در مشهد و تهران باز در نبال تزد کتر مصدق رفته اند . (\*) (بعبارت بهتر در قاموس اقبال هر عقیده، سیاسی داشتن یعنی در نبال همه چیز رفتن جز استقلال و آزادی ایران .

فعالیت‌های نهضت مقاومت ملی و دستگیری‌های وسیع رژیم باردیگر سیاست حزب بازی و تظاهر به دموکراتیک بودن دولت را نقش بر آب کرد و این برنامه نیز نافرجام ماند مضافاً اینکه برخلاف وعده و وعیدهای رژیم بعد از کودتای ۲۸ مرداد وضع اقتصادی کشور روز بروز وخامت می‌گراید تا اینکه در سالهای ۳۹ تا ۴۲ رژیم دست‌اندرگر یبسان یک بحران اقتصادی همه جانبه شد و این عوامل یعنی بحران اقتصادی و خفقان سیاسی می‌توانستند زمینه مناسبی جهت تشدید جنبش مردمی فراهم آورده و یک حرکت توده‌ای را باعث گردند . لذا رژیم تصمیم بعقب نشینی گرفت و این امر سبب شد باردیگر امکاناتی برای فعالیت‌های سیاسی علنی بوجود آید . عده‌ئی از همکاران سابق دکتر مصدق با جلب موافقت سران نهضت مقاومت ملی در تاریخ ۳۰/ تیر / ۱۳۳۹ طی اعلامیه‌ای تجدید فعالیت جبهه ملی را اعلام داشتند .

از همان ابتدای امر بین رهبران جبهه ملی و سران نهضت مقاومت ملی بر سر انتخاب شعار سیاسی و ساخت سازمانی جبهه اختلاف نظر وجود داشت بعبارت دیگر از همان ابتدای امر دو جریان در درون جبهه بوجود آمد .

جریان اول : جریانی خواستار مبارزه در چهارچوب رژیم موجود و استقرار حکومت قانونی بوسیله جبهه‌ای که از افراد و عناصر ملی تشکیل شده باشد و نه از احزاب (۱)

این جریان کوشش داشت که از نظر سازمانی کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی را که بطور مستمر در طول نهضت ملی با حفظ استقلال سازمانی خود از هدف استقلال و آزادی ایران دفاع می‌کردند در سازمان علنی جبهه ملی منحل کند . طبیعی بود که این روش

(۱) - اعلامیه آقای اللهیار صالح مورخ ۱۴/ شهریور / ۱۳۴۲ نقل از انتشارات مصدق ۱۰

سبب تضعیف شدید تشکیلاتی جبهه ملی میشد و امکان میداد که عناصر دشمن با آسانی در صفوف جبهه نفوذ کرده و آنرا از درون دچار تلاشی سازند .

دو جناح با هدفهای مختلف از این تز بطور مشترک دفاع میکردند .

۱- شخصیت‌هایی از رهبری که اکثریت شورای مرکزی جبهه ملی را تشکیل میداند و از این امر بی‌مناک بودند که نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی متشکل به رهبری و شورای مرکزی جبهه ملی راه یافته و با فداکاری های خود موقعیت آنها را در امر رهبری به خطر بیاندازند .

۲- عناصری که بقول مصدق " از ما بهتران " (۲) بودند و هدفشان منحرف ساختن جهت حرکت جبهه بود .

این جریان از نظر سیاسی چهارچوب رژیم موجود را قبول میکرد و تصور میکرد میتواند با قبول چهارچوب رژیم از طریق مذاکرات سیاسی در کادوهای اداری مملکت نفوذ کرده و حکومت قانونی را مستقر سازد .

جریان دوم : جریانی مخالف چهارچوب رژیم موجود و خواستار " استقرار حکومت ملی " بوسیله جبهه‌ای که از احزاب و سازمانهای سیاسی متشکل تشکیل شده باشد .

این جریان معتقد بود که جبهه ملی میبایست از نظر تشکیلاتی محل تجمع احزاب و سازمانهای نهضت سیاسی با مردم و شکل سازمانی مستقل باشد تا بتواند معرف مجموعه مبارزات مردم ایران قرار گیرد و امکان نفوذ عناصر دشمن به درون جبهه تقلیل یابد . از لحاظ سیاسی این جریان چهارچوب رژیم موجود را نپذیرفت زیرا آنرا مظهر و نماینده سلطه بیگانه میبانت و لذا شعار خود را استقرار حکومت ملی اعلام داشت و نیز معتقد بود که با تشکل مردم و مبارزه آنان میتوان با اهداف ملی تحقق بخشید و نه با مذاکرات سیاسی

(۱) - نامه دکتر مهدق به هیئت اجرایی و هیئت رئیسه شورای مرکزی جبهه ملی بتاريخ



درکنگره اول جبهه ملی که در دیماه ۱۳۴۱ برگزار شد، بخاطر عدم انطباق تعداد نمایندگان بانیرهائی که آنها را انتخاب کرده بودند (۱) نظریات جریان اول غالب گشت و اساسنامه و آئین نامه جبهه متناسب بانظریات ایشان به تصویب رسید. پایا کنگره باروزهای بهمن ۱۳۴۱ و گرفتاری عده<sup>۲</sup> زیادی از افراد جبهه ملی مصادف گردید. عملاً بحث و گفتگو در سطح تشکیلاتی در رابطه با اساسنامه و آئین نامه جبهه و اصلاح و تعدیل آن، تا مدتی مسکوت ماند. در همین ایام از گوشه و کنار خبر میرسید که مذاکراتی بین رهبران جبهه ملی و دستگاه در جریان است، ولی پانزدهم خرداد موجب قطع این مذاکرات گردید. (۲)

هنگامی که مقدمات انتخابات دوره بیست و یکم از طرف رژیم فراهم میشد، هنوز عده ای از رهبران جبهه ملی در زندان بودند. سازمان دانشجویان جبهه ملی جهت کسب تکلیف سازمانی در رابطه بامشی خود در زمینه انتخابات ازسک سو برای رهبران جبهه که در زندان بودند پیغامی ارسال داشته و نظر خود رامبنی بریک اقدام جدی با اطلاع ایشان رساند و از سوی دیگر طی نامه ای به دکتر مصدق، خواستار نظر او در این باب شد.

رهبران جبهه مسئله رابه تعلل برگزار کردن دولی دکتر مصدق که همواره چه آن هنگام که از آزادی نسبی برای مبارزه برخوردار بود وجه آن هنگام که در زندان<sup>سه</sup> استبداد بسر میرد، اندیشه ای جز آزادی و استقلال ایران نداشت، این بار نیز بلافاصله به نامه دانشجویان پاسخ گفت و در نامه مورخه ۴/۶/۱۳۴۲ خود نوشت:

(۱) - نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران به دکتر مصدق بتاریخ ۱۳۴۳/۲/۱۶، انتشارات مهدق ۱۰، ص ۵۴

(۲) - مکاتبات مهدق، تلاش برای تشکیل جبهه ملی سوم، انتشارات مهدق ۱۰، ص ۴

..... راجع به انتخابات دوره ۲۱ تقنینیه تفاضا فرموده اید نظریات خود را  
 • باستحضار برسانم • اینست که قبل از بحث در موضوع عرض میکنم اظهار عقیده حق  
 • اشخاصی است که با جامعه ارتباط دارند و هر وقت موجباتی پیش آید میتوانند  
 • باشور و مشورت با دیگران واقامه ادله فراوان از تصمیمی که اتخاذ شد • عدول کنند  
 • و تصمیم دیگری که بیشتر در مصالح اجتماعی باشد اتخاذ نمایند • اظهار عقیده از  
 • کسی مثل حقیر موجه نیست چونکه در يك قلعه ای افتاده ام و نظریات خود را نمیتوانم  
 • حتی بایک فرد مورد اعتماد در میان بگذارم • با این حال بمصدق "مالایدرک  
 • مکله لایترک کله" عرض میکنم که در انتخابات آزاد وظیفه هر فردی از افراد این است  
 • که شرکت کنند بلکه بتوانند گامی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند و تشخیر  
 • انتخابات آزاد با مقررات تشکیلاتی که درست شده قبل از خاتمه انتخابات کاری  
 • است بس مشکل و هیئتی لازم است تشکیل شود که با ملاحظه احوال و اطراف آنرا  
 • پیش گویی کند و تکلیف افراد علاقمند را در شرکت و یا عدم شرکت معلوم بدارد و رأی  
 • چنین هیئتی را محترم بشمارند و اجرا نمایند • در هر حالی از احوال توفیق شما  
 • رجال و جوانان وطنپرست را آرزو مندم و از خدا مسئلت دارم • (\* )

سازمان دانشجویان جبهه ملی پس از دریافت نامه دکتر مصدق و پس از آنکه از تصمیم  
 گیسری رهبران جبهه ناامید شد، برای اینکه پیچ بودن ادعای رژیم رامینی برآزاد  
 بودن انتخابات افشاکند و برای اینکه دولت نتواند از سکوت بعنوان وجود آزادی انتخابات  
 استفاده کند، (۱) تصمیم به برگزاری يك میتینگ در ۱۵ شهریور ۱۳۴۲ گرفت و این  
 تصمیم را رسماً بنه شهرنای اطلاع داد •

پس از اتخاذ این تصمیم از طرف سازمان دانشجویان جبهه ملی، بتدریج رهبران  
 جبهه ملی از زندان آزاد شدند و به آقای صالح نیز که در بیمارستان تحت مراقبت بسر  
 می بردند اطلاع داده شده که آزاد هستند • رهبران جبهه ملی بلافاصله پس از آزاد

(۱) - نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران به دکتر مصدق، مورخه ۱۶/۲/۱۳۴۳

انتشارات مصدق ۱۰ ص ۵۶

\* مکاتبات مصدق، تلاش برای تشکیل جبهه ملی، سوم، انتشارات مصدق، صص ۶-۵



شدن درصدد برآمدند که از برگزاری میتینگ مانعت کنند . دکتر سنجایی طی نامه‌ای در تاریخ ۱۴ / شهریور / ۱۳۴۲ به آقای اللهیار صالح نوشت :

• امروز ساعت ۱۱ صبح که اینجانب آزاد شده و بمنزل مراجعت کردم پس از تلفن  
 • به جناب آقای دکتر صدیقی از جریان میتینگ که دانشجویان اعلام کرده اند  
 • مستحضر شدم . چون این میتینگ بصورت فعلی برخلاف مقررات قانون حکومت  
 • نظامی است و ممکن است مفاسدهای از آن بروز کند بهترینست که بموجب اعلامیه  
 • مختصری که به امضاء جنابعالی برسد از آن صرفنظر شود . (۱)  
 • آقای اللهیار صالح بنام هیئت اجرائی جبهه ملی در منع میتینگ ۱۵ شهریور  
 • اعلامیه زیر را صادر نمود . (۲)

دانشجویان عزیز

• با اظهار قدردانی از احساسات و افکار آزاد بخوانان فرد فرد شما ، چون  
 • فرمانداری نظامی با میتینگ فردای شما موافقت نکرده و روش قطعی جبهه  
 • ملی پیروی از قانون میباشد ، من بنام هیئت اجرائی جبهه ملی از شما تقاضا  
 • دارم و دستور میدهم که از میتینگ مذکور منصرف شوید و این مطالب را بهر  
 • وسیله که ممکن است به اطلاع عموم فوراً برسانید .

عصر پنج شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۴۲  
 اللهیار صالح

با وجود مخالفت رهبری جبهه ملی که با استناد به پیروی از قانون خواستار  
 مانعت از برگزاری میتینگ بود و با وجود تدارک وسیع پلیس ارتجاع که کلیه خیابانهای  
 اطراف مجلس شورای ملی را اشغال کرده بود ، تظاهرات باشکوه مردم تاپاسی از شب

(۱) - مکاتبات مصدق ، تلاش برای تشکیل جبهه ملی سوم ، انتشارات مصدق ص ۱۲۴

(۲) - مکاتبات مصدق ، تلاش برای تشکیل جبهه ملی سوم ، انتشارات مصدق ص ۱۲۵

ادامه داشت و عناصر پیشرو جبهه ملی ایران ( جریان دوم ) که محصور ماندن در چهارچوب قانونی رژیم موجود را پنداری باطلی میدانستند ، توانستند یکبار دیگر نشان دهند که آزادی انتخابات وجود ندارد و توانستند با برگزاری " میتینگ دستگاہ را در برابر این مسأله قرار دهند که با مخالفت و جلوگیری شدید از میتینگ به آزا نبودن انتخابات یکبار دیگر اعتراف کند " (۱)

• پس از برگزاری میتینگ ۱۵ شهریور ۱۳۴۲ که برخلاف نظر رهبران جبهه ملی صورت گرفت ، درگیری بین دو جریان درون جبهه ملی شدت یافت و سازمان دانشجویان جبهه ملی و احزاب عضو جبهه ملی شدیداً خواستار تجدید نظر در روش کار جبهه شدند . در مقابل رهبران جبهه ملی در هشتمین جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران که در تاریخ ۶ آبانماه ۱۳۴۲ تشکیل شد طرح زیر را بتصوب رساندند .

- شورای مرکزی جبهه ملی ایران پس از استعفای هیات اجرایی باتوجه کامل و همه جانبه باوضاع و احوال کنونی مقتضی و لازم میدانند که جناب آقای صالح با اختیارات کامل ریاست هیات اجرایی را عهده دار و جبهه ملی را از نظر سیاسی و تشکیلاتی اداره نمایند .
- اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران جناب آقای صالح را در اداره امور سیاسی و تشکیلاتی با قدرت و شدت هرچه بیشتر تائید و حمایت خواهند نمود " (۲)

و بدین ترتیب اتخاذ تصمیم در مورد حیاتیترین مسئله سیاسی ایران بعهدہ آقای اللہیار صالح واگذار گردید و ایشان نیز پس از تحلیل اوضاع ، آن هنگام که ملت ایران یکی از حساسترین مراحل تاریخی خود را میگذراند و مبارزات مردم در قیامهای پسر شکوهی همچون ۱۵ خرداد تجلی مییافت و برای کسب آزادی و استقلال نیازمند

(۱) - نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران به دکتر مصدق ، بتاريخ ۱۶ / ۲ / ۴۳ ، انتشارات مصدق ۱۰ ص ۵۷

(۲) - گزارش جهت استحضار جناب آقای دکتر شایگان و جبهه ملی در خارج از کشور ، انتشارات مصدق ۱۰ ص ۱۲۷

رهبرانی پیشگام و پشاهنگ بود، باین نتیجه رسید که جبهه ملی میبایست سیاست " صبر و انتظار " را روش کار خود کند. آقای اللهیار صالح در یازدهمین جلسه شورای جبهه ملی اظهار داشت: " اشکالات کار این است که در این مدت بعد از زندان هم محیط و هم مملکت تغییر کرده و هم وضع جبهه دچار ناراحتی شده و از طرفی وضع دستگاه که مورد تأیید شرق و غرب قرار گرفته قوی تر شده بطوریکه کاملاً خود را موفق میداند و بظاهر در مقابل این قدرت جبهه ملی که هنوز مخالف است وجود دارد و بخوبی میدانید که دولت تا چه حد افراد جبهه ملی را در مضیقه و فشار گذارده و ناراحتی برای همه بوجود آورده و نیز آن موضوعاتی که همیشه مورد نظر ما بوده و اصلاحاتی که میخواستیم انجام دهیم دستگاه به ظاهر مدعی انجام آنان شده و تمام مطالبی که میگفتیم از جمله ایجاد مجلس و یا شرکت بانوان که بظاهر موضوعی است مترقی و مورد قبول همه است. مسئله ای ماند که شاه باید سلطنت کند نه حکومت و اما عنوان دیگری که اکنون میتوانیم بگوئیم و بهیچوجه نتوانسته مدعی انجام آن باشند استقرار آزادی است. اما نکته دیگر اینست که باید بگوئیم فعلاً چه باید بکنیم مشکل ما همین است. جبهه ملی با دینامیک قوی وارد شد و خیلی ها تصور میکنند با همان قدرت سابق بایستی عمل کرد و حال آنکه شدت عملی که دولت در مقابل افراد جبهه ملی دارد از جمله مقابله با دانشجویان و زندان انداختن و اخراج آنان و بردن بسریازخانه و حق توقیف دانشجویان در حینى که چند نفری با هم مشغول صحبت هستند وسیله عمل سازمان و غیره البته ضمن تقدیس از احساسات بی شائبه و تندی که عده ای دارند تصدیق باید کرد که با جریاناتی که اتفاق افتاده از جمله واقعه ۱۵ خرداد و بر شدن زندانها شهید دادن قاننده ندارد. بنده تصور میکنم عده ای ازین برونند نتیجه ندارد بلکه ضرری که دارد اینست که نیروی باقیمانده ازین خواهد رفت و دیگر چنانچه فرصتی بدست آید امکان استفاده باقی نماند. لذا بعقیده من جبهه بایستی با واقع بینی و با توجه بسوابقی که اختصاراً گفتم این دوره را با صبر و متانت بگذرانند و از کارهایی که موجب عکس العمل خواهد شد

خود داری شود. ممکن است باعکس العمل شدید تر از جمله غیر قانونی ساختن جبهه مواجه شویم. مقصودم از دو کلمه صبر و انتظار این نبود که هیچ کاری نشود بلکه از جمله بایستی ارتباطات بین دوستان را حفظ کرد سازمانهای موجود را متقاعد باین سیاست. (۱)۰۰

سیاست صبر و انتظار، پیشنهاد شده از طرف آقای صالح مورد تأیید اعضای حاضر شورای مرکزی که از همان عناصر جریان اول بودند و اصلاحات و آزادی را در چهار چوب رژیم حاکم طلب میکردند، قرار گرفت. و این چنین پذیرشی طبیعی بود. زیرا که این عناصر دامنه عمل خود را به چهار چویی که رژیم حاکم و آلت بیگانه تعیین میکرد محدود ساخته و تسلیم حادثه سازها بودند و نمیتوانستند او ورای جریانات، زنجیرهای اسارتی را که بنام اصلاحات و بعنوان انقلاب سفید بردست ویای ملت مانده است بشد بینند و فاقد آنچنان بینشی بودند که بتوانند واقعیتهای عینی جامعه را نه آنطور که در ذهنشان تصور میکنند، بلکه آنطور که هست ببینند و مرعوب تبلیغات رژیم حاکم نشوند. طبیعی بود که اینان نمیتوانستند بیانگر خواسته های ملت ایران گردند و مبادا از میدان عمل حذف میشدند و شدند.

این تجزیه و تحلیل از اوضاع ایران و نتیجه گیری از آن یعنی "سیاست صبر و انتظار" نمیتوانست مورد قبول بسیاری از مبارزان جبهه ملی قرار گیرد و نگرفت.

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران بلافاصله مخالفت خود را با تصمیم شورای مرکزی اعلام داشت و خواستاریک سلسله فعالیتهای جدی از جمله دفاع از سران و اعضای جمعیت نهضت آزادی ایران که در آن هنگام در دادگاه نظامی شاه محاکمه میشدند شد و در پیام دانشجویان خود نوشت:

"صبر و انتظار سیاست نیست بلکه عنوانیست برای ترس آمیخته با حجب و حیاء و رهین

(۱) - گزارش جهت استحضار جناب آقای دکتر شایگان و جبهه ملی در خارج از کشور،

انتشارات مهدق ۱۰ صص ۱۲۹-۱۲۸

حال جنت مکانی و این روش در شان جبهه ملی نیست" (۱)

در مقابل روش سیاست صبر و انتظار روش پایداری و مقاومت را پیشنهاد کرد. روش پایداری و مقاومت مورد تأیید دکتر مصدق قرار گرفت و سازمان دانشجویان بمناسبت فروردین ۱۳۴۳ از دکتر مصدق عکسی دریافت کرد که مصدق آنرا به کسانی که "پایداری و استقامت" راپیشه کرده اند هدیه کرده بود و در نامه ای بتاريخ ۱۳۴۳/۱/۱ به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران نوشت:

"نامه محترم مورخ ۲۹ اسفند عز و وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید که این هیئت محترم کماکان مسائل مربوط بملت ایران را در نظر گرفته و تعطیل ننموده است. و این جدیتی که نشان میدهد موجب نهایت امید و آراست و اینجانب بسهم خود موفقیت شما دانشجویان عزیز را در آزادی و استقلال ایران خواهانم و امیدوارم موفق بشوید" (۲)

و بدین ترتیب روش پایداری و مقاومت و نیروهائی که این سیاست را مشی کار خود قرارداد داده بودند مورد تأیید دکتر مصدق قرار گرفتند.

همانطور که در ابتدای این بخش آمد، دو جریان درون جبهه علاوه بر روش کار در مورد نوع تشکیلات جبهه ملی نیز با هم اختلاف داشتند. دکتر مصدق در این مورد نیز نظر جریان دوم را مورد تأیید قرارداد و در پاسخ اولین نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی که در مورد چگونگی تشکیلات جبهه از او اظهار نظر خواسته بودند نوشت:

"و اما اینکه مرقوم فرموده اید نظریات خود را درباره تشکیلات و نحوه مبارزات عرض

(۱) - پیام دانشجویان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران، اسفند ماه ۱۳۴۲

نقل از انتشارات مهدق، ص ۱۰ ششم.

(۲) - نامه دکتر مصدق به کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران، انتشارات مهدق

کم . راجع به تشکیلات چون از حدود مطالعه خارج نیست میتوانم نظریاتی بد هم ولی راجع به نحوه مبارزات از اینجانب که در زندان بسر میبرم کاری ساخته نیست چونکه مبارزه هرآن بصورتی درمیآید که رهبری جبهه باید تجدید نظر کند و آنی غفلت ننماید و تعیین نحوه مبارزه از وظایف هیات اجرائیه و آن کسی است که برای رهبری انتخاب میشود . اکنون اجازه میخواهم که عرض کنم شما دانشجویان عزیز جزئی از افراد مملکتید و نمیتوانید به تنهایی کار مفیدی انجام دهید مگر اینکه با سایر تشکیلات مملکتی همکاری کنید و این کار با اساسنامه‌سی که برای جبهه ملی تنظیم شده به هیچ وجه صورت نخواهد گرفت . اساسنامه باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته‌ئی که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند ، در تصمیمات جبهه ملی شرکت کنند و نمایندگان مزبور نظریات جبهه را با اطلاع موکلین خود برسانند و انجام آنرا بخواهند . هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد و هیچوقت حاضر نمیشود از مرام خود دست بکشد و تشکیلات خود را منحل نماید . صلاح جبهه ملی هم در این است که کاری به مرام دیگران نداشته باشد فقط اجرای مرام خود را تأمین نماید .

بنابراین تعریفی که میتوان از جبهه ملی نمود اینست : " جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جزآزادی و استقلال ایران ندارند . این مرام چیزی نیست که یک عده قلیل و هر قدر صاحب فکر بتوانند در مملکت آنرا اجرا نمایند . بلکه مجری این مرام باید ملت ایران باشد ."<sup>(۱)</sup>

پس از انتشار نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی و اظهار نظر قاطع اود رمورد چگونگی تشکیلات جبهه و نیز انتشار نامه اوبه هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران بتاريخ ۳ فروردین ماه ۱۳۴۳ و اظهار نگرانی از انحلال احزاب در

(۱) نامه دکتر مصدق به کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران بتاريخ ۲۸ فروردین

اروپا و اینکه "جبهه ملی را بصورتی در آورده اند که قادر به هیچ عملی نیست" (۱) هیئت اجرائی و شورای مرکزی جبهه ملی خود را مجبور دید موضع خود را در برابر نظرات دکتر مصدق روشن سازد. وطنی نامه ای بتاريخ ۲/۲/۱۳۴۳ به دکتر مصدق نوشت (۲) \*

"در دیماه ۱۳۴۱ کنگره مذکور (جبهه) با حضور یکصد و هفتاد نماینده تشکیل گردید از این عده جمعی اعضا احزاب و جمعیت‌های ملی (حزب ایران - حزب مردم - حزب ملت ایران، جمعیت نهضت آزادی) و بقیه از افرادی بودند که در احزاب عضویت نداشتند و مستقلاً در سازمانها و تشکیلات جبهه ملی شرکت نموده بودند. علاوه بر اعضای احزاب که از طریق سازمانهای جبهه در کنگره شرکت جسته بودند هر یک از احزاب نیز بطور جداگانه و بصورت رسمی نماینده ای از طرف خود به کنگره اعزام داشته بود. پیام آنجناب به ششمین کنگره جبهه ملی ایران کاملاً مورد عمل واقع شده است و همه احزاب طرفدار آنجناب به عضویت جبهه ملی پذیرفته شده اند و اعضای آنها در شورای مرکزی شرکت داشته و دارند."

"در مورد جمعیت نهضت آزادی ایران باید توجه آنجناب را به تاریخ تأسیس این جمعیت و روابط آن با جبهه ملی جلب نمائیم:

"جمعیت مذکور در موقع تجدید فعالیت جبهه ملی وجود نداشت و یکسال بعد از فعالیت شورای مرکزی تأسیس گردید. در موقع تشکیل کنگره با وجود بیماری مشکلات و ملاحظات برای ایجاد یکپارچگی و وحدت کامل عناصر ملی، شورای مرکزی از چهار نفر (آقایان آیه الله الطالقانی - مهندس بازرگان - دکترید الله سبحانی و حسن نژی) برای عضویت در کنگره دعوت بعمل آورد و از اعضای جمعیت نهضت آزادی کسانی دیگر نیز در کنگره شرکت داشتند و در موقع انتخابات اعضای شورای مرکزی جدید

(۱) نامه دکتر مصدق به هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران بتاريخ ۳/۱/۴۳ انتشارات مصدق شماره ۱۰ ص ۱۰

(۲) - نامه هیئت اجرائی و هیئت رئیسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران به دکتر مصدق بتاريخ ۲/۲/۱۳۴۳، انتشارات مصدق ۱۰ ص ۳۵ - ۲۰  
\* مادراین نوشته بعلم طولانی بودن نامه به درج قسمتهائی از آن اکتفا میکنیم.

• نیز د و نفر از آن جمعیت بعضویت شوروی انتخاب شد • بنابراین در مورد یگسه  
 • توصیه فرموده اید خوب بود یک نفر نماینده پذیرفته میشد در عمل د و نفر انتخاب  
 • شده اند و علاوه بر آن کنگره اصل عضویت جمعیت نهضت آزادی ایران را در جبهه  
 • ملی مورد تصویب قرارداد منتهی مقرر داشت که جمعیت مذکور بعضی از عناصر  
 • غیر صالح خود را مورد تصفیه قرار دهد و گزارش آنرا بشورای مرکزی جبهه ملی  
 • ایران تسلیم دارد ••••• جبهه ملی ایران حزب نیست ولی در عین حال فقط  
 • مرکز احزاب هم محسوب نمیشود • جبهه ملی ایران واحد تشکیلاتی و سیاسی  
 • مستقلی است که جمیع احزاب و اتحادیه ها و جمعیت‌های ملی و عناصر و افراد گروه‌ها<sup>ی</sup>  
 • اجتماعی را در بر میگیرد و کوششهای آنها را بر اساس نظم و انضباط در جهت  
 • مبارزات ملی هدایت مینماید • عدم توجه بانبوه افراد غیر حزبی که بهر علت نمی  
 • خواهند عضویت احزاب را بپذیرند و دست رد گذاردن به سینه آنها تنها بمعنی  
 • بیرون راندن عده کثیری از صف مبارزات ملی است که گمان نمیرود جز دستگاه<sup>که</sup> حا  
 • و مخالفین استقلال و آزادی ملت کسان دیگری بتوانند از آن متفنج شوند •••••  
 • ایجاد چنین تشکیلاتی باین معنی نیست که جبهه ملی به مسئله مرام و مسلک  
 • احزاب وارد شده و یاد مقام نفی و حذف آنها برآمده است • مسئله بقا یا عدم  
 • بقای احزاب تنها مربوط بخود آنهاست \* ••••• باید متذکر شد که احزاب ملی  
 • در اروپا و آمریکا دارای تشکیلات قابل توجهی نیستند و علاقمندان به نهضت ملی  
 • در آن سرزمین ها اگر میخواستند به تشکیلات حزبی اکتفا نمایند معنی ایمن  
 • اقدام آن میشد که از هرگونه تجمع و تشکیلی محروم بمانند ••••• در صورتیکه

---

• در نامه ای که از طرف شورای جبهه ملی در تاریخ ۱۲/۲/۱۳۴۳ به دکتر صدق  
 نوشته شده است نیز آمده است: " در تشکیلات جبهه ملی هیچگاه صحبت از انحلال  
 احزاب نبوده است، بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازما نهائی بوده است که بتوانند  
 سایر اجتماعات و دسته ها را نیز در برگیرد "



• معتقد شویم شورای جبهه ملی فقط از نمایندگان احزاب تشکیل شود معلوم نیست  
 • با این ترتیب وضع تشکیلاتی جبهه در اروپا و آمریکا که احزاب دارای تشکیلاتی  
 • نیستند بچه صورتی درخواهد آمد؟

• از هنگام تجدید فعالیت جبهه ملی همواره با توطئه و تحریک در داخل  
 • سازمانهای جبهه ملی روبرو بوده ایم • عناصری دائما سعی داشته اند ما را بیک  
 • مبارزه داخلی بکشانند و در صفوف داخل جبهه مشغول کنند • این عناصر از تاریخ  
 • شروع فعالیت تا کنون هر عمل جبهه ملی خواه سیاسی و خواه تشکیلاتی (تکیسه  
 • از ماست) را در زیر ذره بین مورد بررسی قرار میدهند تا بلکه بتوانند نکته‌ای  
 • برای حملو تحریک و تخطئه بدست آورند و محیط داخل و خارج را آشفته سازند  
 • و افکار را مغشوش نموده از ادامه کار صحیح جلوگیری کنند • چنانکه هم اکنون  
 • این نوع عناصر با استناد به نامه انجناب میکوشند یک جریان تبلیغاتی در میان  
 • قشرهای مختلف جامعه علیه تشکیلات جبهه ملی ایران ایجاد کنند و ما را بایک  
 • بحران سازمانی و سیاسی روبرو سازند و عناصر تشکیلاتی ما را مایوس و پراکند  
 • نمایند •••••

قبل از آنکه به نکاتی از پاسخ دکتر مهدق به نامه هیئت اجرائی و هیئت رئیسه

شورای مرکزی جبهه پیردازم تذکر چند نکته ضروری بنظر میرسد •

از نامه هیئت اجرائی و هیئت رئیسه شورای جبهه ملی به دکتر مهدق موارد اختلاف

دو جریان درون جبهه دقیقا آشکار میگردد •

جریان اول : نیروهایی که از نظر سیاسی طالب اصلاحات و آزادی \* در چارچوب رژیم  
 حاکم \* اند و سیاست صبر و انتظار \* را پیشه کرده اند و از نظر تشکیلاتی خواستار سازمانی  
 که در برگیرنده \* احزاب ، اتحادیه ها و جمعیت های ملی و عناصر و افراد و گروه های اجتماعی \*  
 باشد • ازید و تجدید فعالیت جبهه ملی رهبری آن در دست جریان اول قرار گرفت •

جریان دوم ؛ نیروهائی که از نظر سیاسی خواستار " استقرار حکومت ملی " اند و سیاست " پایداری و مقاومت " را پیشه کرده اند و از نظر تشکیلاتی خواستار سازمانی که " مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی باشد " برای خود تشکیلاتی دارند و مرا می جز آزادی و استقلال ایران ندارند .<sup>۰</sup>

رهبری جبهه ( جریان اول ) ، نیروهای جریان دوم را که بجد خواستار تغییر سیاست جبهه و سامان دادن به اوضاع تشکیلاتی آن بودند متهم می کرد که ایشان از آغاز فعالیت کارشان تحریک و تخطئه بوده و هدفی جز آشفتگی و مخشوش کردن اذهان برای جلوگیری از کارها ندارند و " مسئله اصلاح اساسنامه از طرف آنها صرفاً بعنوان بهانه ای برای ابراز مخالفتها بکار میرود " (۱)

رهبری بگونه ای خویش را مطلق میدید که قادر نبود درک کند ( و اینمخواست است درک کند ) که تمامی نیروها جز خودش در مقابلش قرار دارند . سازمان دانشجویان جبهه ملی ( دانشگاه ) ، حزب مردم ایران ، حزب ملت ایران ، جوانان و اعضای فعال حزب ایران ، بازار ، جمعیت نهضت آزادی ایران و جامعه سوسیالیست ها ( دو سازمان اخیر هنوز بعضویت جبهه در نیامده بودند ) در مقابل رهبری جبهه ملی قرار داشتند و به سکوتی که مبتنی بر سیاست صبر و انتظار مصوب شورای جریان داشت معترض بودند . مسئله اساسنامه برایشان بعنوان يك مسئله اصولی طرح بود و نه بعنوان بهانه . اساسنامه میبایست اصلاح میشد تا اینکه احزاب و گروهها و . . . بتوانند درك رابطه ارگانیک منطقی بایکدیگر برای تحقق بخشیدن به آرمانهایشان عمل کنند تا نیروها به پیراهه کشانده نشوند .

شورای مرکزی مدعی است که در کنگره جبهه نمایندگان احزاب شرکت داشته اند تنها سه نفر از سه حزب وابسته به جبهه ملی عضو کنگره بودند و نه بیشتر .

(۱) نامه مهدی آذر از طرف شورای مرکزی جبهه ملی به دکتر مصدق بتاريخ ۱۲ / ۲ / ۴۳ انتشارات مصدق ۱۰ ص ۴۸

در مورد عدم عضویت جمعیت نهضت آزادی ایران در جبهه ملی دو دلیل آورده شده است

۱- جمعیت مذکور موقع تجدید فعالیت جبهه ملی وجود نداشت و یکسال بعد تأسیس گردید .

۲- جمعیت مذکور میبایست بعضی از عناصر غیر صالح خود را تصفیه میکرد و گزارش آنرا به شورای مرکزی جبهه ملی میداد .

این صحیح است که جمعیت نهضت آزادی ایران بعد از تجدید فعالیت جبهه ملی تأسیس شد .

جبهه ملی در ۳۰ تیر ۱۳۲۹ فعالیت دوباره خود را آغاز نمود و جمعیت نهضت آزادی ایران در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ تأسیس گردید و در مقاله " جبهه ملی و نهضت آزادی ایران " اعلام داشت که : (۱)

" . . . . . تأسیس نهضت آزادی ایران منطبق با هدف و مرام و اساسنامه جبهه ملی ایران و در جهت تأیید و پشتیبانی و تقویت آنست . . . . . یکی از اهداف تأسیس نهضت آزادی ایران تقویت و اعتلای نام جبهه ملی ایران است "

در تاریخ ۱/۳/۱۳۴۰ آقای مهندس بازرگان از طرف مؤسسين نهضت آزادی ایران ضمن ارسال مرامنامه سازمان به ریاست شورای جبهه ملی تقاضای عضویت در جبهه ملی را نمود . (۲) ولی نهضت آزادی ایران نه تنها قبل از کنگره و در کنگره به عضویت جبهه ملی پذیرفته نشد بلکه با موجودیت این جمعیت نیز بدلیل اینکه پس از تجدید فعالیت جبهه ملی نمیبایست تشکیل میشد ، مخالفت گردید و حتی با شرکت " نهضت آزادی ایران " در کنگره جبهه ملی هم مخالفت بعمل آمد و عضویت آیت الله طالقانی و آقای مهندس بازرگان نیز در شورای جبهه ملی جنبه فردی داشت و نه جنبه نمایندگی از طرف جمعیت نهضت

---

(۱) اسناد نهضت آزادی ایران - جلد اول قسمت سوم ، نشریه داخلی شماره ۱ تاریخ

آزادی ایران .

برخلاف این ادعا که : "جبهه ملی در مقام نفی و حذف احزاب نیست و هیچ‌سگانه صحبت انحلال احزاب نبوده است ، بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازمانهایی بوده است که بتواند سایر اجتماعات و دسته‌ها را نیز دربرگیرد " ، مسئله انحلال طرح بود و با جدیت تعقیب میشد ، چنانچه همان‌طور که آمد " یکی از علل مخالفت با جمعیت نهضت آزادی ایران این بود که پس از تجدید فعالیت جبهه ملی نمایانست تشکیل شود " . (۱)

و هنگامیکه حزب سوسیالیست ( مشعب از زحمتکشان نیروی سوم ) به رهبری دکتر خنجی انحلال خود را اعلام کرد و اجرای این امر را بسایر احزاب نیز توصیه نمود مورد تکریم و تمجید و تأیید شورای مرکزی قرار گرفت و در رفتار کارگری های تن سخن ها گفته شد و از آن پس تعلیمات و تشکیلات جبهه ملی در اختیار و در انحصار حزب منحل شده سوسیالیست دکتر خنجی درآمد و حزبی های سابق حوزه های جبهه ملی را بوجود آوردند و در حوزه های تبلیغ انحلال احزاب و مخالفت با مخالفین انحلال احزاب آغاز شد .

ممکن است که شورای جبهه مدعی باشد که در مقام نفی و حذف احزاب نبوده است ولی رهبری و شورای دقیقاً در خط حذف احزاب و انحلال آنها عمل میکرده است .

دکتر صدق پس از دریافت نامه هیئت اجرایی رئیس شورای جبهه ملی ، در پاسخ شفاهاً پیشنهاد هائی کرد ولی چون بدان پیشنهادها جواب داده نشد ، دکتر صدق طی نامه مورخه ۱۰ / ۲ / ۱۳۴۳ کتباً نظرات خود را برای شورای جبهه فرستاد .

در این نوشته بدین قسمتهائی از نامه صدق اکتفا میشود (۲)

صدق نوشت :

..... موقع تشکیل کنگره که تقاضا فرمودید پیامی تقدیم کم اطاعت کردم و در آن

(۱) نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران به دکتر صدق بتاريخ ۱۳۴۳ / ۲ / ۱۶ انتشارات : ق ۱۰ ، ص ۶۱

(۲) نامه دکتر صدق به هیئت رئیس شورای مرکزی جبهه ملی بتاريخ ۱۰ / ۲ / ۴۳ - انتشارات صدق ۱۰ ص ۴۲ - ۳۷

" پیام عرض نمودم ، در سهای جبهه را باید بروی احزاب و اجتماعات و دستجات باز گذاشت تا جبهه بتواند در انجام نظریات خود توفیق حاصل نماید . . . . "

" مقصود اینجانب از آن پیام این بود که جبهه تشکیل شود از احزاب و اجتماعات و دستجاتی که حاضر بودند در راه آزادی همه چیز خود را فدا کنند که در این گروه دانشجویان فوق آنها بودند چونکه تحصیل کرده و در سیاست آلوده نشده بودند . . . . "

" با اینحال دانشجویان با آن همه فداکاری مورد توجه جبهه ملی واقع نشدند و چه تحقیقی از آن بالاتر که نگذاشتید نمایند خود را در جبهه خودشان انتخاب کنند و جبهه ملی ولایتاً از طرف آنها و نفرودانشجویان انتخاب کرد؟ و این همان انتخاب است که دولت از افرادی بنام ملت ایران برای نمایندگی میکند .

" اگر آقایان محترم با انتخابات مجلس موافقید چرا جبهه ملی تأسیس کرده اید؟ و چنانچه مخالفید چرا رویه و رسم دولت را از دست نداده و در انتخابات احزاب و دانشجویان که آنها خود میبایست عمل کنند دخالت فرموده اید؟ بطور خلاصه همانطور که دولتهای وقت برای ملت وکیل تراشیده اند جبهه ملی هم برای احزاب و اجتماعات و دستجات از این کار خود داری نکرده است .

و در مورد اظهار نگرانی شوری از عقیم ماندن فعالیتهای دانشجویان در اروپا و آمریکا در صورت پذیرش طرح تشکیلاتی جریان دوم نوشت:

" . . . . بنده از این دلسوزی که نسبت به دانشجویان فرموده اید تشکر عرض میکنم اگر یک سازمان بزرگ بدون سازمانهای کوچک نمیتوانست به مرام و مقصود خود برسد هیچیک از احزاب بخود این زحمت را نمیداند شعب تشکیل دهند و سازمان مرکزی هر چه لازم بود میکرد . . . . "

و در رابطه با مسئله عضویت جمعیت نهضت آزادی ایران در جبهه و اینکه میبایست بعضی از عناصر غیر صالح خود را تصفیه کرده و گزارش کار را به شورای مرکزی جبهه ملی تسلیم دارد نوشت :

" . . . . در ماده ۳۱ اساسنامه اینطور نوشته است : " هر یک از احزاب عضو جبهه ملی باید اساسنامه و صورت اسامی اعضا و خلاصه سوابق فعالیت خود را به دبیر

" به دبیرخانه جبهه ملی تسلیم دارد و تعهد کند که فعالیتهای سیاسی خود  
 " را با اصول مرامهای جبهه ملی منطبق سازد و انضباط دقیق و پیروی از جبهه  
 " ملی را در حدود اساسنامه و تصمیمات متخذه شورای مرکزی جبهه ملی رعایت  
 " نماید . "

و بعد تبصره ذیل هم باین ماده اضافه شده است : " تبصره اول - مدارك مزبور  
 " مربوط به احزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ و مکتوم خواهد ماند " که لازم است عرض  
 " کم این اشخاص باید بسیار مردمان ساده ای باشند که مدارك خود را با بودن چند  
 " نفر از ما بهتران که عضو شورای هستند در اختیار جبهه ملی بگذارند که اینک هیچیک  
 " از اعضا شوروی که منفردند و رهبر حزبی نیستند هرگز جرأت نمیکند بواسطه حضور  
 " از ما بهتران " نظریات صحیح خود را اظهار کنند .

مصدق نهایت کوشش خود را بکارگرفت تا شورای جبهه و هیئت اجرائیه آنرا متقاعد بسه  
 تجدید نظر در اساسنامه و برنامه کار کند ولی در این راه توفیق نیافت . بالاخره شورای جبهه  
 ملی طی نامه ای به دکتر مصدق تلویحاً استعفای شوروی را در صورت بقای دکتر مصدق بر  
 نظرات خوش اعلام داشته و نوشت ( ۱ )

" . . . نظر باینکه آنجناب که رهبر و پیشوای نهضت ملی هستید صراحتاً ترکیب شورای  
 " مرکزی جبهه و اساسنامه آنرا نفی فرموده اید و نظریاتیکه مقابله با نظریات پیشوای  
 " معظم را بصلاح نهضت و ملک و ملت نمیدانم و با توجه باینکه عناصر معتقد با اساس  
 " تشکیلاتی فعلی جبهه ملی از شرکت در سازمانهای نوع دیگر معذور خواهند بود .  
 " چنانکه توضیحات معروضه در عرضه قبلی و این نامه مورد قبول واقع نشود ادامه کار  
 " این شوروی غیر مفید و نخواهد بود . "

دکتر مصدق این نامه را برای احزاب و سازمان دانشجویان فرستاد تا نظراتشان را ابراز  
 دارند و در تاریخ ۱۳۴۳/۲/۲۹ جواب احزاب و سازمان دانشجویان را بهمراه نظرات

(۱) نامه دکتر مهدی آذر از طرف شورای مرکزی جبهه ملی بتاريخ ۱۳۴۳/۲/۱۲

نهایی خود برای شورای مرکزی جبهه ملی ارسال داشت (۱) و برایشان نوشت که :

« ۱۰۰۰ اساسنامه و آئین نامه جبهه ملی طوری تنظیم نشده که ملت ایران بتواند از آن استفاده نماید و کاریکه صورت میگیرد زیر نظر عموم احزاب و اجتماعات و دستجات باشد ۱۰۰۰ شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمانها صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد ۱۰۰۰ اعضای شوری باید هر کدام موکلانی داشته باشند که خود را در مقابل موکلان حقیقی مسئول بدانند و در انجام مقاصد جبهه با آنان کمک کنند و این کار وقتی صورت خواهد گرفت که هر فردی در حزب خود از طریق مبارزه شخصیتی پیدا کند و معتقداتی بدست آورد تا بتواند در شورای جبهه ملی در رفع وطن خود استفاده نماید اشخاص بی موکل را که کنگره یا شوری انتخاب کنند آلت دست اشخاص میشوند که آنها را توصیه میکنند ۱۰۰۰ جبهه ملی احتیاج با افراد شجاع و وطن پرست دارد که نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند و با این اساسنامه و آئین نامه هرگز چنین افرادی وارد جبهه نمیشوند و جامعه از خدمات فرزندان و وطنپرست خود محروم خواهد ماند ۱۰ اکنون که واضح و روشن شده است از این اساسنامه و آئیننامه کاری ساخته نیست آیا ممکن است از چند ورق کاغذ بی مصرف در راه منافع ایران صرف نظر کنید و با مشارکت مخالفین (منظور جریان دوم) اقدام در تنظیم یک اساسنامه جدید و مفید بفرمائید شاید این اتفاق مسبب شود که بتوانند گامهای در راه آزادی و استقلال وطن بردارند ۱۰ بنده با حال ناتوان و در این زندان بیش از این نباید عرض کنم و صدع شوم چنانچه عرایض مورد توجه قرار نگرفت این آخرین نامه ایست که تقدیم میکنم با انتظار جواب فقط در رد یا قبول پیشنهاد ۱۰ »

دکتر محمد مصدق

(۱) نامه دکتر مصدق به شورای مرکزی جبهه ملی ، بتاريخ ۲۹ / ۲ / ۱۳۴۳ -

رهبران جبهه ملی که بانظرات دکترمصدق درتائید راه و رسم " جریان دوم " در جبهه موافق نبودند ، پس از دریافت نامه مورخه ۱۳۴۳ / ۲ / ۲۹ مصدق مطابق اعلام قبلی خود از ادامه کار چشم پوشیدند . مصدق در نامه خود بتاريخ ۴ مهرماه ۱۳۴۳ به دکترشایگان نوشت :

اکون قدری ازجبهه ملی عرض میکنم که چون نخواست بانظریات بنده راجع به تجدید نظر در اساسنامه و آئین نامه موافقت کند دست از کار کشید وجبهه منسحل گردید ۰۰۰۰ (۱)

بدین ترتیب دومین مرحله تاریخی حیات جبهه ملی ایران که بعدها " جبهه ملی دوم " نام گرفت ، پایان یافت .

بعد از انحلال شورای جبهه ملی ، مصدق تا آن حد که در توانش بود ، جهت تشکیل جبهه ملی سوم تلاش کرد ولی بالاگرفتن جتواختناق در ایران سبب شد که این امر متحقق نیساید .

\* \* \*

مصدق تا سال ۱۳۴۵ در تبعیدگاه احمدآباد بسربرد و در اواخر آذرماه این سال بعلت ناراحتی هائی که در ناحیه دهان و فك فوقانی احساس میکرد و به سبب درماتیت در احمدآباد میسر نبود ، بتهران انتقال یافت و در بیمارستان نجمیه که تولیت آن باخود او بود ، بستری گردید ولی کماکان تحت نظریود و از ملاقات با مردم محروم .

در بیمارستان پس از شستشوی سینوس راست و تجزیه بیلولهای آن تشخیص زمینسسه سرطانی در آن ناحیه داده شد و چون احتیاجی به ادامه اقامت در بیمارستان نبود بمنزل

---

(۱) نامه دکترمصدق به شایگان بتاريخ ۱۳۴۳ / ۷ / ۴ ، انتشارات مصدق ۱۰ ص ۷۷



فرزندش در تهران منتقل و در آنجا نیز زندانی بود و فقط برای گذاشتن برق (کویالت تراپی) با اتفاق فرزند دیگرش و مأموران سازمان امنیت برخی از اوقات به بیمارستان مهر مراجعه میکرد. ولی دیری نپایید که بعلت خونریزی شدید داخلی - ناشی از يك زخم معده قدیمی که پس از گذشت سالیان دراز مجدداً سر باز کرده بود - مصدق بزرگ روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ ساعت يك ربع به هفت صبح هموطنان خود را برای همیشه ترك گفت و همگان را سوگوار کرد.

مصدق حاضر نشد حتی برای معالجه هم خاک وطن را ترك کند. فرزندانش بدون اجازه او کوشش کردند که وسایل مسافرت او را بخارج برای معالجه فراهم کنند اما موفق بجلب موافقت رژیم نشدند ولی با آمدن پزشکان خارجی به بالین او در تهران موافقت شد. هنگامی که مطلع شد فرزندانش ممکن است پزشکی ازخارج به بالینش آورند گفت: " لعنت بر من و هر کس دیگر که در این زمان خرج چندین خانوار این مملکت فقیر را صرف آوردن دکتر ازخارج بنماید. من خاک پای این ملت و مقدرات من از مقدرات او جدا نیستم. هر مکانی که در داخل کشور برای معالجه وجود داشته باشد برای من کافی است بعلاوه آوردن دکتر ازخارج توهین به اطبای ایرانی است و من حاضر به این توهین نیستم."

" وصیت میکنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند دفن نمایند." - این بود آخرین آرزوی مصدق که میل داشت جسدش در کنار اجساد شهدای نهضت ملی ایران بیارامد ولی از اجرای این آخرین آرزوی او نیز جلوگیری بعمل آمد و در نتیجه فرزندان و چند نفر از دوستانش وی را طی مراسم ساده ای که بایی پیرایگی ذاتی و سادگی زندگی روزمره وی تطبیق می نمود در احمدآباد در خانه خودش دفن کردند.

۱۵۰ ریال

شماره ثبت  
۱۰۲۵  
۳۷/۵۲۱